

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فصلنامه علمی- تخصصی جغرافیا و مطالعات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مدیر مسئول: دکتر احمد خادم الحسینی

سر دبیر: دکتر مهدی مؤمنی

مدیر داخلی: دکتر امیر گندمکار

اعضای هیات تحریریه مجله «جغرافیا و مطالعات محیطی»:

دکتر حسین نظم فر	استاد دانشگاه محقق اردبیلی
دکتر بهمن رضانی	استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
دکتر رحیم سرور	استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
دکتر حمیدرضا وارثی	استاد دانشگاه اصفهان
دکتر میرنجف موسوی	استاد دانشگاه ارومیه
دکتر مهدی مؤمنی	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دکتر احمد خادم الحسینی	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دکتر امیر گندمکار	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دکتر رضا مختاری	دانشیار دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان

سال هشتم، شماره سی و سه، بهار ۱۳۹۹

شماره شاپا: ۷۸۴۵-۲۰۰۸

شماره مجوز معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی: ۸۷/۹۰۷۱۲

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۰/۲۹۰۰۸

ناشر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مترجم و ویراستار انگلیسی: دکتر سید امید طباطبائی

طراح روی جلد: دکتر علیرضا عباسی

مسئول دفتر: لیلی رضایی

نشانی: اصفهان - نجف آباد - بلوار دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دفتر مجله.

تلفن: ۰۳۱-۴۲۲۹۲۵۱۲ فکس: ۰۳۱-۴۲۲۹۱۱۱۰

پست الکترونیکی: ges@iaun.ac.ir

سایت نشریه: http://ges.iaun.ac.ir

مقالات بیانگر آراء نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می شوند.

## فهرست مطالب

- سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از روش موریس و تاکسونومی عددی ..... ۷-۲۰  
 صیاد ایرانی هریس\*، دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پژوهشگر گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران  
 اسماعیل قلی نژاد شام اسبی، دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
 اسماعیل نجفی، استادیار دانشکده علوم زمین گروه ژئومورفولوژی دانشگاه دامغان
- تحلیل تاثیر شاخص‌های قانونی و علمی تقسیم‌بندی فضا در ارتقاء شهرستان به استان از دیدگاه مردم، مسئولین و متخصصان (مطالعه موردی شهرستان کاشان و پیرامون) ..... ۲۱-۳۶  
 محمد راحمی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
 حجت مهکویی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
 احمد خادم الحسینی\*، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
 علی شمس الدینی، گروه جغرافیا، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
- تبیین راهبردهای توسعه گردشگری شهری با تأکید بر مدیریت یکپارچه (مورد پژوهی: شهر چابهار) ..... ۳۷-۵۲  
 عبدالباسط درزاده مهر\*، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران. ایران  
 علی رحیمی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران. ایران  
 ملیحه شاه بیکی، کارشناس ارشد مدیریت اجرای، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
- بررسی نقش توانمندی‌ها و محدودیت‌های ژئومورفولوژیک در تولید فضای شهر با استفاده از GIS (مطالعه موردی: شهر سمنان) ..... ۵۳-۶۸  
 محمدرضا زند مقدم\*، استادیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
- تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی (مطالعه موردی: شهر تبریز) ..... ۶۹-۸۸  
 جعفر بهاری\*، دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، تهران، ایران  
 شهلا بهاری، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
 حامد بهاری، گروه شیمی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- سنجش توسعه انسانی و کیفیت مسکن و شناخت نسبت آنها با استفاده از روش‌های آمار فضایی (محدوده مطالعاتی: استان‌های کشور) ..... ۸۹-۱۰۴  
 قاسم محمدی، کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
- سنجش میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز) ..... ۱۰۵-۱۱۸  
 سید جعفر حجازی\*، استادیار، گروه عمران، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- بررسی آثار یخچال‌های دوران کواترنر در ارتفاعات بینالود و تاثیر آن در توسعه مدنیت دشت نیشابور ..... ۱۱۹-۱۲۸  
 ابوالقاسم امیر احمدی، دانشیار ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران  
 لیلی گلی مختاری، استادیار ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران  
 مهناز ناعمی تبار\*، دانش آموخته ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

مشاوران علمی این شماره:

- دکتر پاکزاد آزادخانی  
دکتر سید سعید اسلامیان  
دکتر صیاد اصغری  
دکتر عباس امینی  
دکتر علی براتیان  
دکتر احمد خادم الحسینی  
دکتر محمد دارند  
دکتر محسن رنجبر  
دکتر بتول زینالی  
دکتر رحیم سرور  
دکتر حسین سلیمانی  
دکتر مهدی سقایی  
دکتر مجید شمس  
دکتر علی شمس الدینی  
دکتر رستم صابری فر  
دکتر محسن صیدالی  
دکتر رامین غفاری  
دکتر صفر قائد رحمتی  
دکتر امیر گندمکار  
دکتر بختیار محمدی  
دکتر میرنجف موسوی  
دکتر مهدی مومنی  
دکتر داود مهدوی  
دکتر حسین نظم فر  
دکتر اکبر ویسی  
دکتر فرزاد ویسی

## شیوه نگارش مجله علمی پژوهشی جغرافیا و مطالعات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مقاله باید حاصل کار پژوهشی و علمی نویسنده (ها) باشد و لزوماً به تولید علم و معرفت جدید منجر شده باشد. مجله از مقاله‌های مستخرج از رساله دکتری، پایان نامه‌های برجسته و هم چنین طرح‌های تحقیقاتی مستقل در صورتی که با رعایت اصول و معیارهای روش تحقیق علمی در حوزه مربوطه باشد، و از نوآوری نظری یا روش‌شناسی برخوردار باشد، استقبال می‌کند.

مقالات مروری (Review Articles) از نویسندگان مجرب و صاحب مقالات پژوهشی در زمینه‌های مورد بحث به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع متنابهی مستند تحقیق قرار گرفته باشد.

مجله از مقالات نظری که به نقد و بررسی عالمانه نظریه‌های علمی و گزاره‌ها و مدل‌های نظری موجود و نیز ابداع و یا ارائه مدلها و نظریه‌های علمی جدید توسط صاحب‌نظران و اساتید برجسته می‌پردازد، استقبال می‌نماید. در مورد مقالاتی که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری اساتید راهنما و یا مشاور تهیه می‌شود، ضرورتاً می‌بایست با مسئولیت علمی و با امضاء استاد راهنما به مجله ارسال گردد و نام وی نیز به عنوان نفر اول ذکر شود؛ در غیر این صورت در هیئت تحریریه قابل طرح نخواهد بود.

مجله از پذیرش مقالات تألیفی و ترجمه‌ای برای چاپ معذور است.

مقاله ارسال شده نباید قبلاً در هیچ نشریه داخلی یا خارجی و یا مجموعه مقالات چاپ شده باشد، هیئت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به نشریه دیگری برای چاپ ارسال نکنند.

مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت کافی شده باشد. زبان رسمی مجله فارسی است اما مقاله به زبان انگلیسی نیز پذیرفته می‌شود.

در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی با اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در زیرنویس آورد.

مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا و پایین ۳/۵ و از راست و چپ ۳ سانتی‌متر) تایپ گردد. فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

حجم مقاله شامل متن، شکل‌ها، جدول‌ها، نقشه‌ها، منابع و چکیده لاتین با رعایت استانداردهای حروف‌چینی مجله می‌بایست از ۱۵ صفحه بیشتر نشود.

### ساختار نوشتاری مقالات:

مقالات پذیرفته شده در مرحله اولیه تأیید می‌بایست به صورت زیر تدوین گردد:

۱-۲. ساختار مقاله باید به صورت علمی مشتمل بر عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی (۲۵۰-۵۰۰ کلمه)، کلید واژه، بیان مسأله، بدنه اصلی (مبانی نظری و پیشینه تحقیق، داده‌ها، مواد و روش تحقیق، یافته‌های تحقیق، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری) قدردانی و تشکر، فهرست منابع و ضمائم باشد.

۲-۲. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله باید موجز، کوتاه و بازگوکننده موضوع مقاله باشد و با قلم B ZARE

عنوان: Bold 18، نام نویسندگان: Bold 12، سمت نویسندگان: ۱۱، متن: ۱۳، سرتیترها: Bold، زیر نویسها: ۱۰، منابع: ۱۱ از قسمت چکیده تا انتهای منابع ۲ ستونی، پی‌نوشتها: Times New Roman 11 تایپ گردد. نام نویسنده نیز با قلم 14، عنوان علمی یا

شغلی او نیز با قلم ۱۰ در زیر صفحه اول مقاله ذکر شود. در مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارند، ذکر نام نویسنده مسئول مقاله در صفحه مشخصات نویسندگان ضروری است.

۲-۳. چکیده مقالات فارسی با قلم ۱۲، چکیده انگلیسی با قلم Times New Roman 12 سیاه و تمامی عنوان‌های در متن با قلم Bold نوشته شود.

۲-۴. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 14، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 12 عنوان علمی یا شغلی با قلم Times New Roman 12 نازک در زیر صفحه چکیده لاتین مقاله ذکر شود. ضمناً آدرس الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

۲-۵. در تنظیم جداول، نقشه و شکل‌ها رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت شکل و یا نمودار در مقاله آورده شوند. شماره و عنوان در بالای جدول ذکر گردد. در صورت اخذ جداول و شکل‌ها از منابع دیگر، ذکر منبع در زیر جداول و شکل‌ها به صورت وسط چین الزامی است.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می‌توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد.

د- شکل‌ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب و به صورت سیاه و سفید باشند. فایل اصلی شکل‌ها (تحت Word، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. عکس‌ها باید واضح، خوانا، دارای مقیاس و با کیفیت مناسب و مطلوب (۳۰۰ تا ۵۰۰ dpi) در یکی از فرمت‌های tif, jpg, gif تهیه شده باشند. اندازه قلم‌ها خصوصاً در مورد منحنی‌ها (Legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشد.

ه- نقشه‌های مورد استفاده در متن مقاله حتماً بر اساس فرمت‌های ذیل تنظیم گردند:

۳. ساختار اصلی مقاله:

مقالات ارسال شده باید دارای بخش‌های زیر باشد:

۳-۱. صفحه اول: در صفحه شناسنامه باید عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی، نام و نام خانوادگی نویسنده (ها)، درجه علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، مسئول مقاله و تاریخ ارسال به فارسی و انگلیسی درج شود. نویسنده عهده‌دار مکاتبات باید با علامت ستاره مشخص شود. از ذکر مشخصات فوق در سایر صفحه‌های مقاله باید خودداری شود.

۳-۱-۱. چنانچه مخارج مالی تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین شده باشد باید نام مؤسسه در پاورقی صفحه اول درج شود.

۳-۲. صفحه دوم (چکیده): شامل عنوان کامل مقاله به فارسی، چکیده فارسی مقاله و کلید واژه‌ها (۴ تا ۶ کلمه) است. چکیده فارسی مقاله از ۳۰۰ کلمه تجاوز نکند و بیانگر خلاصه‌ای از مقدمه، روش تحقیق، یافته‌ها و نتیجه‌گیری باشد.

۳-۳. از صفحه سوم به بعد متن اصلی مقاله خواهد آمد.

۳-۴. صفحه منابع: منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شوند.

۳-۴-۱. شیوه ارجاع در داخل مقاله باید به سبک APA باشد و منابع مورد استناد در داخل متن با ذکر نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحه داخل پرانتز آورده شود.

مانند: (زیاری، ۱۳۸۳: ۲۵). یا (Tacoli, 1998: 6-7).

برای منبعی با دو نویسنده و بیشتر: (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۳). یا (Rondinelli et al, 2003: 6).

۳-۴-۲. در روش ارائه منابع و مأخذ در انتهای مقاله به صورت :

الف. برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان، (سال انتشار): عنوان کتاب، شماره جلد، نام ناشر، نوبت چاپ، محل انتشار.

نمونه فارسی کتاب :

- عبدی دانشپور، زهره (۱۳۸۷): درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران.

نمونه انگلیسی کتاب :

- Woods, M. (2005): Rural Geography, Sage Publication, London.

ب. برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار): «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره، محل چاپ، صفحات.

نمونه فارسی نشریه:

- ضیاءتوانا، محمدحسن و شهرام امیرانتخابی (پاییز و زمستان ۱۳۸۶): «روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش»، مجله جغرافیا و توسعه، سال پنجم، شماره ۱۰، زاهدان، صص ۱۲۹-۱۰۷.

نمونه انگلیسی نشریه:

- Coppola, E. and F. Giorgi, (2010): **An assessment of temperature and precipitation change projections over Italy from recent global and regional climate model simulation** International Journal of Climatology, 30, 11-32

۳-۴-۳ در صورت استفاده از منابع اینترنتی، علاوه بر رعایت روش ذکر منبع که توضیح داده شد، نشانی اینترنتی منبع نیز در ادامه آورده شود، و سپس داخل پرانتز تاریخ مراجعه اینترنتی قید شود.

۳-۴-۴. نحوه درج در فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا خواهد بود و حداقل منابع مورد استفاده نباید از ۲۰ منبع کمتر باشد.  
۴. شرایط نهایی تأیید مقاله:

۴-۱. مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل، اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۴-۲. مقالات ارسال شده برای انجام اصلاحات، در صورت عدم دریافت پاسخ از سوی نویسنده در تاریخ معین شده (حداکثر ۲۰ روز که در موارد به درخواست نویسنده قابلیت افزایش خواهد داشت).  
در صورت داشتن هرگونه سوال :

با تلفن ۰۳۱۴۲۲۹۲۷۰۴ تماس یا به شماره ۰۳۱۴۲۲۹۱۱۱۰ فاکس ارسال نمایید یا به آدرس [ngeojournal@yahoo.com](mailto:ngeojournal@yahoo.com) نامه الکترونیکی ارسال فرمایید.

آدرس پستی مجله: اصفهان، نجف آباد، بلوار دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، دانشکده علوم انسانی، دفتر مجلات دانشکده.

صندوق پستی ۵۱۷ کد پستی ۸۵۱۴۱۴۳۱۳۱

## باسپاس

دفتر مجله علمی پژوهشی جغرافیا و مطالعات محیطی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

## سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از روش موریس و تاکسونومی عددی

صیاد ایرانی هریس\*، دانش‌آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگر گروه ژئوپلتیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران  
اسماعیل قلی‌نژاد شام‌اسبی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اسماعیل نجفی، استادیار دانشکده علوم زمین گروه ژئومورفولوژی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

### چکیده

مطالعه در مورد علل و عوامل تأثیرگذار توزیع غیرمنطقی امکانات برای از بین بردن و یا حداقل کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای امری ضروری و بسیار مهم است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای - پیمایشی و با رویکرد کاربردی است. پژوهش حاضر با ۵۹ شاخص در ۴ بخش بهداشتی و درمانی، اقتصادی، زیربنایی، آموزشی و فرهنگی با استفاده از دو روش موریس و تاکسونومی عددی به درجه‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عدم تعادل و ناهمگنی در بین شهرستان‌های استان وجود دارد به طوری که همه شهرستان‌ها در شاخص تلفیقی موریس در ۲ سطح نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند و اردبیل رتبه اول را به خود اختصاص داده است و سرعین تنها شهرستان محروم استان بوده است در شاخص تلفیقی تاکسونومی نیز شهرستان‌ها در ۳ سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند در این روش نیز اردبیل در بین شهرستان‌های برخوردار رتبه اول را کسب کرده است و نیر تنها شهرستان محروم استان بوده است. لذا این تفاوت نه تنها در بین شهرستان‌های استان زیاد است بلکه اختلاف قابل ملاحظه‌ای با دیگر مناطق کشور دارد که لزوم توجه جدی و برنامه‌ریزی‌های هدفمند و منطبق بر قابلیت‌های استان را در جهت توسعه متوازن و یکپارچه را می‌طلبد.

**کلمات کلیدی:** درجه توسعه یافتگی، روش موریس، روش تاکسونومی، استان اردبیل.

**مقدمه**

از موضوعاتی که اخیراً در فرهنگ برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای مطرح گردیده ولی جایگاه آن هنوز در کشور ما به وضوح مشخص نشده، نابرابری توسعه نواحی است. این نابرابری‌ها که به دلایل متعددی چون دلایل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، دموگرافیکی و سیاسی ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی و مناطق را به دنبال دارند (Mansouri, 1996:4) وجود نابرابری و ابعاد آن از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است (Dadashpoor and et al, 2011:175). نظر سازمان ملل متحد نیز، وقتی از نابرابری‌های اجتماعی سخن گفته می‌شود، نه تنها باید به عدالت محیطی توجه کرد، بلکه ارتباط آن را نیز باید با جنبه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار داد (United Nations, 2006:200). توسعه و توسعه یافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول داشته است. کشورهای مختلف و حتی مناطق تشکیل دهنده آن‌ها خواهان دستیابی به سطحی از توسعه متعادل و پایدار هستند که بتواند به بهبود زندگی تمام مردمان بینجامد، اما اینکه توسعه چیست و انتظار مردم و جامعه از این فرآیند چیست، اصلی‌ترین سؤالی است که شاید پاسخ واحدی به آن داده نشده است. در این راستا سنجش و مقایسه سطح توسعه یافتگی؛ داخل یک منطقه و بین کشورهای مختلف و یا داخل یک استان و بین شهرستان‌های مختلف، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در واقع شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است. با این حال، همان‌طور که روند توسعه یافتگی در استان‌های مختلف یک کشور دارای مراتب گوناگونی است، در داخل یک استان نیز روند توسعه یافتگی در بین شهرستان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. زیرا توسعه یافتگی شهرستان‌های یک استان با توجه به توزیع فضایی ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و طبیعی مناطق، بعضاً ممکن است دارای روندی متناسب نباشد (صادقی فر و همکاران، ۱۳۹۳:۸۲) بنابراین با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌ها است، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (Mohammadi and et al, 2012:128). در این میان بررسی توسعه مناطق و پی بردن به نقاط ضعف و قوت آنها اهمیت بسیاری را ایفا می‌کند. عدم توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای موجب عقب ماندگی و توزیع و پخش‌نشده منابع و امکانات توسعه به صورت نامتعادل و غیرمنطقی شده است که این آشفتگی توزیع امکانات درصد زیادی از وسعت کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده و باعث به‌وجود آمدن دوگانگی‌های شدید در فضاها جغرافیایی شده است. برای رسیدن به توسعه، مطالعه و شناخت روندهای گذشته که منجر به عقب ماندگی شده و هم‌چنین پیش‌بینی وضعیت آینده اهمیت فراوانی دارد. با توجه به اینکه هدف برنامه‌ریزی رسیدن به توسعه متعادل بین مناطق مختلف است و این امر نیازمند بررسی دقیق چگونگی توزیع شاخص‌های توسعه یافتگی در مناطق مختلف است بنابراین، توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای است.

زیرا هر چقدر تفاوت‌های منطقه‌ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد، منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پرجاذبه می‌گردد. جهت حصول توسعه انسانی و اقتصادی و تحقق توسعه پایدار، لازم است نابرابری‌های موجود به حداقل ممکن کاهش یابد، چرا که هرگونه رشد و توسعه بدون توجه به ایجاد برابری در جامعه، در نهایت بی‌ثبات خواهد بود (سیدین و همکاران، ۱۳۹۳:۸۲).

**بیان مسأله**

وجود انواع دوگانگی‌های نامطلوب و عدم تعادل شدید در مسیر توسعه یافتگی کشورهای در حال توسعه باعث شده که مسائل و مشکلات عدیده‌ای در مسیر توسعه آنها ایجاد شود و تمامی تلاش دست‌اندرکاران امر توسعه را عقیم گذاشته شود. که این



مسئله سبب شده که در هر کشور یک یا دو منطقه و یا چند ناحیه مسئولیت اصلی توزیع امکانات و خدمات توسعه را برعهده گرفته و لذا بیشتر برنامه‌های توسعه اجتماعی اقتصادی و.. در این مناطق انجام می‌گیرد. این مناطق و نواحی معمولاً از مستعدترین نواحی و مناطق کشور بوده و از زیرساخت‌ها و توان‌های تولیدی و اقتصادی بالایی نسبت به سایر مناطق برخوردارند. نبودن توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. پیام نبودن توازن معمولاً ناکارآمدی اقتصادی، نابرابری اجتماعی، جریان‌های مهاجرتی قوی و قطبی شده است (لطفی، ۱۳۸۸: ۲۱). گزارش توسعه انسانی در ایران تفاوت منطقه‌ای گسترده‌ای را میان ۲۶ استان از نظر درجه توسعه انسانی نشان می‌دهد. برپایه این گزارش، نه تنها طبق نظریه همگرایی، عدم تعادل منطقه‌ای کاهش نیافته بلکه ضریب پراکندگی بین واحدهای تحت مطالعه نیز افزایش یافته است (PBOUNDP, 1999, 23). عدم تعادل شدید در میان سکونتگاه‌های انسانی که از دو منشأ اصلی محیط طبیعی و تصمیمات سیاست‌گذاران سرچشمه می‌گیرد موجب ایجاد شکاف و نابرابری‌های شدید منطقه‌ای شده است. درک عمیق و همه‌جانبه توسعه نیافتگی و مسائل آن مستلزم بکارگیری شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و غیره که از مولفه‌های مهم توسعه یافتگی هستند و در تشخیص نابرابری واحدهای مختلف جغرافیایی بسیار حائز اهمیت هستند می‌تواند کم و کاستی‌ها، نارسایی‌ها و عدم تعادل در توزیع امکانات را در سطوح مختلف توسعه شناسایی کرده و یک دید کلی از استعدادها و تنگناهای منطقه مورد مطالعه به‌دست آورده و زمینه را برای برنامه‌ریزان در جهت کاهش عدم تعادل در بین مناطق با توجه به زمینه‌ها و قابلیت‌های موجود آماده می‌کند. یکی از مشخصه‌های بارز در توسعه فضایی ایران، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در این میان، می‌تواند پاسخی به نارسایی‌ها و کاستی‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد. سطوح ملی و محلی برنامه ریزی به دلیل نوع نگرش آنها به برنامه ریزی، نمی‌توانند نگرش جامع به ناحیه به دستیابی به توسعه و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها در جوامع کنونی به شمار می‌رود و هر یک برای رسیدن به این هدف برنامه‌هایی را بر حسب امکانات و توانایی‌های خود انجام می‌دهند اما توسعه مقوله‌ای است که بیش از چند دهه از عمر آن نگذشته و هنوز مراحل ابتدای به صورت سیستمی داشته باشند، بنابراین، پیوند منافع ملی و محلی را می‌توان با برنامه ریزی ناحیه‌ای، در قالب برنامه‌های ملی و با نگرش سیستمی به برنامه‌های محلی به‌وجود آورد (زالی، ۱۳۷۹). همان‌طور که سطوح مختلف توسعه در جهان از الگوی یکسانی تبعیت نمی‌کند و دارای درجات متفاوتی است در داخل یک کشور نیز میزان توسعه یافتگی در بین مناطق و نواحی مختلف بسیار متفاوت است به عبارت دیگر به دلیل قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که مناطق مختلف در خود جای داده‌اند و نیز تصمیمات سیاست‌گذاران و مدیران شهری سطح توسعه یافتگی مناطق مختلف با یکدیگر ناهمگن و نابرابر است که این مسئله ضرورت سازماندهی فضایی را برای رسیدن به توسعه پایدار و متعادل آشکار می‌سازد. بر این اساس و برای آگاهی از علل نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها سطح‌بندی شهرستانها از لحاظ میزان توسعه یافتگی بسیار حیاتی است. اهمیت این سطح‌بندی از آنجا روشن می‌شود که با شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه یک منطقه می‌توان سطح دسترسی و برخورداری مردم را بخوبی نشان داده و برنامه‌های منطبق با استعدادهای منطقه مورد مطالعه را در جهت از بین بردن و یا کاهش نابرابری‌ها و رشد شکوفایی هر چه بیشتر ارائه نموده و شرایط مطلوبی را برای زندگی ساکنان آن منطقه فراهم آورد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

عدم تعادل‌های منطقه‌ای و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات به صورت نامناسب از ویژگی‌های بارز و عمده کشورهای جهان سوم و به خصوص ایران است. امروزه عوامل متعددی باعث به‌وجود آمدن شبکه‌ای از مکان‌های مرکزی یا سلسله مراتب سکونتگاهی گردیده که سایر نقاط را تحت تاثیر قرار داده است. قطب‌های توسعه را فقط در مناطق خاصی از یک کشور به

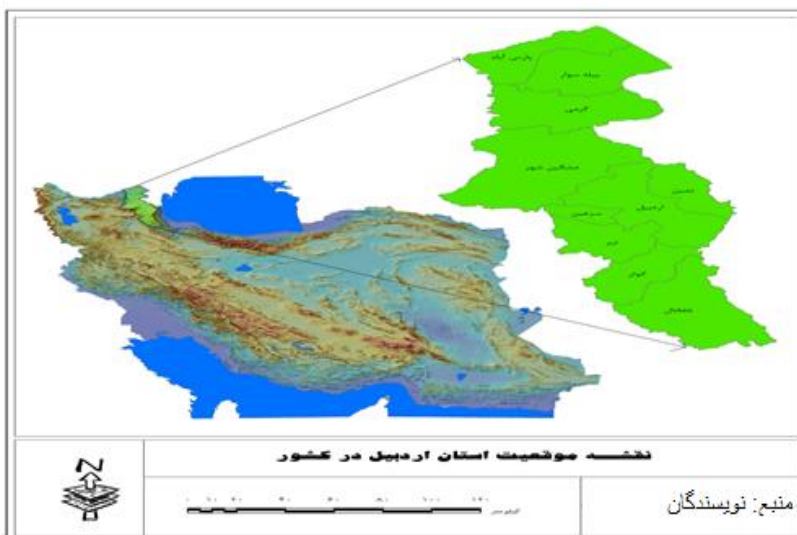
وجود آورده و سایر مناطق با کمترین برخورداری از شاخص‌های توسعه با گذشت زمان به عقب رانده شده و دوگانگی و عدم تعادل به طرز غیرقابل باوری خود را در تمامی شئون این مناطق نشان داده است. امروزه بررسی و شناخت سطح توسعه یافتگی مناطق مختلف از لحاظ معیارهای توسعه و هم چنین آگاهی از محرومیت‌ها و توانایی‌های هر منطقه و در نهایت برقراری عدالت اجتماعی از جمله مباحث مهم در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای است. در سال‌های اخیر به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی رفع محرومیت و یکسان‌سازی توسعه مناطق مختلف کشور در دستور کار برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره مورد توجه قرار گرفته است، اما براساس مطالعات انجام گرفته این برنامه‌ها به دلیل عدم شناخت دقیق ابعاد نابرابری و ناهمگنی و سیاست‌های اجرایی نامتناسب علاوه بر اینکه نتوانسته‌اند از میزان نابرابری‌ها بکاهند بلکه بر نابرابری‌های بیشتری دامن زده‌اند و سبب شکل‌گیری الگوی مرکز- پیرامون در کشور شده است و بر نحوه تخصیص منابع تاثیر گذاشته و شکاف و نابرابری ده برابری را در کشور بوجود آورده که پیامد آن افزایش بیکاری، تخریب محیط زیست، افزایش مهاجرت، وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی، تمرکز جمعیت، فقر و.. است.

در این راستا تدوین برنامه‌های اصولی و هماهنگ با قابلیت‌های جغرافیایی هر منطقه بسیار ضروری است. بنابراین همچنین هدف از انجام پژوهش، سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل در راستای پاسخ به این سؤال است که؛ وضعیت توسعه یافتگی در سطح شهرستان استان در چه وضعیتی قرار دارد؟ اهمیت مطالعه پیش رو از آنجا ناشی می‌شود که با آگاهی همه جانبه از زوایای گوناگون وضعیت موجود و برنامه‌های آتی و شناسایی مناطق و نواحی عقب افتاده در استان اردبیل برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری جهت اتخاذ تصمیمات مناسب برای از بین بردن نابرابری‌ها و رسیدن به عدالت اجتماعی که هدف تمامی تلاش‌های توسعه است، الگو و راهکارهای مناسبی را ارائه نماید.

در زمینه پیشینه پژوهش در رابطه با موضوع مورد بحث می‌توان به پژوهش‌های (دهقانی، ۱۳۷۳)، (زالی، ۱۳۷۹)، (قدیر معصوم و حبیبی، ۱۳۸۳)، (قنبری هفت چشمه و حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴)، (موسوی و حسن حکمت‌نیا، ۱۳۸۴)، (شیخ الاسلامی و بیروندزاده، ۱۳۸۸)، (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱)، (محمودی و زیاری، ۱۳۹۳) و .... اشاره کرد. با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت تحقیق حاضر، به دلیل استفاده از تعداد متغیرهای زیاد (استفاده از ۴ شاخص و ۵۹ متغیر)، از جامعیت بیشتری در مورد موضوع سنجش توسعه یافتگی برخوردار است.

### شناخت محدوده‌ی مورد مطالعه

استان اردبیل با مساحتی بالغ بر ۱۷۸۰۰ کیلومتر مربع و ۱/۰۹ مساحت کل کشور در شمال غرب فلات ایران و در شرق فلات آذربایجان بین عرض ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان به شکل کشیده و طویل خود در جهت شمالی- جنوبی، نزدیک به دو درجه عرض جغرافیایی را دربر گرفته است. فاصله شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین نقطه آن در حدود ۲۹۵ کیلومتر و فاصله شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقطه آن ۱۳۲ کیلومتر است. استان اردبیل از شمال با جمهوری آذربایجان و از جنوب با استان زنجان از شرق با استان گیلان و از غرب با استان آذربایجان شرقی همسایه است. در شمال و شمال شرقی رود ارس و امتداد رشته کوه تالش یعنی کوه‌های پشت ساراو رود بلقاریا باهارود مرز بین استان و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهند. در شرق رشته کوه‌های تالش- باغرو این خطه از استان گیلان را جدا می‌کند و از غرب به آذربایجان شرقی منتهی شده است و در جنوب کشیدگی رشته کوه‌ها، دره‌ها و جلگه موجب پیوستگی توپوگرافیکی استان با استان زنجان شده است (www.oustan-ar.ir).



شکل (۱): موقعیت استان در کشور (ماخذ: تقسیمات سیاسی استانداری اردبیل)

### مبانی نظری

توسعه به معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه‌ریزی شده برای نیل به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را می‌توان پدیده‌ای نوظهور در قرن بیستم دانست که از سال ۱۹۱۷ میلادی از اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز شد (گلدین و ینترز، ۱۳: ۳۷۹). مفهوم توسعه در طی قرن هیجدهم میلادی به معنای فرایندی به کار می‌رفت که با آن توانایی بالقوه یک ارگانیزم شکوفا می‌شد، تا اینکه به شکل طبیعی و کامل به بلوغ نهایی برسد. در دوره و فاصله بین ولف تا داروین توسعه با واژه تکامل هم خوانی پیدا کرد (Escobar, 1992: 8). تعاریف گوناگونی درباره توسعه بیان شده است که در همه آنها، به جنبه‌های مختلف موضوع توجه شده است. تودارو در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه فقط پدیدای اقتصادی نیست توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است. توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و نیز طرز تلقی حتی در آداب و رسوم و اعتقادهای جامعه و مردم است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

در تعریف دیگری از توسعه، مؤسسه مارگا تعریفی را از توسعه کامل می‌داند که پنج بعد به شرح ذیل را شامل شود:

- ۱- بعد اقتصادی که به ایجاد ثروت و بهبود شرایط زندگی مادی و توزیع عادلانه امکانات مربوط می‌شود.
- ۲- بعد اجتماعی که بر مبنای امکانات بهزیستی (بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال) اندازه‌گیری می‌شود.
- ۳- بعد سیاسی که ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی، حقوق تابعیت و برخی اشکال دموکراسی را شامل می‌شود.
- ۴- بعد فرهنگی که بر مبنای به رسمیت شناختن این واقعیت است که فرهنگ‌ها به افراد، هویت و ارزش شخصی اعطا می‌کنند.
- ۵- بعد موسوم به "الگوی زندگی کامل" که به نظام‌های محتوایی، نهادها و باورهایی مربوط می‌شود که با هدف نهایی زندگی و تاریخ در ارتباط است (گولت، ۱۳۷۴: ۶۹).

رشد و توسعه ناهمگن، تمرکز شدید، نبود عدالت اجتماعی و اقتصادی، دوگانگی‌های شدید، نابرابری و عدم تعادل در سطوح مختلف یک منطقه از مظاهر عدم توسعه هستند. برای دستیابی به توسعه همه جانبه اولین قدم شناخت و آگاهی از وضعیت موجود مناطق از نظر توانایی‌ها و تنگناهای توسعه و برنامه‌ریزی در جهت استفاده صحیح از امکانات بالقوه است که این امر مستلزم بررسی تطبیقی شاخص‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی متناسب با سطح توسعه هر منطقه است. "هادر" معتقد است با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه، از میان برداشتن تمام نابرابری‌های اجتماع است، مناسب‌ترین مفهوم برای توسعه، رشد همراه با

عدالت اجتماعی است (Hadder, 2000:3). نظریه‌های مختلفی در مورد مباحث مربوط به توسعه ارائه شده است که در اینجا به ذکر برخی از آن‌ها پرداخته شده است. براساس نظریه نئوکینزی یا پایه اقتصادی رشد و توسعه ناحیه به میزان صادرات آن وابسته است. صادرات، به عنوان تنها متغیری که مقدار آن تعیین‌کننده رشد و توسعه ناحیه است، به عنوان تنها محرکه رشد اقتصاد ناحیه‌ای به رسمیت شناخته شده است (قنبری هفت‌چشمه و کریم زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۵). پیتروال نیز معتقد است که مهم‌ترین هدف سیاست ناحیه‌ای جهت کاهش نابرابری‌های آن ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجرت فرستی در ناحیه کمک می‌کند و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۸: ۲۱) اصطلاح قطب رشد ابتدا توسط فرانسوا پرو، اقتصاددان فرانسوی در سال ۱۹۵۵ معرفی گردید (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۰۵) نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش (کلانتری، ۱۳۹۲: ۶۹) بدین صورت که رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه‌ای با شدت‌های متفاوت اتفاق می‌افتد (اثر تمرکز) و از طریق کانال‌های گوناگون با آثار نهایی متغیری کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (دای و یانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

لیکن تجربیات حاصل از اجرای سیاست‌های قطب رشد در امر توسعه در کشورهای مختلف دنیا نشان دهنده این واقعیت است که تأثیرات جانبی قطب رشد در توسعه منطقه‌ای با توفیق زیاد همراه نبوده و موجب توسعه همه جانبه و یکپارچه منطقه‌ای نشده است، حتی در بیشتر موارد تأثیرات منفی و زیانباری نیز در پی داشته است. بدین سان، نابرابری بین مراکز (قطب‌های رشد) و پیرامون (روستاها و شهرهای کوچک)، همچنین بین حوزه‌های شهری و روستایی به سرعت افزایش یافته است (توکلی نیا و همکاران ۱۳۹۰: ۴) از جمله تئوری‌های مطرح در برنامه‌ریزی منطقه‌ای تئوری مرکز-پیرامون<sup>۲</sup> جان فریدمن<sup>۳</sup> است (مرصوصی و همکاران ۱۳۸۹: ۵۴). طبق این نظریه دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از مرکز (به عنوان کانون قدرت و سلطه) و پیرامون (به عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی)، هم چنین بر اساس این نظریه رابطه میان مرکز و پیرامون استعماری است و همین رابطه باعث نابرابری بین مرکز و پیرامون می‌گردد (رضوانی ۱۳۸۳: ۶۳) معمولاً بروز یک ساختار قطبی شده، با یک سری جابجایی‌های عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

## روش پژوهش

روش تحقیق به کار گرفته شده در این مطالعه توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای - پیمایشی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق، کاربردی است. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش ۱۰ شهرستان استان اردبیل بر اساس تقسیمات اداری-سیاسی در سال ۱۳۹۰ است. شاخص‌های مورد بررسی ۴ شاخص اصلی با ۵۹ متغیر است که شامل شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و درمانی، و زیربنایی جز شاخص‌های اصلی است (جدول ۱) اطلاعات مورد نیاز از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالنامه آماری و گزارش‌های منتشر شده توسط ادارات و سازمان‌های مرتبط جمع‌آوری شده است. در مرحله‌ی بعد جدول داده‌های خام را شاخص‌سازی کرده تا قابلیت پردازش به وسیله‌ی مدل‌های تاکسونومی عددی و روش موریس را داشته باشند آنگاه با بهره‌گیری از دو مدل مذکور رتبه هر یک از شهرستان‌ها در هر یک از شاخص‌های انتخابی و نهایتاً در قالب شاخص‌های تلفیقی تعیین گردیده و سپس نتایج به دست آمده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و در سه سطح توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم طبقه‌بندی شده‌اند هم چنین با استفاده از ضریب تفاوت CV مقدار توزیع نامتعادل شاخص‌ها تعیین گردیده است.

1. Dai,yang  
2. Core-pheriphery  
3. John freidman

جدول (۱): شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	متغیرها
شاخص‌های اقتصادی	درصد شاغلان مرد نسبت به کل شاغلان- درصد شاغلان زن نسبت به کل شاغلان-درصد شاغلان تولید صنعتی به کل شاغلان- درصد شاغلان بخش آموزش به کل شاغلان- درصد شاغلان ساختمان به کل شاغلان- درصد شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان- شعب بانک به ده هزار نفر- ضریب اشتغال زنان- ضریب اشتغال مردان- کارگاههای صنعتی به ده هزار نفر- نرخ اشتغال در نقاط شهری- نرخ اشتغال در نقاط روستایی- نرخ بیکاری (معکوس)- درصد شاغلان بخش ارتباطات و اطلاعات به کل شاغلان- درصد شاغلان حمل و نقل و انبارداری به کل شاغلان- نرخ اشتغال در شهرستان
شاخص‌های فرهنگی و آموزشی	اعضای کتابخانه‌های عمومی به جمعیت با سواد-درصد شهرنشین- درصد باسوادی- نسبت کلاس دوره ابتدایی به دانش آموزان دوره ابتدایی- نسبت کلاس دوره راهنمایی به دانش آموزان دوره راهنمایی- نسبت کلاس دوره متوسطه به دانش آموزان دوره متوسطه-درصد جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر مرد به کل باسوادان- درصد جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر زن به کل باسوادان- درصد جمعیت باسواد استفاده کننده از اینترنت- درصد دانش آموختگان فوق لیسانس و دکتری به کل باسوادان- نسبت تعداد کتب کتابخانه‌های عمومی به جمعیت باسواد- درصد دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان- پوشش تحصیلی دانش آموزان ابتدایی- پوشش تحصیلی دانش آموزان راهنمایی- پوشش تحصیلی دانش آموزان متوسطه- نسبت کل کارکنان آموزشی و دفتری و اداری به کل دانش آموزان
شاخص‌های زیر بنایی	ضریب نفوذ تلفن ثابت- سرانه مصرف برق در صنعت به ازاء هر نفر- در صد روستاهای دارای آب لوله کشی- درصد روستاهای دارای دفتر مخابرات- تعداد جایگاههای عرضه و فروشی سوخت به ده هزار نفر- تراکم راه به ۱۰۰ کیلو متر مربع- سرانه مصرف گاز به ازاء هر نفر (به هزار متر مکعب)- تراکم راههای اصلی به ۱۰۰ کیلومتر مربع- تعداد شرکتهای تعاونی کشاورزی به ده هزار نفر- در صد روستاهای دارای آب لوله کشی
شاخص‌های بهداشتی درمانی	سرانه داروخانه به ده هزار نفر- پزشک عمومی به ده هزار نفر- پزشک متخصص به ده هزار نفر- دندان پزشک به ده هزار نفر- آزمایشگاه به ده هزار نفر- مراکز بهداشتی به ۵ هزار نفر- تعداد تخت‌های موجود به ده هزار نفر- تعداد داروساز به ده هزار نفر- در صد بیمه شدگان اصلی تامین اجتماعی- تعداد موسسات درمانی به یکصد هزار نفر- پرستار به هزار نفر- بهیار و کمک بهیار به ازاء هر هزار نفر- تکنسین خانواده به ده هزار نفر- تعداد پرستار به ازاء هر تخت ثابت- مراکز پر تونگاری به ده هزار نفر

### روش‌های سنجش درجه توسعه یافتگی

بکارگیری روشهای کمی برای سنجش توسعه یافتگی مناطق، نه تنها تفاوت‌های مناطق را براساس متغیرهای مختلف آشکار می‌سازد، بلکه از طرف دیگر می‌توان با آگاهی از این ناهمگنی‌ها در سطح مناطق و با در اختیار داشتن اطلاعات جامع و مفیدی از امکانات و محدودیت‌ها و نابرابری‌ها، به وسیله هدایت منابع به سمت مناطق کمتر توسعه یافته، زمینه تعدیل نابرابری‌ها در بین سکونتگاه‌ها را فراهم کرد (نسترن و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۶). در این رابطه برای آنکه وضعیت توسعه یافتگی مناطق در ارتباط با یکدیگر مشخص شود از روشهای رایج سطح بندی روش موریس و تاکسونومی عددی استفاده شده است. برای سنجش اینکه شاخص‌ها تا چه حد به طور نامتعادل توزیع شده است از روش ضریب اختلاف استفاده شده است. که در زیر هر کدام توضیح داده شده است.

### روش موریس

روش موریس یکی از روش‌های موثر در زمینه ترکیب شاخص‌های سنجش توسعه یافتگی نواحی است. در این روش با استفاده از داده‌های گردآوری شده برای هر روستا، جایگاه توسعه یافتگی آن در میان سایر روستاها یا برحسب شاخص‌های انتخابی تعیین می‌گردد. از این روش در گزارش توسعه نیروی انسانی سازمان ملل استفاده شده و شاخص بدست آمده مدرک رتبه بندی کشورها از نظر توسعه نیروی انسانی می‌باشد در این در میان مناطق یا حوزه‌ها، بر دامنه I در هر منطقه یا حوزه از حداقل شاخص I روش انحراف مقادیر عددی شاخص تغییرات آن شاخص تقسیم شده، میزان ناموزونی مقدار عددی شاخص، نسبت به شاخص پراکندگی دامنه تغییرات آن  $[R = X(\max) - X(\min)I]$  محاسبه می‌شود (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۳۸).

یکی از خواص مهم و بارز شاخص موريس این استکه متغیرهای توسعه را طوری به هم در می‌آمیزد و مرتبط می‌سازد که در پایان عدد شاخص اصلی (DI) و رتبه‌های مربوط به آنها، جایگاه هر سکونتگاه را به طور دقیق در مراحل توسعه یافتگی مشخص می‌کند (شاهنوشی و همکاران، ۱۳۸۵، ۲۷ و ۲۸). ساختار کلی مدل به شرح زیر می‌باشد.

$$Y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{jmin}}{X_{jmax} - X_{jmin}} * 100$$

۳- در این مرحله تعریف شاخص میانگین برای هر یک از مناطق یا کشور است.

$$D. I_j = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n x_{ij} \rightarrow i = 1, 2, 3, \dots, m$$

D. I: ضریب نهایی توسعه

$\sum_{j=1}^n x_{ij}$ : مجموع ضریب‌های ناموزون موريس در سطر مورد نظر برای سکونتگاه مورد نظر

N: تعداد شاخص‌های بکار گرفته شده

نکته‌ی مهم در این روش این است که شاخص‌های بکار گرفته شده باید همسو یا هم جهت باشند. جهت بررسی موضوع، تمام شاخص‌های مورد نظر در قالب فرمول ذکر شده در مرحله‌ی دوم بکار گرفته می‌شود. (بدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

### آنالیز تاکسونومی عددی

یکی از بهترین روش‌های درجه بندی نواحی از لحاظ درجه توسعه یافتگی، آنالیز تاکسونومی است که نوع خاصی از آن تاکسونومی عددی است. این روش برای اولین بار توسط آدانسون<sup>۱</sup> در سال ۱۷۶۳ میلادی پیشنهاد شد. استفاده ما از این روش از توسعه‌ای اخیر آن است که توسط دسته‌ای از ریاضی دانان لهستانی در اوایل دهه ۱۹۵۰ بسط داده شد. در سال ۱۹۶۸ میلادی به عنوان وسیله‌ای برای طبقه بندی درجه توسعه یافتگی بین ملل مختلف، توسط پروفیسور هلوینگ<sup>۲</sup> از مدرسه عالی اقتصادی روکلا<sup>۳</sup> در یونسکو مطرح شده است. روش روکلا یک روش عالی درجه بندی، طبقه بندی و مقایسه کشورها یا مناطق مختلف با توجه به درجه توسعه و مدرن بودن آنها است (بیدآبادی، ۱۳۶۲: ۵). در این روش معمولاً یکی از مناطق مورد مطالعه به عنوان منطقه ایده‌ال انتخاب می‌شود و مناطق دیگر بر مبنای آن درجه بندی می‌گردند. بدین ترتیب تفاوت یا فاصله هر منطقه از منطقه ایده‌ال معین می‌شود (فطرس و بهشتی فر، ۱۳۸۲: ۲۱).

### روش ضریب اختلاف

برای سنجش اینکه تا چه حد یک شاخص بطور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده است، از روش ضریب اختلاف (CV) که گاهی آن را عامل ویلیامسون نیز می‌گویند استفاده می‌شود. ضریب اختلاف با استفاده از فرمول ذیل محاسبه می‌گردد (کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۴۰ و ۱۴۱).

این روش برای بررسی روند نابرابری‌های موجود در شاخص‌های توسعه در سطح وسیع مورد استفاده قرار گرفته است، که مقدار بالای (CV) نشان دهنده‌ی نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها است. (یاسوری، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

$$CV = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{i=1}^N (x_i - \bar{x})^2}{N}}}{\frac{\sum_{i=1}^N x_i}{N}}$$

$\bar{x}$  = مقدار یک شاخص در یک طبقه

CV = مقدار ضریب تغییرات یک شاخص

N = تعداد مناطق

$\bar{x}$  = میانگین همان شاخص

1. Adanson  
2. Helwing  
3. Wroclaw

## یافته‌های تحقیق

با استفاده ۴ شاخص در قالب متغیرهای مورد مطالعه و با بهره‌گیری از روش‌های سنجش سطح توسعه‌یافتگی (موریس و تاکسونومی) که لزوماً جواب‌های یکسانی ندارند درجه توسعه یافتگی و رتبه‌ی هر یک از شهرستان‌های استان اردبیل تعیین گردید. نتایج حاصل از رتبه‌بندی بر اساس روش موریس و به تفکیک در هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی شهرستان اردبیل در رتبه‌ی اول و شهرستان سرعین در رتبه‌ی آخر، از نظر شاخص‌های اقتصادی شهرستان اردبیل رتبه‌ی اول و پارس‌آباد در رتبه‌ی آخر، از نظر شاخص‌های فرهنگی و آموزشی شهرستان کوثر در رتبه‌ی اول و شهرستان سرعین در رتبه‌ی آخر، از نظر شاخص‌های زیربنایی شهرستان نمین در رتبه‌ی اول و شهرستان بيله سوار در رتبه‌ی آخر و از نظر شاخص‌های تلفیقی شهرستان اردبیل رتبه‌ی اول و شهرستان سرعین در رتبه‌ی آخر قرار دارد.

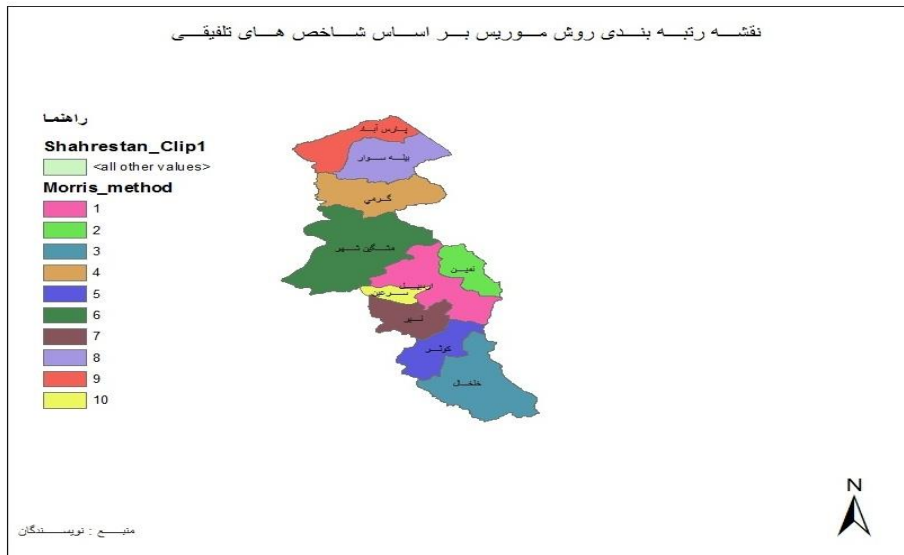
نتایج دیگر تحقیق حاکی از آن است که ضریب توسعه یافتگی در شاخص‌های بهداشتی و درمانی بین ۱۹/۲۳ تا ۷۰/۲۳، در شاخص‌های اقتصادی بین ۲۶/۲۵ تا ۵۶/۸۵ در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی بین ۴۸/۴۸ تا ۴۹/۱۵، در شاخص‌های زیربنایی بین ۲۳/۷۹ تا ۵۶/۹۱ و در شاخص‌های تلفیقی بین ۳۳/۲۵ تا ۵۶/۹۱ در نوسان است.

بر این اساس ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های فرهنگی و آموزشی دارای کمترین و ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های بهداشتی و درمانی دارای بیشترین نوسان بوده‌اند. بررسی ضریب اختلاف (C.V) شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های فرهنگی و آموزشی با ضریب اختلاف ۱۴۰٪ دارای کمترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و شاخص‌های بهداشتی و درمانی با ضریب اختلاف ۳۵۱٪ دارای بالاترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و خدمات می‌باشند (جدول ۲) و (شکل ۲).

جدول (۲): رتبه و ضریب توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل از نظر شاخص‌های مورد مطالعه در روش موریس

شاخص شهرستان	بهداشتی و درمانی		اقتصادی		فرهنگی و آموزشی		زیربنایی		شاخص‌های تلفیقی	
	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی
اردبیل	۱	۷۰/۲۳	۱	۵۶/۸۵	۵	۴۴/۹۳	۲	۵۶/۸۵	۱	۵۶/۹۱
بيله سوار	۴	۴۳/۱۶	۸	۳۴/۷۹	۲	۴۸/۳۸	۱۰	۲۳/۷۹	۸	۳۸/۳۶
پارس‌آباد	۵	۴۲/۰۷	۱۰	۲۶/۲۵	۸	۳۸/۶۶	۷	۳۵/۹۸	۹	۳۵/۶۲
خلخال	۲	۵۹/۹۴	۶	۴۳/۴۲	۴	۴۶/۵	۶	۳۶/۵۵	۳	۴۷/۰۶
سرعین	۱۰	۱۹/۲۳	۹	۳۴/۰۷	۱۰	۲۸/۴۸	۳	۵۶/۰۷	۱۰	۳۳/۲۵
کوثر	۸	۳۰/۶	۴	۴۷/۸۱	۱	۴۹/۱۵	۴	۳۹/۵۱	۵	۴۲/۱۱
مشکین	۷	۴۰/۲	۷	۴۰/۷۹	۶	۴۴/۳۳	۸	۳۴/۳۵	۶	۴۰/۲۹
گرمی	۶	۴۱/۶۷	۵	۴۷/۶۲	۳	۴۷/۶۸	۹	۳۳/۷	۴	۴۳/۲۹
نمین	۳	۵۰/۱۴	۲	۵۵/۵۶	۹	۳۷/۰۱	۱	۵۹/۱۱	۲	۴۹/۸۷
نیر	۹	۲۲/۸۵	۳	۵۳/۱۲	۷	۴۳/۴۶	۵	۳۸/۵۹	۷	۳۹/۸۵
Cv		۰/۳۵۱		۰/۲۱۷		۰/۱۴۰		۰/۲۶۸		۰/۱۵۶

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل (۲): نقشه رتبه بندی موریس بر اساس شاخص ترکیبی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل

نتایج حاصل از رتبه‌بندی بر اساس روش تاکسونومی و به تفکیک در هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی شهرستان اردبیل در رتبه اول و شهرستان سرعین در رتبه آخر قرار گرفت. در شاخص‌های اقتصادی شهرستان اردبیل به‌عنوان عنصر ناهمگن از محاسبات کنار گذاشته شد و شهرستان خلخال رتبه اول و شهرستان نیر در رتبه آخر، هم‌چنین در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی اردبیل باز به دلیل ناهمگن بودن از محاسبات کنار گذاشته شد و شهرستان پارس آباد در رتبه اول و شهرستان سرعین در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های زیربنایی شهرستان سرعین در رتبه اول و شهرستان بيله سوار در رتبه آخر و از نظر شاخص‌های تلفیقی شهرستان اردبیل رتبه اول و شهرستان نیر در رتبه آخر قرار دارد. نتایج دیگر تحقیق حاکی از آن است که ضریب توسعه یافتگی در شاخص‌های بهداشتی و درمانی بین ۰/۴۴ تا ۰/۹۵، در شاخص‌های اقتصادی بین ۰/۶۱ تا ۰/۹۶، در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۸، در شاخص‌های زیربنایی بین ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ و در شاخص‌های تلفیقی بین ۰/۵۴ تا ۰/۸۹. در نوسان است. بر این اساس ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های زیربنایی و شاخص‌های تلفیقی دارای کمترین ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های بهداشتی و درمانی دارای بیشترین نوسان بوده‌اند. بررسی ضریب اختلاف (C.V) شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های زیربنایی با ضریب اختلاف ۰/۱۰۵، دارای کمترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و شاخص‌های بهداشتی و درمانی با ضریب اختلاف ۰/۴۰۰، دارای بالاترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و خدمات می‌باشند (جدول شماره ۳) و (شکل شماره ۳).

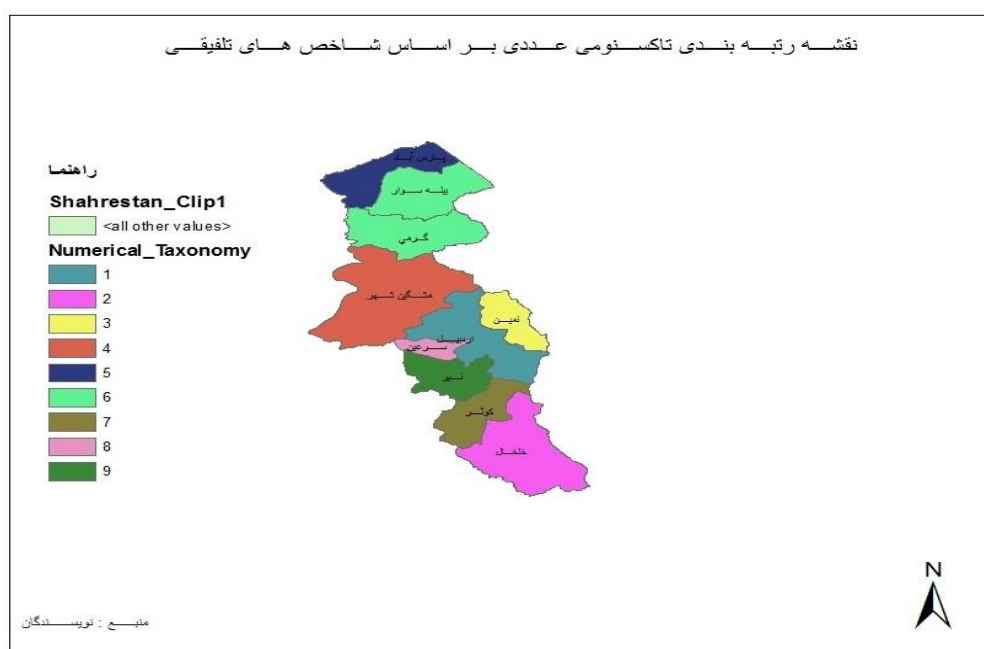
جدول (۳): رتبه و ضریب توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل از نظر شاخص‌های مورد مطالعه در روش تاکسونومی

شاخص شهرستان	بهداشتی و درمانی		اقتصادی		فرهنگی و آموزشی		زیربنایی		شاخص‌های تلفیقی	
	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی
اردبیل	۱	۰/۴۴	-	ناهمگن	-	ناهمگن	۲	۰/۶۴	۱	۰/۵۴
بيله سوار	۴	۰/۶۰۶	۴	۰/۷۸	۴	۰/۶۷	۷	۰/۹۵	۶	۰/۷۴
پارس آباد	۵	۰/۶۶	۴	۰/۷۸	۱	۰/۶۰	۵	۰/۸۳۲	۵	۰/۷۲
خلخال	۲	۰/۴۷	۱	۰/۶۱	۲	۰/۶۲	۴	۰/۷۸	۲	۰/۶۱



۰/۸۴	۸	۰/۶۳	۱	۰/۹۸	۹	۰/۸۲	۶	۰/۹۵	۱۰	سرعین
۰/۸۳	۷	۰/۸۸۲	۶	۰/۸۰	۶	۰/۸	۵	۰/۸۴	۸	کوثر
۰/۷۱	۴	۰/۸۳۲	۵	۰/۸۴	۷	۰/۶۲	۲	۰/۶۴	۷	مشکین
۰/۷۴	۶	۰/۸۳۲	۵	۰/۶۶	۳	۰/۸۵	۷	۰/۶۰۳	۶	گرمی
۰/۶۷	۳	۰/۶۵	۳	۰/۷۴	۵	۰/۷۵	۳	۰/۵۶	۳	نمین
۰/۸۹	۹	۰/۸۸	۶	۰/۸۸	۸	۰/۹۶	۸	۰/۸۸	۹	نیر
۰/۱۳۶		۰/۱۰۵		۰/۲۰۸		۰/۱۲۴		۰/۴۰		Cv

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل (۳): نقشه رتبه بندی تاکسونومی عددی بر اساس شاخص ترکیبی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل

## نتیجه گیری

توسعه یکپارچه و هماهنگ یکی از موضوعات بسیار مهم در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که نخستین قدم در این رابطه شناسایی و سطح بندی وضعیت موجود مناطق مختلف از نظر برخورداری از مواهب و امکانات توسعه است. واگذاری امکانات و خدمات مطلوب به یک ناحیه در اثر سیاست‌های غیر اصولی و محروم ساختن نواحی دیگر از باعث به وجود آمدن دوگانگی و محرومیت در نواحی مختلف یک کشور شده است. نتیجه این بی عدالتی به صورت انتقال مشکلات و کمبودهای مناطق محروم به مناطق برخوردار نمایان شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در ۲ شاخص فرهنگی و آموزشی و اقتصادی در روش تاکسونومی اردبیل به عنوان عنصر ناهمگن بوده است و در بقیه شاخص‌ها نیز در رتبه‌های اول قرار گرفته (البته به جز شاخص فرهنگی و آموزشی که رتبه ۵ را کسب کرده و در شاخص زیربنایی رتبه ۲) را به دست آورده است و در گروه شهرستان‌هایی که وضعیت نامطلوبی داشتند شهرستان‌های سرعین، نیر، بيله سوارو پارس آباد قرار گرفته‌اند. شهرستان‌های واقع در نیمه جنوبی استان که در مسیر راه‌های ارتباطی اصلی و سایر زیربنایها قرار دارند (اردبیل، نمین و نیر) اکثراً شهرستان‌هایی هستند که بالاترین ضریب توسعه یافتگی را داشته‌اند. اما برعکس شهرستان‌های واقع در نیمه شمالی استان که دور از راه‌های اصلی ارتباطی و در محیط بسته

قرار گرفته‌اند اکثر شهرستان‌های نیمه برخوردار و یا محروم هستند. همچنین شواهد حاکی از آن است که توزیع شاخص مورد بررسی در شهرستان‌های استان اردبیل به نسبت تعداد جمعیت و سکونتگاه‌های شهری و روستایی به درستی انجام نشده است. برای مثال شهرستان پارس‌آباد (با جمعیت ۱۷۳۱۸۲) نفر از لحاظ جمعیتی دومین شهرستان استان است. در حالی که در شاخص‌های بهداشتی و درمانی براساس رتبه‌بندی در رده ۵ روش موریس و رده ۷ روش تاکسونومی قرار دارد و این مسئله بازنگری در جهت توزیع صحیح و بهینه امکانات مربوط به بخش بهداشت و درمان را بیش از پیش ضروری ساخته است.

در پاسخ به این سؤال که؛ وضعیت توسعه یافتگی در سطح شهرستان استان در چه وضعیتی قرار دارد؟ می‌توان گفت، عدم تعادل و ناهمگنی در بین شهرستان‌های استان وجود دارد به طوری که همه‌ی شهرستان‌ها در شاخص تلفیقی موریس در ۲ سطح نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند و اردبیل رتبه اول را به خود اختصاص داده است و سریع‌ترین تنها شهرستان محروم استان بوده است در شاخص تلفیقی تاکسونومی نیز شهرستان‌ها در ۳ سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند در این روش نیز اردبیل در بین شهرستان‌های برخوردار رتبه‌ی اول را کسب کرده است و نیز تنها شهرستان محروم استان بوده است. لذا این تفاوت نه تنها در بین شهرستان‌های استان زیاد است بلکه اختلاف قابل ملاحظه‌ای با دیگر مناطق کشور دارد که لزوم توجه جدی و برنامه‌ریزی‌های هدفمند و منطبق بر قابلیت‌های استان را در جهت توسعه متوازن و یکپارچه را می‌طلبد. به طور کلی تمام استان از عدم توسعه مطلوب و وجود نابرابری در بخش‌های مختلف رنج می‌برد و به غیر از چند شهرستان (اردبیل، خلخال و نمین) بقیه شهرستان‌ها در وضعیت نامطلوب‌تری از نظر توسعه قرار دارند و از حالت یکنواختی برخوردار هستند که شاید گویای این مطلب است که توسعه در هیچ یک از نواحی استان صورت نگرفته و نوعی حالت رکود و درجا زدن در میان آنها حاکم بوده است و این استان بیشتر حالت ناظر رشد و توسعه را داشته و از نتایج آن بهره‌مند نبوده است از سوی دیگر شهرستان اردبیل از جهت شاخص‌های ترکیبی از دیگر شهرستان‌های استان به ویژه شهرستان‌های شمالی (گرمی، بیله سوار و پارس‌آباد) که قطب کشاورزی هستند فاصله زیادی دارد و این نواحی به دلیل دوری از راه‌های ارتباطی اصلی قرارگیری در موقعیت مرزی و حاشیه‌ای و ناکارآمدی برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته، نتوانسته‌اند وضعیت مطلوبی متناسب با قابلیت‌های خود داشته باشند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر، با پژوهش‌های (قنبری هفت چشمه و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴)، (یاسوری، ۱۳۸۸)، (تقوایی و بهاری، ۱۳۸۹) در زمینه اختلاف سطح توسعه در بین شهرستان‌ها، و پژوهش (محمودی و زیاری، ۱۳۹۳) در موضوع عدم تأثیر نزدیکی به مرزهای بین‌المللی بر میزان توسعه یافتگی شهرستان‌ها و شهرها، همسو و دارای نتایج مشابه است.

## پیشنهادات

- تقویت و ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی درون و برون استانی با توجه به انزوای جغرافیایی قسمت‌هایی از استان به‌عنوان یکی از اولویت‌های توسعه استان.
- ایجاد و احداث شهرک صنعتی مرزی با جمهوری آذربایجان در محدوده‌ی شمال استان اردبیل (به ویژه شهرستان پارس‌آباد). با توجه به هم‌مرز بودن قسمت‌های شمالی استان با جمهوری آذربایجان گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی به منظور ارتقاء سطح شاخص‌های اقتصادی بسیار ضروری است.
- توسعه ظرفیت‌های گردشگری استان با عملکرد ملی و فراملی و همچنین گسترش و تجهیز قطب‌های تفریحی و سیاحتی، در عرصه‌های گردشگری استان (سند ملی توسعه استان).
- توسعه اشتغال در استان از طریق حل مشکلات واحدهای تولیدی و حمایت از بخش خصوصی و تشویق و ایجاد زمینه‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاران صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری در سطح استان.
- حمایت از شرکت‌های تعاونی تولید صنایع دستی و زمینه‌سازی برای افزایش فرصت‌های شغلی زنان روستایی استان.

- آبادانی و عمران و ارائه خدمات عمومی شایسته به مردم و تکمیل زیرساخت‌های حمل و نقل در سطح استان.  
 - توجه به اینکه اقتصاد اکثر شهرستان‌های استان متکی بر کشاورزی است توجه به توسعه و گسترش صنایع، کشاورزی و دامپروری و تأکید بر افزایش سهم تولیدات دانش محور یکی از راهبردهای اساسی جهت توسعه استان می‌باشد.  
 - شهرستان‌هایی که امتیاز بیشتری کسب نموده‌اند (اردبیل، خلخال و نمین)، از لحاظ سرمایه‌گذاری در اولویت‌های آخر قرار گیرند و شهرستان‌هایی که در سطوح محروم و بسیار محروم (شهرستان‌های سرعین، بيله‌سوار، نیرو کوثر) قرار گرفته‌اند، باید در اولویت برنامه‌ریزی و محرومیت زدایی قرار گیرند و به این مسئله توجه شود توسعه به معنای واقعی در گرو پرداختن به مسئله بخشایش امکانات و جمعیت است.

## منابع

- بختیاری، صادق، دهقانی زاده، مجید، حسین پور، سیدمجتبی (۱۳۸۵)، بررسی جایگاه استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۹، صص ۱۱-۳۹
- بدری، علی، اکبریان رونیزی سعیدرضا، جواهری، حسن (۱۳۸۹)، تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۲.
- بیدآبادی، بیژن (۱۳۶۲)، آنالیز تاکسونومی عددی و کاربرد آن در طبقه‌بندی شهرستان‌ها و ایجاد شاخص‌های توسعه جهت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی.
- پاپلی یزدی محمدحسین، رجی سناجردی، حسین، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، ۱۳۹۰
- تقوایی، مسعود، بهاری، عیسی (۱۳۹۱) سطح بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱.
- توکلی نیا، جمیله و شالی محمد (۱۳۹۰)، نابرابری‌های ناحیه‌ای در ایران، فصل نامه آمایش محیط.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل تفاوت‌های مکانی در توسعه نواحی روستایی استان زنجان.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- خاکپور، براتعلی، باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل نابرابری در سطح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، مجله دانش و توسعه.
- دهقانی، علی (۱۳۷۳)، تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل تفاوت‌های مکانی در توسعه نواحی روستایی استان زنجان.
- زالی، نادر (۱۳۷۹)، سطح بندی توسعه، نمونه موردی استان آذربایجان شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- صادقی‌فر، جمیل، سیدین، سیدحسام، انجم شعاع، مینا، رجی و اسوکلایی، قاسم، موسوی، سیدمیشم، آرمون، بهرام (۱۳۹۳) تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، شماره ۱۱۸.
- شاهنوشی ناصر، گلریز ضیایی زهرا، باقری حمیدرضا (۱۳۸۵)، رتبه بندی نواحی شهر مشهد بر اساس شاخص‌های توسعه شهری، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
- شیخ الاسلامی، علیرضا، یراوندزاده، مریم (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی و سنجش درجه توسعه یافتگی استان لرستان، فصل نامه چشم انداز جغرافیایی زاگرس، سال اول، شماره ۱.

فطرس، محمد حسن، بهشتی‌فر (۱۳۸۸)، محمود، مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش کشاورزی استان‌های کشور در دو مقطع ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲، اقتصاد کشاورزی و توسعه.

قدیر معصوم، مجتبی، حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)، عنوان سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستان‌های استان گلستان؛ نامه علوم اجتماعی؛

قنبری هفت چشمه، ابوالفضل، حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای.

گلدین، یان و ال، آلن و بنترز (۱۳۷۹)، اقتصاد توسعه پایدار، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و غلام رضا آزاد ارمکی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی؛ تهران.

گولت، دنیس (۱۳۷۴)، توسعه: آفریننده و مخرب ارزش‌ها. ترجمه غلامعلی فرجادی برنامه و توسعه

کلانتری، خلیل (۱۳۹۲)، برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوریا و تکنیکها)، انتشارات خوشبین.

لطیفی غلامرضا، نگاهی به تعدادی از تئوری‌های مکانی در برنامه ریزی منطقه‌ای، کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۳۸۸

مرصوصی حکمت نیا، پور محمدی، حسین نظم فر (۱۳۸۹)، تحلیل استراتژی‌های توسعه آذربایجان شرقی، مجله جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای.

محمودی، اصغر، زیاری، یوسف علی (۱۳۹۳)، بررسی و ارزیابی توسعه یافتگی با استفاده از روش تاکسونومی عددی در شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی، فصلنامه مدیریت، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۴۸-۳۵.

موسوی، میر نجف و حسن حکمت نیا (۱۳۸۴)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۶، صص ۶۹-۵۵.

نسترن، مهین، گنجعلی زاده، بهناز، تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه ساخت شهر، ۱۳۸۸

یاسوری مجید (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۲۲۳-۲۰۱.

Bhatia, V.K. & S.C. Rai (2004), Evaluation of socio-economic development in small areas, New Dehli.

Dai, Qian, Yang, jiaqi (2013), Input-output analysis on the contribution of logistics park construction to Regional Economic development, social and Behavioral sciences. Dreze, J. & A. Sen (1995), India: economic development and social opportunity, Oxford University Press.

Dadashpoor H, Alizadeh B, Madani B. (2011), Examining and analyzing the development trends and spatial inequalities in the counties of the West Azerbaijan. Scie; 1(53):173-207.

Escobar, A. 1995. Encountering Development: the Making and Unmaking of the Third World, Princeton a new Jersey: Princeton University Press.

Hadder, R. (2000). Development Geography. London & New York: Routledge.

Klantari khalil identification of backward region in iran geographical research quarterly mashhad in iran 1998 No48

Mansouri, Sales, Mohammad, 1996, Evaluation of Developing of Tehran's Cities, M.A. Testimony of Econmy, Shahid Beheshty University, Tehran

Mohammadi J, Abdoli A, Fathi Biranvand M. The review of development level in counties of Lorestan province with emphasis on sanitarian and educational sectors. J Geo App Res. 2012; (25):127-50

PBOUNDP (1999), Human development report of the Islamic Republic of Iran, Plan and Budget Organization of the Government of Iran and the United Nation, Tehran.

United Nations. (2006). social justice in an open world. The Role of the united nations.

## تحلیل تاثیر شاخص‌های قانونی و علمی تقسیم‌بندی فضا در ارتقاء شهرستان به استان از دیدگاه مردم، مسئولین و متخصصان (مطالعه موردی شهرستان کاشان و پیرامون)

محمد راحمی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

حجت مهکویی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

احمد خادم‌الحسینی\*، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

علی شمس‌الدینی، گروه جغرافیا، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

### چکیده

پویایی، تغییر و تحول از ویژگی‌های فضای جغرافیایی است. در این میان یکی از راهبردهای بنیادی مدیریت فضای جغرافیایی، می‌تواند تقسیم‌بندی فضا به فضاهای کوچک‌تر باشد. موضوع تقسیم‌بندی فضا، در قالب نظام تقسیمات کشوری مطرح می‌شود. به طور کلی هدف اصلی از این فرایند، فراهم سازی بنیان‌های آمایش جغرافیایی فضا و عدالت محیطی در فضای جغرافیایی است. از این رو از دیدگاه دانش جغرافیای سیاسی کاربردی، تقسیم‌بندی متعادل فضای کشور در قالب تقسیمات اداری و سیاسی، مقوله‌ای ضروری به نظر می‌رسد. در کشور ما، با توجه به نوع حاکمیت و مقتضیات محیط طبیعی و انسانی، بارها این تقسیم‌بندی‌ها دستخوش تغییر شده و می‌شود. در چارچوب رویکرد فوق، هدف پژوهش حاضر، تحلیل تاثیر مولفه‌های قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامون، به سطح یک استان از دیدگاه مردم، مسئولین و متخصصان است. روش کلی مطالعه مبتنی بر روش میدانی به کمک طراحی و تحلیل پرسشنامه صورت گرفته است. در این راستا به بررسی آماری متغیرهای موثر و میزان تأثیر آن‌ها در ارتقا شهرستان کاشان در سه جامعه آماری مردم بومی (۳۸۴ نفر)، مسئولین (۲۳ نفر) و کارشناسان جغرافیای سیاسی (۱۷ نفر) اقدام شد. نتایج بدست آمده با استفاده از روش آنالیز واریانس و آزمون دانکن تحلیل شدند که نشان داد؛ از بین مردم و مسئولین و کارشناسان، پیشنهاد استان شدن شهرستان کاشان، از نظر مسئولین، با رتبه بالا و از دیدگاه کارشناسان با رتبه کمتری است. همچنین به ترتیب الویت، متغیرهای جمعیت، فاصله، دسترسی، حوزه نفوذ، همگنی جمعیت در ارتقا شهرستان کاشان به استان مؤثرند. از سوی دیگر نتایج آزمون دانکن، نشان داد میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان در ساکنان آران و بیدگل بیشتر از ساکنان میمه، محلات و دلیران است و در بین ساکنان نظنز، اردستان و کاشان بیشتر از محلات و دلیران است.

**کلمات کلیدی:** سازمان‌دهی سیاسی فضا، تقسیمات کشوری، تعادل فضایی، حوزه نفوذ، شهرستان کاشان.

## مقدمه

## ۱- طرح مسأله

یکی از مسائل و چالش‌های اساسی در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری نواحی داخلی کشور، بحث نظام تقسیماتی و ناحیه‌بندی سیاسی است. در داخل هر واحد سیاسی به ویژه در سطح یک کشور مستقل به منظور تسهیل در اداره امور و ایجاد حداکثر کارایی و... تقسیماتی صورت می‌گیرد، کارکردهای سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این واحدها ایجاب می‌کند، که به منظور بهینه‌سازی و ارتقای سطح کارکردهای آن، در چارچوب کلیت دولت ملی، سازمان و ساختار مناسب تقسیماتی ترتیب داده شود تا به صورت مجموعه‌ای هماهنگ در جهت اهداف محلی و ملی یک دولت و نظام سیاسی وظایف مربوطه را انجام دهند، که این امر تسهیل‌کننده حاکمیت ملی و مدیریت سرزمینی را حتی در دورترین نقاط کشور ممکن می‌سازد. در نتیجه اگر این تقسیمات به طور کارآمد طراحی شده باشد می‌تواند پایه‌های حاکمیت دولت را در کلیه نقاط کشور نیرومند سازد (قنبری، ۱۳۸۷).

نظام تقسیمات کشوری فرایندی است که تعیین‌کننده ساختار سلسله مراتب تشکیلات اداری، نحوه استقرار فضایی بخش‌های مختلف اداری، حجم نیروی انسانی، توزیع منابع مالی در بخش‌های عمرانی، تعامل قومی- فرهنگی، نظام مدیریتی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱). در همین ارتباط محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری در واقع ظرف مکانی به شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، وضعیت توپوگرافیک، آمایش سرزمینی جمعیت، ساختار فرهنگی و قومیتی، فعالیت، زیرساخت‌ها، تشکیلات، روابط، حرکات و... دانست (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۰). بنابراین در ظرف زمان و مکان، نظام تقسیمات کشوری یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین اهداف همه دولت‌ها به منظور مدیریت پایدار سرزمین در راستای یک پارچگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی محسوب می‌شود (علی‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

در حال حاضر پنج عامل، تقسیمات کشوری یا قلمروهای اداری و استانی کنونی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد: استفاده از فن‌آوری، مسائل جمعیتی و اقتصادی، محدودیت منابع، قومیت‌ها و سوءمدیریت (مقیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). در قانون تقسیمات کشوری، مصوب سال ۱۳۶۲ ه.ش، مبنای واحدسازی عمدتاً تک معیاری و برپایه تعداد جمعیت در نظر گرفته شده است؛ در حالی که آنچه که تقسیم می‌شود فضاست و جمعیت، یکی از عناصر عمده محتوایی آن به شمار می‌رود. البته شاید در نظر گرفتن عامل جمعیت در فضاهای جغرافیایی که دارای تجانس و پراکندگی متعادل هستند تا اندازه‌ای واقع‌بینانه باشد و دست‌یابی به الگوی مطلوب را میسر سازد؛ به ویژه اگر از تجانس توپوگرافیک و شبکه ارتباطی متوازن و بنیادهای زیستی مناسب و متعادل برخوردار باشد. ولی در مورد فضاهای جغرافیایی ایران که در آن ساختار طبیعی و توپوگرافیکی نامتجانس، شبکه ارتباطی ناقص، الگوی پخش جمعیت و منابع زیستی نامتعادل و گروه‌های فرهنگی و قومی نامتجانس است؛ بسنده کردن به عامل جمعیت در تقسیمات کشوری امری نادرست است. از این رو اصلاح قانون تقسیمات کشوری و در نظر گرفتن الگوی ترکیبی و چندمعیاری برای سازماندهی فضا ضروری است. بدیهی است که باید در این الگوی ترکیبی به معیارها و عوامل توپوگرافیک، وسعت فضا، دسترسی و پراکندگی سکونتگاه‌ها، جمعیت، همسایگی، بنیادهای زیستی، ساختار اقتصادی و اجتماعی، درجه تجانس ناحیه‌ای، ساختار اقلیمی، ساختار فرهنگی - قومی و... توجه کرد تا امکان دست‌یابی به الگوی متوازن تقسیمات فضا فراهم شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۹۷).

در شرایط کنونی در فرایند تقسیمات اداری- سیاسی استان اصفهان نیز این گونه مسائل نیز مطرح شده و می‌شود. در این استان مسائلی برای برخی شهرستان‌ها از جمله شهرستان کاشان مشاهده می‌شود. مشکلاتی از قبیل فاصله زیاد شهرستان کاشان و برخی

شهرستان‌های اطراف تا مرکز استان، جهت انجام مأموریت‌های اداری، نارضایتی برخی مدیران از انجام‌گند پروژه‌ها و یا عدم اجرا به علت دوری و وابستگی به استان، عدم تخصیص بودجه به شهرداری‌ها از طرف دولت، باعث احساس نابرابری در جامعه بومی و مسئولین منطقه، شده است و مقایسه منطقه کاشان، آران و بیدگل و مناطق اطراف با سایر مرکز استان‌های کشور از نظر شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و جغرافیایی، این دغدغه را فراهم ساخت تا به این مقوله از دیدگاه سازمان‌دهی سیاسی فضا مورد کاوش قرار گیرد. از آنجا که مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص‌های رسمی قانونی و علمی عبارت‌اند از: شاخص جمعیت، همگنی جامعه در قانون تقسیمات، دسترسی و فاصله و شاخص حوزه نفوذ مکان مرکزی می‌باشد (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷). در چارچوب فرایند این مطالعه و با توجه به ساختار پژوهشی آن، فرضیات زیر مطرح شده است:

فرضیه اول؛ مولفه جمعیت به عنوان مهم‌ترین پارامتر در سازمان‌دهی فضا و قانون تقسیمات کشوری، ارتباط قوی با ارتقاء به سطح استان در شهرستان کاشان دارد.

فرضیه دوم؛ میزان فاصله از مرکز در اثبات ارتقاء به سطح استان در شهرستان کاشان موثر است.

فرضیه سوم؛ همگنی جامعه محدوده مطالعاتی تاثیر مستقیمی بر ارتقاء شهرستان کاشان به سطح استان دارد.

فرضیه چهارم؛ ارتباط مستقیمی بین زیاد بودن حوزه نفوذ و ارتقاء شهرستان کاشان به سطح استان وجود دارد.

در دوره معاصر عوامل متعددی الگوی تقسیمات کشور تحت تأثیر قرار داده که به‌طور کلی به سه دسته؛

شاخص‌های علمی و قانونی

عوامل جغرافیایی سیاسی امنیتی و راهبردی

عوامل غیرعلمی تقسیم شود

هر یک از این عوامل نیز به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌شود در میان این عوامل شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی که یک عامل جغرافیایی سیاسی در دوره معاصر بیشترین تأثیر را بر روی تقسیمات کشوری داشته است، حکومت متمرکز و بسیط در دوران معاصر باعث شده حکومت با در اختیار داشتن تمام قدرت سیاسی و اداری و اختیار تصمیم‌گیری در تمام امور محلی منطقه‌ای و ملی نظام تقسیمات کشوری را با توجه به امیال خود به هر نحوی که می‌خواهد طراحی و پیاده کند. در این دوره به موارد بسیاری شاخص‌های علمی و قانونی تحت تأثیر عوامل غیرعلمی و سیاسی و امنیتی قرار گیرد (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۶). در این راستا پژوهش حاضر سعی دارد تا در چارچوب مؤلفه‌های قانونی و علمی از دیدگاه جغرافیای سیاسی کاربردی، اثرات این مولفه‌ها را در ارتقاء شهرستان کاشان به استان، با توجه به مشکلات و موانع موجود از دیدگاه مردم، مسئولان مربوطه و متخصصان جغرافیای سیاسی مورد بررسی و تحلیل و مقایسه قرار دهد.

## ۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

### سازمان‌دهی سیاسی فضا و الگوی تقسیمات کشوری

از مهمترین اهداف مدیریت سیاسی فضا، ایجاد یک توسعه متوازن در سطح سرزمین است؛ توسعه‌ای که از طریق ارائه بهینه خدمات در سطح سرزمین، باعث کاهش نابرابری‌ها و ایجاد یک عدالت فضایی در سطح سرزمین شود. مدیریت سیاسی فضای یک کشور از طریق تقسیمات اداری- سیاسی صورت می‌گیرد؛ از این رو تقسیمات کشوری از مهم‌ترین مسائلی است که به منظور هرگونه برنامه‌ریزی‌های مدیریتی در سطح کشور و یا نواحی به منظور کاهش نابرابری‌ها و توسعه متوازن همه نواحی یک کشور صورت می‌گیرد و کارآمدی آن، زمانی محقق خواهد شد که بتواند بستر مناسبی را برای رشد و توسعه متوازن همه نواحی فراهم نماید که این امر در صورت وجود ظرفیت‌های قانونی، دستیابی به توسعه محلی از طریق تقسیمات سیاسی بهینه امکان‌پذیر خواهد بود (عاملی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵). بنابراین کارکردهای سیاسی و غیرسیاسی واحدهای تقسیماتی یک

کشور، ایجاب می‌کند که به منظور بهینه‌سازی و ارتقای سطح کارکردهای آن در چارچوب کشور، سازمان و ساختار مناسب، تقسیماتی ترتیب داده شود تا این واحدها به صورت مجموعه‌های هماهنگ و در جهت اهداف محلی و ملی نظام سیاسی، به وظایف خود عمل کنند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۱). به طور کلی نحوه اعمال اراده سیاسی و چگونگی توزیع قدرت یک حکومت در سطح و فضای درون واحد سیاسی از مهم‌ترین مباحث جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان سازمان سیاسی فضا مطرح است (قالیباف، ۱۳۸۶: ۱۳).

سازمان‌دهی سیاسی فضای هر کشور در قالب تقسیمات کشوری به اجرا در می‌آید. در واقع تقسیم‌بندی اداری-سرزمینی در هر کشوری، مبنایی برای سازمان‌دهی سیاسی و اداره آن کشور است (تومانیان، ۲۰۰۵: ۲۱). به طور کلی عوامل موثر بر تقسیم‌بندی فضای سرزمینی در ایران به دو دسته عوامل تاریخی و معاصر تقسیم می‌شود در دوران تاریخی عوامل زیر در تقسیم‌بندی فضای سرزمینی کشور موثر بوده‌اند (شکل ۱):



شکل (۱): عوامل مؤثر در دوران تاریخی بر نظام تقسیم‌بندی فضا در ایران (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

در دوره معاصر نیز عوامل متعددی الگوی تقسیمات کشوری را تحت تأثیر قرار داده که به سه دسته: الف- شاخص‌های رسمی یا قانونی؛ ب- عوامل جغرافیای سیاسی، امنیتی و راهبردی؛ و ج- عوامل غیررسمی تقسیم می‌شوند (شکل ۲).



شکل (۲): عوامل مؤثر در دوران معاصر بر نظام تقسیم‌بندی فضا در ایران (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷)



در میان این عوامل شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی که به عنوان یک عامل جغرافیای سیاسی در دوره معاصر، بیشترین میزان تأثیر را بر الگوی تقسیم‌بندی فضایی کشوری داشته است، به طوری که در موارد بسیاری، شاخص‌های رسمی و قانونی، متأثر از عوامل غیررسمی و سیاسی امنیتی قرار گرفته است (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷). پیامد چنین نگرشی در تقسیم‌بندی فضایی سرزمین ایران باعث دور شدن کشور از اهداف عالی تقسیم‌بندی سیاسی فضا بر مبنای قانونی و علمی شده است که این مسئله خود سبب‌ساز بروز بی‌نظمی‌هایی در سیستم اداری کشور و به وجود آمدن مشکلات فراوانی برای جامعه بومی در هر منطقه‌ای می‌باشد (بلوچی و لطفی، ۱۳۹۶: ۱۵).

از آنجا که شاخص‌های قانونی و علمی شامل حوزه نفوذ، دسترسی و فاصله، همگنی جامعه، شاخص جمعیت می‌باشد. پژوهش حاضر این متغیرها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

### حوزه نفوذ<sup>۱</sup>

حوزه نفوذ، شامل حداکثر فاصله‌ای است که یک مصرف‌کننده، تمایل به طی آن دارد تا کالا و خدمات مورد نیاز خود را با هزینه مناسب به دست آورد (شکویی، ۱۳۶۹: ۳۸۵). حوزه نفوذ یک شهر عبارت از ناحیه‌ای است که یک مکان مرکزی قادر است مصرف‌کنندگان را از نواحی پیرامون به سوی خود کشیده و کالا و خدمات تولید و عرضه‌شده در مکان مرکزی را در گستره نواحی توزیع کند. حوزه نفوذ یک شهر دارای یک حد کاملاً مشخص و قطعی نیست، بلکه به صورت طیفی از شدت روابط بین شهر و نقاط اطراف آن مطرح می‌شود. به طوری که هر چه از شهر مرکزی دورتر شویم شدت این روابط کمتر می‌شود. طبیعی است که این میدان نفوذ با افزایش تعیین حوزه نفوذ یک شهر می‌توان از عوامل زیر کمک گرفت:

- عرضه کالای شهری و تدارک مصنوعات ساخته‌شده در شهر؛
- ارائه خدمات درمانی و بهداشتی مستقر در شهر؛
- ارائه سرویس‌های خدماتی و تعمیراتی موجود در شهر؛
- شبکه ارتباطی و امکانات حمل‌ونقل مسافری و کالایی؛

شایان ذکر است که با توسعه ارتباطات و ماشینی شدن و سایر وسایط نقلیه روز به روز از مرزهای سیاسی-اداری و تعیین حوزه‌های نفوذ شهری کاسته می‌شود و بنابراین نمی‌توان حوزه‌های نفوذ شهری را با مرزهای جغرافیایی تعیین کرد (سرایی و اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۴).

### شاخص جمعیت

واژه جمعیت در لغت به معنی تمام افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی اعم از شهر یا روستا زندگی می‌کنند. در جمعیت‌شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را «جمعیت» می‌گویند (تقوی، ۱۳۹۵: ۳) و در اصطلاح به کلیه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (کاظمی پور، ۱۳۹۵: ۱۳).

### فاصله دسترسی تا مرکز استان

دسترسی آزادی یا توانایی مردم برای برآوردن نیازهای اساسی به دلیل حفظ کیفیت زندگی‌شان و حرکت و آسانی جابجایی یا کاهش هزینه‌ها در کیلومتر و افزایش سرعت و کاهش زمان بین حرکت مقصد و مبدأ تعریف شده است (لیوین و گرب، ۲۰۰۲: ۴۱).

## همگنی جامعه

همگنی یک نقطه سکونتگاهی با سایر نقاط یک سطح به لحاظ در پارامترهای فرهنگی مذهبی قوی و نژادی و روابط اقتصادی در تعیین مرکزیت مؤثر است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

دوگانگی یا چندگانگی قومی از اهمیت وافر برای دولت‌های جهان برخوردار است. دولت‌ها برای رسیدن به جمع‌بندی درست از وضعیت قومی و تدوین یک سیاست کارآمد نیاز به شاخص‌های مشخصی دارند. از سوی دیگر نحوه دستیابی به چنین شاخص‌ها و آمارهایی در کشورهای پرجمعیت از مسیر پیمایش‌های میدانی کلان به‌ویژه سرشماری می‌گذرد. سیاست سنتی و نانوخته دولت ایران از آغاز سرشماری‌ها در دهه ۱۳۳۰ بر این مبنا قرار گرفته است که از پرسش در خصوص زبان و ریشه قومی شهروندان به هنگام سرشماری خودداری کند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۴: ۴). همگنی جامعه فاصله دسترسی تا مرکز استان

## پیشینه پژوهش

تا کنون مطالعات فراوانی چه در ایران چه در خارج از ایران درباره موضوع سازماندهی فضا و تقسیمات کشوری صورت گرفته است. از جمله تازه‌ترین این مطالعات در ایران موارد زیر را می‌توان اشاره نمود:

- (اعظمی و دبیری ۱۳۹۰)؛ تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران با استفاده از روش کتابخانه‌ای نتیجه گرفتند: عوامل مؤثر در نحوه تقسیمات کشوری در ایران به دو دوره تقسیم شده است: دوران تاریخی که از شکل‌گیری اولین حکومت سرزمینی آغاز می‌شود و تا تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۲۸۵ ه.ش ادامه می‌یابد. دومین مرحله دوران معاصر است که از تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری و شکل‌گیری حکومت بسیط و متمرکز آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد.

- (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۱)؛ بررسی تأثیرات شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه نیافتگی آن با استفاده از روش با روش توصیفی - تحلیلی نتیجه گرفتند: که استان ایلام دارای شکلی طویل و کشیده و دارای یک زائده در شمال شرقی است که آن را در زمره شکل‌های دنباله‌دار قرار داده است. به عبارت دیگر این استان از معایب دو شکل طویل و دنباله‌دار برخوردار می‌باشد.

- (شکور و همکاران، ۱۳۹۳)؛ ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای با استفاده از توصیفی - تحلیلی با رویکردی توسعه‌ای نتیجه گرفتند: مشکلاتی مانند وسعت زیاد استان فارس، گسترش افقی استان فارس، نامناسب بودن شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان‌های استان فارس، تعداد زیاد شهرستان، نامناسب بودن وضعیت راه‌های ارتباطی و ... اشاره نمود که این مسائل زمینه تقسیم استان فارس را ضروری نموده است.

- (بهادر و همکاران، ۱۳۹۴)؛ سازمان‌دهی سیاسی فضا و چالش‌های ناحیه‌ای در ایران با استفاده از روش با روش تحلیلی توصیفی نتیجه گرفتند: سازماندهی نامناسب سیاسی فضا بخصوص شکل طویل و دنباله‌دار این استان‌ها، چالش‌های زیادی را برای اداره امور آنها بوجود آورده که از مهمترین آنها می‌توان به عدم ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی، مرزهای طولانی و آسیب‌پذیری بیشتر، رقابت‌های قومی و ایلی، عدم شکل‌گیری حس تعلق، توسعه نامتوازن، عدم شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی منظم، عدم شکل‌گیری قطب رشد، تداخل حوزه‌های انتخاباتی با حوزه‌های قومی و ایلی، قوم‌گرایی، ایل‌گرایی و .. اشاره کرد.

- (لطفی، ۱۳۹۵)؛ سازمان‌دهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نتایج پژوهش حاکی از شکاف ملموس نابرابری از لحاظ سهم شاخص‌های توسعه پایدار در سطح شهرستان‌های استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی می‌باشد که شاخص‌های مورد بررسی و رتبه‌بندی آن‌ها خود گویای این مطلب می‌باشد.

- (راحمی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ بررسی سازماندهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور و آثار متنوع دیگر با استفاده از روش تحلیلی کمی نتیجه گرفتند: در مجموع مقایسه فاصله بر اساس جمعیت نشان می‌دهد که کاشان بر اساس پتانسیل جمعیتی و دوری از مرکز استان، شرایط مناسب‌تری برای ادعای جداسازی می‌تواند داشته باشد و علت اصلی آن هزینه بر بودن رفت و آمدها جهت حل مسائل اداری و مردمی به مرکز استان اصفهان است.

برخی از جدیدترین مطالعات صورت گرفته در سطح جهان نیز عبارتند از:

- (فدریکو بویفا و همکاران، ۲۰۱۵)؛ در پژوهشی تحت عنوان تمرکز سیاسی و پاسخگویی دولت، با استفاده از روش خوشه بندی نشان می‌دهد: یک سیستم فدرال تنها در صورتی که اطلاعات به اندازه کافی در مناطق مختلف متفاوت باشد مطلوب است.

- (باززی و گودجان، ۲۰۱۸)؛ مرزهای سیاسی تقسیمات قومی با استفاده از روش کمی تحلیلی نشان داد که بازآرایی مرزهای سیاسی فراملی می‌تواند اختلافات قومی را دگرگون کند. همچنین نشان داد که چگونه اثرات تنوع قومی بر منازعه به واحدهای سیاسی که در آن گروه‌ها سازماندهی می‌شوند بستگی دارد.

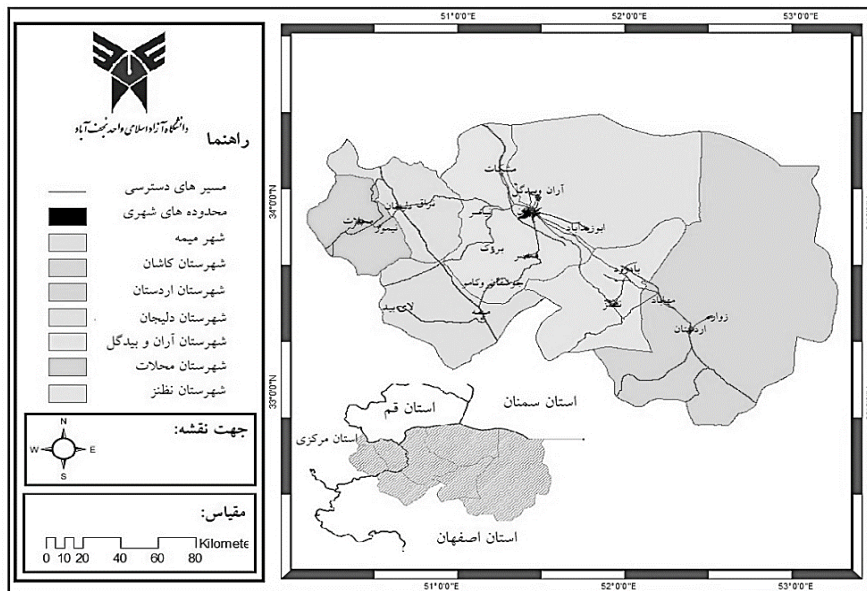
- (شرستا، ۲۰۱۹)؛ ارائه مقیاس و فضایی: بازسازی مرز اداری و نقشه‌برداری با GIS در منطقه باخانگک نیال با استفاده از روش کمی و تکنیک‌های جی آی اس نتیجه گرفت که تغییر ساختار مرزهای اداری به واحد بزرگتر، جزئیات مربوط به نمایندگی مکانی را ساده‌تر کرده و تعمیم بیشتری را ارائه داده است. برای تجزیه و تحلیل سطح سیاست، استفاده از داده‌های موجود در یک سطح از واحد مکانی زمانی که در سطح بالاتر جمع می‌شوند باید با استفاده از روش‌های طبقه بندی داده‌های مختلف و ابزارهای تجسم به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند زیرا مقیاس بندی مکانی در برنامه ریزی و بعد سیاسی اهمیت دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در مقیاس مکانی مختلف برای تجسم و شناسایی تغییرات مکانی معنی دار است.

- (کرافت و نراد، ۲۰۱۹)؛ مرزهای اداری، دسترسی به حمل و نقل و روابط کارکردی: ایشان نقش تحقق اصل عدالت فضایی از طریق دسترسی زمانی مراکز اداری از مناطق اداری خود و از طریق جریانهای مکانی فعلی اقتصادی-اجتماعی (بیان شده توسط رفت و آمد روزانه) ارزیابی کردند. همچنین مشکل دارترین مناطق اداری در جمهوری چک از لحاظ دسترسی و نقش آنها در فضا ذکر شد.

### قلمرو جغرافیایی تحقیق

قلمرو مطالعاتی شامل شهرستان کاشان و شهرستان‌های اطراف آن بر اساس فرمول تعیین حوزه نفوذ آن شامل: آران و بیدگل، نطنز، اردستان، محلات، دلیجان، و میمه تشکیل می‌دهد (راحمی و همکاران، ۱۳۹۷). شهرستان کاشان در عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه و طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۴ دقیقه واقع شده است. این شهرستان در شمال استان اصفهان قرار گرفته که از طرف شمال به گرمسار و قم و دریاچه نمک، از جنوب به شهرستان‌های نطنز و برخوار و میمه، از شرق به شهرستان‌های آران و بیدگل و نطنز و از غرب به محلات و دلیجان در استان مرکزی محدود می‌شود. (قندی، ۱۳۹۶: ۱۰) (شکل ۳).

1. Federico boffa et al
2. Bazzi and Gudgeon
3. Shrestha
4. Kraft and Nerad



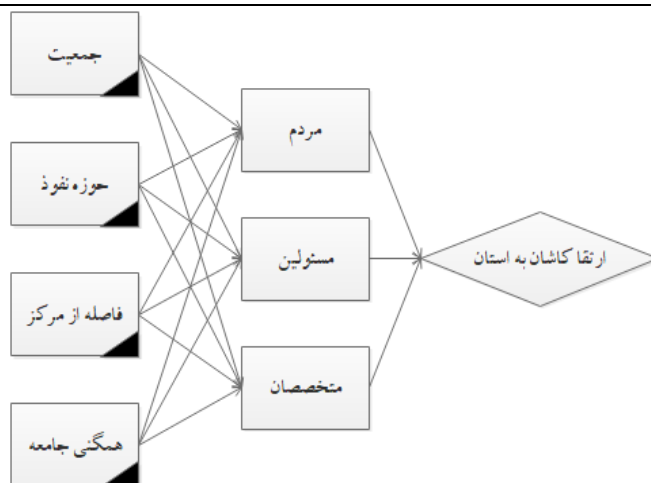
شکل (۳): قلمرو مطالعاتی و حوزه نفوذ آن

## روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و نیز، از نظر ماهیت، پژوهش توصیفی-تحلیلی محسوب می شود. روش تحقیق این پژوهش، اسنادی و میدانی است. بدین ترتیب که در مراحل مقدماتی تبیین و تعریف مسئله و اهداف، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق، مطالعات مقدماتی قلمرو مکانی، گزینش نمونه و تنظیم پرسشنامه و ... تا حدودی از روش اسنادی و مطالعات دفتری بهره می گیرد؛ و در مراحل اجرای یافته های تحقیق، یعنی گردآوری داده ها برای اندازه گیری متغیرها از مطالعات میدانی استفاده شد. با توجه به ماهیت تحقیق و اقتضای روش های مورد استفاده در آن ها، از تکنیک های گردآوری اسناد و آمار و پرسش گری استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل سه دسته مردم، متخصصین و کارشناسان حوزه جغرافیای سیاسی و مسئولین منتخب از شهرستان های کاشان و حوزه نفوذ آن (ذکر شده در قسمت محدوده مطالعاتی) انتخاب شدند. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری احتمالی طبقه بندی شده استفاده کردیم. و برای تعیین حجم نمونه ها برای (۳۸۴ نفر از مردم، ۲۳ نفر از مسئولین مربوطه و ۱۷ نفر از کارشناسان) از فرمول کوکران و جدول مورگان استفاده شد همچنین ابزاری که در تکنیک پرسش گری مورد استفاده محققین قرار گرفت، پرسشنامه محقق ساخته بوده و تحلیل داده ها در نهایت در نرم افزار اسپاس با استفاده از روش آزمون تعقیبی مانکن و آنالیز واریانس، مورد بررسی قرار گرفتند. شکل زیر مدل مفهومی پژوهش و مراحل آن را نشان می دهد (شکل ۴). به منظور روایی محتوای پرسشنامه و همچنین سنجش روایی، از روایی همگرا و واگرا به روش دلفی (نظر خبرگان) که شامل استادان و کارشناسان این حوزه است، ارزیابی شد؛ و برای بررسی پایایی، از آزمون آماری آلفای کرونباخ استفاده شد. هر قدر شاخص آلفای کرونباخ به ۱ نزدیک تر باشد، همبستگی درونی بین سؤالات بیشتر و در نتیجه پرسش ها همگن تر خواهند بود. کرونباخ ضریب پایایی ۰/۴۵ را کم، ۰/۷۵ را متوسط و قابل قبول و ضریب ۰/۹۵ را زیاد پیشنهاد کرده (کرونباخ، ۱۹۵۱). ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش در جدول زیر (جدول ۱) محاسبه شد.

جدول (۱): محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	آلفای کرونباخ
جمعیت	۰/۸۱
فاصله دسترسی به مرکز	۰/۹۲
همگنی جامعه	۰/۸۵
حوزه نفوذ	۰/۸۷



شکل (۴): مدل مفهومی روش انجام پژوهش

## بحث و یافته‌ها

در تحلیل یافته‌های این مطالعه، در گام نخست، به تعیین حجم نمونه پرداخته شد. دو نمونه از روش‌های متداول در تحقق این هدف، استفاده از فرمول شارل کوکران و جدول مورگان است. برای بررسی جامعه مردم شهرستان‌ها از فرمول کوکران و برای مسئولین و کارشناسان جغرافیای سیاسی به علت محدود بودن جامعه آماری این دو گروه، از جدول مورگان استفاده شد. حجم جامعه نمونه آماری به ترتیب برای ۳۸۴ نفر از مردم، ۲۳ نفر از مسئولین مربوطه و ۱۷ نفر از متخصصان تعیین گردید. در این پژوهش، بر اساس مقیاس ترتیبی و طیف پنج درجه‌ای لیکرت، از پرسشنامه‌ای پنج گویه‌ای به‌عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، استفاده شد.

## توزیع فراوانی جنس پاسخگویان

برای متغیر جنس، فراوانی و درصد، محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. در گروه مردم، ۵۸/۹ درصد مرد و ۴۱/۱ درصد زن هستند. در گروه مسئولین، ۹۱/۳ درصد مرد و ۸/۷ درصد زن هستند. در گروه متخصصین ۶۴/۷ درصد مرد و ۳۵/۳ درصد زن هستند (جدول ۲).

جدول (۲): توزیع جنسیت پاسخگویان

جنس	مردم		مسئولین		متخصصین	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد	۲۲۶	۵۸/۹	۲۱	۹۱/۳	۱۱	۶۴/۷
زن	۱۵۸	۴۱/۱	۲	۸/۷	۶	۳۵/۳
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۲۳	۱۰۰/۰	۱۷	۱۰۰/۰

## توزیع فراوانی سن پاسخگویان

برای متغیر سن، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. در گروه مردم، ۲۲/۴ درصد زیر ۲۰ سال، ۲۱/۱ درصد بین ۲۰-۳۰ سال، ۱۹/۳ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۲۰/۶ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۱۶/۷ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. در گروه مسئولین، ۲۶/۱ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۴۳/۵ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۳۰/۴ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. در گروه متخصصین ۴۷/۱ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۳۵/۳ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۱۷/۶ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. (جدول ۳).

جدول (۳): توزیع فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان

سن	مردم		مسئولین		متخصصین	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
>۲۰	۸۶	۲۲/۴	-	-	-	-
۲۰-۳۰	۸۱	۲۱/۱	-	-	-	-
۳۱-۴۰	۷۴	۱۹/۳	۶	۲۶/۱	۸	۴۷/۱
۴۱-۵۰	۷۹	۲۰/۶	۱۰	۴۳/۵	۶	۳۵/۳
<۵۰	۶۴	۱۶/۷	۷	۳۰/۴	۳	۱۷/۶
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۲۳	۱۰۰/۰	۱۷	۱۰۰/۰

### توزیع فراوانی میزان تحصیلات

برای متغیر تحصیلات، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است (جدول ۴).

جدول (۴): توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی پاسخگویان

تحصیلات	مردم		مسئولین		متخصصین	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ابتدایی	۶۰	۱۵/۶	-	-	-	-
راهنمایی	۹۷	۲۵/۳	-	-	-	-
دیپلم	۱۱۲	۲۹/۲	-	-	-	-
لیسانس	۷۴	۱۹/۳	۱۰	۴۳/۵	۲	۱۱/۸
ارشد و دکتری	۴۱	۱۰/۷	۱۳	۵۶/۵	۱۵	۸۸/۲
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۲۳	۱۰۰/۰	۱۷	۱۰۰

### توزیع فراوانی شهر

برای متغیر شهر، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. از کل نمونه مورد بررسی، ۴/۷ درصد از اردستان، ۴۰/۶ درصد از کاشان، ۴/۹ درصد از نطنز، ۲۶/۳ درصد از آران و بیدگل، ۱۱/۵ درصد از شاهین شهر و میمه، ۶/۳ درصد از محلات و ۵/۷ درصد از دلیرجان است (جدول ۵).

جدول (۵): توزیع فراوانی محل اقامت پاسخگویان

شهر	فراوانی	درصد
اردستان	۱۸	۴/۷
کاشان	۱۵۶	۴۰/۶
نطنز	۱۹	۴/۹
آران و بیدگل	۱۰۱	۲۶/۳
شاهین شهر و میمه	۴۴	۱۱/۵
محلات	۲۴	۶/۳
دلیرجان	۲۲	۵/۷
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰

### شاخص‌های توصیفی متغیرها

برای متغیرهای اصلی تحقیق، میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه شده است. نتایج این محاسبات در جدول زیر ارائه شده است. نمرات در بازه ۱ تا ۵ قابل تغییر هستند (جدول-۶).

جدول (۶): شاخص‌های توصیفی متغیرها

متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
نقش مولفه جمعیت در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۵۸	۰/۸۷	-۰/۳۲	-۰/۵۴	۱/۲۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۶۹	۰/۶۵	-۰/۶۱	۰/۷۱	۲/۰۰	۴/۸۰
	متخصصین	۱۷	۳/۱۸	۰/۴۶	۰/۴۰	-۰/۸۲	۲/۶۰	۴/۰۰
نقش میزان فاصله از مرکز در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۵۶	۰/۹۲	-۰/۴۰	-۰/۶۷	۱/۲۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۴۴	۰/۶۹	-۰/۵۶	۰/۷۴	۱/۴۰	۴/۲۰
	متخصصین	۱۷	۳/۲۹	۰/۵۷	۰/۱۴	-۰/۶۶	۲/۴۰	۴/۲۰
نقش دوری حوزه نفوذ در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۴۴	۰/۷۵	-۰/۱۹	-۰/۳۵	۱/۶۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۱۸	۰/۸۹	۰/۲۶	-۰/۳۴	۱/۶۰	۵/۰۰
	متخصصین	۱۷	۲/۹۶	۰/۸۰	-۰/۱۸	-۰/۵۳	۱/۶۰	۴/۴۰
نقش همگنی جامعه در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۲۴	۰/۹۷	۰/۰۱	-۰/۹۴	۱/۰۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۵۷	۰/۳۷	-۰/۶۵	۰/۶۶	۲/۶۰	۴/۲۰
	متخصصین	۱۷	۳/۱۲	۰/۶۲	۰/۱۰	-۰/۵۸	۲/۰۰	۴/۲۰

### بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

ابتدا باید از توزیع آماری متغیری که مورد آزمون قرار می‌گیرد، اطمینان حاصل کرد. برای نمونه، پیش‌نیاز گرفتن آزمون‌های پارامتری نرمال بودن توزیع آماری متغیرهاست. برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون، نشان دهنده نرمال بودن توزیع متغیر است. اگر سطح معنی‌داری آزمون، بزرگتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر تایید شده است و نتیجه گرفته می‌شود که توزیع متغیر مورد نظر، نرمال می‌باشد. با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده، این نتیجه بدست می‌آید که تمام متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند (سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵)، (جدول ۷).

جدول (۷): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	گروه	تعداد	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
نقش مولفه جمعیت در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۹۸	۰/۰۸۱
	مسئولین	۲۳	۰/۶۸۵	۰/۷۳۶
	متخصصین	۱۷	۰/۶۰۳	۰/۸۶۰
نقش میزان فاصله از مرکز در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۶۹	۰/۰۹۵
	مسئولین	۲۳	۱/۱۶۰	۰/۱۳۶
	متخصصین	۱۷	۰/۷۱۴	۰/۶۸۷
نقش دوری حوزه نفوذ در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۶۲	۰/۰۹۷
	مسئولین	۲۳	۰/۴۸۸	۰/۹۷۱
	متخصصین	۱۷	۰/۶۷۹	۰/۷۴۶
نقش همگنی جامعه در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۷۶	۰/۰۹۳
	مسئولین	۲۳	۰/۷۹۲	۰/۵۵۷
	متخصصین	۱۷	۰/۴۳۸	۰/۹۹۱

## تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تحلیل تاثیر پارامترها از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ می‌باشند. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است، در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده نقش بیشتر و در صورتی که میانگین کمتر از ۳ باشد نشان دهنده نقش کمتر است. نتایج این آزمون در جدول زیر آمده است (جدول ۸).

جدول (۸): نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای برای بررسی میزان نقش شاخص‌ها در ارتقاء شهرستان کاشان

مقدار آزمون = ۳					تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معنی داری	متغیر	گروه
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۳/۱۷	۰/۸۷	۳/۵۸								
۰/۰۰۱	۲۲	۵/۰۳	۰/۶۵	۳/۶۹	۲۳	مسئولین						
۰/۱۳۶	۱۶	۱/۵۷	۰/۴۶	۳/۱۸	۱۷	متخصصین						
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۳۶	۰/۷۵	۳/۴۴	۳۸۴	مردم	نقش دوری حوزه نفوذ در ارتقاء شهرستان کاشان					
۰/۳۳۵	۲۲	۰/۹۹	۰/۸۹	۳/۱۸	۲۳	مسئولین						
۰/۸۵۸	۱۶	-۰/۱۸	۰/۸۰	۲/۹۶	۱۷	متخصصین						
۰/۰۰۱	۳۸۳	۴/۸۶	۰/۹۷	۳/۲۴	۳۸۴	مردم	نقش همگنی جامعه در ارتقاء شهرستان کاشان					
۰/۰۰۱	۲۲	۷/۴۷	۰/۳۷	۳/۵۷	۲۳	مسئولین						
۰/۴۴۹	۱۶	۰/۷۸	۰/۶۲	۳/۱۲	۱۷	متخصصین						
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۸۷	۰/۹۲	۳/۵۶	۳۸۴	مردم	نقش میزان فاصله از مرکز در ارتقاء شهرستان کاشان					
۰/۰۰۵	۲۲	۳/۰۸	۰/۶۹	۳/۴۴	۲۳	مسئولین						
۰/۰۵۱	۱۶	۲/۱۱	۰/۵۷	۳/۲۹	۱۷	متخصصین						

برای مقایسه تاثیر شاخص‌ها، از آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. فرض صفر در آنالیز واریانس برابر بودن میانگین متغیر وابسته در تمام سطوح متغیر مستقل (شهر) است. اگر سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد خواهد شد. سطح معنی داری آنالیز واریانس برابر ۰/۰۰۱ است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی داری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان در بین ساکنان شهرهای مختلف تفاوت معنی داری دارد (جدول ۹).

جدول (۹): نتایج آنالیز واریانس برای بررسی مقایسه نقش مؤلفه‌های رسمی و قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان در بین ساکنان شهرهای مختلف

متغیر	شهرستان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار $F$	سطح معنی داری
نقش مؤلفه‌های رسمی و قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان	اردستان	۱۸	۳/۴۸	۰/۴۹	۷/۴۴۴	۰/۰۰۱
	کاشان	۱۵۶	۳/۵۹	۰/۶۰		
	نطنز	۱۹	۳/۴۷	۰/۵۹		
	میمه	۴۴	۳/۳۳	۰/۵۹		
	آران و بیدگل	۱۰۱	۳/۷۰	۰/۵۹		
	محلات	۲۴	۳/۰۴	۰/۷۵		
	دلیجان	۲۲	۳/۰۱	۰/۳۹		

نتایج بدست آمده از آزمون تعقیبی دانکن، نشان می‌دهد که میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان و تبدیل آن به استان در میان ساکنان شهرستان آران و بیدگل بیشتر از شهرستان‌های شاهین شهر و میمه، محلات و دلیجان است. همچنین این فرایند در بین ساکنان شهرستان‌های نطنز، اردستان و کاشان بیشتر از شهرستان‌های محلات و دلیجان است (جدول ۱۰).



جدول (۱۰): نتایج آزمون تعقیبی دانکن برای مقایسه‌های زوجی نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان بر حسب شهر

شهرستان	تعداد	زیرگروه‌ها در سطح ۰/۰۵			
		زیرگروه ۱	زیرگروه ۲	زیرگروه ۳	زیرگروه ۴
دلیجان	۲۲	۳/۰۱	-	-	-
محلات	۲۴	۳/۰۴	۳/۰۴	-	-
میمه	۴۴	-	۳/۳۳	۳/۳۳	-
نطنز	۱۹	-	-	۳/۴۷	۳/۴۷
اردستان	۱۸	-	-	۳/۴۸	۳/۴۸
آران و بیدگل	۱۰۱	-	-	۳/۵۹	۳/۵۹
کاشان	۱۵۶	-	-	-	۳/۷۰

در نهایت برای آزمون فرضیات مطرح شده، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. که دامنه‌ای میان نمرات بین ۱ تا ۵ را در بر می‌گیرد. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده نقش بیشتر و در صورت میانگین کمتر از ۳ نشان دهنده نقش کمتر است. نتایج حاصل در جدول زیر بصورت خلاصه برای فرضیات چهارگانه این پژوهش درج شده است (جدول ۱۱):

جدول (۱۱): نتایج حاصل از آزمون تی برای فرضیات پژوهش

فرضیه	مردم	مسئولین	کارشناسان جغرافیای سیاسی	وضعیت
فرضیه اول	$(m=۳/۵۸ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۶۹ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۱۸ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	قابل قبول
فرضیه دوم	$(m=۳/۵۶ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۴۴ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۲۹ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	قابل قبول
فرضیه سوم	$(m=۳/۴۴ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۱۸ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	$(m=۲/۹۶ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	قابل قبول
فرضیه چهارم	$(m=۳/۲۴ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۵۷ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۱۲ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	قابل قبول

با توجه به مقایسه سه طیف مورد بررسی شامل مردم، مسئولین و کارشناسان جغرافیای سیاسی، نتایج نشان داد مسئولین ذی‌ربط، خوش‌بینانه‌ترین نظر را نسبت به ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامون آن و تبدیل به استان داشتند. همچنین مردم نیز به طور نسبی نظرات موافقی داشتند، در مقابل کارشناسان جغرافیای سیاسی به دلیل هزینه‌هایی که ممکن است این تغییرات بر دوش دولت بگذارد، نسبتاً موافقت کمتری با این فرایند ارائه داده‌اند. نهایتاً با توجه به یافته‌های پژوهش استان کاشان تحت عنوان استان اصفهان شمالی پیشنهاد گردید (شکل ۵).



شکل (۵): تقسیمات کشوری پیشنهادی پژوهش حاضر در ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامون به یک استان

## نتیجه گیری

به طور کلی تقسیم قدرت بین مرکز و نواحی پیرامون بر مبنای حوزه نفوذ و ناحیه بندی سیاسی درون کشور، نتیجه تفکری سیستمی در نظام سیاسی هر کشور است که نیازمند آمایش جغرافیایی فضا است. از این رو اداره سرزمین و چگونگی آن از مهم ترین امور کشورداری است که باید بر اساس مؤلفه های کارآمدی باشد که بتواند به تعادل فضایی و حفظ تمامیت ارضی کشور منجر شود. لازمه تحقق چنین بستری، شناسایی، نگاه همه جانبه و سیستماتیک به مقوله سازماندهی سیاسی فضا و مؤلفه های آن می باشد تا بتواند تمامی جریان های حرکتی موجود در سطوح مختلف ساختار سیاسی فضا (کشور) را پوشش دهد. در این تحقیق تلاش شد به کمک تجزیه و تحلیل آماری از میان مثلی از جامعه آماری مرتبط با مقوله سازماندهی سیاسی فضا متشکل از جامعه محلی، مسئولین و کارشناسان دانش جغرافیای سیاسی، ماهیت و ضرورت ارتقای شهرستان کاشان و نواحی پیرامون را به یک استان با هدف کلان تعادل جدید فضایی مورد بررسی قرار دهد. با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل های آماری صورت گرفته می توان گفت در مجموع با توجه به بررسی ها و نظرات در حد قابل قبولی در راستای ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامونی به یک استان قرار داشت. آنچه از نتایج آزمون تعقیبی دانکن برای مولفه های سازماندهی سیاسی فضا در تمایل به تاسیس استان در شهرستان های مورد بررسی می توان تحلیل نمود، این است که با دور شدن از مرکز شهرستان کاشان، میزان نقش مؤلفه های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان از نظر مردم و مسئولین، کمتر می شود. از بین مردم و مسئولین و متخصصان، استان شدن کاشان از نظر مسئولین دارای بالاترین ارزش است و از دیدگاه کارشناسان ارزش کمتری دارد. همچنین متغیرهای جمعیت، فاصله دسترسی، حوزه نفوذ، همگنی جمعیت به ترتیب اولویت در ارتقا کاشان به استان مؤثرند. در نهایت بنابر نتایج این مطالعه نقشه زیر می تواند در سطوح ملی مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد (شکل - ۷).

## منابع

- احمدی پور، زهرا؛ قنبری، عزیز الله؛ حافظ نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۹). تأثیر الگوی تقسیمات کشوری بر توسعه فضای جغرافیایی؛ مورد مطالعه: استان زنجان. مدرس علوم انسانی سال چهاردهم ۳۹.
- احمدی پور، زهرا. قنبری، قاسم. عاملی، عاطفه. (۱۳۸۸). تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان فارس. ژئوپولیتیک، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۹-۴۷.
- احمدی پور، زهرا. میرشکاریان، یحیی. هوکارد، برنارد. (۱۳۹۳). سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط. ژئوپولیتیک شماره ۳۵، صص ۱۸۰-۲۰۴.
- احمدی پور، زهرا؛ شیخی، محمد؛ بیگلر، معصومه؛ چمران، بویه؛ (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتزاع استان‌ها پس از انقلاب اسلامی از منظر جغرافیای سیاسی و علوم منطقه‌ای. برنامه‌ریزی و آمایش فضا ۱۶(۱۸): ۱-۲۰.
- اطاعت جواد. موسوی، سیده زهرا. تمرکز زدایی و توسعه پایدار در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۸۹-۱۰۶، ۱۳۸۹.
- اعظمی، هادی. دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱). تحلیل عناصر تهدید اقتصادی- کارکردی و شکلی- کالبدی در نظام تقسیمات کشوری ایران. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای (۱۸): ۱۷۹-.
- اعظمی، هادی. دبیری، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران. ژئوپولیتیک سال هفتم (۲): ۱۴۷-۱۸۱.
- بلوچی، محمد؛ لطفی، حیدر (۱۳۹۶). "بررسی نظام تقسیمات کشوری در ایران: مطالعه موردی استان سمنان در راستای ارائه یک مدل علمی بر مبنای متغیرهای جغرافیایی." نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی سال دهم: ۱۵-۴۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ بهادر، غلامی؛ میر احمدی، فاطمه سادات؛ ویسی، عبدالکریم؛ خلیلی، سعید؛ (۱۳۹۱). بررسی تأثیرات شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه‌نیافتگی آن. برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۲): ۷۹-۹۲.
- حافظ نیا، محمدرضا. جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۸). جغرافیای سیاسی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- راحی، محمد؛ مهکویی، حجت؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ شمس‌الدینی، علی؛ (۱۳۹۷). بررسی سازمان‌دهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور مورد مطالعه: شهرستان کاشان. برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۸): ۸۹-۱۰۲.
- رومینا، ابراهیم؛ (۱۳۹۳). تبیین رابطه فاصله جغرافیایی و توسعه‌نیافتگی؛ مورد: استان‌ها در ایران. مدرس علوم انسانی (برنامه‌ریزی و آمایش فضا) سال هجدهم (۴): ۱۲۹-۱۴۸.
- سرای، محمد حسین؛ پومحمد، اسماعیل (۱۳۹۱). "ارزیابی کنش متقابل حوزه‌های نفوذ شهری در شبکه شهری استان آذربایجان شرقی." تحقیقات جغرافیایی سال بیست و هفتم (۲): ۵۷-.
- شکور، علی؛ زنگی‌آبادی، علی؛ کریمی قطب‌آبادی، فضل‌اله؛ (۱۳۹۳). ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای؛ (مطالعه موردی: استان فارس). برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۴): ۱-۱۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۹). جغرافیای اجتماعی شهرها: اکولوژی اجتماعی شهر، جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، بخش فرهنگی.
- علی محمدی، عباس. عاملی، عاطفه. قنبری، قاسم. امکان‌سنجی سیستم اطلاعات جغرافیایی در ایجاد و تعیین مرکزیت واحدهای اداری- سیاسی، مطالعه موردی: شهرستان کرج، ژئوپولیتیک، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۷۷-۲۰۰، ۱۳۸۷.
- قالیاف، محمدباقر. (۱۳۸۶). حکومت محلی، یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- قندی، اصغر؛ (۱۳۹۶). جغرافیای شهرستان کاشان، سنجش و دانش.
- کریمی پور، یدالله. مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری، جلد ۱: وضع موجود، تهران: انتشارات انجمن جغرافیایی ایران، ۱۳۸۱.
- لطفی، حیدر؛ (۱۳۹۵). سازمان‌دهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ. پژوهشنامه خراسان بزرگ (۷): ۷۵-۹۰.

مقیم، ابراهیم. مطالعه تطبیقی تقسیمات اداری ایران با حوضه‌های هیدروژئومورفولوژی و تغییرات آن در قرن ۲۱، تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۶۵-۶۶، صص ۱۱۵-۱۲۶، ۱۳۸۱.

Boffa, F., et al. (2015). "Political centralization and government accountability." *The Quarterly Journal of Economics* 131(1): 381-422.

Gerring, J., et al. (2004). Are unitary systems better than federal systems? Annual Meeting of the American Political Science Association, Chicago.

Kraft, S. and J. Nerad (2019). "Administrative Boundaries, Transport Accessibility and Functional Relations: a Critical Review of Administrative Regions in the Czech Republic from a Spatial Perspective." *Transylvanian Review of Administrative Sciences* 15(56): 60-76.

Shrestha, S. (2019). "Scale and spatial representation: Restructuring of administrative boundary and GIS mapping in Bajhang district, Nepal." *Geographical Journal of Nepal* 12: 25-40.

Villalobos, J. M. L., et al. (2018). "Mapping political space and local knowledge: power and boundaries in an Hñahñu (Otomí) territory in Valle del Mezquital, Mexico, 1521-1574." *Journal of Historical Geography* 60: 64-76.

Yat-Sen, S. (2009). The international development of China, BiblioBazaar, LLC.

<https://www.amar.org.ir/>

Bazzi, S. and M. Gudgeon (2018). The political boundaries of ethnic divisions, National Bureau of Economic Research.

## تبیین راهبردهای توسعه گردشگری شهری با تأکید بر مدیریت یکپارچه (مورد پژوهی: شهر چابهار)

عبدالباسط درزاده مهر\*، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

علی رحیمی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

ملیحه شاه بیگی، کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۱۴

### چکیده

ناهماهنگی‌های موجود بین سازمان‌های مدیریتی باعث سردرگمی اداره‌های شهر و اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی شده به گونه‌ای که تصمیم‌گیری سازمان‌ها و دستگاه‌های خدمات شهری در برخی موارد در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. امروزه عدم مدیریت یکپارچه شهرها هزینه‌هایی چندین برابر را بر بیکر اقتصاد شهری تحمیل کرده است و مدیریت شهری را با چالش‌های زیادی مواجه ساخته. از جمله این چالش‌ها ناهماهنگی، تداخل و هم‌پوشانی در کار یکدیگر، موازی‌سازی و اتلاف منابع است. بنابراین هدف از این پژوهش شناخت و تحلیل مدیریت کنونی گردشگری شهر چابهار و ارائه راهکارهایی جهت یکپارچگی مدیریت گردشگری است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز از بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و پرسشنامه استفاده شده است. شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید از روش تحلیلی SWOT برای تعیین راهبردها از مدل QSPM استفاده شده است. که طبق نتایج ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک، راهبرد تدافعی برای مدیریت گردشگری شهر چابهار انتخاب شد. به منظور حل مشکلات پیش رو و با هدف تحقق مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار و بهبود وضع موجود مدیریت گردشگری شهر چابهار چند پیشنهاد به شرح زیر ارائه می‌گردد. ۱- تشکیل "شورای هماهنگی" از طرف نهادهای محلی جهت هماهنگی بین سازمان‌ها ۲- هماهنگی نهادهای درگیر مدیریت گردشگری شهری ۳- تمرکززدایی از وظایف نهادهای درگیر و متولی مدیریت گردشگری به سوی تمرکزگرایی در شورای هماهنگی و...

**کلمات کلیدی:** مدیریت شهری، مدیریت یکپارچه گردشگری، چابهار، راهبرد

## مقدمه

صنعت گردشگری در هزاره سوم، گسترده‌ترین صنعت خدماتی دنیا محسوب می‌شود که با سرعت شگفت‌انگیزی به پیش می‌رود. بنا به تخمین سازمان جهانی گردشگری تعداد گردشگران بین‌المللی در شرایط کنونی به بیش از یک میلیارد نفر رسیده است (حبیبی قاسم آبادی، ۱۳۹۴:۳). با شروع قرن بیست و یکم، گردشگری همچنان یکی از پردرآمدترین منابع خدماتی دنیا محسوب می‌شود (رهنمایی، ۱۳۹۲:۱۹). طبق پیش‌بینی بانک جهانی، در سال ۲۰۲۰ میلادی درآمد حاصل از گردشگری به رقم ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید (World bank, 2007). مجموعه پدیده‌ها و ارتباطات ناشی از کنش متقابل میان گردشگران، سرمایه، دولت و جوامع میزبان، دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، در فرایند جذب، حمل و نقل، پذیرایی و کنترل گردشگران و دیگر بازدیدکنندگان است (Weaver, 2000, 3). چارچوب الگوهای فضایی خاصی عمل می‌کند. یکی از این الگوهای فضایی گردشگری شهری است. نواحی شهری به علت آن که جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیار دارند غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌شوند. شهرها معمولاً جاذبه‌های متنوع و بزرگی شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر، استادیوم‌های ورزشی، پارک‌ها، شهرسازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان‌های مربوط به حوادث مهم یا افراد مشهور را دارا هستند که خود گردشگران بسیاری جذب می‌کنند (Timothy, 1995, 63). در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها امری انکارناپذیر است. سرمایه‌گذاری موفق در بخش گردشگری، می‌تواند باعث توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شهرها گردد (تولایی، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۱). در مرحله اول، اشتغال ایجاد می‌کند و باعث توسعه کسب و کار و تجارت می‌شود. در تقویت بنیه اقتصادی، کاهش بی‌تعدالی‌های منطقه‌ای و ارتقاء شاخص‌های توسعه در مناطق غیر برخوردار، توسعه اقتصادی در سطح منطقه، ایجاد تنوع و دگرگونی در ساختار اقتصادی مناطق و ثبات اقتصادی در سطح کلان، نقش مؤثری ایفا می‌کند (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). برای آنکه بتوان به تعادلی میان نیازهای جوامع محلی، حفظ محیط‌زیست و ارتقای سطح کیفیت زندگی و تجربه گردشگری دست یافت، به یک نظام مدیریتی قوی نیازمند است؛ مدیریتی که باید در زمینه بهره‌وری گردشگری در مناطق و در انطباق با یک نگرش سیستمی، که در آن پویایی در چهارچوب عرضه و تقاضا با تأکید بر توسعه پایدار مدنظر است، شکل گیرد (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۳). این نظام قوی مدیریتی در غالب یک مدیریت کل‌نگر و جامع همچون مدیریت یکپارچه، که درک و جهت‌دهی مؤثر به تمامی جنبه‌ها، به طوری که نیازها و انتظارات تمامی ذینفعان به‌طور منصفانه و به بهترین شکل ممکن، با استفاده از منابع موجود برآورده شود (IIRSM, 2015: 5). مدیریت یکپارچه، بر این نکته تأکید دارد که اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای توسعه گردشگری باید بر اساس درک کاملی از چگونگی عملکرد نظام گردشگری اتخاذ شود (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). برای رسیدن به تعادل و هماهنگی زیبایی‌شناختی، مشارکت و همکاری، اعتماد و اطمینان (پیش‌نیاز برای جذب سرمایه‌گذاری)، بازده مناسب و مهم‌تر از همه؛ پایداری، نیازمند یکپارچگی هستیم (Yunis, 2001: 8). هنگامی که گردشگر اختیار گسترده‌ای برای انتخاب مقصد دارد، ترجیح می‌دهد که به یک مقصد متمایز و ممتاز سفر کند (کوزه‌گر کالجی و همکاران، ۱۳۹۶). ایران نیز بدون شک یکی از سرزمین‌های مستعد گردشگری به دلیل دارا بودن انواع جاذبه‌های متنوع طبیعی، چشم‌اندازهای بی‌نظیر، تنوع گونه‌های جانوری و گیاهی، وجود چهار فصل متنوع با موقعیت‌های اقلیمی و جغرافیایی خاص، آثار ثبت شده میراث ملی و میراث جهانی و ... که جز ده کشور برتر منابع گردشگری دنیا قرار گرفته است (زنگی آبادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۰). مسئله‌ای که امروزه در حوزه مدیریت گردشگری کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران مطرح است، تعدد مراجع و نهادهای مختلف مسئول در حوزه گردشگری با تأثیرپذیری از قوانین متعدد موجود است. مدیریت گردشگری در ایران با مشکلات عدیده‌ای، همچون عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های درگیر گردشگری، کمبود قوانین کافی و نبود استانداردها و مقررات لازم، تداخل و هم‌پوشانی در کار یکدیگر، موازی‌کاری و اتلاف منابع در اثر چند پارچگی، مشکلات و هزینه‌هایی را برای گردشگران

و مدیریت گردشگری به وجود آورده است. کمال مطلوب این است که گردشگری به عنوان عنصری از برنامه‌ای فراگیر، برای توسعه منطقه‌ای برنامه‌ریزی شود و آن را به شیوه‌های کنترل‌شده، یکپارچه و پایدار و بر اساس برنامه‌ریزی عقلایی توسعه داده و مدیریت نمود. چابهار در استان سیستان و بلوچستان با داشتن ویژگی‌های فرهنگی تاریخی و نوع فعالیت بومی نشاءت گرفته از محیط طبیعی و موقعیت جغرافیایی آن به دلیل فراوانی جاذبه‌های گردشگری مانند سواحل امن و آرام دریا، تپه‌های دیدنی گل‌فشان و جنگل‌های حرا، کوه‌های مریخی، تالاب صورتی، جاذبه‌های فرهنگی بکر، مانند آیین‌های سنتی، رقص‌های محلی و صنایع دستی با شهرت جهانی، بازارهای عرضه مستقیم کالا در منطقه آزاد تجاری-صنعتی و غیره می‌تواند به یک مقصد مهم گردشگری در سطح استان و کشور و حتی بین‌المللی تبدیل شود، اما گردشگری چابهار با مشکلات عدیده‌ای روبرو هست و دارای ضعف‌های اساسی در بخش‌های بهداشتی و درمانی، زیرساختی، ضعف در بازاریابی و تبلیغات، ضعف مدیریت گردشگری در فرهنگ‌سازی گردشگری و آگاهی مردم از مزایا و اهمیت گردشگری، عدم مشارکت از جمله مشکلات گردشگری شهر چابهار می‌باشند و همچنین تبعیت از مدیریت کلان گردشگری همچون شهرهای دیگر ایران، با توجه به این مشکلات گردشگری شهر چابهار نتوانسته بخش عظیمی از گردشگران با انگیزه‌های مختلف را به خود جذب کند. مدیریت یکپارچه گردشگری چگونه می‌تواند سبب توسعه گردشگری شود. بنابراین نیاز به مطالعه و تحقیق برای سنجش امکان تحقق مدیریت یکپارچه گردشگری در شهر چابهار احساس می‌شود که در این پژوهش چگونگی تحقق آن و ارائه راهکارها مدنظر قرار می‌گیرد.

### چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

مقوله‌ی مدیریت، بخش لاینفک در برنامه‌ریزی است و شاید رکن اصلی آن باشد. فرهنگ آکسفورد، آن را عمل هدایت و کنترل یک کار یا سازمان تعریف کرده است (حیدری چپانه، ۱۳۸۹: ۱۲۰). مدیریت یکپارچه، برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ در آمریکا شکل گرفت (کاظمیان وهمکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۴). رویکرد یکپارچه مدیریت شهری، در عمل به تأکید و توجه به تمام مشکلات شهری در پیوند و ارتباط به یکدیگر نیازمند است. بنابراین مدیریت شهری، روزبه‌روز به صورت امری پیچیده، چند نقشی و چندبخشی درمی‌آید (قادری و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵). در واقعه ساکنان، کارآفرینان و فعالان محیط‌زیست و توسعه گران هر کدام می‌خواهند نقشی بر عهده بگیرند. برای برخورد با چنین وضعیتی، مدیر شهر به وظایف شفاف و روشن نیازمند است. شاید بتوان گفت، توسعه شهری بیش از هر چیز به عدم تمرکز نیازمند است. برای آنکه بتوان به تعادلی میان نیازهای جوامع محلی، حفظ محیط‌زیست و ارتقای سطح کیفیت زندگی و تجربه گردشگری دست یافت، به یک نظام مدیریتی قوی نیازمند است؛ مدیریتی که باید در زمینه بهره‌وری گردشگری در مناطق و در انطباق با یک نگرش سیستمی، که در آن پویایی در چهارچوب عرضه و تقاضا با تأکید بر توسعه پایدار مدنظر است، شکل گیرد (پاپلی یزدی و همکاران: ۱۳۸۵، ۱۱۳). این نظام قوی مدیریتی در غالب یک مدیریت کل‌نگر و جامع همچون مدیریت یکپارچه، که درک و جهت‌دهی مؤثر به تمامی جنبه‌ها، به طوری که نیازها و انتظارات تمامی ذینفعان به‌طور منصفانه و به بهترین شکل ممکن، با استفاده از منابع موجود برآورده شود (IIRSM, 2015:5). مدیریت یکپارچه، بر این نکته تأکید دارد که اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای توسعه گردشگری باید بر اساس درک کاملی از چگونگی عملکرد نظام گردشگری اتخاذ شود (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). با توجه به این که گردشگری فعالیتی خدماتی است و کارکنان آن را ارائه می‌کنند توجه به آموزش و ارتقای دانش یکی از رموز اصلی تضمین حیات این صنعت محسوب می‌شود و با توجه به این که صنعت گردشگری بسیار متأثر از ارتباط دوسویه میزبان و مهمان بوده و بدون شک مسئول این ارتباط تجربه‌ای فراموش‌نشده است و منجر به تصمیم‌گیری در مورد تجربه مجدد و یا عدم تکرار آن می‌شود، نقش کارکنان در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Bhusan, 2015). صنعت گردشگری، ترکیبی از فعالیت‌ها، خدمات و صنایع مختلف است. کمیت، کیفیت و هماهنگی عوامل و بخش‌ها در عرضه محصول، نقش مهمی در موفقیت و توسعه این صنعت

در یک منطقه ایفا می‌کند (2007, Kim Choi). رونالد مک گیل در سال ۱۹۹۸ بحث درباره مدیریت یکپارچه شهری را از نقل قول‌های ویلیامز در دهه ۱۹۷۰ درباره طیف بازیگران مطرح در فرایند مدیریت شهری آغاز می‌کند و در انتها به این نتیجه می‌رسد که مدیریت شهری، به‌عنوان اجرایی‌ترین سطح باید پیشران نیروهای اصلی در مدیریت شهری باشد. گردشگری یک صنعت پویا، بزرگ، متنوع، پاکیزه یکی از بخش‌های رشد در سیستم اقتصاد ملی به شمار می‌رود. این صنعت با ۲۰۰ میلیون شاغل (۸ درصد کل اشتغال دنیا و گردش مالی سالانه در حدود ۵/۴ تریلیون دلار، به بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین صنعت دنیا تبدیل شده، به طوری که بیش از ۱۵۰ کشور، گردشگری یکی از پنج منبع مهم کسب ارز خارجی است. آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد، در سال ۲۰۱۴، نقش مستقیم اقتصاد گردشگری در تولید ناخالص داخلی اقتصاد جهانی ۳/۱ درصد بود و در سال ۲۰۱۵، با رشدی چشمگیر، به ۳/۷ درصد رسید بنابراین امروزه صنعت گردشگری، نه تنها فعالیتی فراغتی و تفریحی محسوب می‌شود، بلکه از مهم‌ترین بخش‌های کسب و کار در اقتصاد جهانی به شمار می‌رود کشور آمریکا با رشد ۸/۳ درصدی، اغلب کشورهای اروپایی با رشد ۵ درصدی و کشورهای آفریقایی نیز در مجموعه با رشد ۲ درصدی مواجه شده‌اند. فصل مشترک ارقام به‌دست آمده از نقاط گوناگون جهان از رشد قابل ملاحظه صنعت گردشگری در اقتصاد جهانی حکایت دارد. رقابت برای جذب گردشگران در این عرصه، شرط حیات اقتصادی برای این شهرها محسوب می‌شود؛ زیرا گردشگران همواره در حال انتخاب مقاصدی هستند که دارای ویژگی برتر و متمایزتری نسبت به سایر مناطق باشد و جذابیت بیشتری برای آنان داشته باشد. (بیشمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۵؛ WTTC, 2015; Garcia, 2012; UNWTO, 2015). گردشگری شهری نواحی شهری به علت آنکه جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیار زیادی دارند غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌گردند. شهرهای معمولاً جاذبه‌های متنوع و بزرگی شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، تئاترها، استادیوم‌های ورزشی، پارک‌ها، شهربازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان‌هایی مربوط به حوادث مهم با افراد مشهور دارا بوده که این خود گردشگران بسیاری را جذب می‌کند (Thimothy & Geoffery: 1995, 63). علاوه بر این حتی در صورتی که جاذبه‌های گردشگری در مناطق غیرشهری واقع باشند از آنجا که شهرها در عینیت یافتگی مکانی، تبلور فضایی را در رابطه با پیرامون خود شکل می‌دهند باز هم حجم زیادی از گردشگران در شهرها متمرکز می‌شوند. زیرا محل سکونت، سرویس غذا، ارتباطات، حمل و نقل سایر خدمات گردشگری در شهرها واقع‌اند که بازدیدکنندگان از مناطق اطراف شهر و خود شهر از آن‌ها استفاده می‌کنند. در این میان کنشگری گردشگران در فضاهای شهری پیرامون جاذبه‌ها، بافت شهر، خرید، اسکان و فعالیت‌های جنبی است که در رویکرد به موزه‌ها، تئاترها، نمایشگاه‌ها، مراکز تفریحی و نظیر این‌ها تبلور می‌یابد. این گونه از کنشگری گردشگری در فضای شهری در راستای انگیزه‌های متفاوتی شکل می‌گیرد که شامل موارد زیر هست (Hall / S, 1999, 167). صنعت گردشگری، ترکیبی از فعالیت‌ها، خدمات و صنایع مختلف است. کمیت، کیفیت و هماهنگی عوامل و بخش‌ها در عرضه محصول، نقش مهمی در موفقیت و توسعه این صنعت در یک منطقه ایفا می‌کند. سی‌سا عناصر صنعت گردشگری را در پنج دسته منابع، زیرساخت‌ها، تسهیلات پذیرایی، تسهیلات سرگرمی و ورزش و خدمات واسطه‌ای تقسیم‌بندی کرده است. عناصر سازنده محیط‌های گردشگری شامل دو گروه فرهنگی و طبیعی بوده که ساختارها و الگوهای متنوعی در منظر ایجاد می‌نمایند. روابط درونی این عناصر نسبت به هر یک از آن‌ها دارای اهمیت بیشتری است، زیرا در محیطی مرتبط و پیوسته با یکدیگر واقع شده و پایداری سیستم را موجب می‌شوند. در واقع، ارتباط متناسب، پویا و پیوسته میان دو گروه عناصر و بستری که بر روی آن شکل گرفته‌اند، پایداری و بقای ساختار گردشگری را تعیین می‌نمایند (کاظمی، ۱۳۸۶: ۶۶).

ضرغام بروجنی و توحید لو (۱۳۹۰)؛ در پژوهش خود با عنوان "الگوی مدیریت اثربخش گردشگری، مطالعه موردی: مقصد مذهبی مشهد" که به بررسی الگوی مدیریت اثربخش گردشگری در شهر مشهد پرداخته و الگوی مدیریتی کراچ و ریچی (۲۰۰۳)



را متناسب با وضعیت موجود تشخیص داده‌اند. نشان می‌دهد با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، اطلاع‌رسانی مناسب، ایجاد سیستمی مطلوب از سازمان‌های وابسته گردشگری جهت افزایش کیفیت خدمات و ایجاد جاذبه برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌تواند عاملی جهت توسعه گردشگری مذهبی شهر مشهد باشد.

مؤمنی و همکاران (۱۳۸۷)؛ در پژوهشی با عنوان "ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی- فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد" تأکید می‌کند با استفاده از توزیع پرسشنامه و ارزیابی جمعیت‌پذیری و آثار سوء زیست‌محیطی و اجتماعی علیرغم مزایای زیاد گردشگری، شهر مشهد دچار ناپایداری‌هایی است که عمده دلیل آن عدم مدیریت یکپارچه آستان قدس رضوی با دیگر سازمان‌های مرتبط در مدیریت گردشگری است.

عزیزپور، هادی و همکاران (۱۳۹۶). در پژوهش خود با عنوان موانع و چالش‌های تحقق مدیریت یکپارچه گردشگری در کلان‌شهر مشهد بر اساس نتایج، اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم همکاری بین سازمان‌های متولی گردشگری در مشهد، عدم مدیریت یکپارچه در گردشگری، ضعف نگرش سیستمی، ضعف ساختار حقوقی، ضعف نظام برنامه‌ریزی و ضعف نظام سیاست‌گذاری است که چالش‌هایی از جمله عدم شفافیت در وظایف قانونی دستگاهی، برخورد سلیقه‌ای، کمبود منابع، نبود نیروی انسانی متخصص، همکاری غیررسمی و مقطعی، ضعف تقسیم‌کار، ضعف در توزیع و تخصیص بهینه منابع و عدم توانمندی مدیران را به دنبال داشته است.

طبق پیش‌بینی بانک جهانی، در سال ۲۰۲۰ میلادی درآمد حاصل از گردشگری به رقم ۲۰۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید برای اینکه حجم عظیم گردشگران به ایران و منطقه چابهار وارد و منابع ارزی برای کشور و منطقه تزریق کنند نیاز به برنامه‌ریزی کل‌نگر در غالب مدیریت یکپارچه هستیم که با ارائه این راهکارها نیز می‌توان به این مهم دست‌یافت. تشکیل "شورای هماهنگی" از طرف نهادهای محلی جهت هماهنگی بین سازمان‌ها-هماهنگی نهادهای درگیر مدیریت گردشگری شهری- تمرکززدایی از وظایف نهادهای درگیر و متولی مدیریت گردشگری به سوی تمرکزگرایی در شورای هماهنگی- تمرکز مطالعه بر روی شرکت‌ها و سازمان‌هایی همچون حمل‌ونقل، برق و گاز و ... که از اولویت هماهنگی برخوردارند. -انتخاب رؤسای سازمان‌های مختلف تأثیرگذار در مدیریت گردشگری با هماهنگی کامل شورای هماهنگی- هماهنگی کامل سازمان‌ها و نهادهایی که فعالیت محلی دارند با شورای هماهنگی- در نهایت تشکیل مدیریت یکپارچه گردشگری

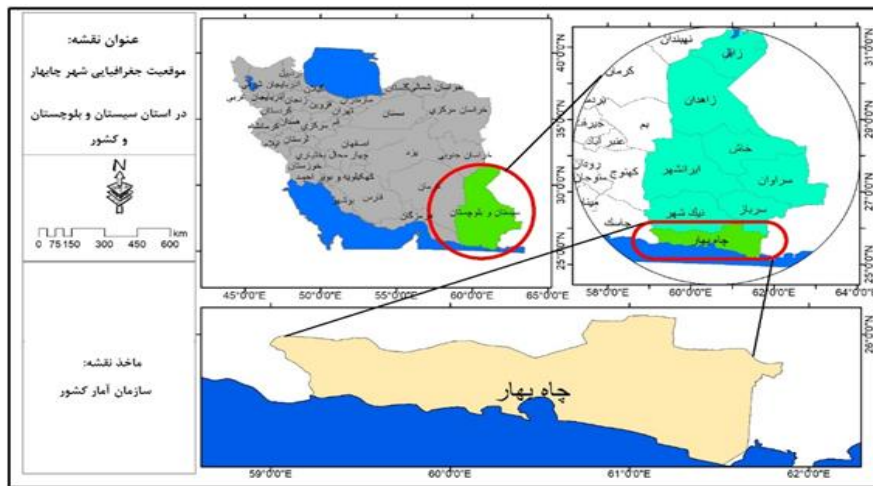
## مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از بررسی‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده و با توجه به اطلاعات به دست آمده، به بررسی جاذبه‌ها، امکانات، خدمات و وضعیت کلی گردشگری در منطقه پرداخته سپس برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از مدل SWOT استفاده شد. برای این منظور محیط داخلی (نقاط قوت و ضعف) و محیط خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) منطقه مطالعه گردید و سپس برای تکمیل اطلاعات به دست آمده، به وسیله پرسش‌نامه، از مردم و مسئولان مرتبط با گردشگری در شهرستان چابهار نیز نظرخواهی شد که با وزن دهی به موارد مورد نظر به تکمیل ماتریس SWOT و در نهایت به ارائه راهبردها و استراتژی‌های مناسب توسعه گردشگری چابهار پرداخته شد. همچنین در این مقاله برای الویت بندی راهبردها از ماتریس کمی (QSPM) استفاده شده است.

جدول (۱): ماتریس SWOT و نحوه تعیین راهبردها

نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)	ماتریس SWOT
راهبردهای WO	راهبردهای SO	فرصت‌ها (O)
راهبردهای WT	راهبردهای ST	تهدیدها (T)

مأخذ: موسوی، ۱۳۹۲



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

جدول (۲): ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت

راهبرد رشد خارجی WO	راهبرد رشد داخلی SO
راهبردهای دفاعی توصیه می‌شود WT	راهبردهای تنوع توصیه می‌شود ST

همان‌گونه که در جدول ۱ نیز مشاهده می‌شود، ماتریس SWOT در حالت کلی، متشکل است از یک جدول مختصات دویبعدی که هر یک از چهار نواحی آن نشان‌گر یک دسته راهبرد است که عبارت‌اند از: SO: این ناحیه علاقه‌مند است که همواره در موقعیتی قرار داشته باشد که بتواند با بهره‌گیری از نقاط قوت، حداکثر استفاده از فرصت‌های محیطی بکند.

ST: این راهبرد بر اساس استفاده از نقاط قوت جهت جلوگیری از تهدیدات محیط بنا شده است و هدف از آن افزایش توانمندی‌های موجود و در مقابل کاهش تهدیدات است.

WO: هدف از این راهبرد، کاهش نقاط ضعف با استفاده از مزیت‌های بالقوه نهفته در فرصت‌های محیطی است.

WT: هدف از این راهبرد، کاهش نقاط ضعف و تهدید تا حد امکان است.

### ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

هدف از انجام این مرحله، سنجش محیط داخلی ناحیه مورد مطالعه جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف است. بدین معنا که جنبه‌هایی که در راه دست‌یابی به اهداف برنامه‌ریزی شده و اجرای تکالیف آن، فراهم‌ساز زمینه‌های مساعد یا بازدارنده می‌باشند مورد شناسایی قرار گیرند.

جدول (۳): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار

نمره نهایی	نمره	ضریب	قوت‌ها
۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۱	۱- تنوع محیط‌های طبیعی و بکر آن و چشم‌اندازهای متنوع جغرافیایی
۰/۰۴۶	۲	۰/۰۲۳	۲- آثار تاریخی و میراث فرهنگی غنی
۰/۰۰۲	۳	۰/۰۴۷	۳- آب‌وهوای مطبوع در فصل سرد سال
۰/۱۵۹	۴	۰/۰۵۳	۴- وجود منابع و چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی غنی نسبت به مناطق آزاد رقیب (دبی).
۰/۰۱۱	۳	۰/۰۳۵	۵- مهیا بودن حمل‌ونقل هوایی و دریایی
۰/۰۸۷	۴	۰/۰۲۹	۶- الزام مدیران شهری به رعایت مصوبات گردشگری
۰/۱۴۱	۳	۰/۰۴۷	۷- اعلام آمادگی اکثر سازمان‌ها جهت هماهنگی در زمینه مدیریت گردشگری
۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	۸- وجود برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای هر یک از شرکت‌ها و سازمان‌های مرتبط با مدیریت گر
۰/۱۵۹	۳	۰/۰۵۳	۹- برخورداری از سواحل دریای مکران و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس و همسایه

ضعف‌ها			
۰/۰۵۹	۱	۰/۰۵۹	۱- ضعف مدیریتی و فقدان ثبات در مدیریت
۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	۲- کمبود راه‌های ارتباطی مناسب و فقدان ارتباط ریلی
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۳- فاصله زیاد فرودگاه از منطقه
۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۴- ضعف قوانین و مقررات در مدیریت گردشگری
۰/۰۵۸	۲	۰/۰۲۹	۵- پایین بودن سطح بهداشت و کمبود امکانات درمانی تخصصی
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۶- ضعف تبلیغات
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	۷- عدم هماهنگی بین سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف تأثیرگذار در مدیریت گردشگری
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۸- نبود مکان‌های اقامتی و پذیرایی مناسب برای همه اقشار
۰/۰۴۶	۲	۰/۰۲۳	۹- نامناسب بودن تأسیسات و تجهیزات تفریحی و ورزشی
۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	۱۰- عدم وجود یک مرکز در سطح محلی جهت هماهنگی اقدامات سازمان‌ها و شرکت‌ها در امر
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱۱- عدم شکل‌گیری NGO های قوی برای فشار به این سازمان‌ها و در مدیریت گردشگری
۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	۱۲- سطح پایین مشارکت‌پذیری نظام مدیریت گردشگری
۰/۰۵۸	۲	۰/۰۲۹	۱۳- کمبود بودجه و نبود درآمدهای پایدار
۰/۱۴۱	۳	۰/۰۴۷	۱۴- اتلاف منابع به دلیل عدم همکاری و موازی کاری سازمان‌های دخیل در مدیریت گردشگری
۰/۰۸۷	۳	۰/۰۲۹	۱۵- نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخگویی به آن‌ها در برنامه‌ها
۱/۷۸		۱	جمع محاسبات
	۲/۱		میانگین

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳ نشان می‌دهد که مجموع نمره نهایی نقاط قوت و ضعف، برابر ۱/۷۸ شده است. نتیجه آنکه مدیریت گردشگری شهر چابهار دارای شرایط خوب درونی نیست به طوری که مدیریت گردشگری چابهار از نظر عوامل داخلی دارای ضعف هست. لذا می‌توان از توان بالقوه و بالفعل موجود در راستای تعدیل نقاط تهدید و ضعف استفاده کرد.

### ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

هدف از انجام این مرحله کندوکاو در محیط خارجی ناحیه مورد مطالعه جهت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط با تدوین راهبردهای مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار است. در جدول زیر عوامل محیطی تأثیرگذار بر مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار شناسایی شده است.

جدول ۴ نشان می‌دهد که مجموع نمره نهایی فرصت‌ها و تهدیدها، برابر ۲/۱۹ شده است. نتیجه آن که مدیریت گردشگری شهر چابهار توانسته است در برابر عوامل بیرونی خوب عمل کند. به عبارتی دیگر مدیریت گردشگری چابهار توانسته است از عواملی که فرصت‌ها و یا موقعیت‌ها ایجاد کرده‌اند بهره‌برداری کند و از عواملی که موجب تهدید می‌شود دوری کند

### تحلیل ماتریس داخلی و خارجی (IE)

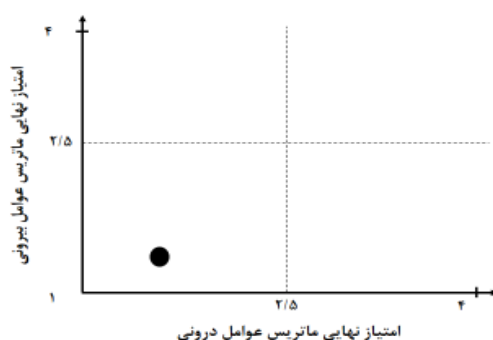
تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر این واقعیت است که امتیاز حاصل از ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف‌ها) برابر با ۱/۷۸ است؛ بنابراین، با توجه به اینکه جمع امتیاز عوامل قوت، ۰/۸۱ هست و جمع امتیاز نقاط ضعف ۰/۹۹۷ است، برتری با نقاط ضعف هست. در نتیجه، این پتانسیل وجود دارد که با برنامه‌ریزی بر اساس عوامل قوت، به برطرف نمودن ضعف‌ها پرداخت.

نتایج حاصل از ارزیابی ماتریس عوامل خارجی (فرصت و تهدیدها) امتیاز به دست آمده را ۲/۱۹۱ برآورد می‌کنند؛ بنابراین، با توجه به امتیاز نهایی عوامل فرصت ۱/۵۳ و عوامل تهدید ۰/۶۶۴ باید نتیجه گرفت که در زمینه موضوع مورد بحث، فرصت‌ها بر تهدیدها غلبه دارند. به طور کلی بهره‌گیری از این وضعیت، نیازمند، راهبردهای خاص خود هست تا بتوان ضعف‌ها را به حداقل رساند و با تهدیدها مقابله نمود.

جدول (۴): ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار

نمره نهایی	نمره	ضریب	فرصت
۰/۱۸	۳	۰/۰۶۰	۱- اشتغال‌زایی از راه تجارت بین‌الملل و ایجاد درآمد ارزی برای کشور
۰/۰۶	۲	۰/۰۳۰	۲- مبادلات فرهنگی با کشورهای همسایه
۰/۲۰۱	۳	۰/۰۶۷	۳- مستعد بودن منطقه جهت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی گردشگری
۰/۲۰۱	۳	۰/۰۶۷	۴- امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی
۰/۱۸	۳	۰/۰۶۰	۵- نزدیکی به کشورهای پاکستان و افغانستان و حوزه خلیج فارس
۰/۱۵۶	۲	۰/۰۵۲	۶- قابلیت تبدیل شدن به مرکز پزشکی درمانی کشورهای منطقه
۰/۱۳۵	۳	۰/۰۴۵	۷- توسعه سواحل دریای مکران به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه
۰/۱۰۴	۲	۰/۰۵۲	۸- وجود پتانسیل نیروی جوان و بانگیزه جهت مشارکت در تدوین برنامه‌های توسعه گردشگری
۰/۱۳۴	۲	۰/۰۶۷	۹- تمایل داشتن شهروندان به مشارکت در زمینه اصلاح بهتر گردشگری
۰/۱۸	۳	۰/۰۶۰	۱۰- گسترش دولت الکترونیک و ارائه خدمات بهتر به شهروندان
<b>تهدید</b>			
۰/۱۲	۲	۰/۰۶۰	۱- تبلیغات منفی در سطح جهانی علیه ایران
۰/۱۳۴	۲	۰/۰۶۷	۲- رقابت منطقه‌ای با منطقه آزاد گوادر و مناطق آزاد حاشیه جنوبی خلیج فارس
۰/۰۷۴	۲	۰/۰۳۷	۳- سرمایه‌گذاری خارجی پایین در بخش گردشگری
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۴- آب‌وهوای گرم و شرجی در اکثر ایام سال و کمبود آب شرب
۰/۰۶	۲	۰/۰۳۰	۵- هجوم جمعیت مهاجر
۰/۰۷۴	۲	۰/۰۳۷	۶- بحران‌های محیط زیستی و ایجاد خسارت به آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی
۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	۷- عدم تمایل حکومت مرکزی به واگذاری وظایف و اختیارات اساسی به مدیریت محلی
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۸- تعدد مراکز تصمیم‌گیری و اختیارات محدود مدیریت شهری
۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۹- عدم شایسته‌سالاری در به‌کارگیری مدیران و متخصصان در امر گردشگری
۲/۱۹		۱	محاسبات
	۲/۱		

منبع: یافته‌های تحقیق



شکل (۲): ماتریس داخلی و خارجی (IE) مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار

منبع: یافته‌های تحقیق

### تبیین استراتژی‌های چارچوب سوات (SWOT)

همان‌طور در شکل ۲ مشخص است تجزیه و تحلیل عوامل درونی و عوامل بیرونی نشان می‌دهد که راهبرد تدافعی با امتیاز ۱/۷۸ به عنوان مهم‌ترین راهبرد در بخش مدیریت گردشگری شهر چابهار اتخاذ شده است و راهبردهای محافظه‌کارانه، رقابتی و تهاجمی به ترتیب با امتیاز نهایی ۲/۸۳، ۲/۹۳ و ۰/۸۷ در رده‌های دیگر قرار دارند. در ادامه، به مهم‌ترین موارد در هر راهبرد برای توسعه و پیشبرد موضوع مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار اشاره می‌شود به طوری که برای بهتر شدن وضعیت حال و آینده‌ی مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار در این زمینه می‌توان از این راهکارها برای بهبود شرایط و بسترسازی مناسب استفاده نمود.

## اولویت بندی راهبردها با استفاده از ماتریس برنامه ریزی کمی (QSPM)

ماتریس برنامه ریزی استراتژیک کمی که مرحله تصمیم گیری نام دارد، به عنوان یک چارچوب تحلیلی مورد استفاده قرار می گیرد. برای تهیه این ماتریس مراحل زیر طی شده است:

۱- ابتدا عوامل داخلی و خارجی و امتیاز وزنی هر یک از آنها به جدول برنامه ریزی استراتژیک منتقل شده، سپس کلیه استراتژی های قابل قبول پیشنهاد شده، در ردیف بالای ماتریس برنامه ریزی استراتژیک فهرست می شوند.

۲- برای تعیین جذابیت هر استراتژی در یک مجموعه از استراتژی ها، بنا به اهمیت آنها در تدوین هر استراتژی امتیازی از ۱ تا ۴ داده می شود.

۳- برای به دست آوردن جمع امتیاز جذابیت وزن های مرحله اول در امتیاز جذابیت مرحله دوم ضرب شده است، بدین ترتیب مجموع امتیاز جذابیت هر یک از عوامل هر استراتژی به دست می آید.

۴- از جمع امتیازهای جذابیت هر ستون جدول برنامه ریزی استراتژیک، امتیاز جذابیت نهایی هر یک از استراتژی ها به دست می آید، که نشان دهنده استراتژی هایی است که از جذابیت بیشتری برخوردار است

جدول (۵): تحلیل مدل SWOT

تحلیل SWOT	
	<p><b>فرصت ها: (O)</b></p> <p>۱- اشتغال زایی از راه تجارت بین الملل و ایجاد درآمد ارزی برای کشور</p> <p>۲- مبادلات فرهنگی با کشورهای همسایه</p> <p>۳- مستعد بودن منطقه جهت سرمایه گذاری و برنامه ریزی گردشگری</p> <p>۴- امکان دسترسی به بازارهای بین المللی</p> <p>۵- نزدیکی به کشورهای پاکستان و افغانستان و حوزه خلیج فارس</p> <p>۶- قابلیت تبدیل شدن به مرکز پزشکی درمانی کشورهای منطقه</p> <p>۷- توسعه سواحل دریای مکران به عنوان یکی از راهبردهای توسعه</p> <p>۸- وجود پتانسیل نیروی جوان و بانگیزه جهت مشارکت در تدوین برنامه های توسعه گردشگری</p> <p>۹- تمایل داشتن شهروندان به مشارکت در زمینه اصلاح بهتر گردشگری</p> <p>۱۰- گسترش دولت الکترونیک و ارائه خدمات بهتر به شهروندان</p>
<p><b>تهدیدها: (T)</b></p> <p>۱- تبلیغات منفی در سطح جهانی علیه ایران</p> <p>۲- رقابت منطقه ای با منطقه آزاد گوادر و مناطق آزاد حاشیه جنوبی خلیج فارس</p> <p>۳- سرمایه گذاری خارجی پایین در بخش گردشگری</p> <p>۴- آب و هوای گرم و شرجی در اکثر ایام سال و کمبود آب شرب</p> <p>۵- هجوم جمعیت مهاجر</p> <p>۶- بحران های محیط زیستی و ایجاد خسارت به آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی</p> <p>۷- عدم تمایل حکومت مرکزی به واگذاری وظایف و اختیارات اساسی به مدیریت محلی</p> <p>۸- تعدد مراکز تصمیم گیری و اختیارات محدود مدیریت گردشگری</p> <p>۹- عدم شایسته سالاری در به کارگیری مدیران و متخصصان در امر گردشگری</p>	<p><b>نقاط قوت: (S)</b></p> <p>۱- تنوع محیط های طبیعی و بکر آن و چشم اندازهای متنوع جغرافیایی</p> <p>۲- آثار تاریخی و میراث فرهنگی غنی</p> <p>۳- آب و هوای مطبوع در فصل سرد سال</p> <p>۴- وجود منابع و چشم اندازهای طبیعی و فرهنگی غنی نسبت به مناطق آزاد رقیب (دبی)</p> <p>۵- مهیا بودن حمل و نقل هوایی و دریایی</p> <p>۶- الزام مدیران شهری به رعایت مصوبات گردشگری</p> <p>۷- اعلام آمادگی اکثر سازمان ها جهت هماهنگی در زمینه مدیریت گردشگری</p> <p>۸- وجود برنامه های کوتاه مدت و میان مدت برای هر یک از شرکت ها و سازمان های مرتبط با مدیریت گردشگری</p> <p>۹- برخورداری از سواحل دریای مکران و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس</p>
<p><b>راهبردهای رقابتی / تهاجمی (SO)</b></p> <p>۱- توسعه خطوط هوایی</p> <p>۲- تقویت زمینه های استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی به ویژه اینترنت شبکه های ماهواره ای هم به منظور تهیه یک پایگاه جامع و یکپارچه اطلاعاتی از پایگاه ها و مناطق ... گردشگری داخلی و سایر کشورها هم بازاریابی، تبلیغات گردشگری و ارائه منابع و تسهیلات به جهانگردان</p> <p>۳- تفکیک وظایف حوزه های مختلف گردشگری در سطح سازمانی به منظور جلوگیری از تداخل وظایف تقویت مدیریت یکپارچه گردشگری از طریق محدود کردن قلمرو سازمانی آن تنها به سازمان گردشگری</p> <p>۴- هماهنگی و همکاری مداوم بین همه دینغان</p> <p>۵- تقویت تمایل مردم منطقه جهت سرمایه گذاری در بخش گردشگری</p>	<p><b>راهبردهای تنوع (ST)</b></p> <p>۱- تقویت تبلیغات و فعالیت های آگاه سازی در رسانه ها درباره قابلیت های گردشگری منطقه در سطح داخلی و بین المللی و از بین بردن ذهنیت بد گردشگران درباره وضعیت امنیتی و فرهنگی منطقه</p> <p>۲- تقویت تأسیسات، تسهیلات و خدمات گردشگری برای رقابت با سایر مناطق آزاد منطقه</p> <p>۳- اصلاح و بازآرایی تشکیلات و روابط میان سازمانی عناصر ذی ربط در سیاست گذاری و تصمیم گیری گردشگری</p>

ضعف‌ها: (w)	راهبردهای بازنگری (WO).	راهبردهای تدافعی (WT).
۱- ضعف مدیریتی و فقدان ثبات در مدیریت	۱- توسعه و بهبود راه‌های ارتباطی از جمله تسهیل توسعه راه آهن زاهدان -چابهار برای دسترسی آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر به منطقه	۱- تدوین مقررات و ضوابط در زمینه توسعه و اصلاح نهادهای مدیریتی و به‌کارگیری مدیریت تخصصی در بخش‌های گردشگری و همچنین ثبات در مدیریت برای اجرای درست طرح‌های بلندمدت
۲- کمبود راه‌های ارتباطی مناسب و فقدان ارتباط ریلی	۲- استفاده از توان مشارکتی مردم در تمامی مراحل برنامه‌ریزی گردشگری	۲- ارتقای سطح بهداشت در منطقه و احداث بیمارستان‌های تخصصی مدرن و به‌کارگیری پزشکان متخصص و تجهیز مراکز فعلی با دستگاه‌ها و تجهیزات مدرن برای جذب مسافرانی که خواهان محصولات گردشگری علمی و پزشکی هستند.
۳- فاصله زیاد فرودگاه از منطقه	۳- تقویت زمینه‌های توسعه بانک توسعه مجازی به‌عنوان یک بانک مشترک جهت تقویت و تسهیل ارائه خدمات بانکی الکترونیکی و صرافی‌های مجاز به جهانگردان	۳- تشکیل اتحادیه‌ها و صنوف مشترک گردشگری در بین کشورهای منطقه به‌منظور ارتقای زیرساخت‌های گردشگری
۴- ضعف قوانین و مقررات در مدیریت گردشگری و عدم وجود مدیرهای توانمند	۴- کاهش انحصارگرایی و تمرکزگرایی در حوزه گردشگری و جهانگردی از طریق توجه به توان‌های بخش‌های خصوصی و NGO ها و تجربیات نهادهای بین المللی مانند WTO, OIC	۴- بازنگری در الگوها و شیوه‌های برقراری امنیت در سطوح مختلف و ارائه تصویر مثبت از منطقه در عرصه‌های بین‌الملل برای گردشگری
۵- پایین بودن سطح بهداشت و کمبود امکانات درمانی تخصصی	۵- کاهش انحصارگرایی و تمرکزگرایی در حوزه گردشگری و جهانگردی از طریق توجه به توان‌های بخش‌های خصوصی و NGO ها و تجربیات نهادهای بین المللی مانند WTO, OIC, IUCN, UNSCO	۵- جلب مشارکت‌های مردمی در ترویج، حفاظت و بهره‌مندی پایدار از منابع طبیعی و تاریخی- فرهنگی گردشگری منطقه و جلوگیری از تخریب‌های زیست‌محیطی و تاریخی- فرهنگی آن
۶- ضعف تبلیغات	۶- سایر سازمان‌های مرتبط در امر مدیریت یکپارچه.	۶- ایجاد مراکز آموزش هتلداری و توسعه هتلداری و مهمان‌پذیری
۷- عدم هماهنگی بین سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف تأثیرگذار در مدیریت گردشگری		۷- انجام مطالعه و پژوهش جهت بهبود شبکه‌های دسترسی در بافت تاریخی
۸- نبود مکان‌های اقامتی و پذیرایی مناسب برای همه اقشار		۸- استفاده از مدیران آگاه و باتجربه در امر گردشگری
۹- نامناسب بودن تأسیسات و تجهیزات تفریحی و ورزشی		۹- توسعه و افزایش فضاهای سبز، تفریحی و گذران اوقات فراغت بخصوص در منطقه‌های تاریخی و فرهنگی
۱۰- عدم وجود یک مرکز در سطح محلی جهت هماهنگی اقدامات سازمان‌ها و شرکت‌ها در امر گردشگری		۱۰- بازنگری در الگوها و برنامه‌های گردشگری کشورهای منطقه جهت حذف عوامل دافعه و تقویت عوامل جاذبه گردشگران از طریق تبلیغات، مناسب، ارائه تسهیلات و امکانات کافی به گردشگران
۱۱- عدم شکل‌گیری NGO های قوی برای فشار به این سازمان‌ها و در مدیریت گردشگری		
۱۲- سطح پایین مشارکت‌پذیری نظام مدیریت گردشگری		
۱۳- کمبود بودجه و نبود درآمدهای پایدار		
۱۴- اتلاف منابع به دلیل عدم همکاری و موازی کاری سازمان‌های دخیل در مدیریت گردشگری		
۱۵- نبود سازوکار نظارتی مردم و پاسخگویی به آن‌ها در برنامه‌ها		

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۶): ماتریس کمی QSPM در راهبرد ST

ST						شماره	عوامل
ST۳		ST۲		ST۱			
شماره	عوامل	شماره	عوامل	شماره	عوامل		
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	S۱
۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۲۳	S۲
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	S۳
۰/۰۵۳	۱	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	S۴
۰/۰۰۷	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۰۷	۲	۰/۰۳۵	S۵

۰/۰۸۷	۳	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۵۸	۲	۰/۰۲۹	S۶
۰/۰۹۴	۲	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	S۷
۰/۱۶۴	۴	۰/۱۲۳	۳	۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	S۸
۰/۱۰۶	۲	۰/۱۰۶	۲	۰/۱۵۹	۳	۰/۰۵۳	S۹
۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۲۴	۴	۰/۰۶۰	T۱
۰/۲۶۸	۴	۰/۲۶۸	۴	۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	T۲
۰/۰۳۷	۱	۰/۰۳۷	۱	۰/۰۷۴	۲	۰/۰۳۷	T۳
۰/۰۴۵	۱	۰/۱۳۵	۳	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	T۴
۰/۳۰	۱	۰/۳۰	۱	۰/۳۰	۱	۰/۳۰	T۵
۰/۰۳۷	۱	۰/۰۷۴	۲	۰/۰۳۷	۱	۰/۰۳۷	T۶
۰/۰۵۲	۱	۰/۵۲	۱	۱/۱۰۴	۲	۰/۰۵۲	T۷
۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴	۰/۱۸	۴	۰/۰۴۵	T۸
۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	T۹
۱/۷۹۹		۲/۰۶۵		۲/۹۹۹			جمع

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۷ ماتریس کمی QSPM در راهبرد SO

SO										فهرست	عوامل
SO۵		SO۴		SO۳		SO۲		SO۱			
شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین	شماره جایگزین		
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	S۱
۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	S۲
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	S۳
۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	S۴
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۷	۲	۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	S۵
۰/۰۲۹	۱	۰/۱۱۶	۴	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۲۹	S۶
۰/۰۴۷	۱	۰/۱۴۱	۳	۰/۱۸۸	۴	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	S۷
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۱	۱	۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	S۸
۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۱	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	۱	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	S۹
۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۰۶۰	۱	۰/۱۸	۳	۰/۰۶۰	O۱
۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۹	۳	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	O۲
۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	۱	۰/۰۶۷	۱	۰/۱۳۴	۲	۰/۱۳۴	۲	۰/۰۶۷	O۳
۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۱۳۴	۱	۰/۲۶۸	۴	۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	O۴
۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۱۲	۲	۰/۱۸	۳	۰/۰۶۰	O۵
۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	۱	۰/۱۰۴	۲	۰/۱۵۶	۳	۰/۰۵۲	O۶
۰/۱۳۵	۳	۰/۰۹	۲	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۸	۴	۰/۰۴۵	O۷
۰/۱۵۶	۳	۰/۱۰۴	۲	۰/۱۰۴	۲	۰/۱۰۴	۲	۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	O۸
۰/۲۶۸	۳	۰/۰۶۰	۱	۰/۲۰۱	۳	۰/۰۶۷	۱	۰/۱۳۴	۲	۰/۰۶۷	O۹
۰/۱۲	۲	۰/۱۸	۳	۰/۰۶۰	۱	۰/۲۴	۴	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	O۱۰
۱/۶۳۸	-	۱/۴۹۹	-	۱/۶۲۵	-	۱/۷۸۴	-	۲/۰۱۸	-	-	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۸): ماتریس کمی QSPM در راهبرد WO

WO								نمبر ردیف	عوامل
WO <sub>f</sub>		WO <sub>r</sub>		WO <sub>y</sub>		WO <sub>1</sub>			
نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه	نمبر ردیف تجزیه		
۰/۱۷۷	۳	۰/۱۷۷	۳	۰/۱۷۷	۳	۰/۱۷۷	۳	۰/۰۵۹	W <sub>1</sub>
۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	W <sub>2</sub>
۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	W <sub>3</sub>
۰/۱۵۹	۳	۰/۱۵۹	۳	۰/۱۰۶	۲	۰/۱۵۹	۳	۰/۰۵۳	W <sub>4</sub>
۰/۰۵۸	۲	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	W <sub>5</sub>
۰/۱۲۳	۳	۰/۱۶۴	۴	۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	W <sub>6</sub>
۰/۰۷۰	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	W <sub>7</sub>
۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	W <sub>8</sub>
۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۶۹	۳	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	W <sub>9</sub>
۰/۱۰۶	۲	۰/۱۰۶	۲	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۵۳	W <sub>10</sub>
۰/۱۸۸	۴	۰/۰۹۴	۲	۰/۱۴۱	۳	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۴۷	W <sub>11</sub>
۰/۱۰۵	۳	۰/۰۷	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	W <sub>12</sub>
۰/۰۵۸	۲	۰/۱۱۶	۴	۰/۰۵۸	۲	۰/۰۵۸	۲	۰/۰۲۹	W <sub>13</sub>
۰/۱۸۸	۴	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	W <sub>14</sub>
۰/۰۵۸	۲	۰/۰۸۷	۳	۰/۱۱۶	۲	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	W <sub>15</sub>
۰/۱۲	۲	۰/۱۸	۳	۰/۱۲	۲	۰/۲۴	۴	۰/۰۶۰	O <sub>1</sub>
۰/۰۳۰	۱	۰/۰۹	۳	۰/۰۶	۲	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	O <sub>2</sub>
۰/۱۳۴	۲	۰/۲۰۱	۳	۰/۱۳۴	۲	۰/۲۰۱	۳	۰/۰۶۷	O <sub>3</sub>
۰/۰۶۰	۱	۰/۲۰۱	۳	۰/۱۳۴	۲	۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	O <sub>4</sub>
۰/۱۸	۳	۰/۲۴	۴	۰/۱۲	۲	۰/۲۴	۴	۰/۰۶۰	O <sub>5</sub>
۰/۱۵۶	۳	۰/۱۵۶	۳	۰/۱۰۴	۲	۰/۱۵۶	۳	۰/۰۵۲	O <sub>6</sub>
۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۰۴۵	۱	۰/۱۸	۴	۰/۰۴۵	O <sub>7</sub>
۰/۱۵۶	۳	۰/۰۵۲	۱	۰/۱۰۴	۲	۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	O <sub>8</sub>
۰/۲۰۱	۳	۰/۰۶۷	۱	۰/۲۰۱	۳	۰/۰۶۷	۱	۰/۰۶۷	O <sub>9</sub>
۰/۱۸	۳	۰/۲۴	۴	۰/۱۲	۲	۰/۰۱۲	۲	۰/۰۶۰	O <sub>10</sub>
۲/۸۷۶	-	۲/۹۶۲	-	۳/۳۶۷	-	۲/۵۹۲	-	-	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق

در حالت استاندارد، جمع امتیازهای هر راهبرد، نشانگر راهبرد برتر است. در اینجا راهبردها را بر مبنای اولویتشان به سه دسته تقسیم می‌کنیم که می‌توان هر راهبرد را با توجه به تقدم اولویتش به اجرا درآورد، که به طبع تقدم آنها جهت تسریع در مرتفع کردن مسائل و مشکلات مدیریت مؤثر واقع خواهد شد.



جدول (۹): ماتریس کمی QSPM در راهبرد WT

رقم		شرح	WT												جمع	رتبه				
			WT۱	WT۲	WT۳	WT۴	WT۵	6WT	WT۷	WT۸	WT۹	WT۱۰								
W۱	۰/۰۵۹	۴	۰/۲۳۶	۲	۰/۱۱۸	۳	۰/۱۷۷	۲	۰/۱۸۸	۱	۰/۱۷۷	۲	۰/۱۸۸	۱	۰/۱۷۷	۲	۰/۱۸۸	۱	۰/۰۵۹	۲
W۲	۰/۰۴۷	۲	۰/۰۹۴	۳	۰/۱۴۱	۲	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱
W۳	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۲	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱
W۴	۰/۰۵۳	۴	۰/۲۱۲	۳	۰/۱۵۹	۱	۰/۰۵۳	۳	۰/۱۵۹	۳	۰/۰۵۳	۱	۰/۱۵۹	۳	۰/۰۵۳	۱	۰/۱۵۹	۳	۰/۰۵۳	۲
W۵	۰/۰۲۹	۲	۰/۰۵۸	۴	۰/۱۱۶	۳	۰/۰۸۷	۱	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۸۷	۳	۰/۱۱۶	۳	۰/۰۸۷	۱	۰/۰۲۹	۲	۰/۰۲۹	۱
W۶	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۸۲	۲	۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۳
W۷	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴	۳	۰/۱۰۵	۴	۰/۱۴	۴	۰/۰۷	۲	۰/۱۴	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۷	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	۳
W۸	۰/۰۴۱	۳	۰/۱۲۳	۱	۰/۰۴۱	۳	۰/۱۲۳	۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	۱	۰/۱۲۳	۳	۰/۰۴۱	۱	۰/۰۴۱	۱
W۹	۰/۰۲۳	۴	۰/۰۹۲	۳	۰/۰۶۹	۲	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۴۶	۲	۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱
W۱۰	۰/۰۵۳	۴	۰/۲۱۲	۲	۰/۱۰۶	۴	۰/۲۱۲	۴	۰/۱۵۹	۳	۰/۲۱۲	۴	۰/۱۰۶	۲	۰/۲۱۲	۴	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	۱
W۱۱	۰/۰۴۷	۴	۰/۱۸۸	۲	۰/۰۹۴	۴	۰/۱۸۸	۴	۰/۱۴۱	۳	۰/۱۸۸	۴	۰/۰۹۴	۲	۰/۱۸۸	۴	۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	۳
W۱۲	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵	۲	۰/۰۷	۲	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۷	۲	۰/۰۷	۲	۰/۱۰۵	۲	۰/۰۷	۲	۰/۱۰۵	۲	۰/۰۳۵	۱
W۱۳	۰/۰۲۹	۲	۰/۰۵۸	۳	۰/۰۸۷	۱	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	۱	۰/۰۲۹	۱
W۱۴	۰/۰۴۷	۴	۰/۱۸۸	۱	۰/۰۴۷	۳	۰/۱۴۱	۱	۰/۰۴۷	۱	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۴۷	۱	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۱
W۱۵	۰/۰۲۹	۴	۰/۱۱۶	۱	۰/۰۲۹	۴	۰/۱۱۶	۴	۰/۱۱۶	۱	۰/۰۲۹	۴	۰/۱۱۶	۱	۰/۰۲۹	۴	۰/۱۱۶	۱	۰/۰۲۹	۱
T۱	۰/۰۶۰	۳	۰/۱۸	۱	۰/۰۶۰	۴	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۴	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۴	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۴
T۲	۰/۰۶۷	۳	۰/۲۰۱	۴	۰/۲۶۸	۳	۰/۲۰۱	۳	۰/۲۶۸	۴	۰/۲۰۱	۳	۰/۲۶۸	۴	۰/۲۰۱	۳	۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	۴
T۳	۰/۰۳۷	۳	۰/۱۱۱	۱	۰/۰۳۷	۴	۰/۱۱۱	۳	۰/۱۴۸	۱	۰/۰۳۷	۴	۰/۱۱۱	۳	۰/۰۳۷	۴	۰/۱۱۱	۳	۰/۰۳۷	۳
T۴	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۲	۰/۰۹	۱	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۹	۲	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۱
T۵	۰/۰۳۰	۳	۰/۰۹	۴	۰/۰۲	۱	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۶	۲	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۲	۴	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۲	۴	۰/۰۳۰	۲
T۶	۰/۰۳۷	۳	۰/۱۱۱	۲	۰/۰۷۴	۳	۰/۱۱۱	۳	۰/۰۷۴	۱	۰/۱۱۱	۳	۰/۰۷۴	۲	۰/۱۱۱	۳	۰/۰۷۴	۲	۰/۰۳۷	۱
T۷	۰/۰۵۲	۴	۰/۲۰۸	۳	۰/۱۵۶	۴	۰/۲۰۸	۴	۰/۱۵۶	۳	۰/۲۰۸	۴	۰/۱۵۶	۳	۰/۲۰۸	۴	۰/۱۵۶	۳	۰/۰۵۲	۴
T۸	۰/۰۴۵	۴	۰/۱۸	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۲	۰/۰۹	۲	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۱۳۵	۳	۰/۰۴۵	۴
T۹	۰/۰۶۰	۴	۰/۲۴	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱
جمع	-	-	۴/۰۸	-	۰/۳۸۵	-	۲/۸۳	-	۲/۸۷۸	-	۲/۹۸۶	-	۲/۳۹۹	-	۳/۷۳	-	۲/۶۹۶	-	-	-

جدول (۱۰): اولویت بندی راهبردها

اولویت ها	راهبردها
اولویت اول	<p>1- WT۱ تدوین مقررات و ضوابط در زمینه توسعه و اصلاح نهادهای مدیریتی و به کارگیری مدیریت تخصصی در بخش های گردشگری و همچنین ثبات در مدیریت برای اجرای درست طرح های بلندمدت</p> <p>2- WT8 استفاده از مدیران آگاه و باتجربه در امر گردشگری</p> <p>3- WO2 استفاده از توان مشارکتی مردم در تمامی مراحل برنامه ریزی گردشگری</p> <p>4- WT10 بازنگری در الگوها و برنامه های گردشگری کشورهای منطقه جهت حذف عوامل دافعه و تقویت عوامل جاذبه گردشگران از طریق تبلیغات، مناسب، ارائه تسهیلات و امکانات کافی به گردشگران</p>
اولویت دوم	<p>1- WT5 ایجاد مراکز آموزش هتلداری و توسعه هتل ها و مهمان پذیری ها</p> <p>2- ST1 تقویت تبلیغات و فعالیت های آگاه سازی در رسانه ها درباره قابلیت های گردشگری منطقه در سطح داخلی و بین المللی و از بین بردن ذهنیت بد گردشگران درباره وضعیت امنیتی و فرهنگی منطقه</p> <p>3- WO3 تقویت زمینه های توسعه بانک مجازی به عنوان یک بانک مشترک جهت تقویت و تسهیل ارائه خدمات بانکی الکترونیکی و صرافی های مجازی به جهانگردان</p> <p>4- WO4 کاهش انحصارگرایی و تمرکزگرایی در حوزه گردشگری و جهانگردی از طریق توجه به توان های بخش های خصوصی و NGO ها و تجربیات نهادهای بین المللی مانند WTO, OIC, IUCN, UNSCO</p> <p>5- WT4 جلب مشارکت های مردمی در ترویج، حفاظت و بهره مندی پایدار از منابع طبیعی و تاریخی - فرهنگی گردشگری منطقه و جلوگیری از تخریب های زیست محیطی و تاریخی - فرهنگی آن</p>

<p>6-WT9 توسعه و افزایش فضاهای سبز، تفریحی و گذران اوقات فراغت بخصوص در منطقه‌های تاریخی و فرهنگی</p> <p>7-WO1 توسعه و بهبود راه‌های ارتباطی از جمله تسهیل توسعه راه‌آهن زاهدان -چابهار برای دسترسی آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر به منطقه</p> <p>8-WT7 انجام مطالعه و پژوهش جهت بهبود شبکه‌های دسترسی در بافت تاریخی</p> <p>9-WT2 ارتقای سطح بهداشت در منطقه و احداث بیمارستان‌های تخصصی مدرن و به‌کارگیری پزشکان متخصص و تجهیز مراکز فعلی با دستگاه‌ها و تجهیزات مدرن برای جذب مسافرانی که خواهان محصولات گردشگری علمی و پزشکی هستند.</p> <p>10-WT3 تشکیل اتحادیه‌ها و صنوف مشترک گردشگری در بین کشورهای منطقه به منظور ارتقای زیرساخت‌های گردشگری</p> <p>11-ST2 تقویت تأسیسات، تسهیلات و خدمات گردشگری برای رقابت با سایر مناطق آزاد منطقه</p> <p>12-SO1 توسعه خطوط هوایی</p>	
<p>1-ST3 اصلاح و بازآرایی تشکیلات و روابط میان سازمانی عناصر ذی‌ربط در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری گردشگری</p> <p>2-SO2 تقویت زمینه‌های استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی به‌ویژه اینترنت شبکه‌های ماهواره‌ای هم به منظور تهیه یک پایگاه جامع و یکپارچه اطلاعاتی از پایگاه‌ها و مناطق و... گردشگری داخلی و سایر کشورها هم بازاریابی، تبلیغات گردشگری و ارائه منابع و تسهیلات به جهانگردان</p> <p>3-SO5 تقویت تمایل مردم منطقه جهت سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری</p> <p>4-SO3 تفکیک وظایف حوزه‌های مختلف گردشگری در سطح سازمانی به منظور جلوگیری از تداخل وظایف تقویت مدیریت یکپارچه گردشگری از طریق محدود کردن قلمرو سازمانی آن تنها به سازمان گردشگری</p> <p>5-SO4 هماهنگی و همکاری مداوم بین همه دینفعان</p>	<p>اولویت سوم</p>

### نتیجه‌گیری

مدیریت یکپارچه، درک و جهت‌دهی مؤثر به تمامی جنبه‌ها، به‌طوری‌که نیازها و انتظارات تمامی ذینفعان به‌طور منصفانه و به بهترین شکل ممکن، با استفاده از منابع موجود برآورده شود است. مدیریت یکپارچه، بر این نکته تأکید دارد که اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای توسعه گردشگری باید بر اساس درک کاملی از چگونگی عملکرد نظام گردشگری اتخاذ شود. برای رسیدن به تعادل و هماهنگی زیبایی‌شناختی، مشارکت و همکاری، اعتماد و اطمینان (پیش‌نیاز برای جذب سرمایه‌گذاری). بازده مناسب و مهم‌تر از همه؛ پایداری نیازمند یکپارچگی هستیم. توسعه و اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌هایی با بازده اقتصادی، طرح‌های جایگزین تسهیلات گردشگری و استفاده از مصالح ساختمانی محلی، مشارکت و همکاری بخش خصوصی در فرآیند مدیریت مناطق گردشگری از جمله موارد مطرح‌شده در مدیریت یکپارچه می‌باشند؛ یعنی، مدیریت مسئولانه منابع، که اثرات منفی را به حداقل برساند. صنعت گردشگری می‌تواند منافع زیادی را برای شهرها به همراه داشته باشد و به‌واسطه مجموعه‌ی پیامدهای مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاصل از ورود گردشگر به شهر بهترین فرصت جهت توسعه‌ی شهرها است. بنابراین لازم است مدیران و مسئولان شهری و گردشگری سعی کنند با مدیریت اصولی گردشگری شهری به‌عنوان عامل ارتقای کیفیت زندگی شهری استفاده کنند. ظرفیت بخشی دولتی با ایجاد زیرساخت‌های مدیریتی نقش اساسی را در توسعه این صنعت دارد. یکی از مهم‌ترین وظایف بخش دولتی، مدیریت کلان و تعیین سیاست‌های کلی در گردشگر می‌باشد. با مطالعه بر پتانسیل‌های موجود در چابهار با تخصیص بودجه زیرساخت‌های لازم برای گسترش جاده‌ها، تجهیز فرودگاه‌ها و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را مهیا سازند. همچنین ترمیم و اصلاح سیستم‌های حمل‌ونقل زمینه‌های امنیت و آرامش خاطر گردشگران را مهیا سازند. با وضع قوانین و مقررات بسترسازی جهت ایجاد امنیت روانی و اجتماعی برای گردشگران و جهانگردان که فاکتور مکمل و بسیار مهمی در راستای توسعه صنعت گردشگری است صورت گیرد بنابراین هرچقدر ظرفیت مدیریت یکپارچه بیشتر شود و هماهنگی بین مدیران بیشتر شود رونق گردشگری بیشتر خواهد بود. به توسعه منابع انسانی و به ایجاد مراکز آموزشی تخصصی پردازند. ظرفیت و برنامه ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت مدیریت استراتژیک می‌تواند زمینه‌های لازم جهت توسعه و

گسترش میزان بیشتر به همراه گردشگری را در پیش داشته باشد، که این نتایج همچنین با نتایج شاطریان و همکاران (۱۳۹۶). در پژوهش ارزیابی شاخص‌های توسعه گردشگری پایدار شهری مطالعه موردی شهر کاشان همسو است. نتایج این پژوهش با پژوهش صورت گرفته به وسیله ضرابی و همکاران (۱۳۹۶). با محوریت برنامه‌ریزی توسعه گردشگری با استفاده از مدل مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی موانع زیربنایی (کمبود و نامطلوب بودن وسایل حمل و نقل، جاده، مراکز خرید، تأسیسات اقامتی، شبکه‌های آب، برق، مخابرات، فاضلاب و بهداشت در مناطق گردشگری)، موانع آموزشی و کمبود نیروی انسانی متخصص و عدم همکاری و هماهنگی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی با یکدیگر کمبود راهنمایان توریستی و تبلیغات نامناسب صابری و همکاران (۱۳۹۶). همان‌طور که در این پژوهش مشخص است مشکلات زیرساختی و تأسیساتی و عدم هماهنگی سازمان‌های دخیل در امر یکپارچگی باعث گسیختگی مدیریت یکپارچه گردید است و شهر چابهار از این قاعده مستثنا نیست سازمان‌های مربوط به مدیریت شهری نیز دارای سیستم جامعه‌ای نیستند از آنجای که چابهار دارای دو مدیریت شهری است یعنی منطقه آزاد و شهرداری با هماهنگی این دو نهاد رسمی می‌تواند چابهار در امر یکپارچگی گردشگری به وضعیت مطلوبی برسد. در بررسی ویژگی‌های عناصر اولیه و ثانویه گردشگری در شهر چابهار مشخص شد که این عناصر در محدوده شهر و محدوده تاریخی شهر (بیشتر اطراف شهر) متمرکز شده است و گردشگران بیشتر از این محدوده استفاده می‌کنند. همچنین نتایج حاصل از مدل SWOT اولویت‌بندی راهبردهای مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار از طریق تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی با استفاده از ماتریس SWOT و مدل برنامه‌ریزی کمی (QSPM) تعیین و مشخص شد. در ماتریس عوامل داخلی وجود منابع و چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی غنی نسبت به مناطق آزاد رقیب (دبی) و برخورداری از سواحل دریای مکران و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس و همسایه مهم‌ترین نقطه قوت و عدم وجود یک مرکز در سطح محلی جهت هماهنگی اقدامات سازمان‌ها و شرکت‌ها در امر گردشگری شهر چابهار مهم‌ترین نقطه ضعف شناخته شدند. در ماتریس عوامل خارجی؛ مستعد بودن منطقه جهت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی گردشگری، امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی مهم‌ترین فرصت و مؤلفه‌ی رقابت منطقه‌ای با منطقه آزاد گوادر و مناطق آزاد حاشیه جنوبی خلیج فارس مهم‌ترین تهدید شناخته شد. با توجه به ماتریس داخلی و خارجی (IE) مدیریت یکپارچه گردشگری شهر چابهار راهبرد تدافعی به‌عنوان اولویت اصلی تعیین شد. با توجه به نتایج حاصل از مدل راهبردی SWOT و ماتریس QSPM به ترتیب اولویت، راهبردهای پیشنهادی زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- تدوین مقررات و ضوابط در زمینه توسعه و اصلاح نهادهای مدیریتی و به‌کارگیری مدیریت تخصصی در بخش‌های گردشگری و همچنین ثبات در مدیریت برای اجرای درست طرح‌های بلندمدت ۲- استفاده از مدیران آگاه و باتجربه در امر گردشگری ۳- استفاده از توان مشارکتی مردم در تمامی مراحل برنامه‌ریزی گردشگری ۴- بازنگری در الگوها و برنامه‌های گردشگری کشورهای منطقه جهت حذف عوامل دافعه و تقویت عوامل جاذبه گردشگران از طریق تبلیغات، مناسب، ارائه تسهیلات و امکانات کافی به گردشگران

## منابع

- حبیبی قاسم‌آبادی، امیر نصرت (۱۳۹۴)، راهبرد توسعه گردشگری پایدار در ایران، انتشارات سعیده، تهران.
- عزیز پور، فرهاد و فتاحی زاده فرح (۱۳۹۶). موانع و چالش‌های تحقق مدیریت یکپارچه گردشگری در کلان شهر مشهد گردشگری شهری، دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶ ص ۶۰-۴۷.
- کاظمی، مهدی (۱۳۸۶)، مدیریت گردشگری، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
- کوزه‌گر کالجی، لطفعلی؛ آقایی، پرویز و محمدی حیدر (۱۳۹۶) تأثیر ارزش ویژه برند گردشگری بر وفاداری گردشگران موزه مورد مطالعه: موزه ملی ایران فصلنامه علمی پژوهشی گردشگری و توسعه، سال ششم، شماره ۱۱، تابستان ۹۶؛ صفحه ۲۰۷-۹۶.

- موسوی میر نجف، حکمت نیا حسن (۱۳۹۲). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات آزادپیمان.
- مؤمنی مصطفی؛ صرافى مظفر و محمدقاسمی خوزانی (۱۳۸۷): «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد» مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۶، شماره ۱۱، زاهدان، صص ۳۹-۱۳.
- محمدی جمال، ضرابی اصغر، گودرزی مجید و فیروزی محمدعلی (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه گردشگری با استفاده از مدل SWot مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی سال اول، شماره دوم، پاییز ۱: صص ۲۴.
- شاطریان، محسن، غلامی، یونس، میرمحمدی، محمد (۱۳۹۶). ارزیابی شاخص‌های توسعه گردشگری پایدار شهری مطالعه موردی شهر کاشان نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال هفدهم. شماره ۴۶.
- صابری، امیر، توکلی‌نیا، جمیله و رضویان محمدتقی (۱۳۹۷). ارزیابی ظرفیت مدیریت یکپارچه توسعه گردشگری شهرستان کاشان فصلنامه ۹۳۱ بهار، ۵۴ مطالعات مدیریت گردشگری، سال چهاردهم، شماره ۸۹-۹۰۳۸.
- قادری، اسماعیل، باقری فاطمه، محمدرضا فرزین، غلامرضا، کاظمیان، مدیریت گردشگری ساحلی؛ تحلیل رویکرد یکپارچه ۹۷ فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۹۷ صفحه ۱۷۵-۰۴.
- قادری، اسماعیل، باقری فاطمه، غلامرضا، کاظمیان، ارزیابی اهمیت - عملکرد ابعاد و شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در سواحل استان مازندران. جغرافیا و پایداری محیط ۴۵-۶۵.
- تولایی، سیمین (۱۳۸۶): مروری بر صنعت گردشگری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول، تهران.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۹۲): اوقات فراغت و گردشگری، انتشارات مهکامه، چاپ اول، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و مهدی سقایی (۱۳۸۵): گردشگری ماهیت و مفهوم، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- بیشمی، بهار، سقایی، مهدی، آرامی، مریم (۱۳۹۵)، بررسی نقش قابلیت‌های گردشگری جاده ادویه بر توسعه گردشگری فارس، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دهم شماره چهارم، صص ۱۷۳-۲۰۸.
- توحید لو، معصومه و بروجنی، ضرغام (۱۳۹۰) الگوی مدیریت اثربخش گردشگری مورد مطالعه: مقصد مذهبی مشهد فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات جهانگردی سال هفتم - شماره ۱۶ - پائیز و زمستان ۹۰ صفحات ۵۲ تا ۲۵.
- حیدری چیانه، رحیم (۱۳۸۹): مبانی برنامه‌ریزی صنعت گردشگری، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۷): توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- زنگی‌آبادی، علی و ابوالحسنی، فرحناز (۱۳۸۵). تحلیل فضایی، سطح‌بندی و برنامه‌ریزی مراکز اقامتی با استفاده از شاخص توسعه گردشگری (TDI). مطالعه موردی شهر اصفهان، مطالعات مدیریت گردشگری.

Bhusan, H & K. Mohanty, (2015). Empowering Women through Tourism Development, Odisha Review.

Garcia, Juan A., Mar Gomez, and Arturo Molina (2012), "A Destination-Branding Model: An empirical Analysis Based on Stakeholders," Tourism Management, 33, 646661.

Hall, C. Michael (1999), Tourism and politics, West Sussex: John Wiley & sons Ltd.

IIRSM (2015): Management Integration: Benefits, Challenges and Solutions, By Ian Dalling, CQI Integrated Management Special Interest Group & Barry Holt, IIRSM, March 2012.

Kim, D. S., & Choi, H. S. (2007). Development of green-tourism potential 24-evaluation method for rural villages considering amenity and human resources. Korean Society of Rural Planning, 13(2), 7e16.

The World Bank, m (2007): world development indicators.

The World Tourism Organization (UNWTO) is the United Nations (2015).

Timothy, Dallen J. and Geoffrey wall, (1995): "Tourist Accommodation in an Asian Historic city", The Journal of Tourism Studies, Vo1. 6, No. 2.

Weaver, David and opperman, (2000): Tourism management, wiley.

Yunis, E. (2001): Sustainable Development and Management of Tourism in Coastal Areas, Chief, Sustainable Development of Tourism World Tourism Organization, Madrid October 2001.

## بررسی نقش توانمندی‌ها و محدودیت‌های ژئومورفولوژیک در تولید فضای شهر با استفاده از GIS (مطالعه موردی: شهر سمنان)

محمد رضا زند مقدم\*، استادیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۸

### چکیده:

فرایندهای طبیعی به ویژه ژئومورفولوژی نقش مهمی در روند مکانیابی، برنامه‌ریزی و توسعه شهرها بر عهده دارد. به نحوی که از گذشته تاکنون سعی شده که بهترین مکان به لحاظ محیطی و ژئومورفولوژیک برای استقرار و روند توسعه فیزیکی شهرها در نظر گرفته شود. در پژوهش حاضر به بررسی ژئومورفولوژی کاربردی و نقش آن در توسعه فیزیکی شهر سمنان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و تکنیکهای ارزیابی چند معیاره تحلیل سلسله مراتبی (AHP) پرداخته شده است. برای این کار معیارهای مؤثر از جمله: ارتفاع، شیب، جهت شیب، لیتولوژی و فاصله از گسل استفاده شده است. هر کدام از معیارهای مورد بررسی طبق نظر کارشناسی و با استفاده از نرم افزار Expert choice وزن دهی و درجه اهمیت هر کدام از آنها مشخص شد. در نهایت با استفاده از روش ترکیبی منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی مکان‌گزینی انجام و با توجه به مقایسه تحلیلی، پهنه‌های مناسب وضع موجود شهر و نقشه ژئومورفولوژی منطقه بر اساس نقاط بحرانی با پهنه‌های مناسب حاصل از تحلیل سلسله مراتبی و سیستم اطلاعات جغرافیایی انجام گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که نقش عوامل ژئومورفولوژی در مکان‌گزینی شهر سمنان بسیار مؤثرتر از دیگر عوامل محیطی بوده است. همچنین تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که شهر سمنان در معرض تهدید عوامل مختلف محیطی قرار دارند. برخی از آنها همچون عوامل لیتولوژی به صورت جدی محدودیت ایجاد کرده و ممکن است در آینده شرایط نامناسبی را برای وقوع سایر مخاطرات محیطی پدید آورد. به این منظور باید به تبعیت از فرایندهای ژئومورفولوژیک روند گسترش شهر امتداد یابد.

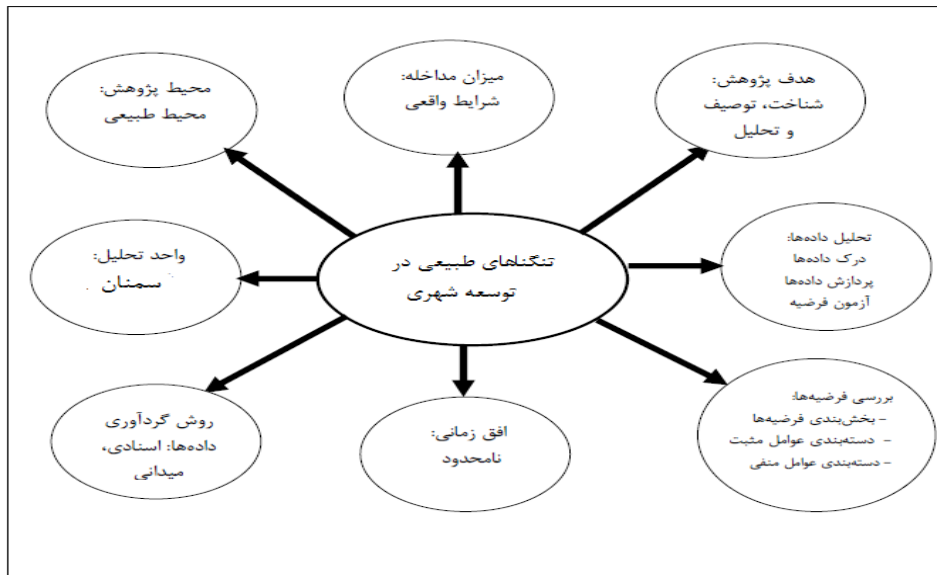
کلمات کلیدی: شهر، توسعه شهری، ژئومورفولوژی شهری، سمنان، نرم افزار GIS

## مقدمه:

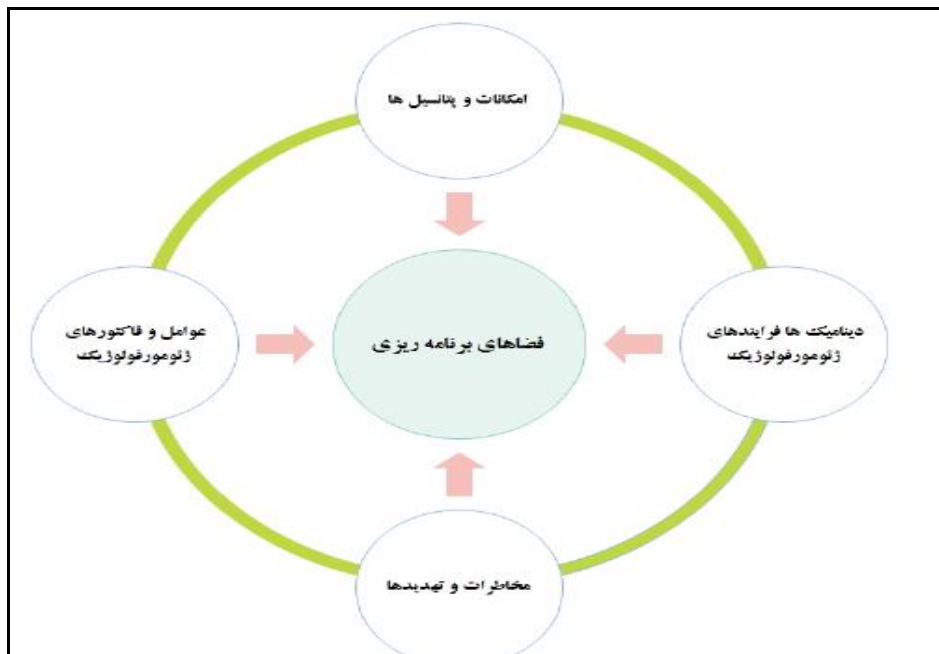
محل استقرار هر سکونتگاه انسانی تحت تأثیر عوامل محیطی به ویژه توپوگرافی و مورفولوژی زمین است که سکونتگاه بر مبنای آن محیط و وضعیت شکل گرفته و باعث مکان‌گزینی کاربری اراضی شهری با مورفولوژی خاص می‌شود. شناخت وضع موجود و مشکلات فعلی شهر و پیش‌بینی تغییرات آتی آن در گرو شناخت این عوامل، نیروها و مکانیزم عمل آنها است. در توجیه کاربرد ژئومورفولوژی در مدیریت شهر باید به این سوال پاسخ داده شود که این کاربرد چه ضرورتی دارد؟ به طور کلی ضرورت این کاربرد ابتدا به توانایی‌های متخصصان ژئومورفولوژی سپس نیاز افراد (حقیقی و حقوقی) و بالاخره به تنوع پدیده‌های ژئومورفیک برمی‌گردد. لذا در برنامه‌ریزیها باید تأثیرات خاص این دانش و تأثیر غیرمستقیم عدم به کارگیری چنین دانشی در آمایش فضای سرزمینی را یافت. بر این مبنا که سطح استفاده از فضای سرزمینی را بالا ببریم و از خطرات آشکار و پنهان فضایی زندگی مردم بکاهیم. در این زمینه اطلاعات مورد نیاز با ابعاد و جوانب توانمندی‌ها و محدودیت‌های ژئومورفولوژیک در تولید فضای شهری سمنان با استفاده از نرم افزار GIS مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفته است.

## روش تحقیق:

جهت انجام این پژوهش ابتدا با توجه به کمبود مطالعات صورت گرفته در زمینه ژئومورفولوژی شهری و همچنین مشکلاتی که شهر سمنان برای توسعه از نظر ژئومورفولوژی با آن مواجه بود ضمن مطالعات کتابخانه‌ای با روش اسنادی اقدام به تدوین مبانی نظری مربوط به توسعه شهری و نقش پدیده‌ها و فرایندهای ژئومورفولوژیک در توسعه فیزیکی شهرها گردید. در ادامه نقشه‌های شیب، جهت شیب، ارتفاع، فاصله از گسل و لیتولوژی محدوده شهر سمنان به کمک نرم‌افزارهای ARCGIS تولید گردید. سپس بر اساس موضوع مورد مطالعه در پژوهش حاضر پنج معیار محدودیت‌ساز توسعه فیزیکی شهر سمنان که به ترتیب اولویت عبارتند از شیب، جهت، شیب، ارتفاع از سطح دریا، فاصله از گسل و لیتولوژی تعیین گردیدند. لازم به ذکر است به واسطه شیب زیاد بخش شمالی به منظور توسعه فیزیکی عامل شیب نیز بعنوان اولین محدودیت فیزیکی مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا هر یک از لایه‌ها بعد از آماده شدن در محیط ARCGIS از حالت vector به حالت raster تبدیل شد. در ادامه جهت اولویت‌بندی شاخص‌های یاد شده پرسشنامه تدوین شده و براساس نظرات کارشناسی، وزن دهی و اولویت‌بندی انجام گردید. با استفاده از مدل AHP لایه‌های مورد نظر بعد از مقایسه دوجه دو و تشکیل ماتریس زوجی و محاسبه وزن هر یک از لایه‌ها، با overlay کردن لایه‌های وزن دار شده نقشه نهایی توسعه فیزیکی شهر حاصل از مدل تحلیل سلسله مراتبی در محیط ARCGIS در کلاس‌های مختلف تهیه شد و نتایج و پیشنهادها ارائه گردید.



شکل (۱): تنگناهای طبیعی در توسعه شهری



شکل (۲): فاکتورهای ژئومورفولوژیک موثر در فضاهای برنامه ریزی شهرها

پیشینه تحقیق: در بخش سوابق مطالعاتی موضوع بواسطه محدودیت صفحات به ذکر مهمترین تحقیقات اخیر صورت گرفته در داخل و خارج از کشور در غالب جداول زیر پرداخته شده است.

جدول (۱): مهمترین تحقیقات اخیر داخلی

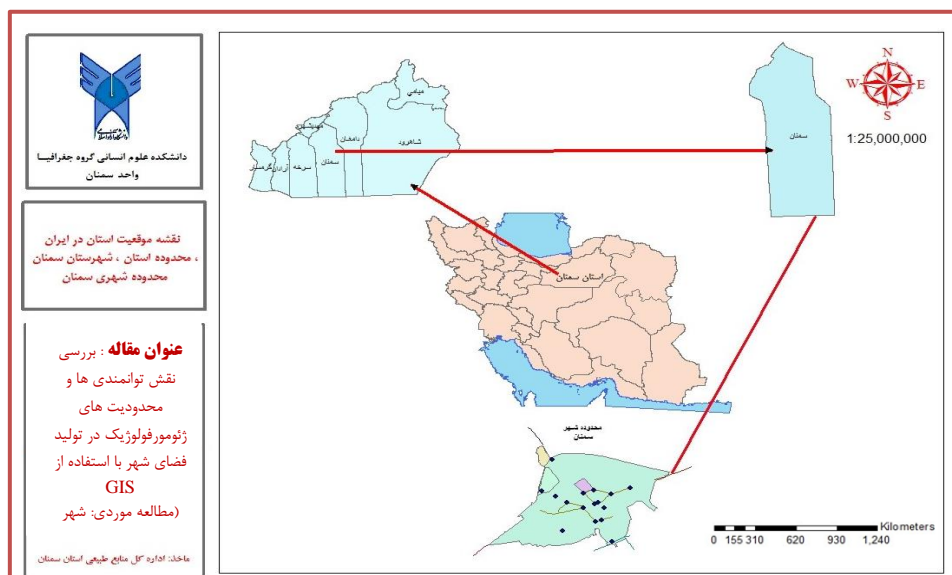
ردیف	محققین	سال	موضوع	نتیجه
۱	زند مقدم محمد رضا	۱۳۹۷	بررسی مکان‌گزینی پایگاه‌های مدیریت بحران منطقه ۱۱ شهرداری تهران عنوان نموده منطقه ۱۱ تهران	۱- بررسی مکان‌گزینی پایگاه‌های مدیریت بحران در سطح منطقه ۲- مشخص کردن مکان‌های اولویت دار برای احداث پایگاه‌های مدیریت بحران در سطح منطقه با استفاده از مدل AHP با استفاده از نرم افزار
۲	کرکه آبادی زینب و دانائی سید عباس	۱۳۹۷	مکان‌یابی بهینه مراکز فرهنگی هنری با استفاده از GIS (مطالعه موردی: شهر سمنان	۷نقطه پیشنهادی توسط نرم افزار ارزیابی که پس از بازدید میدانی مشخص گردید که ۴ نقطه در حوالی مراکز فرهنگی موجود می‌باشد که این امر بر مکان‌گزینی درست این مراکز صحت گذاشته ولی افزایش ظرفیت آنها را خواهان است ۳ نقطه دیگر نیز با توجه به افزایش جمعیت در نواحی پیشنهادی در آینده و توسعه آتی شهر می‌تواند مدنظر قرار گیرند
۳	زند مقدم محمد رضا	۱۳۹۷	نقش عوامل ژئومورفیک در تعیین کاربری اراضی شهری و روند گسترش فیزیکی شهر با استفاده از نرم افزار (GIS) مطالعه موردی مهدیشهر - سمنان	پس از شناخت وضع موجود کاربری اراضی با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و میدانی به تحلیل سطوح و فضای مناسب با استانداردهای شهری پرداخته و با مشخص نمودن فضاهای بهینه داده‌های لازم را در محیط نرم افزار (GIS) قرار داده و سپس با توجه به همین وضع موجود کاربرها و بهترین فضاها جهت رشد و توسعه بخصوص در بخش مسکونی در قالب نقشه ارائه گردید
۴	علیزاده گرچی	۱۳۹۶	رساله‌ی دکترای تخصصی (PhD) با عنوان: ارزیابی تنگناهای ژئومورفولوژیکی تاثیرگذار در توسعه فضای شهری مطالعه موردی: شهر نکا	تنگناهای ژئومورفولوژیکی برای توسعه فضای شهری شناسایی و با به کارگیری از مدل‌های مختلف برای هر یک از این پدیده‌ها، نظیر مدل رگرسیون چند متغیره برای زمین لغزش، روش غیر ریاضی برای زلزله و روش Hec-HMS, Hec-RAS برای سیلاب، نقشه‌های پهنه‌بندی خطر تهیه گردید.
۵	شکور، شمس‌الدینی و توکلی	۱۳۹۵	نقش عوامل ژئومورفولوژیکی در توسعه فیزیکی شهرها با استفاده از نرم‌افزار GIS (مطالعه موردی: بخش میمند- فارس)	بررسی ژئومورفولوژی کاربردی و نقش آن در توسعه فیزیکی بخش میمند با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و تکنیک‌های ارزیابی چند معیاره تحلیل سلسله مراتبی (AHP) پرداخته شده است.
۶	عابدینی و دیگران	۱۳۹۴	پهنه‌بندی ژئومورفولوژیکی تناسب زمین در شهرستان اراک با استفاده از مدل منطق فازی (با رویکرد توسعه آتی شهر اراک)	نتایج حاکی از آن بود که دو هسته در غرب و شرق شهرستان جهت توسعه آتی شهر اراک مناسب به نظر می‌رسد و در حال حاضر، پهنه‌ی شمال و شمال‌غربی شهر در اولویت می‌باشد. در نهایت نقشه‌هایی به ۵ کلاس طبقه‌بندی گردید



جدول (۲): مهمترین تحقیقات اخیر خارجی

ردیف	محققین	سال	موضوع	نتیجه
۱	پارتا و همکاران	۲۰۱۲	به بررسی اثرات ژئومورفولوژی بر توسعه شهری، شهر کوچک در مرکز هند	شاخص‌های چون کاربری اراضی، توپوگرافی، شیب، سنگ شناسی و ساختار زمین شناسی منطقه پرداخته‌اند تا تکنیکی برای پیش‌بینی رشد شهری جهت توسعه مناسب شهری را نشان دهند که نتایج شان نشان داد دهد که با ترکیب ژئومورفولوژی و زمین شناسی می‌تواند برای توسعه شهر به برنامه ریزی آن پرداخت
۲	چاین	۲۰۰۶	که چگونه رشد شهرنشینی باعث تغییر رودخانه‌ها در سراسر جهان می‌شود	تلفیقی از نتایج بیش از ۱۰۰ مطالعه انجام شده و به طور کلی عکس العمل‌های رودخانه به شهرنشینی متغیراست و با تغییر مورفولوژیکی سریع و در مسافت‌های کوتاه مشخص می‌شود. صرف نظر از محل و موقعیت، تداوم وضع تولید رسوب از یک ماه تا چندین سال متفاوت است
۳	فیتزپاتریک و همکاران	۲۰۰۵	اثر شهرنشینی بر ژئومورفولوژی، مسکن، هیدرولوژی و زندگی موجودات زنده در منطقه شیکاگو	و شاخص‌هایی چون بافت خاک، شیب، پوشش حریم رودخانه و موقعیت شبکه جریان برای تعیین عوامل اثرات شهرنشینی مورد بررسی قرار گرفت.
۴	دناتیلو	۲۰۰۱	به توصیف و بررسی هفت شاخص عمده‌ی هوا، انرژی، نواحی سبز، صدا، حمل و نقل، آب و زباله برای رسیدن به یک سیستم جامع از شاخص‌های پایدار محیطی در سطح شهرهای ایتالیا	و نتیجه گرفت، که شاخص‌های محیطی، مهم‌ترین شاخص در جهت رسیدن به یک درک جامع از شاخص‌های پایدار می‌باشد.
۵	گوپتا و همکاران	۱۹۹۹	ژئومورفولوژی و مناطق شهری " حاره	برداشت بیش از حد منابع آب در تعیین جهت توسعه شهری را در کمربند حاره‌های مورد بررسی قرار داده‌اند
۶	وسوون و همکارش	۱۹۹۸	به چینه‌ها، شواهد و عکسهای هوایی بر این که فرسایش و رسوب، ظرف چند قرن اخیر در جنوب شرقی استرالیا	و بریدگیهای کانالی را منجر گشته است که باید بیشتر تأثیرات فرسایش را در انتهای مکان، جایی که بسیاری از کانال‌ها از آن نشأت می‌گیرند، کنترل نمود

### معرفی منطقه مورد مطالعه موقعیت جغرافیایی شهرستان سمنان:



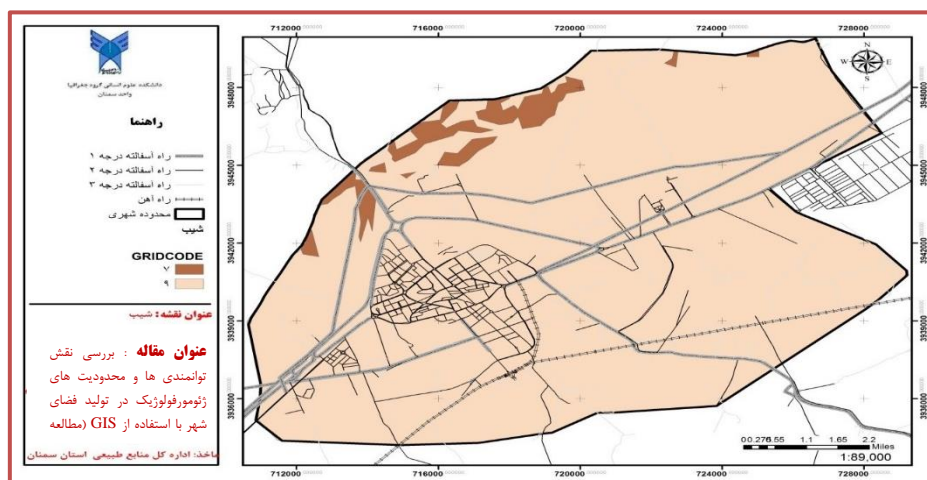
شهرستان سمنان با مساحتی در حدود ۲۲۱۱۹ کیلومتر مربع با مرکزیت استان که در فاصله ۲۰۵ کیلومتری شرق تهران واقع شده است. و از غرب به شهرستان سرخه و بخش فیروزکوه و از شرق به شهرستان دامغان و از جنوب به کویر مرکزی ایران که در نهایت به شهرستان نائین و استان اصفهان و از شمال به شهرستان مهدیشهر محدود شده است. طول جغرافیایی این شهرستان بین ۵۲ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۴۲ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی آن بین ۳۴ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه می باشد. (وحدتی، ۱۳۸۳، ۲۳)

### یافته های تحقیق:

### بررسی عوامل ژئومورفولوژیک شهر سمنان:

#### شیب:

عامل شیب با تاثیر بر سامانه حرکت آبهای سطحی، بر چگونگی دفع فاضلاب شهری وضعیت شبکه بندی گذرگاهها تاثیر دارد (حبیبی واحدپور، ۱۳۸۴: ۱۸۸). مناسب ترین شیب برای توسعه فیزیکی شهر شیب صفر تا ۶ درصد است که میزان تخریب آن کم و هزینه سرمایه ای برای آن ناچیز است. شیب تا ۹ درصد تا حدودی مساعد است، ولی شیب بیش از ۹ درصد مستلزم تامین هزینه های سرمایه ای و نگهداری زیاد و تخریب پیوسته در محیط زیست است (مخدوم، ۱۳۸۲: ۶۵). با توجه به نتایج و بررسی های بعمل آمده ۳٫۵ درصد حریم شهر سمنان جهت توسعه شهری به لحاظ شیب نسبتا مناسب است اما ۹۶٫۵ درصد سطح آن جهت توسعه شهری به لحاظ شیب دارای شرایط کاملا مناسب می باشد که در شکل ۴ نقشه شیب شهر سمنان و جدول ۳ ارزش گذاری شیب منطقه ارایه شده است.



شکل (۴): نقشه شیب شهر سمنان

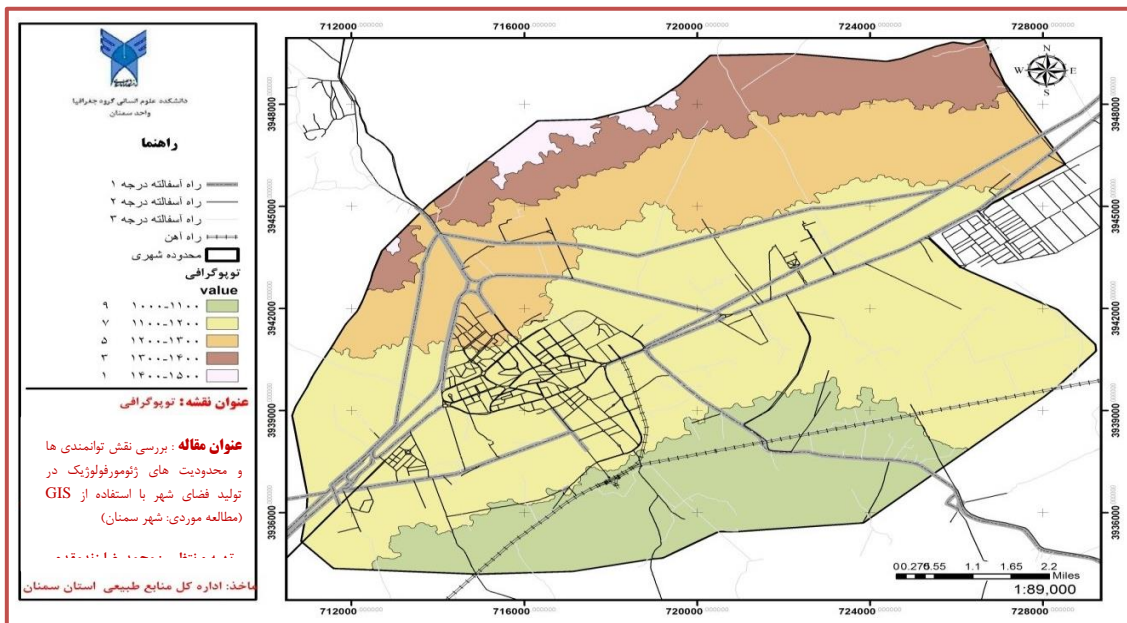
جدول (۳): ارزش گذاری شیب منطقه مورد مطالعه

طبقات شیب	ارزش گذاری	مساحت	درصد
۲-۵	کاملا مناسب	۱۹۴۱۴	۹۶٫۵
۵-۱۰	نسبتا مناسب	۷۰۸	۳٫۵
۱۰-۱۵	بی تفاوت	-	-
۱۵-۲۰	نسبتا نامناسب	-	-
۲۰<	کاملا نامناسب	-	-

منبع: نگارنده

## ارتفاع از سطح دریا:

عامل ارتفاع بر روی عوامل اقلیمی همچون دما، بارش و تبخیر اثر داشته و به صورت مستقیم می‌تواند بر استقرار سکونت گاهها تاثیر گذار باشد (ملکی، ۱۳۸۸: ۲۳). به علاوه توپوگرافی در بسیاری از مسائل شهری همچون تعیین مسیر لوله‌های آب، گاز، تخلیه آبهای سطحی و فاضلاب شهری، تعیین مسیر خیابانها برای دریافت نور، امور حفاظت از آب و خاک در پیرامون شهرها اهمیت دارد (رهنمایی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). محدوده مورد بررسی بین ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر قرار گرفته است. روند ارتفاع از جنوب به شمال در حال افزایش است که به تبع آن شیب نیز افزایش می‌یابد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که از منطقه پیشنهادی برای توسعه شهری ۱۷٫۵ درصد آن کاملا مناسب، ۵۰ درصد آن نسبتا مناسب، ۲۰٫۵ درصد آن مناسب، ۱۰٫۵ درصد نسبتا نامناسب و ۱٫۵ درصد آن کاملا نامناسب می‌باشد که در شکل (۵) نقشه توپوگرافی شهر سمنان و جدول (۴) ارزش گذاری هیپسومتری منطقه ارایه شده است.



شکل (۵): نقشه توپوگرافی شهر سمنان

جدول (۴): ارزش گذاری هیپسومتری منطقه مورد مطالعه

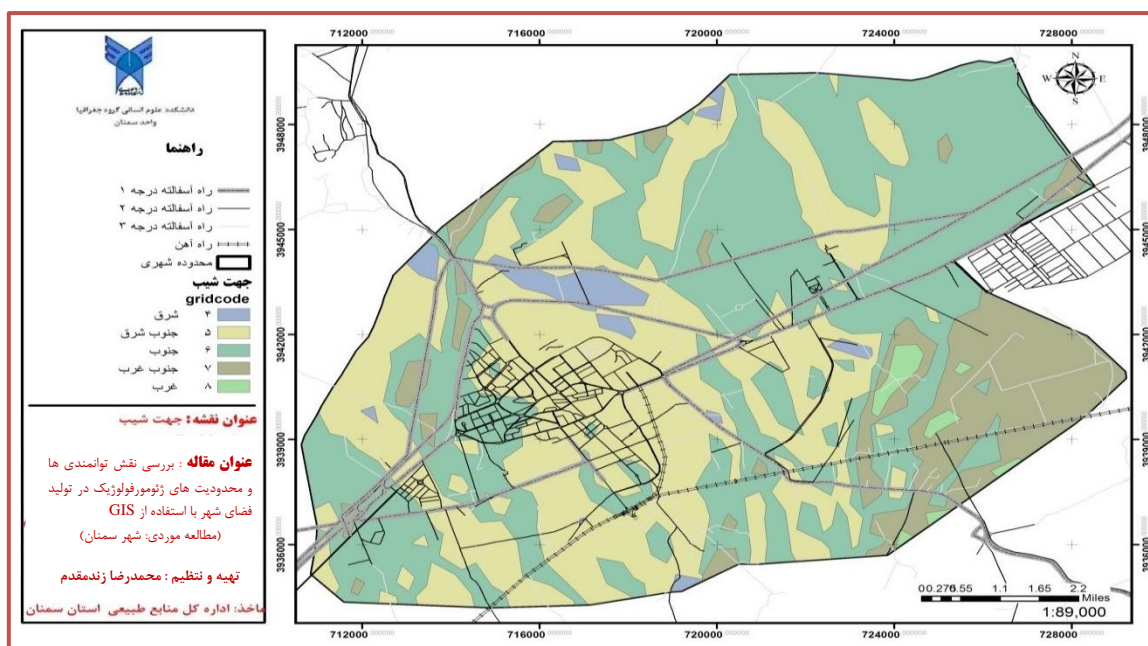
طبقات ارتفاعی	ارزش گذاری	مساحت	درصد
۱۰۰۰-۱۱۰۰	کاملا مناسب	۳۵۳۲	۱۷٫۵
۱۱۰۰-۱۲۰۰	نسبتا مناسب	۱۰۱۳۲	۵۰
۱۲۰۰-۱۳۰۰	بی تفاوت	۴۱۲۶	۲۰٫۵
۱۳۰۰-۱۴۰۰	نسبتا نامناسب	۲۰۵۲	۱۰٫۵
۱۴۰۰-۱۵۰۰	کاملا نامناسب	۲۸۰	۱٫۵

منبع: نگارنده

## جهت شیب یا دامنه:

جهت شیب یا دامنه اثر مهمی بر ذوب برف، درجه حرارت، رطوبت خاک و در نتیجه پوشش گیاهی و نوع فرسایش دارد. ساخت و ساز در دامنه‌های پشت به آفتاب باعث می‌شود که در فصول سرد سطح معابر و خیابانها و لوله‌های آب و فاضلاب دچار یخ زدگی شود. در موقعیت جغرافیایی ایران اغلب شیبهای جنوب و جنوب غربی نسبت به شیبهای شمال و شرق از تابش بیشتری برخوردارند، از این رو مناطق خشک‌تری راتشکیل می‌دهند. نتایج بررسیها و آنالیز نقشه‌های رقومی نشان می‌دهد از ۸ جهت اصلی و فرعی ۵ جهت در محدوده مورد مطالعه موجود می‌باشد که ۲ درصد مساحت منطقه مورد نظر به لحاظ محدودیت شیب

برای توسعه شهری کاملاً نامناسب، ۳۹ درصد آن نسبتاً نامناسب و ۱ درصد آن به لحاظ پارامتر جهت شیب بی تفاوت ۴۶ درصد نسبتاً مناسب و ۱۲ درصد کاملاً مناسب می‌باشد که در شکل (۶) نقشه جهت شیب شهر سمنان و جدول (۵) ارزش گذاری جهت شیب منطقه ارایه گردیده است.



شکل (۶): نقشه جهت شیب شهر سمنان

جدول (۵): ارزش گذاری جهت شیب منطقه مورد مطالعه

درصد	مساحت	ارزش گذاری	جهت جغرافیایی
۲	۴۶۰	۱ کاملاً نامناسب	شرقی
۳۹	۷۹۰۵	۳ نسبتاً نامناسب	جنوب شرقی
۱	۱۶۹	۵ بی تفاوت	غربی
۴۶	۹۲۰۸	۷ نسبتاً مناسب	جنوبی
۱۲	۲۳۸۰	۹ کاملاً مناسب	جنوب غربی

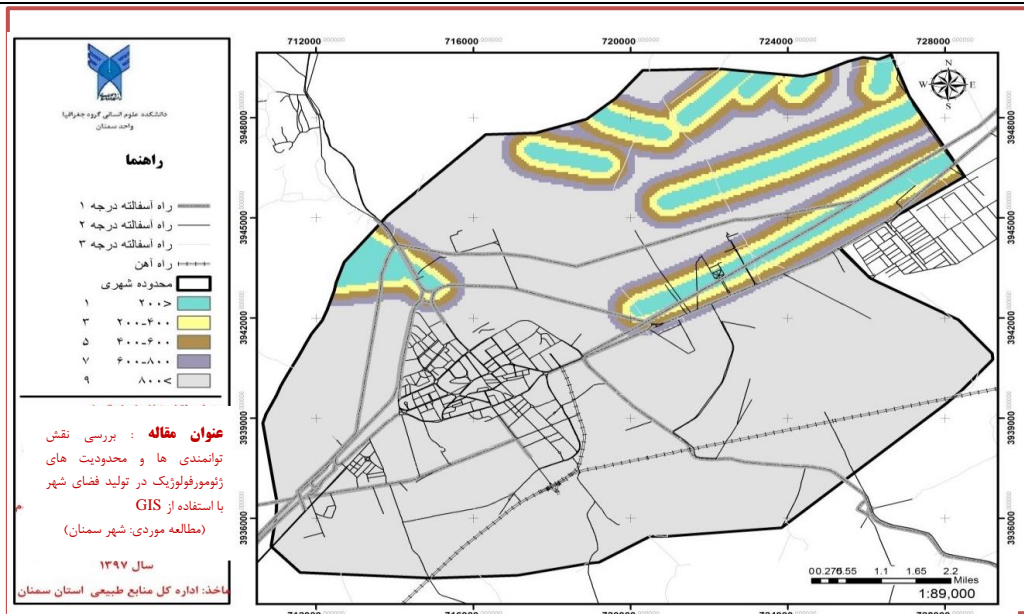
منبع: نگارنده

### فاصله از گسل :

بطور کلی راستای گسله‌ها در سمنان در شعاع ۱۰۰ کیلومتری اطراف سمنان در جهت شرق به جنوب غربی و در بعضی موارد جهت شرق به غرب دارند. (اداره صنایع و معادن استان سمنان ۱۳۶۹)

راندگی سمنان با راستای خم‌دار شمال شرقی - جنوب غربی و درازای ۲۵ کیلومتر از ۵ کیلومتری شمال شهر سمنان می‌گذرد. شیب عمومی گسله‌های سمنان به سوی شمال غربی است. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۹: ۷۴) عمده گسله‌های سمنان عبارتند از: گسل سمنان و گسل عطاری

طبق شواهد مورفوتکتونیک گسل‌های سمنان و عطاری از گسل‌های فعال و جوان به حساب می‌آیند. با توجه به منطقه مورد نظر قسمتهای شمال شرقی تحت تاثیر گسل قرار می‌گیرد. لذا در موقع ارزش گذاری جهت توسعه شهری قسمتهایی که بیشترین فاصله را از گسل دارند بالاترین ارزش را به خود اختصاص داده‌اند بالعکس براساس بررسیهای بعمل آمده به لحاظ محدودیت فاصله از گسل ۷۵ درصد منطقه مورد بررسی دارای شرایط کاملاً مناسب و ۷ درصد آن دارای شرایط کاملاً نامناسب می‌باشد که در شکل (۷) نقشه فاصله از گسل شهر سمنان و جدول (۶) ارزش گذاری از گسل منطقه ارایه گردیده است.



شکل (۷): نقشه فاصله از گسل شهر سمنان

جدول (۶): ارزش گذاری فاصله از گسل منطقه مورد مطالعه

طبقات ارتفاعی	ارزش گذاری	مساحت (هکتار)	درصد
۲۰۰ <	کاملاً نامناسب	۱۴۲۵	۷
۲۰۰-۴۰۰	نسبتاً نامناسب	۱۱۷۵	۶
۴۰۰-۶۰۰	بی تفاوت	۱۲۵۵	۶
۶۰۰-۸۰۰	نسبتاً مناسب	۱۱۶۵	۶
۸۰۰ <	کاملاً مناسب	۱۵۱۰۲	۷۵

منبع: نگارنده

## لیتولوژی:

بسیاری از پدیده‌هایی که مورفولوژی کنونی منطقه را بوجود می‌آورد با ویژگی‌های لیتولوژی در ارتباط می‌باشند. (علایی طالقانی ۱۳۸۶: ۸۲-۷۲).

در بررسی لیتولوژی منطقه مورد مطالعه جهت آگاهی و شناخت مخاطرات ژئومورفولوژیکی تحت این عامل (جنس و مقاومت سازندها) در برابر تغییرات ژئومورفیکی و نقش آن‌ها در جهت جلوگیری از مخاطرات، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در منطقه مورد مطالعه، سنگها از لحاظ لیتولوژی به سه گروه تقسیم می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸).

این سازندها عبارتند از:

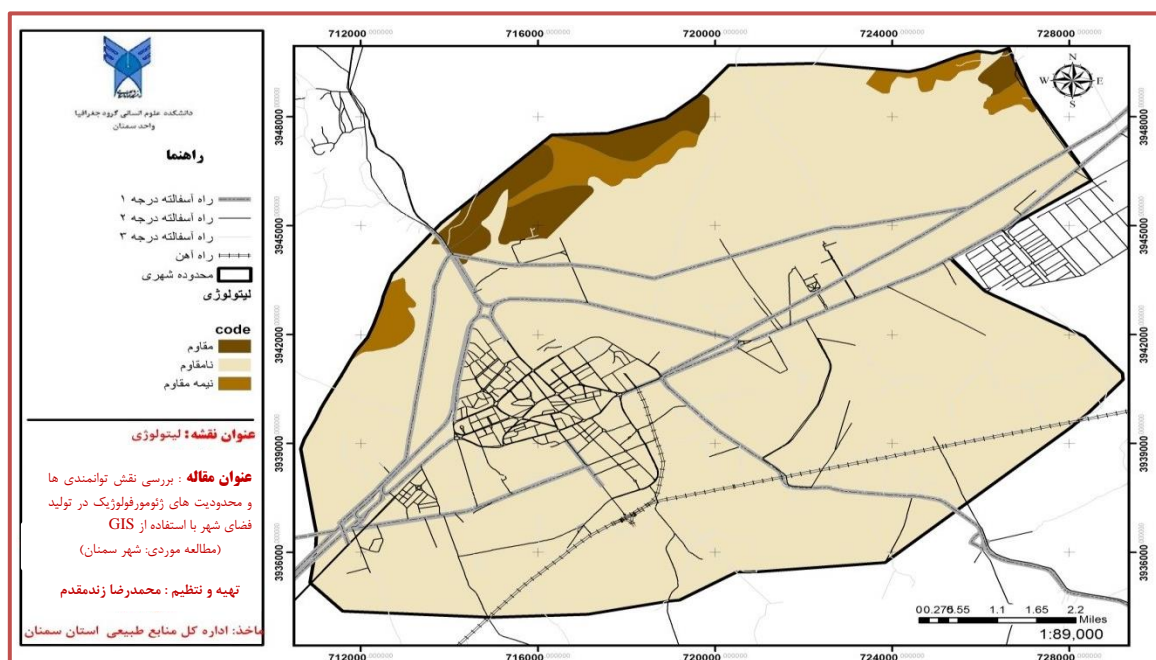
سازندهای مقاوم (آندزیت‌های پورفیری)

سازندهای نامقاوم (پادگانه‌های آبرفتی جوان، مارنهای خاکستری، مارنهای قرمز ژئوپس دار ونمکدار)

سازندهای نیمه مقاوم (مخروط افکنه، تراورتن، پادگانه‌های قدیمی و مرتفع)

با توجه به نقشه لیتولوژی منطقه مورد مطالعه، می‌توان گفت که گسل‌های اصلی و فرعی آن کاملاً بر روی سازندهای نامقاوم و نیمه مقاوم و در بعضی نقاط بر روی سازندهای مقاوم قرار گرفته‌اند. وجود سازندهای نیمه مقاوم به دلیل نفوذپذیری بالا برای ایجاد و توسعه شهرسازی مخاطراتی چون لغزش، فرونشست، ریزش، زلزله و غیره را بدنبال خواهد داشت. لذا قسمتهایی که از نظر لیتولوژی مقاوم هستند مکانهای مناسبی برای شهرسازی بوده و از نظر ارزشگذاری بالاترین امتیاز را دارا می‌باشد. نتایج

بررسی نشان می‌دهد که ۴ درصد مساحت منطقه مورد نظر به لحاظ لیتولوژی برای توسعه شهری کاملاً مناسب، ۳ درصد آن بی تفاوت و ۹۳ درصد آن به لحاظ لیتولوژی نسبتاً نامناسب می‌باشد که در شکل (۸) نقشه لیتولوژی شهر سمنان و جدول (۷) ارزش گذاری لیتولوژی منطقه ارایه گردیده است.



شکل (۸): نقشه لیتولوژی شهر سمنان

جدول (۷): ارزش گذاری لیتولوژی منطقه مورد مطالعه

لیتولوژی	ارزش گذاری	مساحت (هکتار)	درصد
مقاوم	کاملاً مناسب	۷۵۰	۴
نیمه مقاوم	بی تفاوت	۶۰۰	۳
نا مقاوم	نسبتاً نامناسب	۱۸۷۷۲	۹۳

منبع: نگارنده

### روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره:

در تحقیق حاضر از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره تحلیل سلسله مراتبی<sup>۱</sup> (AHP) برای وزن‌دهی و اولویت‌بندی شاخص‌ها به صورت رتبه‌ای و اثر هر یک از شاخص‌ها بر روی هدف با استفاده از میانگین هندسی پرسشنامه‌هایی که ضریب ناسازگاری آنها کمتر از ۰/۱ باشد، استفاده شده است. لذا در اینجا نرخ سازگاری با توجه به فرمول زیر مورد محاسبه قرار گرفته است:

$$WSV=D*W$$

لذا در صورتی که نرخ ناسازگاری، کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ باشد ( $IR \leq 0/10$ )، در مقایسات زوجی، سازگاری وجود دارد و می‌توان کار را ادامه داد. در غیر این صورت، تصمیم‌گیرنده باید در مقایسات زوجی تجدیدنظر کند. (Hsu and Hu, 2008). همچنین برای تعیین میزان اهمیت ارتباط هر یک از شاخص‌ها در بررسی نقش توانمندی‌ها و محدودیت‌های ژئومورفولوژیک در تولید فضای شهری با استفاده از GIS از روش (AHP) استفاده شد.

همانگونه که قبلاً نیز اشاره گردید ۵ شاخص شیب، جهت شیب، ارتفاع از سطح دریا، لیتولوژی و فاصله از گسل بعنوان شاخص مهم برای بررسیها در نظر گرفته شده است.

جدول (۸): نتایج انجام محاسبات مقایسات جفتی اهمیت شاخص‌ها در تولید فضای شهری با روش (AHP)

اولویت	میانگین	جمع	لیتولوژی	گسل	ارتفاع	جهت	شیب	شاخصها
۱	.۳۸۸	۱,۹۴	.۲۸۸	.۲۶۳	.۴۰۲	.۶۱۹	.۳۷۴	شیب
۲	.۱۷۲	.۸۶	.۲۴۸	.۲۱۱	۰/۲۰۳	.۱۲۸	.۰۷۸	جهت
۴	.۱۰۲	.۰۵۱	.۰۷۳	.۱۸	.۰۱	.۰۶۴	.۰۹۳	ارتفاع
۲	.۱۷۲	.۸۶	.۲۳۵	.۱۸۰	.۰۸	.۱۰۸	.۲۵۴	گسل
۳	.۱۵۲	.۷۶	.۱۵۴	.۱۱۷	.۲۱۱	.۰۷۹	.۱۹۸	لیتولوژی

منبع: نگارنده

حال همین مراحل را برای سه منطقه در نظر گرفته شده به جهت توسعه در نظر می‌گیریم

مجموعه جداول (۹): نتایج انجام محاسبات و نتایج مقایسات جفتی

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	میانگین
منطقه ۱	۳,۵	۵,۵	۱/۵۸۷
منطقه ۲	۱	۴,۷۵	۱/۵۴۷
منطقه ۳	.۲۱	۱	۱/۹۸
جمع	۴,۷۱	۱۱,۲۵	

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	میانگین
منطقه ۱	۲,۵	۳,۵	۱/۳۹۷
منطقه ۲	۱	۳,۹	۱/۶۵۸
منطقه ۳	.۲۵۶	۱	۱/۲۷۷
جمع	۳,۷۵۶	۸,۴	

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	میانگین
منطقه ۱	۲,۳	۳,۱	۱/۳۴۷
منطقه ۲	۱	۲,۷	۱/۶۵۲
منطقه ۳	.۳۷	۱	۱/۳۳۳
جمع	۳,۶۷	۶,۸	

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	میانگین
منطقه ۱	۱,۵	۲,۷	۱/۱۴۸
منطقه ۲	۱	۲	۱/۷۷۷
منطقه ۳	.۵	۱	۱/۴۰۷
جمع	۲,۰۳۷	۵/۷	

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	میانگین
منطقه ۱	۱/۶	۲	۱/۱۰۸
منطقه ۲	۱	۱/۵	۱/۷۱۱
منطقه ۳	.۵	۱	۱/۵۱۳
جمع	۲/۱۲۵	۳/۲۶۶	۴/۵

منبع: نگارنده

اکنون وزن نسبی شاخص‌ها در ماتریس وزن نسبی گزینه‌ها را با توجه به هر شاخص ضرب کرده و طبق آن گزینه‌ها را رتبه بندی می‌کنیم بنابراین این داریم:

جدول (۱۰): جدول ترکیبی معیارها و گزینه‌ها در مقایسه زوجی و یا مناطق و معیارهای در مقایسات زوجی

	شیب	جهت شیب	فاصله از گسل	لیتولوژی	ارتفاع از سطح دریا
منطقه ۱	۱/۵۸	۱/۳۹	۱/۳۴	۱/۱۴	۱/۱
منطقه ۲	۰/۵۴	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۷۷	۰/۷۱
منطقه ۳	۰/۱۹	۰/۲۷	۰/۳۳	۰/۴	۰/۵۱

منبع: نگارنده

ماتریس وزن نسبی گزینه‌ها به قرار زیر می‌باشد:

شیب = ۰/۳۸۸      ارتفاع از سطح دریا = ۰/۱۰۲      لیتولوژی = ۰/۱۵۲

جهت شیب = ۰/۱۷۲      فاصله از گسل = ۰/۱۷۲

رتبه حاصل از هر منطقه به شرح ذیل می‌باشد:

منطقه ۱ = ۱/۳۶۸      منطقه ۲ = ۰/۶۲۳      منطقه ۳ = ۰/۲۹

بنابر این بر اساس این پژوهش اولویت مناطق جهت توسعه شهر سمنان بدست می‌آید.

در این مرحله باید نرخ ناسازگاری محاسبه شود، در این جا فقط نرخ ناسازگاری را برای مقایسات زوجی شاخص‌ها حساب می‌کنیم. که در این جا به جهت اختصار از آوردن محاسبات پرهیز می‌کنیم.

در گام اول ماتریس مقایسات زوجی شاخص‌ها را در بردار وزن‌های نسبی به دست آمده از آن ضرب می‌کنیم. عدد بدست آمده برای هر شاخص عبارت از:

شیب = ۲/۱۵۸      جهت شیب = ۰/۹۰۳      ارتفاع از سطح دریا = ۰/۵۷۴

فاصله از گسل = ۰/۸۹۵      لیتولوژی = ۰/۷۸۸

در گام دوم، جواب حاصل (WSV) را بر بردار وزن‌های نسبی شاخص‌ها تقسیم می‌کنیم تا بردار سازگاری (CV) به دست آید. در این حالت داریم:

شیب = ۵/۵۶۱      جهت شیب = ۵/۲۵۲      ارتفاع از سطح دریا = ۵/۶۳۴

فاصله از گسل = ۵/۲۰۴      لیتولوژی = ۵/۱۸۵

در گام سوم، میانگین حسابی عناصر این بردار را به دست می‌آوریم که  $\lambda_{\max}$  نامیده می‌شود: عدد حاصل ۵/۳۶۷ می‌شود.

$$II = \frac{\lambda_{\max} - n}{n - 1}$$

در گام چهارم، شاخص ناسازگاری را به صورت زیر حساب می‌کنیم:

بر اساس این فرمول در محدوده مورد مطالعه شاخص ناسازگاری ۰/۰۹ بدست می‌آید.

در گام پنجم، لازم است نرخ ناسازگاری محاسبه شود.  $N$  (تعداد شاخص‌ها)،  $5$  بوده و  $IR$  نیز از جدول استخراج می‌شود.

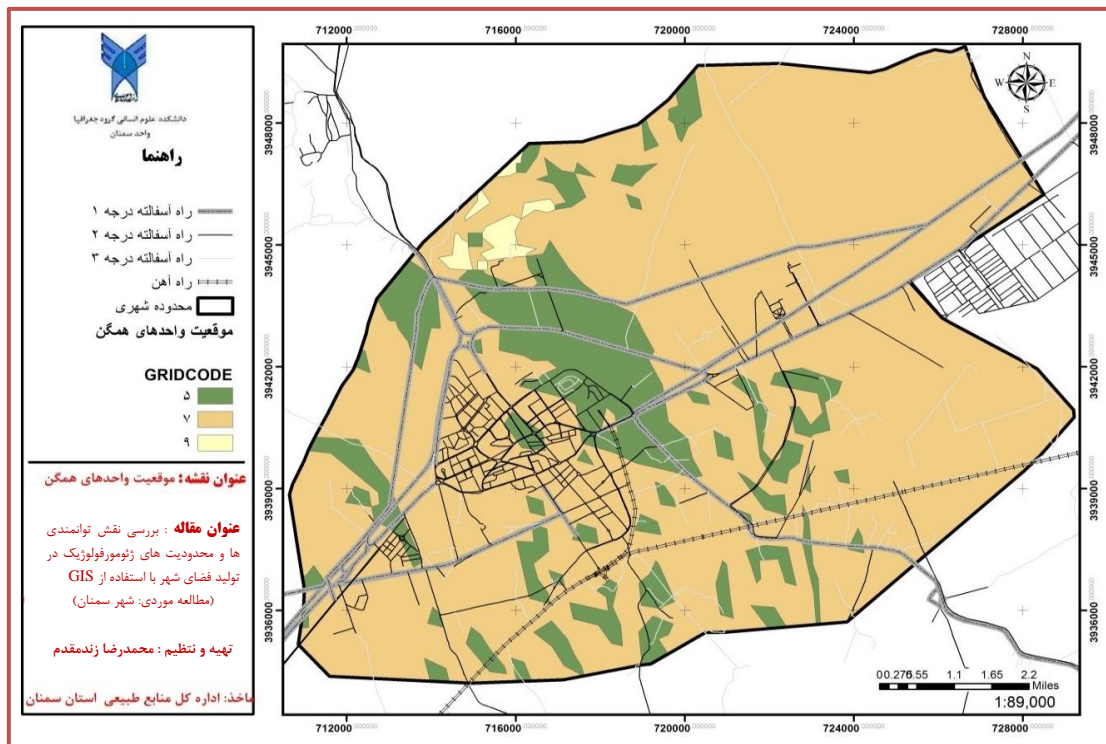
بنابر این نرخ ناسازگاری در محدوده مورد مطالعه ۰/۰۸ بدست آمده.

از آنجا که  $IR = 0.08$  کوچکتر از  $0.1$  است، پس در مقایسات زوجی، سازگاری قابل قبولی وجود دارد.



## نتیجه گیری و تلفیق یافته‌های تحقیق:

همانطور که در نقشه نهایی بدست آمده ملاحظه می‌گردد، با توجه به شاخصهای ژئومورفولوژیک مورد بررسی برای رشد و گسترش شهر فضای کافی کاملاً مناسب وجود ندارد. به این معنا که فضاهای موجود در اطراف شهر هر کدام با یک یا چند محدودیت طبیعی و ژئومورفولوژیکی مواجه می‌باشد و برای ساخت و سازهای شهری شرایط کاملاً ایده آل نیستند. نتایج بدست آمده از نقشه نهایی، حاصل از همپوشانی وزنی برای توسعه فیزیکی شهر مورد مطالعه که در سه کلاس طبقه شده است نشان می‌دهد که ۱۷۵٫۵ هکتار آن معادل ۱ درصد مکانهای کاملاً مناسب ۱۶۸۷۵٫۵ هکتار معادل ۸۴ درصد مکانهای نسبتاً مناسب، ۳۰۷۱ هکتار معادل ۱۵ درصد را مکانهای بی تفاوت شامل می‌شود که در شکل (۹) نقشه تلفیق عوامل ژئومورفولوژیک شهر سمنان و جدول (۹) ارزش گذاری مکان یابی بهینه توسعه شهری منطقه مورد مطالعه ارائه گردیده است.



شکل (۹): نقشه تلفیق عوامل ژئومورفولوژیک شهر سمنان

جدول (۱۱): ارزش گذاری مکان یابی بهینه توسعه شهری منطقه مورد مطالعه

درصد	مساحت (هکتار)	ارزش گذاری	مکان یابی بهینه توسعه شهری
-	-	۱	کاملاً نامناسب
-	-	۳	نسبتاً نامناسب
۱۵	۳۰۷۱	۵	مناسب
۸۴	۱۶۸۷۵٫۵	۷	نسبتاً مناسب
۱	۱۷۵٫۵	۹	کاملاً مناسب

منبع: نگارنده

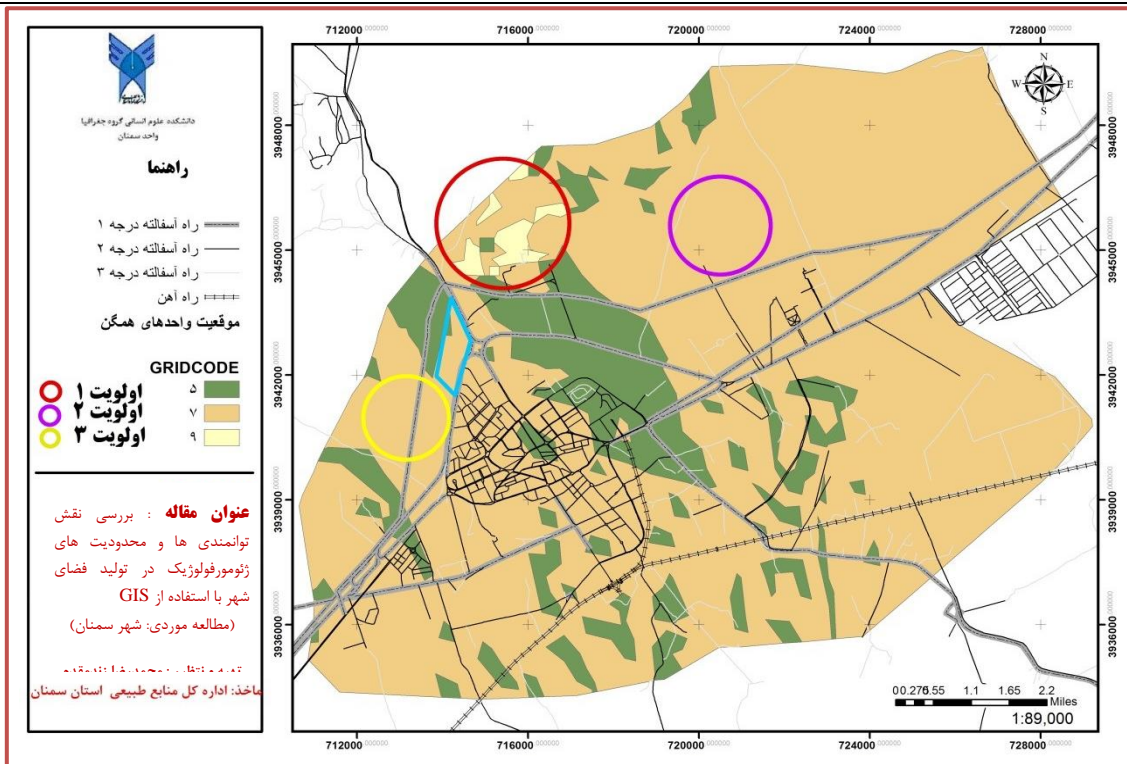
همانطور که در نقشه نهایی بدست آمده ملاحظه می‌گردد، با توجه به شاخص‌های ژئومورفولوژیک مورد بررسی برای رشد و گسترش شهر سمنان با توجه به طبقه‌بندی انجام شده براساس ارزش گذاری لایه‌ها فضای کاملاً مناسب وجود ندارد. به این معنا که فضاهای موجود در اطراف شهر هر کدام با یک یا چند محدودیت طبیعی و ژئومورفولوژیکی مواجه‌اند و برای ساخت و

سازهای شهری شرایط کاملا ایده آل وجود ندارد. اما شهر سمنان بعزت مرکز استان بودن، نزدیک بودن به پایتخت و داشتن مراکز صنعتی مختلف جاذبه جمعیتی زیادی بدست آورده است. بر همین اساس برای گسترش و توسعه فیزیکی شهر سمنان در دهه‌های آتی مجبور به استفاده از بخشهای نسبتا مناسب و متوسط خواهیم بود. این فضاها عمدتا در جهات شمال و شمال شرق قرار دارد. عمده‌ترین شاخص ژئومورفولوژیک محدودکننده در منطقه مورد بررسی لیتولوژی است، با توجه به نقشه لیتولوژی منطقه مورد مطالعه، می‌توان گفت که قسمت عمده سطح مورد بررسی بر روی سازندهای نامقاوم قرار گرفته است. وجود سازندهای نیمه مقاوم به دلیل نفوذپذیری بالا برای ایجاد و توسعه شهرسازی مخاطراتی چون: فرونشست، ریزش، زلزله و غیره رابدنبال خواهد داشت. سایر شاخصهای مورد بررسی در منطقه به لحاظ توسعه شهری شرایط مناسبی دارند و توسعه را امکان پذیر می‌سازد. براساس نقشه‌هایی که از شاخص‌های مورد بررسی حاصل شد در زمینه شیب بیشتر محدوده مورد بررسی در طبقه نسبتا مناسب قرار گرفته است.

به لحاظ ارتفاعی بیشتر منطقه مورد بررسی در محدوده ارتفاعی نسبتا مناسب و با قابلیت ارتفاعی متوسط قرار دارد. در زمینه جهت شیب بیشتر منطقه مورد بررسی در طبقه کاملا مناسب و نسبتا مناسب قرار دارد و این مناطق در جهت شمالی و جنوبی است. بررسی شاخص فاصله از گسل نشان داد که قسمت اعظم منطقه مورد مطالعه برای توسعه شهری در طبقه کاملا مناسب قرار دارد و شرایط توسعه را دارد اما بخشهای شمالی بر روی گسلهای اصلی قرار دارد و برای توسعه کاملا نامناسب است که می‌بایست به آن توجه ویژه‌ای نمود.

بدین ترتیب می‌توان گفت که بطور کلی و با در نظر گرفتن شاخص‌های ژئومورفولوژی مورد بررسی مکان کنونی شهر سمنان از نظر ویژگیهای ژئومورفولوژی در شرایط نسبتا مناسبی واقع شده است. با توجه به نقشه نهایی پهنه‌بندی شده بدست آمده و شاخص‌های مطالعه شده بهتر است شهر سمنان در جهت شمال و بر روی سازندهای مقاوم و نیمه مقاوم توسعه یابد و در صورت نیاز به فضای بیشتر در جهت شرق به غرب و بصورت نواری توسعه یابد.

همانگونه که اشاره گردید با توجه به نتایج انجام محاسبات مقایسات جفتی و رتبه حاصل از آن در اولویت اول با امتیاز (۱/۳۶۸) در نظر گرفته شده توسعه شهر در مکان کاملا مناسب است که کمترین هزینه را دارا می‌باشد. این مکان در شمال شهر سمنان، به دلیل داشتن تمامی شرایط ژئومورفولوژیک، دسترسی به تاسیسات زیر بنائی، اقلیم مناسب گزینه اصلی جهت توسعه شهر سمنان در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه اراضی کاملا مناسب جهت توسعه شهر از محدودیت برخوردار می‌باشد و سطح کمی از اراضی حریم شهر را اشغال می‌نماید لذا اولویتهای بعدی جهت توسعه شهر در مکانهای نسبتا مناسب در نظر گرفته می‌شود. این مکانها از نظر زمین شناسی دارای محدودیت‌های همچون سختی جنس زمین و وجود گسل می‌باشد اما با توجه به نیاز شهر به توسعه می‌بایست مخاطرات آن را پذیرفته و با در نظر گرفتن کاهش ضریب خطرپذیری و بالا بردن ضریب اطمینان اقدامات لازم را انجام داد. حداکثر توزیع مکانی اولویت دوم با ۰/۶۲۳ امتیاز جهت توسعه شهر سمنان در شمال شرق این منطقه و با توجه به نتایج پژوهش بعمل آمده در گروه نسبتا مناسب قرار دارد که سطح وسیعی را در بر می‌گیرد. با صرف نظر کردن از محدودیت لیتولوژی در این محل از نظر سایر عوامل ژئومورفولوژیک محدودیتی جهت توسعه وجود ندارد و جهت توسعه شهر می‌توان از آن استفاده نمود. از مهمترین پارامترهای مکان‌یابی بهینه در این بخش می‌توان به شیب مناسب عرصه، کاهش هزینه‌های دسترسی به تاسیسات زیر بنائی و از همه مهمتر نزدیکی به مجتمع دانشگاههای سمنان و مراکز آموزشی می‌باشد که مد نظر پژوهشگر در این تحقیق قرار گرفته است. اولویت سوم با ۰/۲۹ امتیاز جهت توسعه آتی شهر سمنان در شمال غرب شهر قرار گرفته است. با توجه به پهنه‌بندی انجام شده در این پژوهش در قسمت نسبتا مناسب قرار می‌گیرد اما مخاطرات موجود بکارگیری این بخش را برای توسعه تقلیل داده و به رتبه سوم تنزل می‌دهد. دلایل این تنزل عبارتند از وجود جاده کمربندی و نزدیک بودن معادن گچ که باعث ایجاد آلودگی صوتی و هوا خواهد شد.



شکل (۹): نقشه پیشنهادی اولویت بندی جهت توسعه آبی شهر سمنان

## پیشنهادات:

با توجه به نتایج حاصله و وجود محدودیت حداکثری لیتولوژی و شرایط موجود پیشنهاد می گردد: تهیه، اعمال و رعایت استانداردهای فنی ساختمان سازی به منظور مقاوم سازی و بالا رفتن مقاومت ابنیه با توجه به وجود سازندهای نامقاوم و نیمه مقاومی که در منطقه وجود دارد. استفاده از فضاهای نامناسب توسعه جهت فضای سبز، پارکینگ و میداین ورزشی روبازی که نیاز زیادی به احداث سازه و ساختمان نمی باشد و خطرات احتمالی کاهش می یابد. اصلاح نحوه قرارگیری ساختمانها، باید به گونه ای باشد که در زمستان حداکثر انرژی و در تابستان حداقل انرژی را دریافت نماید. آماده کردن و برنامه ریزی و تهیه نقشه های کاربردی با اهداف شهری و ژئومورفولوژیک با افقهای ۱۴۰۰ و بیشتر. نگاه برنامه ریزی به رویکرد سیستمی و جامع در فعالیتهای آبی. مشارکت نهادهای مردمی در برنامه ریزی شهری در بخشهای مختلف با هدف اجرای مدیریت مشارکتی. ایجاد پایگاه داده های مکانی و توصیفی مورد نیاز با دقت و صحت لازم جهت استفاده در مدیریت شهری با استفاده از فن آوری اطلاعات.

ایجاد پایگاه اطلاعات ژئومورفولوژی مبتنی بر سیستم اطلاعات جغرافیایی جهت برنامه ریزی و توسعه شهری در آینده. مطالعه و اجرای طرحهای کنترل فرسایش بادی در بخشهای جنوبی با هدف کاهش فرسایش بادی و جلوگیری از اثرات ریزگردها.

## منابع

- احمدی، عبدالمجید؛ تقی حیدری و هایده آراء (۱۳۸۹)، ارزیابی نقش دانش ژئومورفولوژی در توسعه فیزیکی شهر با استفاده از (GIS) نمونه موردی: شهر زنجان، همایش کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه ریزی محیطی، خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، اداره تحقیقات زیست محیطی استان سمنان (۱۳۶۶)، طرح بررسی و ارزیابی اثرات توسعه محیط استان سمنان، نشریه شماره ۱۵، ص ۲۶
- اداره صنایع استان سمنان (۱۳۶۹)، طرح گسترش شهرک صنعتی سمنان، مشاورین انرژی و صنعت، گزارش ۱۸۵۲، ص ۲۴۳

برنجیان، مهدی؛ مرتضی طالبیان و عباس بحرودی (۱۳۹۰)، شواهد جنبان بودن گسل عطاری، سی‌امین گردهمایی علوم زمین، تهران، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.

جباری و همکاران (۱۳۸۶)، ژئومورفولوژی مناطق شهری، تهران، انتشارات سمت  
جداری عیوضی، جمشید (۱۳۷۴)، جغرافیای آبها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۲  
حیبی، حسن (بی‌تا)، دفتر دوم، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
رجایی، عبدالمجید (۱۳۸۲)، کاربرد ژئومورفولوژی در امایش سرزمین و مدیریت محیط، تهران، نشر قومس، ص ۲۰۷  
زند مقدم، محمد رضا، (۱۳۹۷)، بررسی نقش ویژگی‌های ژئومورفیک در مکانیابی مناطق بهینه به منظور احداث مجتمع‌های مسکونی (مورد مطالعه شهر شاهرود) فصل‌نامه جغرافیائی سرزمین، علمی - پژوهشی سال چهاردهم، شماره ۵۶ زمستان ۱۳۹۶  
زند مقدم، محمد رضا (۱۳۹۷)، بررسی نقش عوامل ژئومورفیک در تعیین کاربری اراضی شهری و روند گسترش فیزیکی شهر با استفاده از نرم افزار (GIS) مطالعه موردی مهدیشهر - سمنان فصل‌نامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) سال هشتم، شماره ۳ تابستان ۱۳۹۷

علائی طالقانی، محمود (۱۳۸۱)، ژئومورفولوژی ایران، تهران، نشر قومس، صص ۲۶۷-۲۶۵  
وحدتی، فتح‌اله (۱۳۸۳)، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات در توسعه فیزیکی شهر سمنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، ص ۱۱

وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۶۹)، مرکز مطالعات و تحقیقات مسکن، پهنه‌بندی مقدماتی خطر نسبی زلزله در ایران - نشریه شماره ۷۴

Liao, Ch.N, Kao, H.P. (2010), Supplier Selection Model Using Taguchi Loss Function Analytical Hierarchy Process and Multi Choice Goal Programming Computers & Industrial Engineering, 58(4pp 571-577)

Liu, J., J. Ye, W. Yang & S. Yu, "Environmental Impact Assessment of Land Use Planning in Wuhan City Based on Ecological Suitability Analysis", Journal of Procedia Environmental Sciences, Pp. 185-191, 2010

Chain, A, (2006) Urban transformation of river landscapes in a global context, Geomorphology, Vol79, Issues 3-4, Pp 460- 487.

Donatiello, G. (2001) "Environmental Sustainability Indicators in Urban Areas": An Italian experience, Joint ECE/Eurostat work session on methodological issues of environment statistics.

Eriksson M.G, J. M Olley, R. W Payton, (2000), (soil erosion history in center Tanzania based on OSL dating of colluvial and alluvial hillslope deposits), Geomorphology, Vol36, Issue 1-2, pp107-128

Fitzpatrick, F. A., et al. (2005) Effects of Urbanization on the Geomorphology, Habitat, Hydrology, and Fish Index of Biotic Integrity of Streams in the Chicago Area, Illinois and Wisconsin", American Fisheries Society Symposium, Pp.87-115.

Gupta, A., et al. (1999) "Geomorphology and Urban Tropics", Geomorphology, No. 31, Pp. 133-149.

Gupta, A., et al. (1999) "Geomorphology and Urban Tropics", Geomorphology, No. 31, Pp. 133-149.

Pareta, K., et al. (2012) Geomorphic Effects on Urban expansion: A Case Study of Small Town in Central India, 14th Annual International Conference and exhibition on Geospatial Information Technology and Application.

Schick, A.P. et al., (1997) "Hydrologic processes and geomorphic constraints on urbanization of alluvial fan slopes", Elsevier Science. Environmental statistics, Ottawa, Canada, Pp.1-15

Wesson, R. J. R. K Mazari, B Starr, G Clifton, (1998), (The recent history of erosion and sedimentation on the southern Tablelands of southeastern Australia: sediment flux dominated by channel incision), Geomorphology, Vol24, Issue 4, pp291-308.

## تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی (مطالعه موردی: شهر تبریز)

جعفر بهاری\*، دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، تهران، ایران

شهلا بهاری، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

حامد بهاری، گروه شیمی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۱۶

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی در شهر تبریز در تابستان ۱۳۹۸ صورت پذیرفته است. تحقیق حاضر، از نظر هدف، کاربردی و براساس روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. همچنین از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق آن دسته از گردشگران داخلی هستند که در تابستان ۱۳۹۸ به شهر تبریز سفر کرده‌اند. داده‌های مورد نیاز برای این تحقیق با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از گردشگران داخلی در شهر تبریز و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. با توجه به این که حجم جامعه نامعلوم می‌باشد از فرمول کوکران به منظور تعیین حجم نمونه استفاده شده است که عدد ۳۸۴ بدست آمده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری شهر تبریز تأثیر معنی داری بر ارزش ویژه برند مقصد و هر یک از ابعاد آن دارد.

**کلمات کلیدی:** مسئولیت‌های اجتماعی، ارزش ویژه برند، مقصد گردشگری، گردشگران داخلی، تبریز.

## مقدمه

گردشگری به عنوان یک بخش رو به رشد اقتصادی، به فراخور نوع مکان و منطقه گردشگری، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. هر منطقه، مکان یا مقصد خصوصیات خاص خود را دارد و باید استراتژی‌های مختلف بر اساس نقاط قوت این مکان‌ها توسعه یابند (دومان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸: ۲). طی دهه اخیر، مقاصد گردشگری زیادی پدید آمده و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری افزایش یافته است (کانی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۸۹). گردشگری در مقاصد گردشگری تاثیر مثبتی روی توسعه اقتصادی کشور مخصوصاً ارز آوری، نرخ اشتغال، مالیات و... داشته است. اما با افزایش رقابت و مطرح شدن پدیده‌هایی مانند بازارهای جهانی، صنایع داخلی هر کشور به منظور باقی ماندن در این عرصه باید مزیت‌های رقابتی خود را افزایش دهند. یکی از ابزارهای راهبردی که موجب تعهد و تکرار مصرف، افزایش ارزش اقتصادی برای سهامداران و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی به فراسوی مرزهای جغرافیایی می‌شود، ارزش ویژه برند است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۶). ارزش برند شامل چهار بعد اصلی آگاهی از برند، تصویر مقصد گردشگری، کیفیت ادراک شده و وفاداری است (وینچ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۷۵). دی-چرناطونی و مک دونالد<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) بیان می‌کنند ارزش ویژه برند یکی از مهم‌ترین مفاهیم در زمینه مدیریت برند است که می‌تواند توسط شرکت‌ها در جهت سنجش میزان اثربخشی برند آنها مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که ارزش ویژه برند گردشگری در دهه ۲۰۰۰ معرفی شد، در سال‌های اخیر ارزش برند مقصد به یکی از جریان‌های اصلی پژوهش‌های مقاصد گردشگری تبدیل شده است (چکالینا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۳). در دنیای رقابتی امروز، نخستین سفر به یک مقصد گردشگری به معنی موفقیت آن مقصد گردشگری نیست، بلکه تکرار سفر به مقاصد گردشگری و معرفی و تبلیغ آن نزد گردشگران بالقوه است که می‌تواند موفقیت آن مقصد گردشگری را در بلندمدت رقم می‌زند (کروبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). به دلیل رقابتی شدن مقصدهای گردشگری، هر یک از مقصدها به دنبال متمایزسازی خود از سایر مقصدها هستند. برند یکی از عواملی است که می‌تواند مقصدهای گردشگری را در متمایزسازی خود از سایر مقصدهای گردشگری یاری رساند (کروبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱۷). برندسازی مقصد<sup>۳</sup> به عنوان یک حوزه تحقیقاتی در واکنش به افزایش رقابت برای جذب گردشگران و سرمایه و با هدف کمک به شهرها، مناطق و کشورها؛ در استراتژی‌های بازاریابی و برندسازی مورد توجه قرار گرفته است (زنکر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۵). برند مقصد گردشگری ابزاری برای موقعیت‌یابی رقابتی است که مقصد را به سوی ترجیحات مشتریان هدایت می‌کند و بر انگیزه‌ی آنها تأثیرگذار است، حتی اگر از قبل با آن مواجه نشده باشند (سعید و شفیق<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹: ۲). یکی از دلایل اهمیت برند بر خورداری مقصدهای گردشگری از برند قوی را می‌توان این گونه بیان کرد که برند مقصدهای گردشگری نقش حائز اهمیتی در فرایند تصمیم‌گیری گردشگر دارد. به همین سبب گفته می‌شود تعیین برند کردن برای مقصدهای گردشگری یکی از جوانب کلیدی مدیریت برند مقصدهای گردشگری است. لذا ضروری است که سازمان‌های فعال در صنعت گردشگری حداکثر تلاش خود را برای ایجاد و بهبود یک برند قوی به کار گیرند و عوامل مؤثر بر آن را شناسایی کرده و تقویت نمایند (کروبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱۷). افزایش رقابت در بازارهای گردشگری، متولیان مدیریت مقصد را بر آن داشته تا با استفاده از اصول برند سازی، هویت منحصر به فردی برای مقصد و خدمات گردشگری خود ایجاد و موقعیت خود را در بازارهای بین‌المللی بهبود بخشند. گردشگری می‌تواند از برندسازی به عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیام‌های مثبت و اثرگذار به مخاطب و ترغیب او جهت سفر به مقصد استفاده نماید. با این وجود، هنوز شواهد روشنی دال بر پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز برندسازی مقصد در دست نمی‌باشد.

1. Chernatony &amp; McDonald

2. Chekalina

3. Destination Branding

4. Zenker

5. Saeed &amp; Shafique

مقصدهای گردشگری ترکیبی از تصویر مقصد<sup>۱</sup> و شخصیت مقصد<sup>۲</sup> را به عنوان راهبرد ایجاد تمایز با رقبا مورد استفاده قرار می دهند (کیانی فیض آبادی، ۱۳۹۷:۱۰۶). امروزه با توجه به شرایط رقابت جهانی، سازمان بازاریابی مقاصد (DOMS) درگیر نبرد ثابت به منظور جذب گردشگران و تبدیل شدن به مقصدی غیرقابل تعویض هستند. بدین منظور برند مطلوب و قدرتمند به ابزار بازاریابی قوی تبدیل شده است. چرا که ممکن است گردشگران به سادگی مقصدی که تصویر و شخصیت مطلوب تری در ذهن آن‌ها ایجاد کرده است به مقصدی را که مناظر و چشم‌اندازهای زیبایی دارد ترجیح دهند (آساکی و بالو گلو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱: ۱۱۵). از سوی دیگر، برندسازی برای مقاصد گردشگری منجر به کاهش مشکلات ناشی از نامحسوس بودن محصولات گردشگری، منسجم تر شدن تلاش‌های عرضه‌کنندگان خدمات گردشگری و ثبات در بازارها و زمان‌های مختلف می‌گردد و فرآیند بخش بندی بازار را تسهیل می‌کند (بیکر و کامرون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸: ۲۰). با افزایش روز افزون رقابت در بازارهای جهانی گردشگری، مقاصد گردشگری می‌توانند با افزایش تعداد بازدیدهای مجدد گردشگران به یک مزیت رقابتی پایدار دست یابند. بازدیدکنندگان تکراری یک بازار ثابت برای یک مقصد و همچنین یک منبع تبلیغات رایگان به شکل تبلیغات شفاهی برای اعضای خانواده و دوستانشان هستند (کروبی و همکاران، ۱۳۹۷:۷۱۷). بسیاری از نویسندگان اذعان دارند که مسئولیت‌های اجتماعی می‌تواند نقش بسزایی در بهبود ارزش ویژه برند شرکت‌ها داشته باشد (عبدالوند و چارستاد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳: ۲۷۳). در شرایط کنونی رقابت فزاینده‌ای بین مقصدهای گردشگری وجود دارد و آنها سعی می‌کنند با انجام اقداماتی فراتر از وظایف خود نظیر مسئولیت‌های اجتماعی، خود را از سایر مقصدها متمایز کنند. بسیاری از محققان اذعان دارند که مسئولیت‌های اجتماعی از جمله مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر ارزش ویژه برند تأثیر بسزایی داشته باشد (عسگری خوشی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۹۴؛ توریس و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ عبدالوند و چارستاد، ۲۰۱۳). برخی نویسندگان دیگر اذعان می‌کنند که مسئولیت‌های اجتماعی نه تنها موجب بهبود اوضاع سازمان‌ها می‌شود، بلکه بر ارزش ویژه برند آنها تأثیر بسزایی دارد (اژدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). با توجه به آنچه که گفته شد این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری شهر تبریز از دیدگاه گردشگران داخلی چگونه است؟ هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: تعیین تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری. علاوه بر این، در تحقیق حاضر اهداف فرعی نیز مطرح می‌باشند که عبارتند از: تعیین تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر آگاهی از برند مقصد گردشگری؛ تعیین تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری؛ تعیین تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر ارزش ادراک شده برند مقصد گردشگری؛ تعیین تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر وفاداری به برند مقصد گردشگری. فرضیه اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری دارد. علاوه بر این، در تحقیق حاضر فرضیه‌های فرعی نیز مطرح می‌باشند که عبارتند از: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر آگاهی از برند مقصد گردشگری دارد؛ مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری دارد؛ مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش ادراک شده برند مقصد گردشگری دارد؛ مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری دارد؛ مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر وفاداری به برند مقصد گردشگری دارد.

1. Destination Image
2. Destination Personality
3. Usakli & Baloglu
4. Baker & Cameron
5. Abdolvand & Charsetad
6. Torres et al

## مبانی نظری تحقیق

### مسئولیت اجتماعی شرکت

نخستین مبنای مفهومی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در سال ۱۹۵۰ مطرح شد. خصوصیت اصلی مسئولیت اجتماعی عبارت است از تمایل یک سازمان در مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی درباره پیامدهای فعالیت‌ها و تصمیماتش بر جامعه و محیط. مسئولیت اجتماعی قبل از هر چیز چارچوب حاکمیت اخلاقی را مطرح می‌کند که بر اساس آن سازمانها به فعالیت‌هایی اقدام کرده که شرایط جامعه را بهتر کرده و از انجام فعالیت‌هایی که باعث بدتر شدن وضعیت جامعه می‌شود پرهیز می‌کنند (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲: ۵)؛ به عبارتی دیگر، مسئولیت اجتماعی سازمان مقوله‌ای بسیار مهم است که به سرعت در حال گسترش در میان سازمان‌های مختلف است و این موضوع را خاطر نشان می‌کند که سازمان‌ها باید به عواقب و تأثیرات فعالیت‌های خود دقت بیشتری داشته باشند و تأثیرات آنها را بر محیط پیرامون، جامعه و اعضای جامعه در نظر بگیرند (بارثورپ، ۲۰۱۰). کوک و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) مسئولیت اجتماعی شرکت را «تعهد شرکت به استفاده از منابعش در راه منفعت‌رسانی به جامعه و بهبود رفاه در جامعه از محل عایدات شرکت» تعریف می‌کنند. مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در برگیرنده اقتصاد، قانون، اخلاقیات و انتظارات بشر دوستانه واحدهای تجاری است که به کلیه ذینفعان تعمیم می‌یابد (فرزین فر و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). هدف برنامه های مسئولیت اجتماعی، ترغیب سازمان‌ها به انجام فعالیت‌های اخلاقی است که در راستای تحقق اهداف، اثرات نامطلوب سازمان بر جامعه و محیطی که در آن فعالیت می‌کنند را به حداقل ممکن می‌رساند (پوراسدی و معدنی، ۱۳۹۵: ۱۶۲). مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که تعریف و برداشت واحدی در مورد مفهوم مسئولیت‌های اجتماعی بین صاحب‌نظران وجود ندارد. وانگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) مسئولیت‌های اجتماعی شرکت را به عنوان نوعی رفتار شرکتی در رابطه با اخلاقیات کسب و کار تعریف می‌کنند که در بر گیرنده وظایف و تعهدات شرکت در قبال جامعه است. اریکول و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف از جمله مهم‌ترین پیش‌نیازهای ضروری رشد و توسعه آن جوامع است. دولت‌ها همواره درصدد هستند تا با اتخاذ راهکارهایی، زمینه شکل‌گیری و ارتقای آن را در کشور فراهم آورند (سجاسی و دلیر، ۱۳۹۶: ۳۷). زیرا مسئولیت اجتماعی، موجب بالا رفتن تعهد شهروندان نسبت به اجرای اقداماتی مانند گردشگری می‌شود که علاوه بر منافع فردی، بهبود و رفاه جامعه را فراهم می‌سازد. علاوه بر این به اعتقاد هر تزر<sup>۴</sup>، مسئولیت‌پذیری اجتماعی مسأله‌ای مهم تلقی شده است. معیارهای وی برای توصیف مسئولیت‌پذیری اجتماعی گردشگری عبارتند از: حفاظت از محیط زیست، افزایش رضایت تفریحی برای مشارکت گردشگران و حداکثر مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه میزبان (سجاسی و دلیر، ۱۳۹۶: ۳۸). همان‌گونه که بیان شد توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بحث گردشگری و اجزای اصلی آن که شامل مقصد گردشگری، گردشگر و همچنین جامعه میزبان می‌باشد، بسیار اهمیت دارد. مسئولیت اجتماعی در زمینه محیط زیست شامل فعالیت‌های اجتماعی است که به منظور کاهش آثار منفی فعالیت‌های مخرب بر محیط زیست انجام می‌گیرد. اصطلاح رفتار مسئولانه زیست‌محیطی زمانی به کار می‌رود که گردشگران تأثیر رفتار بر محیط و رعایت هنجارها را درک کنند (چیو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴: ۳۲۱). این فعالیت‌ها برای نگهداری و محافظت از محیط پیرامون و منابع طبیعی طراحی شده‌اند، مسئولیت اجتماعی در زمینه مشتریان (گردشگر) شامل فعالیت‌هایی است که هدف آنها ایمنی محصولات، خدمات و اعتبار تبلیغات، احترام به زبان و فرهنگ گردشگران و دستیابی به رضایت گردشگران و حفاظت از منافع آنهاست. مسئولیت اجتماعی در زمینه جامعه (مقصد گردشگری) نیز شامل فعالیت‌هایی است با هدف کسب منافع عمومی و کمک به توسعه و رفاه جامعه (مقصد گردشگری) انجام می‌گیرد.

1. Kok et al

2. Wang et al

3. Areekul et al

4. Hertzner

5. Chiu



## ارزش ویژه برند

در خصوص مفهوم برند تعاریف متنوع و متفاوتی وجود دارد که از جمله این تعاریف، می‌توان موارد زیر را برشمرد: برند تعهد دائمی یک فروشنده برای ارائه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، مزایا و خدمات خاصی به خریداران می‌باشد (کاتلر، ۱۳۸۵: ۵۶). اولیور<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) به نقل از استفان کینگ<sup>۲</sup> این طور بیان می‌کند: یک کالا چیزی است که در یک کارخانه ساخته می‌شود اما یک برند چیزی است که بوسیله یک مشتری خریداری می‌شود. برند عبارتست از هرگونه طرح، صدا، شکل، رنگ یا ترکیبی از این‌ها که برای ایجاد تمایز بین محصولات و خدمات تولیدکننده یا فروشنده و محصولات و خدمات رقبا، مورد استفاده قرار می‌گیرد (کاتلر، ۱۳۸۳: ۱۱۴). انجمن بازاریابی آمریکا<sup>۳</sup> در سال ۱۹۶۰، برند را این گونه تعریف می‌کند: یک اسم، علامت، نماد، یا طرح یا ترکیبی از آن‌ها که به منظور شناسایی کالاها و خدمات ارائه شده توسط یک فروشنده یا گروهی از فروشندگان و تمیز دادن آن‌ها از محصولات رقبا. یکی از معناهای شش‌گانه برند، ارزش است که بیان می‌دارد که برند، گویای مطلبی درباره‌ی ارزش‌های شرکت تولیدکننده است (کاتلر، ۱۳۸۷: ۳۵۶). امروزه، مفهوم ارزش ویژه، مهم‌ترین عامل مؤثر بر ایجاد مزیت رقابتی در زمینه متمایزسازی شناخته شده است (چانگ و لیو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۱۶۰). ارزش ویژه برند خصوصاً برای سازمان‌های خدماتی نظیر اغلب سازمان‌های فعال در صنعت گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر کروسنو و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) ارزش ویژه برند، از اجزایی نظیر تداعی برند، آگاهی از برند، کیفیت برداشت شده، وفاداری به برند، سایر دارایی‌های مالکانه ناشی می‌شود. دیوید آکر<sup>۶</sup> (۱۹۹۱) پنج جزء را برای ارزش ویژه برند معرفی می‌نماید که شامل، آگاهی برند، وفاداری به برند، کیفیت ادراک شده، تداعی برند و دارایی‌های اختصاصی می‌باشند. فارگوهار<sup>۸</sup> (۱۹۸۹) بیان می‌دارد که ارزش ویژه برند، ارزش افزوده‌ای که یک برند به یک محصول می‌دهد. کلر<sup>۹</sup> (۱۹۹۸) ارزش ویژه برند را به اثر متمایزی که دانش برند<sup>۱۰</sup> (آگاهی و برداشت‌ها یا تداعیات) بر واکنش مصرف‌کننده دارد، وابسته می‌داند. در پژوهش حاضر از دسته‌بندی کونکنیک و گارتنر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) برای مطالعه ابعاد ارزش ویژه برند مقصد گردشگری استفاده شده است. آنها ارزش ویژه برند مقصدهای گردشگری را شامل پنج بعد می‌دانند که شامل آگاهی، تصویر ذهنی، کیفیت ادراک شده، ارزش ادراک شده و وفاداری به برند مقصد گردشگری است. آگاهی از برند مقصد گردشگری: تانگ و هاوولی<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۹) آگاهی از برند را به عنوان یکی از ابعاد اصلی ارزش ویژه برند معرفی می‌کنند که به قدرت حضور برند در ذهن مشتریان اشاره دارد. با توجه به اهمیت آگاهی از برند مقصد گردشگری، این مفهوم به مراتب در مطالعات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است (کونکنیک و گارتنر<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷: ۴۰۴؛ لی و بک<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۸: ۳۳۵). متخصصان و مدیران بازاریابی مقصدهای گردشگری تلاش می‌کنند با ایجاد یک برند منحصر به فرد برای مقصد گردشگری، آگاهی گردشگران را از برند مقصد گردشگری افزایش دهند (جاگو و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۳: ۵).

1. Oliver
2. Stephen King
3. AMA(American Marketing Association)
4. Chang and Liu
5. Crosno
6. Brand Equity
7. Aaker
8. Farquhar
9. Keller
10. Brand Knowledge
11. Konecnik & Gartner
12. Tong and Hawley
13. Konecnik and Gartner
14. Lee and Back
15. Jago et al

ارزش ادراک شده برند مقصد گردشگری: ارزش ادراک شده به قضاوت مشتری در مورد هزینه‌های اعمال شده و منافع کسب شده از خرید یک محصول اشاره دارد (رنجبریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷). بسیاری از نویسندگان از جمله لو و لامب<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) و نام و همکاران (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که ارزش ادراک شده خدمات عاملی کلیدی در توسعه برندهای خدماتی قوی است و می‌تواند بسیاری از جوانب رفتاری مشتری را تحت تأثیر قرار دهد. بوو و همکاران (۲۰۰۹) و نام و همکاران (۲۰۱۱) بیان می‌کنند ارزش ادراک شده گردشگر یکی از ابعاد اصلی ارزش ویژه برند مقصد گردشگری است.

تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری: تصویر ذهنی برند همان ادراک مشتری در مورد برند است که از تداعی‌های ذهنی انباشته شده در حافظه او انعکاس می‌یابد (عماری و زنده‌دل، ۱۳۹۱: ۶۲) و موجب متمایزسازی یک شرکت و محصولات آن از سایر شرکت‌ها و محصولات آن‌ها می‌شود. فیرکلوث<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۱) بیان می‌کنند تصویر ذهنی برند می‌تواند موجب ایجاد ارزش ویژه برای آن شود. میشل و همکاران (۲۰۰۱) و چن و تیسای (۲۰۰۷) بیان می‌کنند تصویر ذهنی برند می‌تواند، ارزش ادراک شده برند را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش وفاداری به برند شود.

کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری: در ادبیات مربوطه، کیفیت ادراک شده به عنوان قضاوت مشتری در مورد برتری و رجحان یک محصول یا خدمت تعریف می‌شود (منفرد<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۷). کن<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) بیان می‌کند محصول، قیمت و زیرساخت‌ها عوامل اصلی تعیین‌کننده وفاداری گردشگر هستند. وی بیان می‌کند رضایت از این سه عامل می‌تواند رضایت کلی گردشگر را تحت تأثیر قرار دهد. لذا می‌توان گفت کیفیت خدمات گردشگری می‌تواند تأثیر بسزایی بر تصویر ذهنی داشته باشد که گردشگران از یک مقصد گردشگری ادراک می‌کنند و همچنین می‌تواند رضایت و وفاداری گردشگر را به طور معنی‌داری تحت تأثیر قرار دهد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵۰).

وفاداری به برند مقصد گردشگری: اگر (۱۹۹۱) وفاداری به برند را به عنوان وابستگی مشتری به برند تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، وفاداری به برند را می‌توان به عنوان تعهد عمیق مشتری به خرید مجدد یک برند ترجیح داده شده در طول دوره زمانی آینده و تمایل به توصیه آن برند به سایرین تعریف کرد. بسیاری از نویسندگان از جمله اکر (۱۹۹۱) گیل و همکاران (۲۰۰۷) و گیلانی‌نیا و موسویان (۱۳۸۹) بیان می‌کنند وفاداری به برند یکی از ابعاد اصلی ارزش ویژه برند است. اپرمن (۲۰۰۰) بیان می‌کند هنگام مطالعه برند مقصد گردشگری باید به مفهوم وفاداری به مقصد گردشگری توجه ویژه‌ای شود.

### چارچوب نظری تحقیق و توسعه فرضیه‌ها

در این قسمت به بررسی پیشینه پژوهش و توسعه فرضیه‌ها و در نهایت ارائه مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است. تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر ارزش ویژه برند: از آنجا که امروزه مقصدهای گردشگری با رقابت فزاینده‌ای مواجه هستند، لذا ضروری است اقداماتی در جهت بهبود مسئولیت‌های اجتماعی انجام دهند تا از این طریق بتوانند ارزش ویژه برند خود را بهبود دهند. گلجا و نیزیک<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که در بازارهای در حال تغییر گردشگری امروزی، مقصدهای گردشگری با ارائه محصولات گردشگری پایدار می‌توانند خود را از سایر مقصدها متمایز کنند. نویسندگان متعددی از جمله عسگری خشویی و همکاران (۱۳۹۴)، اژدری و همکاران (۱۳۹۴)، توس و همکاران (۲۰۱۲)، عبدالوند و چارستاد (۲۰۱۳) و غفاری و کنجکاو منفرد (۱۳۹۷) بیان می‌کنند که مسئولیت‌های اجتماعی از جمله مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر ارزش ویژه برند مقصدهای گردشگری تأثیر بسزایی داشته باشد.

1. Low & Lamb  
2. Faircloth  
3. Monfared  
4. Can  
5. Golja & Nizic

اسماعیل پور و برجویی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) بیان می‌کنند مسئولیت‌های اجتماعی منجر به بهبود ارزش ویژه برند شرکت‌ها شده و از این طریق می‌تواند عملکرد شرکت‌ها را بهبود بخشد. با توجه به مطالب فوق فرضیه زیر ارائه شده است:

فرضیه ۱- مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی‌داری بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری دارد.

ماترا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) اذعان می‌کنند که انجام مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها موجب می‌شود آگاهی از برند این شرکت‌ها در بین مخاطبان هدف افزایش یابد و در صورت بروز هر گونه بحرانی، مشتریان کمتر شرکت را سرزنش کنند. اقبال<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نیز بیان می‌کند شرکت‌هایی که بتوانند مسئولیت‌های اجتماعی خود را به خوبی انجام دهند، قادر خواهند بود برند خود را در ذهن مخاطبان هدف برجسته کرده و از این طریق آگاهی از برند خود را در ذهن مخاطبان هدف افزایش دهند. در پژوهش حاضر فرض شده است که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر آگاهی از برند مقصد گردشگری تأثیر دارد.

فرضیه ۱-۱- مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی‌داری بر آگاهی از برند مقصد گردشگری دارد.

همان‌طور که چو و یانگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) بیان می‌کنند، هنگامی که شرکت‌ها بتوانند وظایف خود را در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی به نحو احسن انجام دهند، آنها قادر خواهند بود تصویر ذهنی شرکت را بهبود داده و از این طریق منجر به بهبود عملکرد شرکت شوند. رودریگس و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) و سمونل و چاندرا (۲۰۱۴) بیان می‌کنند مسئولیت‌های اجتماعی شرکت می‌تواند تأثیر بسزایی بر تصویر ذهنی برند شرکت داشته باشد. دلیل این امر آن است که مشتریانی که احساس می‌کنند شرکتی مسئولیت‌های اجتماعی خود را به نحو احسن انجام می‌دهد، نگرش بهتری نسبت به آن شرکت پیدا می‌کنند و از این طریق است که تصویر ذهنی شرکت در بین آنها بهبود می‌یابد. بنابراین، در پژوهش حاضر فرض شده است که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری تأثیر دارد.

فرضیه ۲-۱- مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی‌داری بر تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری دارد.

پلوزا و شانگ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند شرکت‌هایی که مسئولیت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند، می‌توانند این ادراک را در مشتریان خود تقویت کنند که محصولات این شرکت دارای ارزش ادراک شده بالایی است و ارزش خرید دارد. استالت<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۴) سمونل و چاندرا (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت تأثیر معنی‌داری بر ارزش ادراک شده برند دارد. بنابراین، در پژوهش حاضر فرض شده است که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر ارزش ادراک شده برند مقصد گردشگری تأثیر دارد.

فرضیه ۳-۱- مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی‌داری بر ارزش ادراک شده برند مقصد گردشگری دارد.

استالت و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که انجام مسئولیت‌های اجتماعی توسط شرکت‌ها موجب می‌شود مشتریان کیفیت محصولات آن شرکت را بهتر ارزیابی کنند. بنابراین، در پژوهش حاضر فرض شده است که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری تأثیر دارد.

فرضیه ۴-۱- مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی‌داری بر کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری دارد.

چای و همکاران (۲۰۱۵) و وحدتی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت می‌تواند تأثیر معنی‌داری بر رفتارهای آتی مشتری و وفاداری به برند داشته باشد.

1. Esmaeilpour & Barjoei

2. Mattera

3. Iqbal

4. Chu and Yang

5. Rodrigues et al

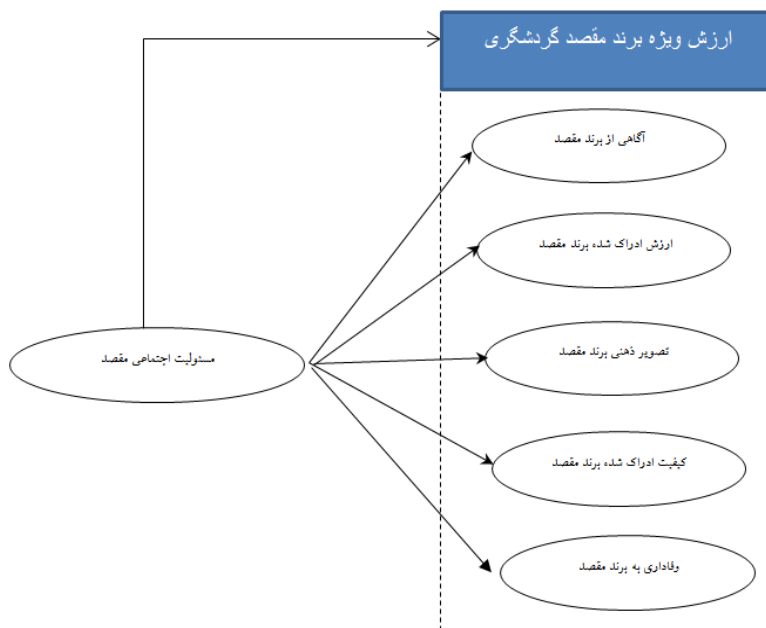
6. Staudt

انجیرو (۲۰۱۲) بیان می‌کند از آنجا که اقدامات مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی بر وفاداری مشتریان داشته باشد، لذا شرکت‌ها اهمیت ویژه‌ای به این اقدامات می‌دهند. بر این اساس، در این پژوهش فرض شده است، مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری بر وفاداری به برند آن تأثیر دارد.

فرضیه ۱-۵- مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر وفاداری به برند مقصد گردشگری دارد.

### مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی پژوهش و فرضیه‌های آن بر اساس مرور ادبیات تحقیق تدوین گردید. مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده و فرضیه‌ها نیز در ادامه ذکر شده است.



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

### فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه ۱: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر ارزش ویژه برند دارد.
- فرضیه ۱-۱: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر آگاهی از برند دارد.
- فرضیه ۱-۲: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر ارزش ادراک شده دارد.
- فرضیه ۱-۳: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر تصویر ذهنی دارد.
- فرضیه ۱-۴: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر کیفیت ادراک شده دارد.
- فرضیه ۱-۵: مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر معنی داری بر وفاداری به برند دارد.

### روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و براساس روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. قلمرو مکانی این تحقیق شهر تبریز و قلمرو زمانی تحقیق تابستان ۱۳۹۸ می‌باشد. داده‌های مورد نیاز برای این تحقیق با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از گردشگران داخلی در شهر تبریز و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق آن دسته از گردشگران داخلی هستند که در تابستان ۱۳۹۸ به شهر تبریز سفر کرده‌اند. با توجه به این که حجم جامعه نامعلوم می‌باشد از فرمول کوکران به منظور تعیین حجم نمونه استفاده شده است که عدد ۳۸۴ بدست آمده است. در پژوهش حاضر از نرم‌افزار اسمارت پی ال

اس<sup>۱</sup> استفاده شده است که در زمینه مدل‌سازی معادلات ساختاری بر پایه روش حداقل مربعات جزئی، نرم‌افزاری پرکاربرد و مفید می‌باشد. در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۲۸ پرسش است که بر اساس مرور ادبیات پژوهش تدوین در قالب مقیاس ۵ رتبه‌ای لیکرت تدوین گردید. در پرسشنامه تدوین شده آگاهی از برند ۴ سوال کیفیت ادراک شده، ۳ سوال وفاداری به برند ۴ سوال، ارزش ادراک شده به برند ۵ سوال، تصویر ذهنی برند ۴ سوال و مسئولیت اجتماعی مقصد ۸ سوال می‌باشند. در این راستا، ابعاد ارزش ویژه برند که مورد سنجش قرار گرفته‌اند عبارتند از: آگاهی از برند، کیفیت ادراک شده، وفاداری، ارزش ادراک شده و تصویر ذهنی. همچنین، جهت سنجش مسئولیت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی مقصدهای گردشگری در سه زمینه محیط زیست، مشتریان (گردشگران) و جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته است: الف- مسئولیت اجتماعی در زمینه محیط زیست: شامل فعالیت‌های اجتماعی است که به منظور کاهش آثار منفی فعالیت‌های مخرب بر محیط زیست انجام می‌گیرد. این فعالیت‌ها برای نگهداری و محافظت از محیط پیرامون و منابع طبیعی طراحی شده‌اند. ب- مسئولیت اجتماعی در زمینه مشتریان (گردشگران): شامل فعالیت‌هایی است که هدف آنها دستیابی به رضایت گردشگران و حفاظت از منافع آنهاست. مثال‌هایی در این زمینه عبارتند از: ایمنی خدمات و اعتبار تبلیغات، احترام به زبان و فرهنگ گردشگران، فراهم آوردن تسهیلات برای گردشگران ناتوان و معلول و... ج- مسئولیت اجتماعی در زمینه جامعه: شامل فعالیت‌هایی با هدف کسب منافع عمومی و کمک به توسعه و رفاه جامعه است.

جدول (۱): متغیرهای تحقیق و ابعاد هر کدام از متغیرها

متغیر	ابعاد
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری	محیط زیست
	گردشگران (مشتریان)
	جامعه
ارزش ویژه برند مقصد گردشگری	آگاهی از برند مقصد گردشگری
	ارزش ادراک شده مقصد گردشگری
	تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری
	کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری
	وفاداری به برند مقصد گردشگری

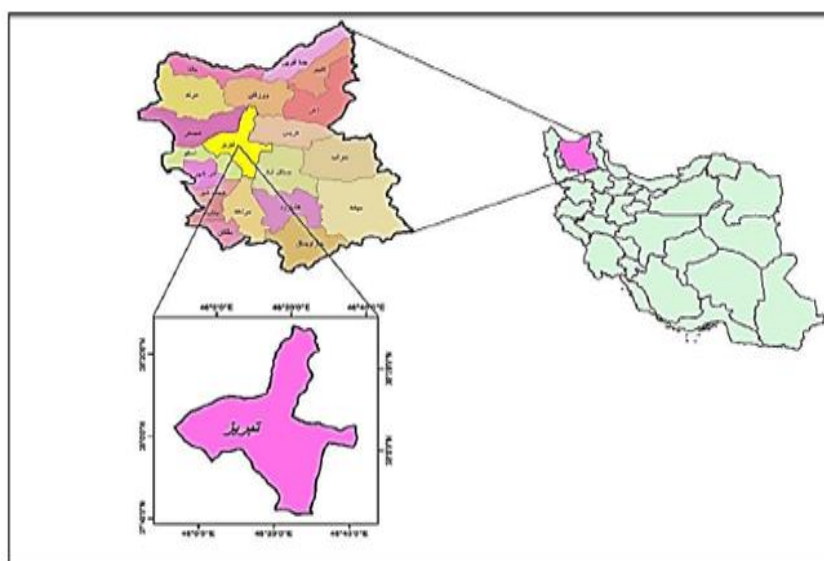
به منظور سنجش روائی پرسشنامه، دو نوع روائی منطقی و روائی سازه در نظر گرفته شده و در این راستا، روائی محتوا، اعتبار ظاهری و اعتبار عاملی (تحلیل عاملی) بررسی شدند، آزمون اعتبار عاملی پرسشنامه با کمک تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس انجام گرفته است. همه بارهای عاملی متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۵ بوده که نشان‌دهنده روائی بالا پرسشنامه می‌باشد. همچنین اعتبار محتوا پرسشنامه با اتکا به نظر متخصصان و اساتید محترم تأیید و اصلاحات لازم اعمال بعمل آمده است. جهت محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه و اطمینان از هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. این کمیت بین صفر و یک تغییر می‌کند، ضریب پایایی صفر، معرف عدم پایایی و ضریب پایایی یک، معرف پایایی کامل است. مقادیر بالای ۰/۷ برای آلفای کرونباخ مطلوب است (سکاران، ۱۳۸۸). در تحقیق حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر ۰/۸۳۹ بوده، که حاکی از پایایی خوب ابزار اندازه‌گیری است. نتایج حاصل از بررسی پایایی ابزار سنجش به تفکیک در جدول ۲ آمده است.

جدول (۲): آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
آگاهی از برند مقصد گردشگری	4	۰/765
ارزش ادراک شده مقصد گردشگری	5	۰/777
تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری	4	۰/718
کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری	3	۰/813
وفاداری به برند مقصد گردشگری	4	۰/989
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری	8	۰/976
مجموع متغیرها	28	۰/839

### معرفی منطقه مورد مطالعه

از نظر جغرافیایی، تبریز مرکز آذربایجان شرقی در ۴۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۵۰ تا ۱۵۵۰ متر در نقاط مختلف آن متغیر است. تبریز با وسعتی حدود ۱۱۸۰۰ کیلومتر در قلمرو میانی خطه آذربایجان و در قسمت شرقی شمال دریاچه ارومیه و ۶۱۹ کیلومتری غرب تهران قرار دارد. این شهر به دلیل قرار گرفتن در مسیر شرق به غرب و آسیای میانه یکی از کانون‌های مهم سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، و فرهنگی ایران بوده است. شهر تبریز، به علت مرکزیت استان و داشتن پیشینه و سابقه در مدنیت، از امکانات خوبی برخوردار است. بنابراین، الگوی فضای توریستی این شهر تحت تأثیر فضای تاریخی شهر قرار گرفته و بیشتر بخش مرکزی شهر را پوشش می‌دهد. بر اساس مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی ایران، تبریز یکی از شش شهر فرهنگی و تاریخی کشور به ثبت رسیده و از خاستگاه‌های کهن شهرنشینی و مدنیت در کشور است که میراث تاریخی و فرهنگی بسیار غنی و گسترده آن پتانسیل بالایی برای غنای فرهنگی و گسترش گردشگری شهری دارد. از نظر جمعیتی، بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان تبریز در حدود ۱ میلیون و ۶۹۵ هزار و ۹۴ نفر و جمعیت مرکز این شهرستان ۱ میلیون و ۵۰۶ هزار و ۱۸۸ نفر برآورد شده است. جمعیت شهری این شهرستان ۱ میلیون و ۴۹۵ هزار نفر و تعداد خانوار آن ۵۱۳ هزار و ۲۸۳ خانوار است (قنبری و همکاران، ۲۰۹:۱۳۹۴).



شکل (۲): موقعیت جغرافیایی شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی

## یافته‌های تحقیق

براساس نتایج تحقیق که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ۴۸ درصد افراد نمونه مرد و ۵۲ درصد زن بوده‌اند. در زمینه‌ی توزیع سنی نیز ۳۳ درصد در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۵۵ درصد در رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۰ درصد در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲ درصد در رده سنی ۵۰ سال به بالا بوده‌اند و همچنین در زمینه‌ی میزان تحصیلات ۱۶ درصد دیپلم، ۲۸ درصد فوق دیپلم، ۴۸ درصد کارشناسی، ۵ درصد کارشناسی ارشد و در نهایت ۳ درصد دارای مدرک دکتری بوده‌اند.

جدول (۳): توزیع دموگرافیک نمونه مورد بررسی

درصد		
٪۴۸	مرد	جنسیت
٪۵۲	زن	
٪۳۳	۲۰ تا ۳۰ سال	توزیع سنی
٪۵۵	۳۰ تا ۴۰ سال	
٪۱۰	۴۰ تا ۵۰ سال	
٪۲	بالا تر از ۵۰ سال	
٪۱۶	دیپلم	میزان تحصیلات
٪۲۸	فوق دیپلم	
٪۴۸	کارشناسی	
٪۵	کارشناسی ارشد	
٪۳	دکتر	

منبع: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۸

## بررسی شاخص‌های برازش مدل

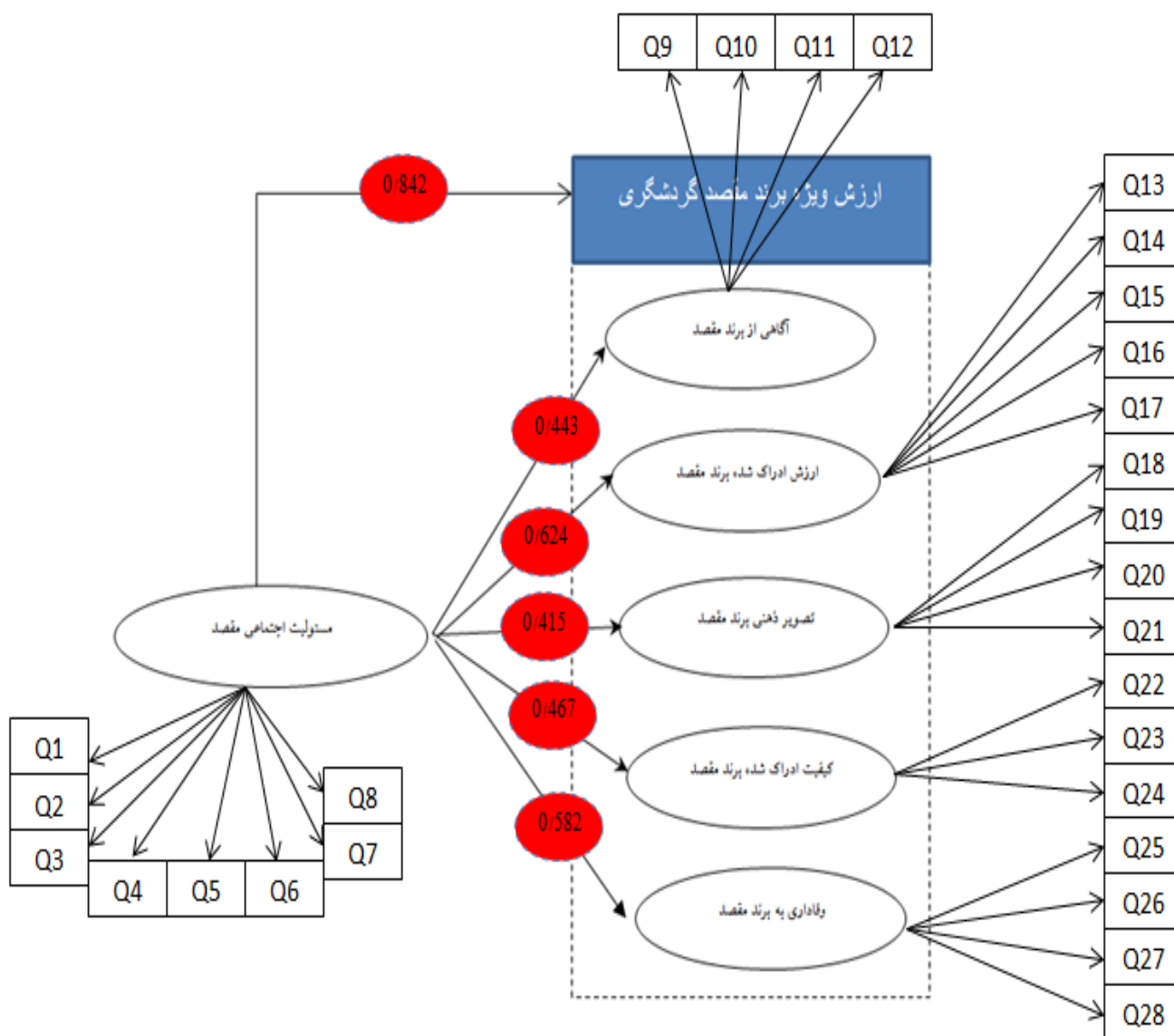
یافتن یک مدل نظری به لحاظ آماری معنادار و همچنین دارای معنا و مفهوم نظری و کاربردی باشد هدف اولیه از بکارگیری مدل سازی معادله ساختاری است. معیار کلی برای روش حداقل مربعات جزئی در نظر گرفته شد جی-اُف (Gof) نام دارد. شاخص‌های این معیار کرانی از صفر تا یک را در بر دارند و به چهار شاخص مطلق، نسبی، مدل درونی و مدل بیرونی تقسیم می‌شوند. مدل درونی در واقع همان روابط بین متغیرهای مکنون یا همان ضرایب مسیر می‌باشد و مدل بیرونی در واقع برآورد بارهای عاملی و تحلیل عاملی است (فورنل و چا، ۱۹۹۴). شاخص‌های نیکویی برازش نسبی و مطلق هر دو شاخص‌های توصیفی هستند. چنانچه این شاخص‌ها بزرگتر یا مساوی با ۰/۵ باشند، مناسب مدل می‌باشند. همانطور که مشاهده می‌شود، از نتایج حاصل از برازندگی مدل نتیجه می‌گیریم که شاخص نیکویی برازش نسبی برای این مدل مناسبتر از مطلق است. هرچند که تقریباً اکثر شاخص‌ها نمایانگر برازندگی خوب مدل می‌باشند. بنابراین، بعد از تایید مدل می‌توان نتایج تحلیل مسیر را در آزمون فرضیات به کار برد و به تفسیر آن‌ها پرداخت.

جدول (۴): شاخص‌های برازندگی مدل

مقدار	شاخص‌های برازندگی مدل
۰/۵۸۸	مطلق
۰/۷۹۴	نسبی
۰/۹۸۲	مدل بیرونی
۰/۷۷۲	مدل درونی

### تحلیل مسیر

در تحلیل مسیر روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابند و به عنوان مسیرهای متمایز در نظر گرفته می‌شوند. مفاهیم تحلیل مسیر در بهترین صورت از طریق ویژگی عمده آن، یعنی نمودار مسیر که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها را آشکار می‌سازد، تبیین می‌شوند. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق لازم است که مدل کلی زیر برآزش شود:



شکل (۳): تحلیل مسیر مدل



## بررسی فرضیه‌های تحقیق

به منظور بررسی تمامی فرضیه‌های این پژوهش، ابتدا ضریب مسیر محاسبه، سپس معناداری این ضریب مسیر با آماره آزمون بررسی می‌شود. چنانچه سطح معناداری محاسبه شده از سطح معناداری آزمون ( $\alpha = 0/05$ ) کوچک‌تر باشد، فرضیه مربوط تأیید می‌شود و در صورتی که مقدار آن از  $\alpha = 0/05$  بیشتر باشد فرضیه مرتبط با آن رد می‌شود.

جدول (۴): مسیرهای مستقیم متغیرهای فرضیات اصلی

مسیر مستقیم	ضریب مسیر	آماره آزمون	معناداری	نتیجه
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری ← ارزش ویژه برند مقصد گردشگری	0/842	9/532	0/000	تایید
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری ← آگاهی از برند مقصد گردشگری	0/443	5/543	0/000	تایید
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری ← ارزش ادراک شده مقصد گردشگری	0/624	7/355	0/000	تایید
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری ← تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری	0/415	5/267	0/000	تایید
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری ← کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری	0/467	5/788	0/000	تایید
مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری ← وفاداری به برند مقصد گردشگری	0/582	6/932	0/000	تایید

در فرضیه ۱ ضریب مسیر 0/842 است که با توجه به مقدار احتمال معناداری که برابر 0/000 شده است و از 0/05 کمتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است یعنی مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری دارد. در فرضیه ۱-۱ ضریب مسیر 0/443 است که با توجه به مقدار احتمال معناداری که برابر 0/000 شده است و از 0/05 کمتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است یعنی مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر آگاهی از برند مقصد گردشگری دارد. در فرضیه ۲-۱ ضریب مسیر 0/624 است که با توجه به مقدار احتمال معناداری که برابر 0/000 شده است و از 0/05 کمتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است یعنی مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر تصویر ذهنی برند مقصد گردشگری دارد. در فرضیه ۳-۱ ضریب مسیر 0/415 است که با توجه به مقدار احتمال معناداری که برابر 0/000 شده است و از 0/05 کمتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است یعنی مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری دارد. در فرضیه ۴-۱ ضریب مسیر 0/467 است که با توجه به مقدار احتمال معناداری که برابر 0/000 شده است و از 0/05 کمتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است یعنی مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت ادراک شده برند مقصد گردشگری دارد. در فرضیه ۵-۱ ضریب مسیر 0/582 است که با توجه به مقدار احتمال معناداری که برابر 0/000 شده است و از 0/05 کمتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است یعنی مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معناداری بر وفاداری به برند مقصد گردشگری دارد.

## نتیجه‌گیری

امروزه گردشگری یکی از مسائل مهم و موثر اقتصادی و از عوامل مهم و برجسته ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهان محسوب می‌شود. به طوری که تعداد گردشگر بین المللی ورودی در جهان ۱/۲۳۵ میلیون نفر بوده، این صنعت ۷٪ از صادرات

جهانی به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار آمریکا را به خود اختصاص داده، به طور مستقیم و یا غیرمستقیم حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد و از هر ۱۰ شغل یک شغل در حوزه صنعت گردشگری قرار دارد که تقریباً معادل ۲۲۷ میلیون شغل را در سرا سر جهان پشتیبانی می‌کند (محمدی و میرتقیان رودسری، ۱۳۹۸:۱۵۰). با توجه به اهمیت فزاینده گردشگری در دنیای امروز و رقابتی شدن بازار گردشگری در سرتاسر جهان، مقاصد گردشگری رقابت فزاینده‌ای با یکدیگر برای جذب گردشگران دارند. گسترش صنعت گردشگری در هر نقطه از جهان مستلزم شرایط و امکانات ویژه‌ای مانند آب و هوا، آثار باستانی، جاذبه‌های طبیعی، آداب و سنن، زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲:۲). لذا هر یک از مقاصد گردشگری باید تلاش کنند سهم خود را از این صنعت و درآمدهای آن افزایش دهند. از طرف دیگر، باید توجه کرد در دنیای رقابتی امروز، نخستین سفر به یک مقصد گردشگری به معنی موفقیت آن مقصد گردشگری نیست، بلکه تکرار سفر به مقاصد گردشگری و معرفی و تبلیغ آن نزد گردشگران بالقوه است که می‌تواند موفقیت آن مقصد گردشگری را در بلندمدت رقم زند. زمانی که مکان‌ها و پروژه‌های گردشگری به صورت جهانی برای هدف‌هایی مانند جذب گردشگر، سرمایه و استعدادها با هم رقابت می‌کنند، مفهوم برندسازی مطرح می‌شود (دیوانداری و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه بیشتر شهرهای مهم جهان در حال رشد سازی نمادهای سازه‌ای و مکانی خود هستند، تا بدین وسیله برند شهرشان را در خصوص کلیه مکان‌ها ساختمان‌ها و سایر جاذبه‌های آن شهر در ذهن مخاطبان ایجاد کنند و ارتقا دهند (قنبری و احمدیان، ۱۳۹۷). به منظور ایجاد هویت برند برای مقصد گردشگری، ابتدا باید دیدگاه افراد به آن برند مشخص شود تا مبنایی برای انجام فعالیت‌های مرتبط با سیاست گذاری و برنامه ریزی در دست باشد (ترکستانی و همکاران، ۱۳۹۷). برند گردشگری مقصد تأثیر بسزایی در فرایند تصمیم‌گیری گردشگران دارد (شیر خدایی و همکاران، ۱۳۹۴). البته برندسازی مقصد گردشگری فقط درباره ایجاد لوگو با شعار نیست، بلکه درباره به دست آوردن عناصر متمایزی از مقصد در قالب برند و چگونگی ارتباط این عناصر از طریق اجزای برند است این اجزا عبارت‌اند از: هویت، جوهره، شخصیت، تصویر، مشخصه و فرهنگ، مدیریت این اجزا به منظور ایجاد جایگاهی منحصر به فرد از برند مقصد گردشگری در ذهن مصرف‌کننده را اصطلاحاً جایگاه یابی برند می‌نامند (ایوبی یزدی و بذرافشان، ۱۳۹۰). استفاده از برند برای جذب گردشگران به شهر چند مزیت دارد. نخست آن که استفاده از حق مؤلفه برند در انحصار آن شهر باقی می‌ماند. همچنین ممکن است برند به سبب کیفیت تبدیل شود که به بازدید کنندگان اطمینان خاطر خواهد داد. علاوه بر این، با استفاده طولانی مدت از آن، به روشی مختصر برای یادآوری تمامی منافع به گردشگران بالقوه تبدیل می‌شود (ملازاده و افتخارنیا، ۱۳۹۰). برندسازی گردشگری دارای پیچیدگی بیشتری است؛ برای ایجاد هویتی واحد در مقصد باید ابتدا فرهنگ سازمانی آن منطقه را در نظر گرفت و با تجزیه و تحلیل عوامل متعدد هویت آن مقصد را به شکلی ایجاد کرد که همه سازمان ذی نفع باشند (ایوبی یزدی و حسینی، ۱۳۸۸). تصویر مقصد نقش واسطه‌ای بین سه جزء تصویر، روابط برند، انگیزه‌ها و هدف‌های رفتاری دارد. تصویر مقصد متفاوت و قدرتمند را نباید تنها هدف شیوه‌های برندسازی در جذب و جلب توجه مشتریان در نظر گرفت، بلکه واسطه‌ای نیز خواهد بود که عملکردهای مشتری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مستقیماً با موفقیت مقصدهای گردشگری ارتباط دارد. بنابراین، در بازار رقابتی صنعت گردشگری، مقصدهای گردشگری باید تصویری قدرتمند و مثبت از برند به وجود آورند (ثریایی و همکاران، ۱۳۹۱). این تصویر مجموعه‌ای از داده‌ها، شنیده‌ها و تجربه‌های قبلی آنهاست. در واقع کار برندسازی کمک به شکل‌گیری این تصویر ذهنی مطابق با خواست کشورهای مقصد است (مقدم، ۱۳۹۰). برندسازی مقصد شناسایی و سازماندهی و هماهنگی میان تمام متغیرهای موجود مؤثر بر تصویر برند مقصد است. از مهم‌ترین عوامل توسعه صنعت گردشگری، افزایش کیفیت خدمات و تسهیلات برای گردشگران است. مادامی که به رضایتمندی گردشگران توجه شود، نمی‌توان به جذب گردشگران امیدوار بود (آقایی و همکاران، ۱۳۹۴). تحقیق حاضر با هدف تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر ارزش ویژه برند مقصد

گردشگری از دیدگاه گردشگران داخلی در شهر تبریز در تابستان ۱۳۹۸ صورت پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق آن دسته از گردشگران داخلی هستند که در تابستان ۱۳۹۸ به شهر تبریز سفر کرده‌اند. داده‌های مورد نیاز برای این تحقیق با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از گردشگران داخلی در شهر تبریز و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تبریز تأثیر معنی‌داری بر ارزش ویژه برند مقصد و هریک از ابعاد آن دارد. و سرانجام نتایج حاصل از این تحقیق با تحقیقات ماترا و همکاران (۲۰۱۲)، اقبال (۲۰۱۳)، فریرا و همکاران (۲۰۱۰)، پلوزا و شانگ (۲۰۱۱)، استالت و همکاران (۲۰۱۴)، سموئل و چاندرا (۲۰۱۴)، رودریگس و همکاران (۲۰۱۱)، انجیرو (۲۰۱۲)، چای و همکاران (۲۰۱۵) و وحدتی و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت و هم‌خوانی دارد. به طور کلی می‌توان گفت که مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تبریز بر آگاهی از برند، ارزش ادراک شده، کیفیت ادراک شده، تصویر ذهنی از برند و وفاداری به برند این مقصد گردشگری تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در واقع، انجام مسئولیت‌های اجتماعی توسط مقصد گردشگری تبریز می‌تواند بر آگاهی، ارزش ادراک شده، کیفیت ادراک شده، تصویر ذهنی و وفاداری به برند این مقصد گردشگری تأثیر داشته باشد و از این طریق موجب بهبود ارزش ویژه برند این مقصد گردشگری نزد گردشگران شود. مقصدهای گردشگری می‌توانند از طریق اجرای برنامه‌های مسئولیت اجتماعی در فرایند ارائه خدمات به گردشگران، شرایط لازم را برای افزایش ارزش ویژه برند مقصد گردشگری خود فراهم نمایند. اگر این قبیل برنامه‌ها همراه با فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای قوی قرار بگیرد، نقش مهمی در ایجاد خوش‌نامی آن مقصد گردشگری داشته و ارزش آن را بهبود می‌بخشد. چراکه گردشگران در انتخاب مقصد گردشگری مورد علاقه خود به مقصدهای گردشگری پیشرو در این زمینه تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند. بنابراین، مقصدهای گردشگری که در انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه اهتمام می‌ورزند، به طور پیوسته مبادرت به انجام فعالیت‌های بشردوستانه می‌نمایند، در حفظ و نگهداری از محیط زیست برنامه ریزی کرده و برای سلامت و بهداشت عموم جامعه تلاش می‌نمایند؛ همچنین توانایی بیشتری در ایجاد شخصیتی مطلوب از برندشان داشته و می‌توانند تصویر بهتری از برند خود در اذهان گردشگران ایجاد نمایند. از آنجا که تصویر ذهنی مجموعه ادراکات و تصورات گردشگران در مورد مقصد گردشگری است، با معرفی کامل مسئولیت‌های اجتماعی مقصد گردشگری تبریز به گردشگران سفر کرده به این شهر می‌توان انتظار داشت تصویر ذهنی گردشگران از این مقصد گردشگری بهبود یابد. علاوه بر این، در خصوص حفاظت از محیط زیست، مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از مهم‌ترین مهارت‌های لازم برای انسان‌ها تلقی می‌شود. برای کاهش آثار منفی زیست محیطی در نواحی گردشگری، مقاصد گردشگری باید به تعیین کدهای اخلاقی جهانی گردشگری اقدام نمایند. کدهای تدوین شده در پی آن است تا اصول نهادینه‌ای را که هم در جوامع میزبان و هم در بین میهمانان می‌تواند منجر به ایجاد رفتارهای بهینه شود، معرفی و آنها را بسط و گسترش دهد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود بروشورهایی مربوط به اصول اخلاقی گردشگران تهیه و به گردشگران ارائه و یا در محل جاذبه‌ها نصب شود. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود ارتباط مفهومی گردشگری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای گردشگران تبیین شده و گردشگری مسئولانه به گردشگران آموزش داده شود.

## منابع

- آذر، ع.، غلامزاده، ر. و قنواتی، م. (۱۳۹۱). مدل‌سازی مسیری-ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم افزار SmartPLS، تهران: نگاه دانش.
- آقایی، پرویز، رضویان، محمدتقی، سعیدی راد، مجید، خزایی، مصطفی (۱۳۹۴)، تحلیل مولفه‌های تأثیرگذار بر رضایت‌مندی از مقاصد گردشگری (مورد پژوهی: گردشگران شهرستان قروه)، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۹۷-۱۱۳.

- اژدری، علی، نایب زاده، شهناز، حیرانی، فروغ (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی بر ارزش ویژه برند بیمارستان (مطالعه موردی: بیمارستان شهید صدوقی یزد)، مدیریت سلامت. سال ۱۸، شماره ۶، صص ۳۲-۴۸.
- ایوبی یزدی، حمید، بذرافشان، مرتضی (۱۳۹۰)، اهمیت برند و برند سازی در مقاصد گردشگری، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت و توسعه گردشگری، چالشها و راهکارها، تهران - مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- ایوبی یزدی، حمید، حسینی، سید محمد حسن (۱۳۸۸)، جایگاه و چالش های برند در مقاصد گردشگری، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین المللی مدیریت سرمایه فکری، زنجان - دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان.
- پوراحمد، احمد، حسینی، علی، اروجی، حسن، علیزاده، محمد (۱۳۹۲)، الویت سنجش راهبردهای توسعه گردشگری فرهنگی در منطقه الموت قزوین، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره سوم، صص ۱-۱۷.
- محمدی، مصطفی، میرتقیان رودسری، سید محمد (۱۳۹۸)، بررسی عوامل مؤثر بر وفاداری به مقصد گردشگری شهری مطالعه موردی: شهر رامسر، فصلنامه علمی پژوهشی گردشگری شهری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۷.
- دیواندری، علی، کرمانشاه، علی، اخلاصی، امیر (۱۳۹۱)، ارائه مدل برندسازی برای کلان پروژه‌های تفریحی، اقامتی، گردشگری و ورزشی کشور با رویکرد بومی بر اساس تئوری مبتنی بر داده‌ها، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۲۷-۶۴.
- ثریایی، علی، رادمرد، مهدیه، رادمرد، مونا، یونسی، علی (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر تصویر برندینگ شهری بر رفتار توریسم در شهرستان رامسر، مجموعه مقالات اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین، همدان - دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، شرکت هم اندیشان محیط زیست فردا.
- ترکستانی، محمد صالح، بخشی زاده برج، کبری، جاهدی، پدram (۱۳۹۷)، ننگاشت شبکه تداومی های برند گردشگری منطقه آزاد کیش با استفاده از روش نقشه مفهومی برند، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۳، شماره ۴۲، صص ۴۱-۶۵.
- مقدم، فرزاد (۱۳۹۰). تبلیغات شگفت انگیز (۱۰ نمونه برتر بازاریابی و ساخت برند در گردشگری). تهران: انتشارات تهران سیت.
- ملازاده، عباس، افتخارنیا، مینا (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات برندگذاری شهری در جذب گردشگران، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، مرودشت - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- کیانی فیض آبادی، زهره (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر وفاداری به مقصد گردشگری با نقش میانجی رضایت گردشگران (مورد مطالعه: شهر کاشان)، نشریه گردشگری شهری، دوره ۵، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- کروبی، مهدی، وفایی، سید عباس، سیدی، پیمان (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر رضایت کلی با نقش میانجی ارزش ویژه برند مقصد گردشگری مورد مطالعه: گردشگران بازدیدکننده از کاخ گلستان در تهران، فصلنامه گردشگری و توسعه، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- کروبی، مهدی، بهاری، جعفر، بهاری، شهلا، بهاری، حامد، محمدی، سمیرا، بذله، مرجان (۱۳۹۷)، بررسی روابط ساختاری بازدیدهای قبلی، انگیزه‌ها، رضایت و قصد بازگشت مجدد گردشگران (مطالعه موردی: شهر تبریز)، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۱۶-۷۳۲.
- جعفری، وحیده، نجارزاده، محمد، کیانی فیض آبادی، زهره (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهرستان سوادکوه)، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی و توسعه گردشگری، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۷۵-۹۳.
- قنبری، ابوالفضل، آدمی، معصومه، هاشمی امین، سمیرا (۱۳۹۴)، سنجش پایداری توسعه گردشگری از نگاه جامعه محلی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، نشریه گردشگری شهری، ۲(۲)، صص ۲۰۵-۲۱۸.
- قنبری، ابوالفضل، احمدیان، فرشته (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر در معرفی بازار تبریز به عنوان برند گردشگری، فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری شهری، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱-۱۶.
- سکاران، اوما. (۱۳۸۸). روشهای تحقیق در مدیریت. ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ ششم.

- غفاری، محمد، امیررضا، کنجکاو منفرد (۱۳۹۷)، اثر مسئولیت های اجتماعی بر توسعه ارزش ویژه برند مقصدهای گردشگری مورد مطالعه: شهر اصفهان، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی گردشگری، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۱۳۹-۱۶۲.
- سجاسی قیداری، حمدالله، دلیر، الهه (۱۳۹۶)، تحلیل سطح مسئولیت پذیری اجتماعی گردشگران در روستاهای مقصد گردشگری (مورد مطالعه: گردشگران دهستان های شهرستان خواف)، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی گردشگری، سال پنجم، شماره نهم، صص ۲۹-۵۵.
- فرزین فر، زهره، سعید اردکانی، سعید، نادری بنی، محمود (۱۳۹۵)، تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر وفاداری مشتریان با توجه به نقش میانجی اعتماد و رضایت (مورد مطالعه هتل های سه ستاره و چهار ستاره یزد)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال یازدهم، شماره سی و سوم، صص ۶۳-۸۳.
- حساس یگانه، یحیی، برزگر، قدرت الهه (۱۳۹۲)، مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت ها و پارادایم های تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری، حسابداری مدیریت، سال هفتم، ۲۴(۲۲)، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- پور اسدی، محمد، معدنی، جواد (۱۳۹۵)، تأثیر مؤلفه های مسئولیت اجتماعی بر کیفیت ارائه خدمات انتظامی، نشریه انتظام اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۸۸.
- کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۵)، مدیریت بازاریابی، بهمن فروزنده، چاپ چهارم، اصفهان، نشر آموخته.
- کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۳)، کاتلر در مدیریت بازار، عبدالرضا رضایی نژاد، چاپ سوم، تهران، انتشارات فرا.
- کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۷)، مبانی مدیریت بازاریابی ترجمه دکتر علی پارسائیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات ترمه.
- رنجبریان، بهرام؛ غفاری، محمد؛ تسلیمی، امین. (۱۳۹۱). «گونه شناسی ریسک های استنباط شده از سفرهای خارجی (مورد مطالعه: گردشگران سفر کرده به شهر اصفهان)». پژوهش های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی. سال اول. شماره سوم، صص ۱۲-۱.
- عسگری خشوئی، رضا؛ رضایی دولت آبادی، حسین. (۱۳۹۴). تحلیل تأثیر مسوولیت اجتماعی شرکت بر نیت رفتاری مصرف کنندهان (دیدگاه مصرف کنندگان محصولات شرکت گیتی پسند در شهر اصفهان). مدیریت بازرگانی، دوره ۵، شماره ۳، صفحات ۸۶۶-۸۴۵.
- عماری، حسین؛ زنده دل، احمد. (۱۳۹۱). «ارزیابی تأثیر واسطه ای تصویر ذهنی برند روی شکل گیری ارزش ویژه برند». فراسوی مدیریت. سال پنجم. شماره ۲۰، صص ۷۸-۵۹.
- غفاری، محمد؛ رنجبریان، بهرام؛ فتحی، سعید. (۱۳۹۳). «ارائه مدلی جهت تبیین ارزش ویژه برند مقاصد گردشگری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». مدیریت بازرگانی. دوره ۶. شماره ۴، صص ۸۶۶-۸۴۵.
- گیلانی نیا، شهرام؛ موسویان، جواد. (۱۳۸۹). «تأثیر وفاداری به برند بر ارزش ویژه برند بانک از دیدگاه مشتریان کارت الکترونیکی». فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج. سال پنجم. شماره ۱۴، صص ۱۲۱-۱۰۳.
- Aaker, D. A., (1991), *Managing Brand Equity*, New York, N.Y.: The Free Press.
- Abdolvand, M., & Charsetad, P., (2013), *Corporate Social Responsibility and Brand Equity in Industrial Marketing*, *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 3 (9), 285-273.
- Areekul, Ch., Ratana-Ubol, A. & Kimpee, P. (2015). *Model development for strengthening social capital for being a sustainable lifelong learning society*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 1613-1617.
- Baker, M.J. & Cameron, E. (2008). *Critical success factors in destination marketing*. *Tourism & Hospitality Research*, Vol.8. No.2. PP.79-97.
- Barthorpe, S. (2010). *Implementing Corporate social responsibility in the UK construction industry*. *Property management* Vol. 28. No. 1, pp, 4 – 17.
- Boo, S., Busser, J., & Baloglu, S., (2009), *A model of Customer-based Brand Equity and its Application to Multiple Destinations*, *Tourism Management*, 30, 219-231.
- Can, V. V., (2013), *Modeling Tourism Demand, Travel Mode Choice and Destination Loyalty*, A dissertation for the degree of Ph.D., University of Tromso, Norway.

- Chai, J., Chang, P. Wang, Z., & Brew, Y., (2015), The Public Perception of Corporate Social Responsibility and Its Effects on Customer Behavior in China, *American Journal of Industrial and Business Management*, 5, 611-621.
- Chang, H. H., & Liu, Y. M., (2009), The Impact of Brand Equity on Brand Preference and Purchase Intentions in the Service Industries, *The Service Industries Journal*, 29 (12), 1687-1706.
- Chen, C.-F., & Tsai, D., (2007), How destination image and evaluative factors affect behavioral intentions?, *Tourism Management*, 28 (4), 1115-1122.
- Chernatony, L., & McDonald, M., (2003), *Creating Powerful Brands in Consumer, Service and Industrial Markets*, Butterworth-Heinemann, Oxford.
- Chekalina, T., Fuchs, M., and Lexhagen, M., (2018), Destination Brand Promise: The Core of Customer Based Brand Equity Modeling, *Tourism Analysis*, Vol. 23, PP. 93-107.
- Chiu, T. H. Y., Wan, I. L. & Chen, H. T. (2014). Environmentally Responsible Behavior in Ecotourism: Antecedents and implications. *Tourism Management*, 40, 321-329.
- Chu, C. F., & Yang, P. P. (2009). Empirical examination of relationship between corporate social responsibility and financial performance. *Financial Forum*, 7, 135-137.
- Crosno, J. Freling, T & Skinner, S. (2009); "Does brand social power mean market might? Exploring the influence of brand social power on brand evaluation", *Journal of Psychology & Marketing*, Vol.26 (2): 91-121.
- Duman, Teoman. & Ozbal, Okai. & Duerod, Malcolm. (2018). The role of affective factors on brand resonance: Measuring customer-based brand equity for the Sarajevo brand, *Journal of Destination Marketing & Management*, Vol.8, pp.359- 372.
- Esmailpour, M., & Barjoei, S. (2016). The Impact of Corporate Social Responsibility and Image on Brand Equity. *Global Business and Management Research: An International Journal*, 8 (3), 55-66.
- Faircloth, J. B., Capella, L. M., & Alford, B. L., (2001). The Effect of Brand Attitude and Brand, Image on Brand Equity, *Journal of Marketing Theory and Practice*, 9 (3), 61-79.
- Farquhar, P (1989); "Marketing Brand Equity". *Marketing Research*, (Sep), PP.24 -33.
- Fornell, C. and Cha, J. (1994). Partial least squares, in Bagozzi, R.P. (Ed.), *Advanced Methods*.
- Gil, R. B., Andres, E. F., & Salinas, E. M., (2007), Family as a Consumer-based Brand Equity, *Journal of Product & Brand Management*, 16 (3), 188-199.
- Golja, T., & Nižić, M. K., (2010), corporate social responsibility in tourism- the most popular tourism destination in Croatia: competitive analysis, *Management*, 15 (2), 107-121.
- Iqbal, F., (2013), Impact of Corporate Social Responsibility (CSR) on Brand Equity (B.E), M.A. Thesis, Faculty of Management Sciences, University of Central Punjab.
- Jago, L., Chalip, L., Brown, G., Mules, T., & Ali, S, (2003), Building Events into Destination Branding: Insights from Experts, *Event Management*, 8(1), 3-14.
- Kani, Yusuf. & Yuhanis, Abdul.Aziz. Sambasivan, Murali. & Bojei, Jamil. (2017) Antecedents and outcomes of destination image of Malaysia, *Journal of Hospitality and Tourism Management*, Vol.32, pp.89-90.
- Keller, K. (1998); "Strategic brand management: building, measuring and brand equity", Prentice Hall: Englewood Cliffs, NJ.
- Konecnik, M., & Gartner, C., W., (2007), Customer-based Brand Equity for a Destination, *Annals of Tourism Research*, 34 (2), 400-421.
- Lee, J., & Back, K., (2008), Attendee-based Brand Equity, *Tourism Management*, 29 (2), 331-344.
- Kok ,Peter, van der Wiele, Ton, McKenna, Richard, Brown, Alan(2001). A Corporate Social Responsibility Audit within a Quality Management Framework, *Journal of Business Ethics*, Volume 31, Issue 4, pp 285-297.
- Low, G. S., & Lamb, C. W., (2000), The Measurement and Dimensionality of Brand Associations, *Journal of Product and Brand Management*, 9 (6), 350-368.
- Mattera, M., Baena, V., Cervino, J., (2012), Analyzing social responsibility as a driver of firm's brand awareness, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 58, 1121-1130.

- Michell, P., King, J., & Reast, J., (2001), Brand Values Related to Industrial Products, *Industrial Marketing Management*, 30 (5), 415–425.
- Monfared, A. R. K., Fathi, S., & Ranjbarian, B. (2017). Perceived risks of individual investors in the capital market: the antecedences and consequences. *International Journal of Business Innovation and Research*, 14(2), 259-278.
- Munazza, Saeed., and Imran, Shafique., (2019), Customer-Based Brand Equity and Destination Visit Behavior in the Tourism Industry: The Contingent Role of Social Media, Quality and Quantity *International Journal of Methodology*, First Online 01, PP. 1–22.
- Nam, J., Ekinci, Y., & Whyatt, G., (2011), Brand Equity, Brand Loyalty, and Consumer Satisfaction, *Annals of Tourism Research*, 38 (3), 1009–1030.
- Njiru, J. N., (2012), effect of corporate social responsibility on customer loyalty among commercial banks in Nairobi, Kenya, M.A. Thesis, UNIVERSITY OF NAIROBI.
- Oliver, R. L. (1993); "Whence consumer loyalty". *Journal of marketing*.
- Opperman, M., (2000), Tourism destination loyalty, *Journal of Travel Research*, 39, 78-84.
- Pelozo, J., & Shang, J., (2011b), Investing in CSR to Enhance Customer Value. New York, NY: The Conference Board.
- Pelozo, J., & Shang, J., (2011b), Investing in CSR to Enhance Customer Value. New York, NY: The Conference Board.
- Rodrigues, P., Real, Elizabeth, Vitorino, F., & Cantista, I., (2011), The Importance of Corporate Social Responsibility in the Brand Image, 10th International marketing trends congress, Paris.
- Semuel, H., & Chandra, S. S., (2014), The Analysis of Corporate Social Responsibility Implementation Effects towards Price Fairness, Trust and Purchase Intention at Oriflame Cosmetics Product in Surabaya, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 155, 42-47.
- Staudt, S., Shao, C. Y., Dubinsky, A. J., Wilson, P. H., (2014), Corporate Social Responsibility, Perceived Customer Value, and Customer-Based Brand Equity: A Cross-National Comparison, *Journal of Strategic Innovation and Sustainability*, 10 (1), 88-65.
- Tong, X., & Hawley, J. M., (2009), Measuring Customer-based Brand Equity: Empirical Evidence from the Sportswear Market in China, *Journal of Product and Brand Management*, 18 (4), 262-271.
- Torres, A., Bijmolt, T., Tribó, J., & Verhoef, P., (2012), Generating global brand equity through corporate social responsibility to key stakeholders, *International Journal of Research in Marketing*, 29, 13–24.
- Tran, V., Nguyen, N., Tran, P., Tran, T. and Huynh, T., (2019), Brand equity in a tourism destination: a case study of domestic tourists in Hoi An city, Vietnam, *Tourism Review*, Vol. 74, No. 3, PP. 704- 720.
- Usakli.A and Baloglu.S. (2011). *Tourism Management. Brand personality of tourist destinations: An application of self-congruity theory.* *Tourism Management*. Vol.32. Spain. PP.114-127.
- Vahdati, H., Mousavi, N., & Mokhtari, Z., (2015), The study of consumer perception of corporate social responsibility towards consumers attitude and purchase behavior, *Asian Economic and Financial Review*, 5 (5), 831-845.
- Wang, D. H-M., Chen , P-H., Yu, T. H-K., & Hsiao, C-Y., (2015), The effects of corporate social responsibility on brand equity and firm performance, *Journal of Business Research*, 68, 2232–2236.
- Zenker, Sebastian. & Braun, Erik. & Petersen, Sibylle. (2017) Branding the destination versus the place: The effects of brand complexity and identification for residents and visitors, *Tourism Management*, Vol. 58, pp.15-17.





## سنجش توسعه انسانی و کیفیت مسکن و شناخت نسبت آنها با استفاده از روش‌های آمار فضایی (محدوده مطالعاتی: استان‌های کشور)

قاسم محمدی، کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۳۰

### چکیده

توسعه انسانی در دهه ۱۹۹۰ میلادی پس از شکست اندازه‌گیری‌های تک بعدی بر مبنای درآمد سرانه، معرفی شد. توسعه انسانی شاخصی چند بعدی است که بنا بر تعریف برنامه توسعه سازمان ملل عبارت است از فرآیند بسط انتخاب‌های انسانی و افزایش سطح رفاه زندگی. این شاخص پیشرفت‌های انسانی را در سه بعد آموزشی، سلامت و استانداردهای زندگی می‌سنجد. با تکیه بر این رویکرد، استان‌های کشور مورد سنجش و سطح‌بندی قرار گرفت. روش مطالعاتی پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع کاربردی می‌باشد. شاخص‌های مسکن نیز متغیر دیگری است که در این تحقیق در سطح استان‌های کشور ارزیابی شد. با استفاده از مدل‌های موریس، تاپسیس، ویکور، کپلند و ضریب پراکندگی وضعیت توسعه یافتگی استان‌ها بررسی و تحلیل شد و در انتها با روش‌های آمار فضایی، خود همبستگی فضایی شاخص‌ها بر روی نقشه نشان داده شد. نتایج نشان دهنده تمرکز توسعه یافتگی (انسانی، مسکن) در نواحی مرکزی کشور و نواحی کم برخوردار منطبق با مناطق پیرامونی و مرزی کشور می‌باشد. در شاخص  $HDI^1$  سه استان تهران، البرز و یزد استان‌ها برتر و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و خراسان شمالی کمترین امتیاز را در این شاخص دارند. در شاخص‌های مسکن نیز تهران، البرز و قم بهترین وضعیت و استان‌های سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی پایین‌ترین سطح را دارند. همچنین آزمون همبستگی پیرسون با ضریب ۷۰ درصد رابطه بین شاخص توسعه انسانی و شاخص مسکن را نشان داد.

**کلمات کلیدی:** توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی، مسکن، توسعه، سطح‌بندی

نویسنده مسئول: قاسم محمدی، کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، ghm2787@yahoo.com

## مقدمه

توسعه و توسعه‌یافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرده است و کشورها و جوامع مختلف خواهان دستیابی به سطحی از توسعه هستند که بتواند به بهبود زندگی افراد جامعه بینجامد. رسیدن به چنین اهدافی نیازمند توسعه متعادل و پایدار است که به تمامی ابعاد و جنبه‌های آن به‌طور هم‌زمان توجه شده باشد (کلانتری دهقی، ۱۳۹۰: ۴). با وجود استفاده‌های وسیعی که از واژه توسعه می‌شود، هنوز تعریف واحدی از این واژه که مورد قبول همه کارشناسان و متخصصان باشد وجود ندارد. یکی از علل این امر، فرا رشته‌ای بودن این مقوله می‌باشد (فتحی، ۱۳۹۰: ۱۴). تا قبل از دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه هر کشور به‌عنوان مبنای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها در نظر گرفته می‌شد. اگرچه رشد درآمد سرانه برای دستیابی به برخی از اهداف لازم است اما نمی‌تواند بسیاری از جوانب مهم زندگی بشری را در بر بگیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸۴). در دهه ۱۹۹۰ پس از ناکامی‌های گذشته و نگاه تک‌بعدی به توسعه مباحثی مثل گسترش حق انتخاب افراد، عدالت و... و در یک کلام خود انسان و زندگی او وارد مباحث توسعه شد. بدین ترتیب در فضایی که احساس می‌شد نابرابری‌های اجتماعی بین مناطق و افراد ایجاد شده است ایده توسعه انسانی با ابتکار سازمان ملل مطرح شد. در واقع توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. بنابراین توسعه انسانی عبارت است از فرآیند بسط انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی (UNDP، 2004).

مناطق مختلف کشور تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاست‌های کلان مسیرهای گوناگونی در زمینه توسعه طی کرده است. به طوری که از مشخصات بارز توسعه فضایی ایران وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است که سبب رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی شده است.

در ایران سابقه برنامه‌ریزی برای توسعه از دهه بیست شمسی آغاز شد. با انتخاب نظریه قطب‌های توسعه چند ناحیه به عنوان قطب‌های توسعه محل استقرار صنایع شدند به طوری که نواحی منتخب به سرعت رشد یافته و محل استقرار صنایع و امکانات شدند و اصلاحات ارضی هم در ادامه باعث تشدید این ناهمگونی شد. پس از انقلاب اسلامی نیز بدون انتخاب الگوی خاصی برای برنامه‌ریزی مسیر دهه‌های گذشته طی شد و نابرابری‌های فضایی پابرجا ماند.

از سویی دیگر، مسکن با ابعاد اقتصادی و اجتماعی به عنوان یک نیاز زیستی نیز تلقی می‌شود که اهمیت ویژه‌ای را در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع دارد. مسکن مناسب خود یک شاخصی برای سنجش کیفیت زندگی و یک پیش‌نیاز برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته است.

در شاخص توسعه انسانی برای سنجش توسعه، مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان اندازه‌گیری می‌شوند اما به‌طور مستقیم شاخص مسکن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای انسان که سهمی بزرگ در آسایش و رفاه او دارد، سنجیده نمی‌شود. از این‌رو این پژوهش در پی آن است تا با اندازه‌گیری توسعه انسانی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی و مسکن به‌عنوان یک شاخص کلان و تعیین رابطه آنها، نمای بهتری از توسعه، رفاه و نابرابری فضایی را در کشور نشان دهد. بنابراین موارد زیر اهداف کلی و جزئی این تحقیق هستند:

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شاخص توسعه انسانی با شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در ایران می‌باشد. اهداف جزئی نیز به شرح زیر می‌باشد:

- سطح‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی
- رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های مسکن

- تحلیل فضایی توسعه انسانی در کشور

- تحلیل فضایی وضعیت مسکن در کشور

فرضیات تحقیق:

- توسعه انسانی تأثیر یکسانی بر شاخص‌های کمی و کیفی مسکن دارد.

- هر سه شاخص توسعه انسانی (امید به زندگی، آموزش، درآمد سرانه) تأثیر برابری بر روی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن دارد.

## مبانی نظری

### توسعه انسانی

نقش انسان در توسعه، برای اولین بار در آثار آدام اسمیت مطرح شد که در آن، انسان به منزله یکی از نهاده‌های تولید (نیروی کار)، مد نظر قرار می‌گیرد. پس از چند دهه، کم‌کم اصطلاح «نیروی انسانی» با ملاحظه نقش انسان در انباشت سرمایه، تحت تأثیر افرادی چون کارل مارکس و جوزف شومپتر مورد توجه قرار گرفت. تا اینجا (پیش از دهه ۱۹۵۰ میلادی) انسان «عامل تولید» است. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، بحث «سرمایه انسانی» به منزله یکی از عوامل مهم تولید توسط افرادی مانند تئودور شولتز و گری بکر وارد مبحث توسعه گردید (محمودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۹). در دهه ۷۰-۱۹۸۰ راهبرد نیازهای اساسی دنبال شد که سرآغازی برای توسعه انسانی محسوب می‌شود. در نهایت با نقد راهبردهای توسعه، توسعه انسانی به‌عنوان رویکردی نوین که تعالی و توسعه انسان هدف آن است از سوی محبوب‌الحق معرفی شد.

با نگاهی به سیر تحول نظریه‌های توسعه، مشخص می‌شود که تعریف مفهومی توسعه، از مفهوم رشد- بدون توجه به جنبه‌های انسانی بشر- به سمت توجهات انسانی معطوف گشته است. شاخص‌های توسعه نیز همگام با نظریه‌های توسعه دچار پیشرفت‌هایی شده و از شاخص رشد اقتصادی به عنوان شاخصی برای توسعه به شاخص توسعه پایدار و در نهایت به شاخص توسعه انسانی رسیده است (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). این شاخص، به منظور بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی کشورهای مختلف از دهه ۱۹۹۰ تا کنون، توسط سازمان ملل متحد در حال استفاده است و به‌طور سالیانه، گزارش‌های بین‌المللی در خصوص جایگاه و رتبه کشورهای عضو سازمان ملل منتشر می‌کند. هدف این شاخص نشان دادن کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و رفاه مادی است (جمعه‌پور، ۱۳۹۱: ۲۲۵). این شاخص مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. شاخص توسعه انسانی درصدد اندازه‌گیری متوسط دستیابی شهروندان یک کشور به سه بعد اساسی توسعه انسانی یعنی زندگی طولانی توأم با سلامتی، دانش و استاندارد شایسته زندگی (رفاه اقتصادی) است (خوشنویس و پژویان، ۱۳۹۵: ۳۸).

کلیه کشورها بر اساس امتیاز به دست آمده در چهار گروه دسته‌بندی می‌شوند، کشورهایی که در گروه اول قرار دارند، دارای توسعه انسانی "بسیار بالا" هستند کشورهای گروه دوم، به لحاظ توسعه انسانی در سطح "بالا" قرار دارند و کشورهای گروه سوم و چهارم نیز به ترتیب در مرتبه "متوسط" و "پایین" هستند. براساس آخرین ارزیابی (سال ۲۰۱۹)، امتیاز ایران ۰,۷۹۷ و در رتبه ۶۵ در بین ۱۸۹ کشور می‌باشد. با این امتیاز ایران در جایگاه کشورهای با "توسعه انسانی بالا" محسوب می‌شود.

### مسکن

مسکن یکی از نیازهای اساسی انسان است و شاید از نخستین نیازهای انسان باشد که فرم کالبدی یافته است. هرچند این نیاز یکی از نخستین نیازهای محقق شده کالبدی انسان بوده اما امروزه تأمین آن خصوصاً در شهرهای بزرگ که از کمبود فضای توسعه و افزایش جمعیت رنج می‌برند به معضلی جدی بدل شده است (رضازاده و اوتادی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). مطالعه منابع مختلف به‌وضوح نشان می‌دهد که مسکن در زمره اساسی‌ترین و حساس‌ترین بخش‌ها در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی است

(عزیزی، ۱۳۷۸: ۷۱). در حقیقت مسکن بازتاب عینی توسعه‌یافتگی است و دسترسی همه انسان‌ها به مسکن درخور، ملاک عینی عبور از مرز توسعه است (نبردی، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

مسکن به‌عنوان واحدی از محیط زیست، تأثیر عمیقی بر سلامت، کارایی، رفتار اجتماعی، رضایتمندی و رفاه عمومی جامعه دارد. ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را منعکس کرده و همچنین بهترین شاهد فیزیکی و تاریخی تمدن هر کشور به‌شمار می‌آید (Omole, 2010: 14). بنابراین مسکن مفهومی فراتر از یک سر پناه دارد (Oladapo, 2006: 215). یک ساختار دائمی برای سکونت انسان است و جز حیاتی در ساختار اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی هر کشور محسوب می‌شود. به این ترتیب تاریخچه آن از توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انسان، جدایی‌ناپذیر است (Ogunleye, 2013: 230). تدوین یک برنامه جامع در بخش مسکن نیازمند شناسایی و تجزیه و تحلیل ابعاد و اجزای مختلف مسکن است. شاخص‌های مسکن به‌عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری ضروری برای بیان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسکن، از جایگاه ویژه‌ای در امر برنامه‌ریزی مسکن برخوردار هستند. شاخص‌های مسکن نه تنها به‌عنوان ابزاری توصیفی به بیان وضع موجود مسکن از ابعاد مختلف می‌پردازند، بلکه ابزار مناسبی نیز برای سنجش معیارها و ضوابط در روند تحول مسکن به‌شمار می‌روند. این شاخص‌ها به سیاست‌گذاران کلان بخش مسکن نیز کمک می‌کنند تا تصویر روشن‌تری از شرایط مسکن در گذشته، حال و آینده داشته و سیاست‌ها و راهبردهای متناسبی در آینده اتخاذ نمایند (عزیزی، ۱۳۸۳: ۳۲). بررسی شاخص‌های توسعه انسانی نیز می‌تواند بیانگر وضعیت برخورداری و دسترسی افراد یک جامعه به امکانات آموزشی و فرهنگی و رفاهی و... باشد (موسوی و مدیری، ۱۳۹۴: ۹).

مسئله مسکن به لحاظ اجتماعی و اقتصادی مسئله اساسی طیف وسیعی از مردم است که بر وجه متنوعی از زندگی‌شان اثر می‌گذارد. نقش مسکن در حیات خانوار، عملکرد اقتصاد، حفظ کرامت انسانی، تأمین امنیت فیزیکی و روانی جامعه و ثبات حاکمیت، اهمیتی استراتژیک به این حوزه بخشیده است. لذا شناخت دقیق‌تر از ویژگی‌ها و نیازهای این عرصه مهم اقتصادی کمک شایانی به اصلاح جهت‌گیری‌ها و تغییر رویه‌های ناصحیح در بخش مسکن خواهد کرد. همچنین با درجه‌بندی سطوح توسعه استان‌ها، اولویت برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی برای استان‌ها در بخش مسکن مشخص خواهد شد. در پژوهش حاضر نیز ضمن بررسی و اندازه‌گیری میزان توسعه‌یافتگی استان‌های کشور بر اساس شاخص HDI و شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، رابطه توسعه انسانی استان‌ها و توسعه مسکن نیز آزمون شده است.

### پیشینه تحقیق

ملکی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در سطح استان‌های کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی پرداخته‌اند. نتیجه این مقاله بیانگر پایین بودن و نامناسب بودن کیفیت وضع مسکن در استان‌ها می‌باشد. صادقی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی این گونه نتیجه گرفتند که درجه عضویت در مجموعه‌ی اعتماد اجتماعی با درجه عضویت در مجموعه‌ی توسعه انسانی رابطه دارد. به طوری که هرچه درجه عضویت کشورها در مجموعه‌ی اعتماد اجتماعی بیشتر باشد درجه عضویت در مجموعه‌ی توسعه انسانی نیز بیشتر خواهد شد. زنگنه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور» به این نتیجه رسیدند که دسته‌بندی مناطق شهری استان‌ها بر اساس شاخص توسعه انسانی حاکی از آن است که رده بسیار محروم منطبق بر استان‌های مرزی و رده استان‌هایی که مطلوب‌ترین وضعیت را دارا هستند مربوط به مناطقی هستند که اغلب در مرکز کشور واقع شده‌اند. اوترویک (۲۰۱۱). در تحقیقی با عنوان حکمرانی خوب و توسعه انسانی به این نتیجه رسیدند که رابطه بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی بسیار قوی است اما اثربخشی دولت بیشترین تأثیر را برای توسعه انسانی دارد.

ویسانی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان میزان بروز و مرگ و میر جهانی سرطان لوزالمعده و ارتباط آن با شاخص توسعه انسانی؛ به این نتیجه رسیدند HDI با میزان شیوع سرطان‌ها رابطه دارد و این همبستگی بیشتر در کشورهای دیده می‌شود که رتبه‌ی پایینی در HDI دارند.

کیو و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندازه‌گیری توسعه انسانی با استفاده از عوامل تحلیل فضایی» ضمن نقد روش مرسوم ارزیابی شاخص HDI شاخص MDG را که متناسب با اهداف توسعه هزاره سوم است را معرفی کرده و به محاسبه آن شاخص با استفاده از روش‌های آمار فضایی پرداختند. نتایج حاکی از تغییر رتبه و جایگاه کشورها است ضمن اینکه سطح توسعه یافتگی را در فضا نشان داده و محاسبه می‌کند.

لانگ و همکاران (۲۰۲۰) نیز در تحقیق خود با عنوان ارزیابی پایداری جوامع به این نتیجه رسیدند که رشد توسعه انسانی منجر به بهبود بهره‌وری منابع اکولوژیکی و دستیابی به توسعه پایدار شهری می‌شود.

شاخص توسعه انسانی از موضوعات قابل توجه در مطالعات توسعه است. از زمان ارائه این شاخص همواره رابطه HDI با سایر شاخص‌ها و نحوه محاسبه و فرمول آن مورد مطالعه قرار گرفته است. در تحقیق حاضر نیز رابطه این شاخص با شاخص مسکن بررسی می‌شود و همبستگی فضایی آن بر روی نقشه استان‌های کشور نشان داده می‌شود.

### مواد و روش تحقیق

تحقیق پیش رو از حیث هدف کاربردی و به لحاظ روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق بعد از دستیابی به مبانی نظری تحقیق با رجوع به آمارنامه‌ها و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، آمار و اطلاعات مورد نیاز استخراج می‌گردد. سپس با بهره‌گیری از مدل‌ها و نرم‌افزارهای تخصصی اطلاعات مستخرج مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند تا ضمن سنجش وضع موجود توسعه یافتگی استان‌های کشور، رابطه بین شاخص توسعه انسانی و شاخص‌های مسکن نیز مشخص گردد. برای این منظور ابتدا ۳۱ استان کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی به روش موریس سطح‌بندی می‌گردند در گام بعدی استان‌ها بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن با استفاده از مدل‌های تاپسیس و ویکور و کپلند رتبه‌بندی می‌شوند. در ادامه با استفاده از روش آماری همبستگی رابطه شاخص توسعه انسانی با شاخص‌های کمی و کیفی مسکن را با نرم‌افزارهای spss و excel مشخص می‌گردد. همچنین با بهره از ضریب پراکندگی به تعیین نابرابری شاخص‌ها در سطح کشور اقدام شده است و در آخر نیز با بهره‌گیری از تکنیک‌های تحلیل فضایی در نرم‌افزارهای arcgis و geoda به تبیین بیشتر همبستگی شاخص‌های توسعه انسانی و مسکن اقدام گردیده است. شاخص‌های تحقیق:

HDI- متوسط زیربنای واحد مسکونی- درصد اجاره- درصد مساکن مقاوم- درصد مساکن نیمه مقاوم- درصد مساکن نامقاوم- درصد مالکیت مسکن- تراکم نفر در واحد مسکونی- درصد کمبود مسکن- نسبت رشد خانوار به واحد مسکونی- مسکن به ازای ده هزار نفر- تراکم خانوار در واحد مسکونی- بد مسکنی.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### توسعه انسانی استان‌ها

داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه شاخص توسعه انسانی از منابع آماری مثل آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، سالنامه‌های آماری و حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار گردآوری شده است. برای محاسبه این شاخص نیاز به سه دسته اطلاعات آموزشی، اقتصادی و بهداشتی است. شاخص توسعه انسانی با چهار متغیر امید به زندگی در بدو تولد، استاندارد زندگی (با معیار درآمد ناخالص ملی)، میانگین سال‌های تحصیل در افراد بزرگ‌سال ۲۵ ساله به بالا و امید به تحصیل، قابل ارزیابی و محاسبه می‌باشد. شاخص HDI با محاسبه میانگین هندسی سه شاخص امید به زندگی در بدو تولد، GNI سرانه و آموزش از طریق رابطه شماره ۱ به‌دست می‌آید:

شاخص HDI = [(شاخص پایه سلامت) + (شاخص پایه آموزش) + log (شاخص پایه GNI سرانه)]<sup>(۱/۳)</sup> رابطه (۱)

پس از گردآوری داده‌ها و نرمال‌سازی سه شاخص توسعه انسانی به روش موریس، HDI هر یک از استان‌ها به ترتیب رتبه، در جدول ۱ آورده شده است:

جدول (۱): شاخص توسعه انسانی و رتبه استان‌ها

استان	HDI	رتبه	سطح
تهران	.۸۶۴	۱	بسیار توسعه یافته
البرز	.۷۲۸	۲	توسعه یافتگی بالا
یزد	.۷۱۳	۳	توسعه یافتگی بالا
سمنان	۰/۷۰۴	۴	توسعه یافتگی بالا
بوشهر	۰/۶۹۳	۵	توسعه یافتگی متوسط
اصفهان	.۶۳۹	۶	توسعه یافتگی متوسط
مازندران	.۶۳۱	۷	توسعه یافتگی متوسط
مرکزی	۰/۵۹۷	۸	توسعه یافتگی متوسط
فارس	۰/۵۵۷	۹	توسعه یافتگی متوسط
قزوین	.۵۵۳	۱۰	توسعه یافتگی متوسط
قم	.۵۴۳	۱۱	توسعه یافتگی متوسط
گیلان	.۵۳۳	۱۲	توسعه یافتگی متوسط
آذربایجان شرقی	.۵	۱۳	توسعه یافتگی متوسط
زنجان	.۴۹۹	۱۴	توسعه پایین
خوزستان	.۴۷۹	۱۵	توسعه پایین
کرمان	.۴۶۲	۱۶	توسعه پایین
خراسان رضوی	.۴۳۸	۱۷	توسعه پایین
هرمزگان	.۴۲۶	۱۸	توسعه پایین
ایلام	.۴۱۶	۱۹	توسعه پایین
اردبیل	.۴۰۳	۲۰	توسعه پایین
کوهگیلویه و بویر احمد	.۴۰۱	۲۱	توسعه پایین
کرمانشاه	.۳۷۹	۲۲	توسعه پایین
چارمحال و بختیاری	.۳۷۹	۲۳	توسعه پایین
همدان	.۳۷۱	۲۴	توسعه پایین
خراسان جنوبی	.۳۳۸	۲۵	توسعه پایین
گلستان	.۳۲۸	۲۶	توسعه پایین
لرستان	.۳۱۵	۲۷	توسعه پایین
آذربایجان غربی	.۲۹۶	۲۸	توسعه پایین
خراسان شمالی	.۲۶۶	۲۹	توسعه پایین
کردستان	.۱۶۸	۳۰	توسعه پایین
سیستان و بلوچستان	۰	۳۱	توسعه پایین

ماخذ: محاسبات تحقیق، ۱۳۹۸

همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است فقط یک استان (تهران) در رده توسعه یافتگی بسیار بالا است و ۳ استان (البرز، یزد و سمنان) در گروه استان‌های با توسعه یافتگی بالا قرار دارند و ۹ استان (بوشهر، اصفهان، مازندران، مرکزی، فارس، قزوین، قم، گیلان و آذربایجان شرقی) در ردیف توسعه یافتگی متوسط جای دارند و باقی استان‌ها یعنی ۱۸ استان (زنجان، خوزستان، کرمان، خراسان رضوی، هرمزگان، ایلام، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، همدان، خراسان جنوبی، گلستان، لرستان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، کردستان و سیستان و بلوچستان) جزو استان‌های با توسعه پایین هستند.

جدول (۲): رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های مسکن با مدل‌های تاپسیس، ویکور و کپلند

استان	تاپسیس ارزش عددی (رتبه)	ویکور ارزش عددی (رتبه)	کپلند ارزش عددی (رتبه)
آذربایجان شرقی	۲۰۵/ (۱۷)	۱۳۹/ (۸)	۴- (۱۲)
آذربایجان غربی	۲۳۶/ (۱۴)	۱۵۴/ (۹)	۱۰- (۲)
اردبیل	۱۲۴/ (۲۴)	۲۰۸/ (۱۸)	۲۲- (۲۰)
اصفهان	۲۷۵/ (۱۱)	۱۳۳/ (۶)	۱۰- (۸)
البرز	۶۴۷/ (۱)	۰۱۴/ (۲)	۲۸- (۲)
ایلام	۱۹۵/ (۱۸)	۱۳۵/ (۷)	۱۲- (۱۵)
بوشهر	۱۰۹/ (۲۶)	۱۸۰/ (۱۲)	۱۶- (۱۷)
تهران	۶۳۸/ (۲)	۰/ (۱)	۳۰- (۱)
چهارمحال بختیاری	۰۹۷/ (۳۰)	۲۰۰/ (۱۵)	۲۸- (۲۲)
خراسان جنوبی	۱۲۷/ (۲۳)	۲۶۹/ (۲۱)	۲۴- (۲۱)
خراسان رضوی	۲۸۹/ (۱۰)	۱۳۱/ (۵)	۸- (۹)
خراسان شمالی	۱۵۴/ (۲۲)	۲۷۵/ (۲۲)	۲۰- (۱۹)
خوزستان	۴۵۳/ (۴)	۱۷۸/ (۱۱)	۲۰- (۴)
زنجان	۲۱۴/ (۱۶)	۱۸۱/ (۱۳)	۰- (۱۱)
سمنان	۳۱۹/ (۷)	۱۶۷/ (۱۰)	۱۸- (۵)
سیستان و بلوچستان	۰۷۳/ (۳۱)	۸۰۴/ (۲۹)	۳۰- (۲۳)
فارس	۱۰۱/ (۲۸)	۲۰۱/ (۱۶)	۱۸- (۱۸)
قزوین	۲۷۱/ (۱۲)	۱۱۱/ (۴)	۱۶- (۶)
قم	۶۱۴/ (۳)	۰۸۴/ (۳)	۲۷- (۳)
کردستان	۰۹۹/ (۲۹)	۲۰۳/ (۱۷)	۲۰- (۱۹)
کرمان	۳۱۶/ (۸)	۸۰۶/ (۳۰)	۰- (۱۱)
کرمانشاه	۲۲۰/ (۱۵)	۴۰۷/ (۲۶)	۶- (۱۳)
کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۵/ (۲۷)	۲۵۷/ (۲۰)	۱۴- (۱۶)
گلستان	۱۹۱/ (۱۹)	۳۵۹/ (۲۳)	۶- (۱۳)
گیلان	۱۵۶/ (۲۱)	۳۶۳/ (۲۴)	۸- (۱۴)
لرستان	۱۵۹/ (۲۰)	۲۳۹/ (۱۹)	۴- (۱۲)
مازندران	۲۹۹/ (۹)	۳۷۲/ (۲۵)	۱۴- (۷)
مرکزی	۳۷۸/ (۶)	۶۲۶/ (۲۸)	۱۶- (۶)
هرمزگان	۱۱۲/ (۲۵)	۱۸۹/ (۱۴)	۱۰- (۲)
همدان	۲۴۵/ (۱۳)	۴۴۹/ (۲۷)	۸- (۹)
یزد	۳۸۶/ (۵)	۸۹۱/ (۳۱)	۲۰- (۴)

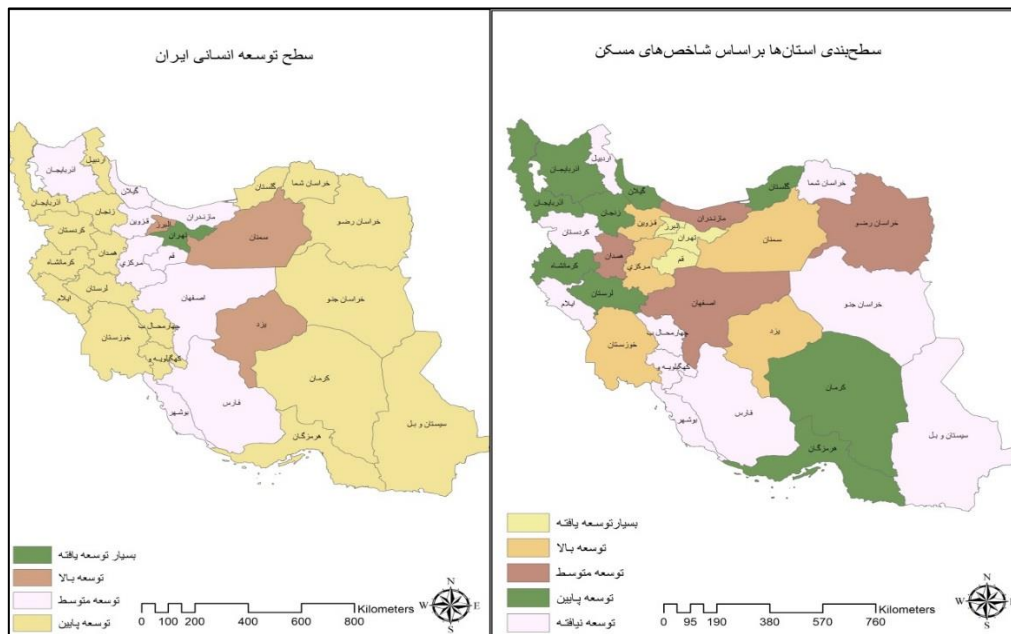
ماخذ: محاسبات تحقیق، ۱۳۹۸

## وضعیت مسکن استان‌ها

برای شناخت و آگاهی از وضعیت مسکن که با چه کم و کیفی در اختیار خانوارها هست، نیاز به شاخص‌های کمی و کیفی مسکن می‌باشد. این شاخص‌ها موجب می‌گردند درک بهتری از سطح کیفیت زندگی، رفاه خانوارها و اوضاع اقتصادی خانوارها پیدا کرد و طبیعتاً چهره ملموس‌تری را از توسعه در سطح جامعه مشاهده کرد. برای سنجش وضعیت کمی و کیفی مسکن از

مدل‌های تاپسیس، ویکور و کپلند استفاده شده است. قابل ذکر است که در این پژوهش شاخص‌هایی که تأثیر منفی دارند به صورت معکوس محاسبه شده‌اند. چهار شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی، درصد کمبود مسکن، درصد مسکن نامقاوم و بد مسکنی از جمله شاخص‌هایی هستند که به صورت معکوس محاسبه شده‌اند. در جدول ۲ رتبه استان‌ها بر اساس شاخص‌های مسکن با مدل‌های تاپسیس، ویکور و کپلند آورده شده است.

بنابر محاسبات مدل کپلند که ارزیابی نهایی شاخص‌های مسکن است، ۹/۶۱ درصد استان‌ها یعنی ۳ استان (تهران، البرز و قم) جزو استان‌های برتر و "بسیار توسعه یافته" ارزیابی شده‌اند. ۱۶/۱۲ درصد استان‌ها یعنی ۵ استان (خوزستان، یزد، سمنان، مرکزی و قزوین) در سطح "توسعه یافتگی بالا" و ۱۲/۹۰ درصد استان‌ها یا به عبارتی ۴ استان (مازندران، اصفهان، خراسان رضوی و همدان) در سطح "توسعه یافتگی متوسط" و ۲۹/۰۳ درصد یا ۹ استان (هرمزگان، گیلان، لرستان، گلستان، کرمان، زنجان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی) در سطح "توسعه یافتگی پایین" و ۳۲/۲۵ درصد استان‌ها معادل با ۱۰ استان (کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، چهارمحال بختیاری، فارس، بوشهر، ایلام و اردبیل) هم در سطح "توسعه نیافتگی" می‌باشند.



شکل (۱): سطح‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های مسکن و HDI

### آزمون‌های همبستگی، رگرسیون و مانوا

برای درک بهتر رابطه بین شاخص توسعه انسانی با شاخص مسکن (کمی و کیفی) از آزمون‌های همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و مانوا استفاده شده است.

	توسعه	مسکن
توسعه	Pearson Correlation	.700**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	31
مسکن	Pearson Correlation	.700**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	31



نتایج حاصل از اجرای آزمون همبستگی نشان داد که بین میزان شاخص توسعه انسانی و شاخص مسکن همبستگی وجود دارد. جهت رابطه بین دو متغیر مثبت بوده و شدت همبستگی به دست آمده در حد قوی (۷۰) درصد می باشد. در گام بعدی تحلیل رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل (امید به زندگی، درآمد سرانه و آموزش) و متغیر وابسته مسکن انجام شده است.

**Model Summary<sup>b</sup>**

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
1	.726 <sup>a</sup>	.527	.474	12.523105	2.336

a. Predictors: (Constant), آموزش, سرانه, امید

b. Dependent Variable: مسکن

**Coefficients<sup>a</sup>**

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	Collinearity Statistics	
	B	Std. Error	Beta			Tolerance	VIF
(Constant)	-41.210	8.287		-4.973	.000		
آموزش	18.087	15.768	.235	1.147	.261	.416	2.402
سرانه	9.179	14.823	.104	.619	.541	.619	1.617
امید	42.521	16.443	.477	2.586	.015	.515	1.940

a. Dependent Variable: مسکن

با استفاده از روش Enter (همزمان) معنی داری به دست آمده در قسمت ضریب تعیین (R Square) با ضریب ۵۲ درصد به این معنی است که ۵۲ درصد از سهم واریانس متغیر وابسته ناشی از متغیرهای مستقل است. همچنین نمرات بتا نشان می دهد که امید به زندگی بیشترین تاثیر را در متغیر وابسته (مسکن) دارد. حال برای تشخیص اینکه HDI آیا تاثیر برابری بر روی شاخص های کمی و کیفی مسکن دارد از آزمون مانوا Manova در نرم افزار SPSS استفاده می شود

**Tests of Between-Subjects Effects**

Source	Dependent Variable	Type III Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	Partial Eta Squared
Corrected Model	کمی	2929.966 <sup>a</sup>	1	2929.966	16.651	.000	.365
	کیفی	1359.665 <sup>b</sup>	1	1359.665	4.894	.035	.144
Intercept	کمی	2633.885	1	2633.885	14.969	.001	.340
	کیفی	1192.450	1	1192.450	4.292	.047	.129
توسعه	کمی	2929.966	1	2929.966	16.651	.000	.365
	کیفی	1359.665	1	1359.665	4.894	.035	.144
Error	کمی	5102.808	29	175.959			
	کیفی	8056.335	29	277.805			
Total	کمی	8036.000	31				
	کیفی	9416.000	31				
Corrected Total	کمی	8032.774	30				
	کیفی	9416.000	30				

a. R Squared = .365 (Adjusted R Squared = .343)

b. R Squared = .144 (Adjusted R Squared = .115)

نتایج این آزمون حاکی از این است که با توجه به ضریب معنا داری sig که در شاخص کمی مسکن صفر است و همچنین ضرایب F و R Square شاخص کمی مسکن که ۱۶,۶۵ و ۳۶,۵ درصد است، ارتباط HDI با شاخص کمی مسکن قوی‌تر می‌باشد.

### ضریب پراکندگی

با استفاده از روش ضریب پراکندگی یا C.V می‌توان مشخص کرد که هر شاخص تا چه حد به طور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده است. با استفاده از این روش به سنجش توزیع نامتعادل هر یک از شاخص‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول (۳): ضرایب پراکندگی در شاخص‌های مسکن

شاخص	تراکم نفر در واحد	تراکم خانوار در واحد	درصد کمبود واحد	نسبت رشد خانوار به واحد
C.V	۰,۱۱۸	۰,۰۵۸	۰,۷۴۱	۰,۳۹۸
شاخص	درصد مالکیت مسکن	درصد اجاره نشین	درصد مساکن مقاوم	درصد مساکن نیمه مقاوم
C.V	۰,۰۹۸	۰,۲۱۹	۰,۲۷۳	۰,۳۱۷
شاخص	درصد مساکن نامقاوم	بد مسکن	متوسط زیربنای واحد مسکونی	مسکن در هر ده هزار نفر
C.V	۰,۶۴۱	۱,۷۰	۰,۱۶۲	۰,۷۹۴

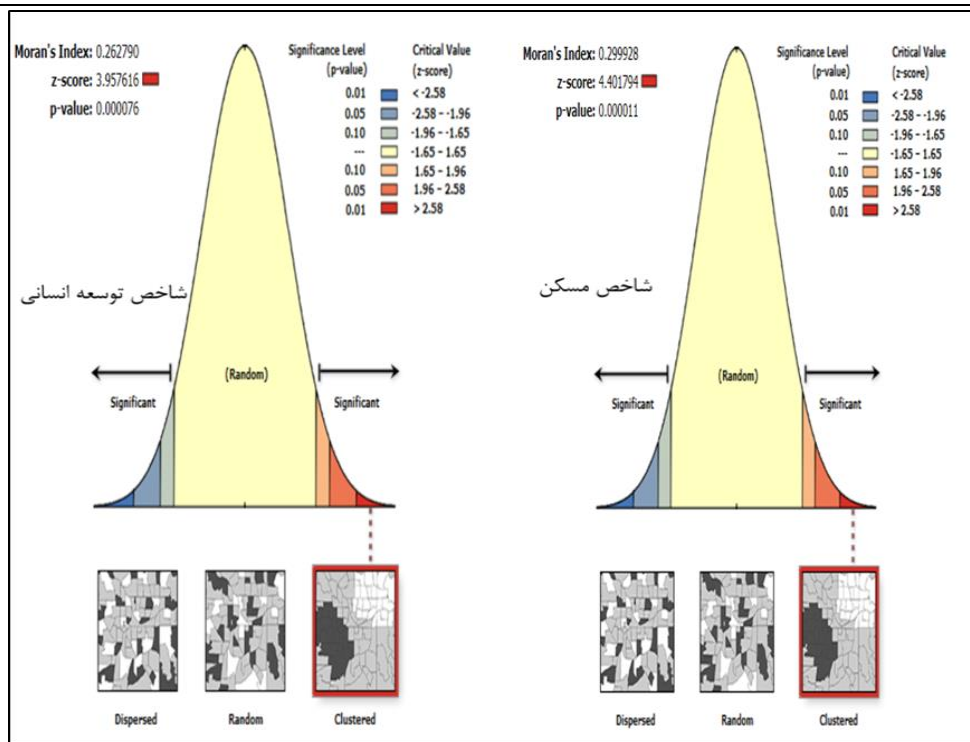
جدول ۴: ضرایب پراکندگی در شاخص‌های توسعه انسانی

شاخص	امید به زندگی	درآمد سرانه	آموزش	توسعه انسانی
C.V	۰,۲۸۳	۰,۵۷۳	۰,۴۳۸	۰,۳۷۴

بنابر محاسبات و آمار جداول، در شاخص‌های مسکن بیشترین نابرابری در شاخص‌های بد مسکنی، مسکن در هر ده هزار نفر و درصد کمبود واحد مسکونی دیده می‌شود در شاخص‌های توسعه انسانی نیز بیشترین نابرابری در شاخص درآمد سرانه مشاهده می‌شود. همچنین در شاخص‌های مسکن کمترین نابرابری در شاخص‌های تراکم خانوار در واحد مسکونی، درصد مالکیت مسکن و تراکم نفر در واحد مسکونی و در شاخص‌های توسعه انسانی در شاخص امید به زندگی کمترین نابرابری وجود دارد.

### خود همبستگی فضایی

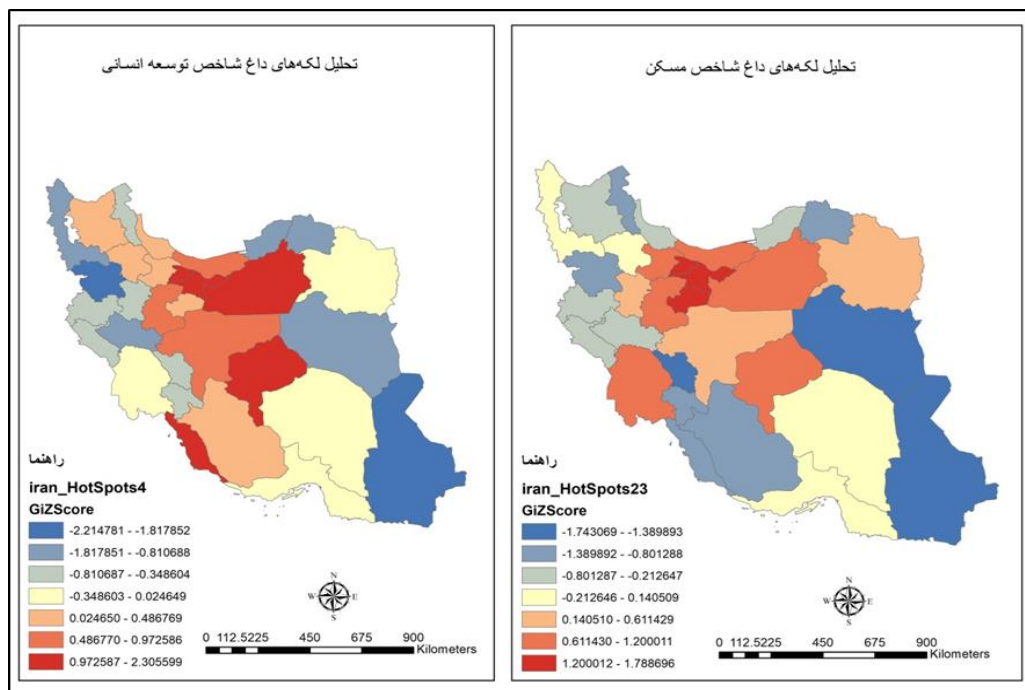
خود همبستگی فضایی ابزار اندازه‌گیری ارتباطات فضایی بین موقعیت عوارض و ارزش اختصاص داده شده به هر عارضه است و نتایج حاصل از آن به این مفهوم است که ارزش صفت‌های مطالعه شده، خود همبسته‌اند و همبستگی آنها قابل استناد به نظم جغرافیایی پدیده‌ها است (غفاری گیلانده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۷). یکی از روش‌های اندازه‌گیری خود همبستگی فضایی، شاخص موران است. این شاخص یکی از بهترین‌ها برای خوشه‌بندی عوارض می‌باشد. این آماره تشخیص می‌دهد که آیا نواحی مجاور به طوری کلی دارای ارزش‌های مشابه می‌باشند یا خیر. در تحلیل فضایی شاخص توسعه انسانی و شاخص‌های مسکن (کمی و کیفی) در سطح کشور، با توجه به بالا بودن Z و پایین بودن P-Value و همچنین بزرگ‌تر از صفر بودن شاخص موران، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها دارای خود همبستگی فضایی با الگوی خوشه‌ای هستند. در شکل ۲ نمودار گرافیکی شاخص موران نشان داده شده است.



شکل (۲): تحلیل فضایی الگوی توزیع HDI و شاخص مسکن به روش موران

### تحلیل لکه‌های داغ

صرف تعیین نوع الگوی پخش در فضا امکان نمایش بر روی نقشه را فراهم نمی‌سازد. برای این مهم معمولاً از تحلیل نقشه خوشه‌ها و لکه‌های داغ استفاده می‌شود که امکان نمایش نوع پخش عوارض را در فضا فراهم می‌سازد. در تحلیل لکه‌های داغ با توجه به امتیاز Z محاسبه شده می‌توان نشان داد که در کدام مناطق داده‌ها با مقادیر زیاد یا کم خوشه‌بندی شده‌اند. تحلیل لکه‌های داغ بر روی شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و مسکن انجام شده است و نتایج آن در قالب شکل شماره ۳ نمایش داده شده است.

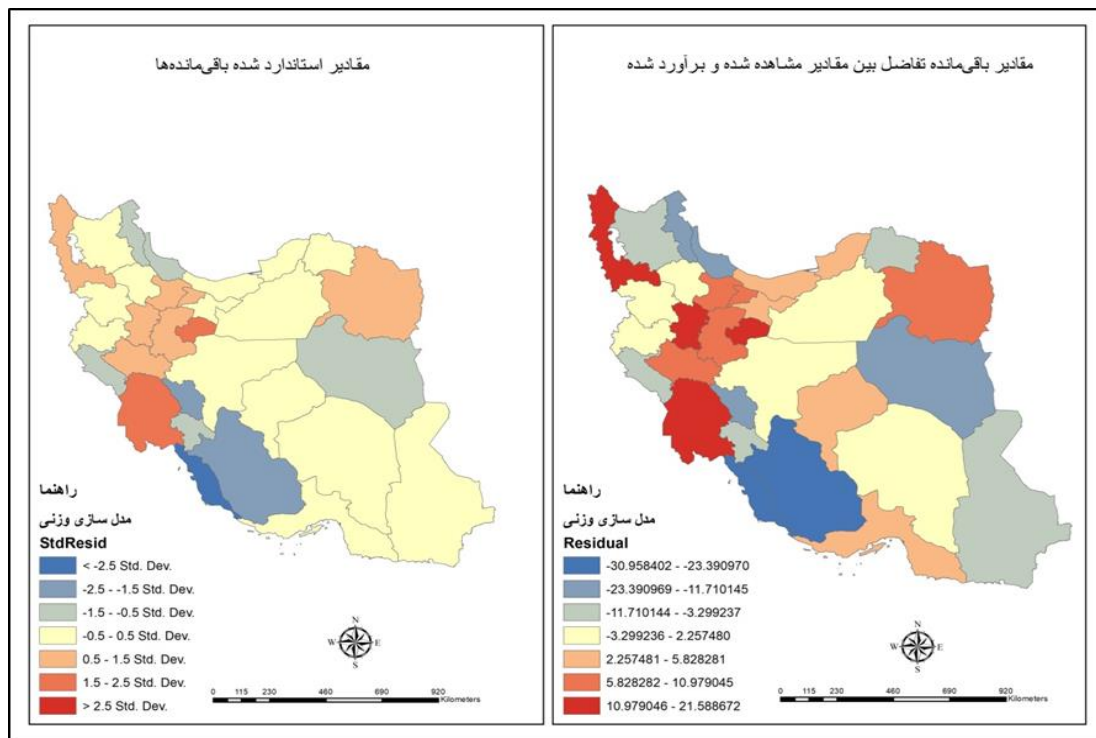


شکل (۳): تحلیل لکه‌های داغ بر روی شاخص‌های HDI و مسکن

بنابر نتایج، در تحلیل لکه‌های داغ بر روی شاخص توسعه انسانی بیشترین امتیاز Z که لکه‌های داغ (نقاط برخوردار) را به وجود آورده‌اند مطابق با استان‌های مرکزی کشور و کمترین نمرات Z که در واقع لکه‌های سرد را تشکیل داده‌اند در نواحی مرزی و پیرامونی کشور قرار دارند. در لکه‌های داغ شاخص مسکن نیز همین اتفاق تکرار شده است. لکه‌های داغ، استان‌های مرکزی و لکه‌های سرد، استان‌های مرزی را نشان می‌دهند. لکه‌های زرد رنگ یعنی به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

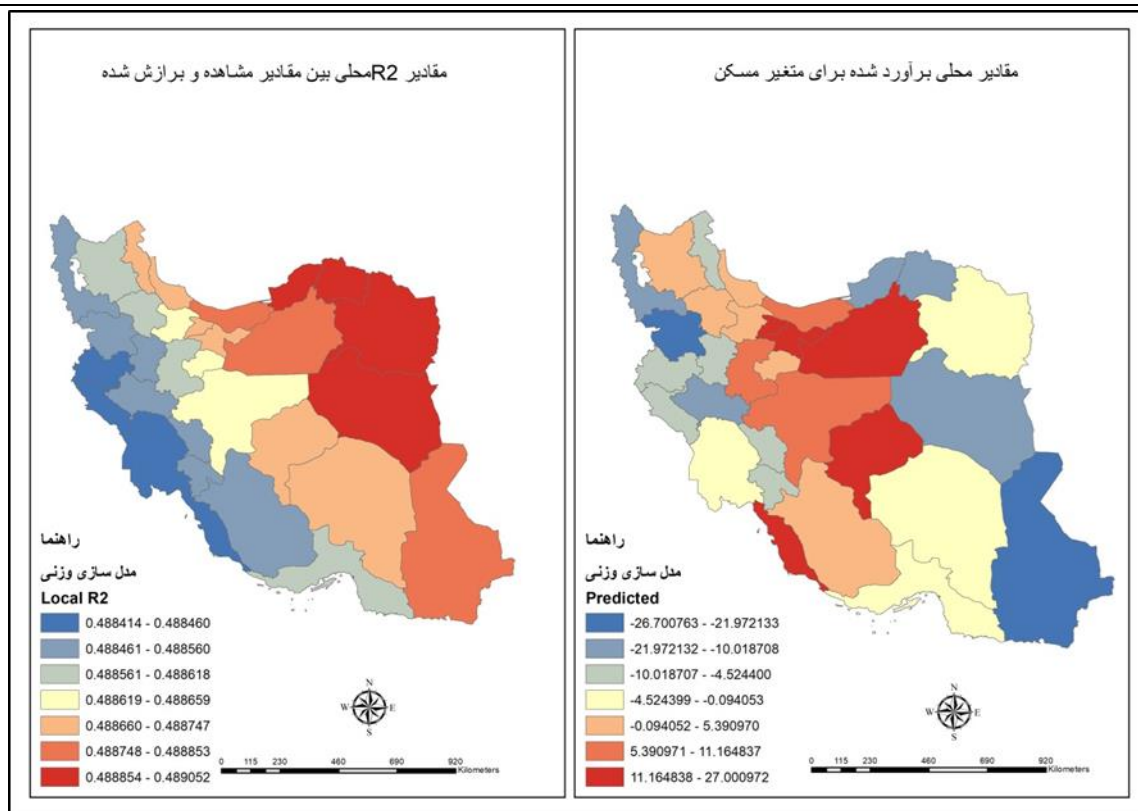
### مدلسازی روابط فضایی

در اینجا با استفاده از روش رگرسیون وزنی جغرافیایی اقدام به مدل‌سازی روابط بین شاخص توسعه انسانی (HDI) و شاخص مسکن می‌شود. روش رگرسیون وزنی جغرافیایی گسترش یافته چارچوب رگرسیون عمومی می‌باشد. از این روش برای تحلیل ارتباط فضایی بین متغیرهای فضایی در اغلب مطالعات مکان مبنای برنامه‌ریزی فضایی استفاده می‌شود. این ابزار روابط بین متغیرهایی که با عوارض جغرافیایی مربوط می‌شوند را مدل‌سازی نموده و به ما امکان پیش‌بینی مقادیر متغیرهای نامعلوم و درک بهتر عواملی که بر روی یک متغیر تأثیر می‌گذارند را می‌دهد. برای استفاده از رگرسیون وزنی جغرافیایی می‌بایست یک یا چند متغیر وابسته و یک یا چند متغیر مستقل داشته باشیم. در پژوهش حاضر برای متغیر وابسته شاخص مسکن و برای متغیر مستقل شاخص توسعه انسانی در نظر گرفته شده است. در ادامه نقشه‌های حاصل از اجرای این روش نمایش داده شده است.



شکل (۴): رگرسیون وزنی جغرافیایی شاخص‌های تحقیق

بنابر نتایج حاصل از اجرای مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی، خروجی مقادیر استاندارد شده باقی‌مانده‌ها رابطه معنادار شاخص مسکن با شاخص HDI را نشان می‌دهد به طوری که مناطق قرمز رنگ این ارتباط در بیشترین و در مناطق آبی رنگ در کمترین حالت قرار دارد. یکی از خروجی‌هایی که برای دقت و کارایی مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی استفاده می‌شود Residual است که میزان معنی‌داری طبقه‌بندی فضایی را بیان می‌کند در واقع خود همبستگی معنادار آماری در بین مقادیر باقی‌مانده (تفاضل بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر برآورد شده رگرسیون) را نشان می‌دهد. در این پژوهش این آمار تفاوت بین سطح توسعه مسکن برآورد شده و مشاهده شده را بر اساس متغیر مستقل یعنی شاخص HDI در فضا را نشان می‌دهد. این آماره الگوی پراکنده را نشان می‌دهد. در مناطق قرمز بیشترین خودهمبستگی دیده می‌شود.



شکل (۵): رگرسیون وزنی جغرافیایی شاخص‌های پژوهش

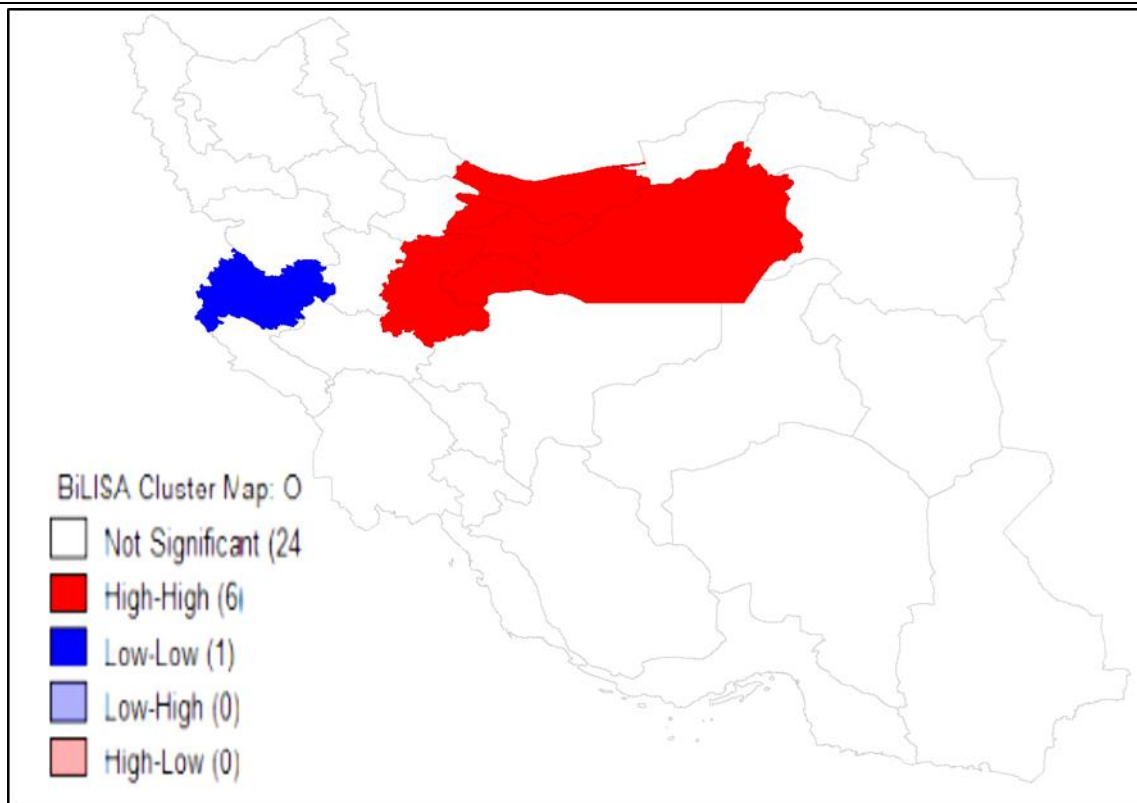
از دیگر خروجی‌های روش رگرسیون وزنی جغرافیایی Predicted یا مقادیر محلی برآورد شده برای متغیر وابسته (مسکن) می‌باشد. نقشه Predicted به پیش‌بینی ارزش‌ها برای مکان‌های مشخص یا مکان‌های متعدد می‌پردازد. مقادیر محلی می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. Predicted با استفاده از مقادیر کلیه‌ی معیارهای مستقل (HDI) استفاده شده در فرایند مدل‌سازی به پیش‌بینی مقادیر متغیر وابسته (مسکن) می‌پردازد. مقادیر پیش‌بینی شده در این مدل با رنگ قرمز با حداکثر خودهمبستگی نمایان شده‌اند. آخرین نقشه، خروجی مقادیر  $R^2$  محلی بین مقادیر مشاهده شده و برازش شده یا به اختصار  $R^2$  محلی است که جزو بهترین خروجی‌های این مدل می‌باشد که در حقیقت بیانگر خوبی و دقت مدل مورد استفاده است. هر چه این مقادیر به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، به معنای آن است که متغیرهای توصیفی مورد استفاده توانسته‌اند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. به عبارت دیگر متغیر مستقل (HDI) میزان تغییرات پراکنش فضایی متغیر وابسته (مسکن) را تبیین و پیش‌بینی کند. در مناطقی که میزان تبیین و پیش‌بینی مدل بیشتر است با رنگ قرمز نمایان شده است

### تحلیل فضایی دو متغیره

در پژوهش حاضر به منظور سنجش خود همبستگی فضایی بین متغیرها از تحلیل دو متغیره موران در محیط نرم افزار GeoDa استفاده شده است. ضریب این آماره از ۱- تا ۱ محاسبه می‌شود. در حالت مثبت، رابطه مثبت و در حالت صفر عدم رابطه و در حالت ۱- رابطه منفی است

نتایج تحلیل خودهمبستگی فضایی دو متغیره در قالب نقشه‌های خوشه‌بندی نیز قابل نمایش است. در این نقشه‌ها، نواحی در قالب خوشه‌های بالا - بالا و پایین - پایین، بالا - پایین و برعکس طبقه‌بندی

می‌شوند. در شکل ۳ نتایج حاصل از اجرای این تحلیل بر روی متغیرهای مسکن و شاخص توسعه انسانی نشان داده شده است.



شکل (۶): موران دو متغیره

این نقشه پنج بخش را مشخص و طبقه‌بندی کرده که هر کدام معنا و مفهومی به‌خصوصی دارند. معنای این طبقات عبارتند از: قسمت بالا-بالا: به این معنا است که با افزایش متغیر مسکن توسعه انسانی افزایش می‌یابد. ۶ استان در این حالت قرار دارند. طبقه پایین-پایین: نشان می‌دهد که هم متغیر مسکن و هم متغیر HDI در این استان پایین است. طبقه پایین-بالا: به این مفهوم است که متغیر مسکن پایین ولی متغیر HDI بالا است. که هیچ استانی در این خوشه قرار ندارد. خوشه بالا-پایین: این خوشه بیانگر آن است که متغیر مسکن بالا است اما متغیر توسعه انسانی در سطح پایین قرار دارد. در این خوشه نیز هیچ استانی جای نگرفت. و خوشه اول هم به این معنا است که به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ۲۴ استان در این وضعیت قرار دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش استان‌ها ابتدا براساس شاخص توسعه انسانی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفتند. سه استان تهران، البرز و یزد جزو استان‌های پیشرو در زمینه شاخص توسعه انسانی شناخته شدند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و خراسان شمالی نیز کمترین میزان این شاخص را کسب کردند. در شاخص مسکن نیز استان‌های تهران، البرز و قم در ردیف برخوردارترین استان‌ها هستند و سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی هم جزو کم برخوردارترین استان‌ها ارزیابی شدند. آزمون همبستگی پیرسون نیز رابطه مثبت ۷۰ درصدی بین متغیرهای HDI و مسکن را نشان داد. تحلیل‌های فضایی در نرم افزارهای GIS و GEODA نیز حاکی از پراکنندگی و نابرابری توسعه در بین استان‌ها است.

با توجه به نتایج آزمون مانوا Manova که هر دو شاخص کمی و کیفی واریانس و سطح معناداری و ضریب تعیین متفاوتی دارند توسعه انسانی با شاخص کمی با مقدار واریانس ۱۶,۶۵ و ضریب تعیین ۳۶,۵ رابطه قوی‌تری دارد هر چند که فاصله هر دو متغیر کمی و کیفی شدید و زیاد نیست اما رابطه با شاخص کمی بیشتر است و تأثیر یکسان بر هر دو شاخص دیده نمی‌شود. در نتیجه فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نشان داد که هر سه شاخص امید به زندگی،

درآمد سرانه و آموزش نمرات بتای متفاوتی دارند. به این صورت که شاخص امید به زندگی با مقدار بتای ۴۷ درصد بیشترین و درآمد سرانه با مقدار ۱۰٪. کمترین تأثیر را بر روی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن دارد. و همچنین بیشترین ضریب همبستگی با شدت ۶۹ درصد با شاخص امید به زندگی و کمترین ضریب همبستگی با شدت ۴۷٫۶ درصد با درآمد سرانه نشان از تأثیرات متفاوت شاخص‌های توسعه انسانی بر روی شاخص مسکن دارد. بدین صورت فرضیه دوم نیز رد می‌شود.

نکته قابل ذکر آن است که بنابر نتایج ارزیابی‌ها نواحی توسعه یافته ایران در مرکز کشور مستقر هستند و نواحی توسعه نیافته و کم برخوردار مطابق با نواحی مرزی و پیرامونی کشور است که تمرکزگرایی در کشور و عدم توزیع - عادلانه - منابع را نشان می‌دهد. و نکته دیگر آنکه، آنچه باعث بهبود و ترقی شاخص HDI ایران شده است شاخص سلامت می‌باشد که چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح منطقه‌ای نکته برجسته شاخص توسعه انسانی ایران می‌باشد و شاخص درآمد سرانه چه در داخل و چه در سطح بین‌الملل کمترین شاخص توسعه انسانی ایران می‌باشد از همین رو می‌باشد که در معادلات و محاسبات مثل فرضیه‌های این پژوهش کمترین نقش و تأثیر را دارد زیرا که اساساً مقدار این شاخص در ایران اندک می‌باشد و نقطه قوت شاخص توسعه انسانی ایران سلامت می‌باشد.

### پیشنهادها

- پیش‌بینی تسهیلات و معافیت‌ها برای استان‌ها مرزی و پیرامونی در بودجه‌های سالیانه و حذف بروکراسی‌های دست و پاگیر
- برخی استان‌ها درصد پایینی در شهرنشینی دارند و جزء استان‌های کم برخوردار کشور نیز محسوب می‌شوند. لازم است با تقویت و بهبود زیرساخت‌ها امکان توسعه این استان‌ها فراهم شود.
- با توجه به کمی بودن موضوع مسکن در ایران و اجرای اصول ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی، تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین موردنیاز برای کمک به ساخت و یا خرید مسکن اقشار کم درآمد

### منابع

- صادقی، حسین، سلماز عبدالمهدی و لیلا عبداله‌زاده (۱۳۸۶). توسعه انسانی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۸۳-۳۰۴.
- صادقی، حسین، بهروز ملکی، عباس عصاروی و وحید محمودی (۱۳۹۲). تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی. فصل‌نامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم شماره ۱۲.
- خوشنویس، مریم و جمشید پژوهان (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای اثر آلودگی زیست محیطی بر شاخص توسعه انسانی در کشورها با سطوح مختلف توسعه یافتگی. فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۶۱-۳۳.
- عزیزی، محمدمهدی (۱۳۸۳). جایگاه شاخص‌های مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی مسکن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۷، صص ۴۲-۳۱.
- غفاری گیلانده، عطا، محمدحسن یزدانی و سمیه روشن رودی (۱۳۹۳). سنجش پراکنش و فشردگی شهر اردبیل در سطح محلات با استفاده از تکنیک‌های خود همبستگی فضایی. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۶۸-۱۴۹.
- فتحی، میثم (۱۳۹۰). ارزیابی سطح توسعه انسانی استان‌های ایران: مقایسه تطبیقی روش‌های موریس و برنامه‌ریزی ریاضی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- کلاتری‌دهقی، لیلا (۱۳۹۱). شاخص توسعه انسانی در ایران با تأکید بر برنامه چهارم توسعه کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- رضا زاده، راضیه و طاهره اوتادی (۱۳۸۷). بررسی نیازهای مسکن با توجه به تغییرات ساختار جمعیتی در تهران. نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، جلد نوزدهم، شماره ۱۰.

زنگنه، مهدی (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۶۰ - ۱۴۹.

جمعه‌پور، محمود (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، انتشارات سمت: تهران

ملکی، سعید و حجت شیخی (۱۳۸۸). بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در سطح استان‌های کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، صص ۱۰۷ - ۹۴.

محمودی، وحید، شهرزاد نیری و علی اصغر پورعزت. (۱۳۹۳). بازپردازی شاخص‌های توسعه قابلیت‌های انسانی در پرتو فرمان امام علی به مالک اشتر. فصلنامه مدیریت بازرگانی، دوره ۶، شماره ۱. صص ۱۸۶-۱۶۷.

موسوی، میرنجف و مهدی مدیری (۱۳۹۴). اولویت سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی - ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه متعادل در ایران. فصلنامه سپهر، دوره ۲۴، شماره ۵۵، صص ۱۹ - ۱.

نبردی، اسد (۱۳۷۶). مسکن و نقش آن در توسعه روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا، دانشگاه فردوسی.

نراقی، احمد (۱۳۸۰). جامعه شناسی و توسعه. تهران: انتشارات فرزاد.

Buckley, R., K. Jerry. (2005). Housing Policy in Developing Countries: Conjectures and Refutations, World Bank Res Obs: 233-257.

Habitat. (2015). Housing Indicators for the Sustainable Development Goals, February 2015

Ogunleye, Bamidele M. (2013). Analysis of the Socio-economic Characteristics and Housing Condition in the Core Neighborhood of Akure Nigeria. Journal of Geography and Regional Planning, Vol 6.

Oladapo, A. A. (2006). A Study of Tenant Maintenance Awareness, Responsibility and Satisfaction in Institutional Housing in Nigeria. International Journal of Strategic Property Management, 10.

Omole, K. F. (2010). "An Assessment of Housing Condition and Socio-Economic Life Styles of Slum Dwellers in Akure, Nigeria", Contemporary Management Research, 6(4).

Ottervik, Mattias Gottfrid. (2011). Good Governance and Human Development: The Case of China and India. Lund University, Department of Political Science.

Veisani. Y. Jenabi. E. Khazaei. S. Nematollah. Sh. (2018). Global incidence and mortality rates in pancreatic cancer and the association with the Human Development Index: decomposition approach. Public Health, Vol 156, Pages 87-91

Xinyi Long. Huajun Yu. Mingxing Sun. Xue-Chao Wang. Jiří Jaromír Klemeš. Wei Xie. Chengdong Wang. Wenqing Li. Yutao Wang. (2020). Sustainability evaluation based on the Three-dimensional Ecological Footprint and Human Development Index: A case study on the four island regions in China, Journal of Environmental Management, Vol 265, 1.

UNDP. (2019). Human Development report.

Qihua Qiu, Sung J, Davis W & Tchernis R (2018). Using spatial factor analysis to measure human Development. Journal of Development Economics, 132 (2018) 130-149



## سنجش میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز)

سید جعفر حجازی\*، استادیار، گروه عمران، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۶

### چکیده:

در سال‌های اخیر رشد بی‌رویه و شتابان شهرها مشکلات شهری بسیاری ایجاد نموده است. این مشکلات تمامی جنبه‌های شهرنشینی را تحت تأثیر خود قرار داده و چه بسا که زندگی شهری را مختل نموده است. یکی از این مشکلات قابل توجه در شهرها وجود بافت‌های فرسوده می‌باشد، که خود منشأ بسیاری از مشکلات شهری از جمله مسائل اقتصادی-اجتماعی، کالبدی-فیزیکی، زیست محیطی و امنیتی می‌باشد، که همه‌ی این‌ها زمینه ناپایداری را در شهرها فراهم کرده است. شهرها محصول فرآیندی هستند که به افزایش کارایی و تحرک عوامل توسعه برای رفع نیازهای جوامع انسانی می‌انجامند. این بدان معنی است که ساخت فیزیکی و کالبدی شهرها ریشه اقتصادی دارد. بنابراین شاخص‌های اقتصادی در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و افزایش مشارکت مردمی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. هدف پژوهش حاضر مطالعه سنجش میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، شهر اهواز است. برای جمع-آوری پیشینه و مبانی نظری موضوع مورد مطالعه، از اسناد کتابخانه‌ای و مراجع اصیل مرتبط با موضوع مورد پژوهش، استفاده شده است؛ همچنین به منظور سنجش افکار و نظرات کارشناسان پژوهش از روش پیمایشی به صورت پرسش‌نامه استفاده شده است. پس از مرحله نظرسنجی‌ها و ویرایش آن‌ها، نظرات مختلف دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از مدل VISUAL PROMETHEE است، تا رتبه‌بندی محلات براساس مشارکت بازاریان مشخص شود. نتایج نشان می‌دهد، که از بین محلات بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز، محله سی متری با  $ph+ 0,69$  بالاترین وزن و محله عامری با وزن  $ph+ 0,24$  کمترین امتیاز اولویت‌بندی معیارهای مؤثر مشارکت بازاریان بافت مرکزی شهر اهواز را به خود اختصاص داده‌اند. در خاتمه برای نهادهای سازنده معیارها پیشنهاداتی ارائه گردید.

**کلمات کلیدی:** شهر اهواز، بافت فرسوده، بهسازی و نوسازی، مشارکت شهروندان.

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه شهرها از ساختار اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی به مراتب پیچیده نسبت به گذشته برخوردار هستند. تغییر ساختار جمعیتی در محدوده‌های جغرافیایی شهرها و افزایش حرکت‌های جمعیتی از نقاط روستایی به شهری از مهمترین عواملی است که زمینه پیچیده شدن ساختار اجتماعی- فرهنگی را فراهم آورده است. بدین ترتیب از مهمترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی و افزایش جمعیت در کنار عدم تأمین زیرساخت‌های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها، به وجود آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده پیرامون شهری و درون شهری است که معضلات متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. این مسئله در کنار تبدیل شدن زمین به یک منبع کمیاب اجتماعی، در دهه‌های اخیر باعث شده است که استفاده بهینه از بافت‌های فرسوده که یکی از منابع اصلی تأمین زمین درون شهری است، اهمیت ویژه‌ای بیابد (Peerapun, 2012: 25).

همچنین این بافت‌ها به دلیل داشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست محیطی از عمده ترین چالش‌های مدیریت شهری و نظام شهرسازی می‌باشند و برای کل گستره شهری یک تهدید جدی به شمار می‌آیند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). به تبع این مشکلات باید به دنبال راهکاری برای بهسازی و نوسازی این بافت فرسوده شهری باشند. که یکی از مهم‌ترین راهکارها، بحث مشارکت مردم و بازاریان در امر بهسازی بافت‌های فرسوده می‌باشد. سودمندی مشارکت مردم و بازاریان در پروژه‌های بهسازی بافت فرسوده شهری امری انکارناپذیر می‌باشد به طوری که امروزه مسجل شده است حضور و مشارکت مردم در مداخلات صورت گرفته در بافت‌های فرسوده، نقش اصلی در تحقق‌پذیری طرح‌ها ایفا می‌نماید. هرگاه مردم در اجرای فعالیت‌ها، پروژه و برنامه‌ها و برنامه‌های توسعه مشارکت داشته باشند، دسترسی به اهداف این پروژه آسان تر و همچنین اقدامات و برنامه‌های توسعه نیز بر نیازها منطبق بوده و پایدار خواهد ماند. عدم مشارکت مردم در پروژه‌ها و طرح‌های شهری از مسایل عمده‌ای است که در کشور ما از آن رنج می‌برد، به این معنی که در فرایند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای یک طرح مردم یا اصلاً نقشی ندارند یا نقش آن‌ها بسیار کم‌رنگ است (قدرجانی و قیطرانی، ۱۳۹۱: ۸۱).

با توجه به روند رو به گسترش شهر اهواز بعد از جنگ، مسأله بافت‌های فرسوده شهری نمود بیشتری پیدا کرده است. در حال حاضر محدوده مورد مطالعه از معضلات متعددی نظیر ناکارآمدی شبکه‌های ارتباطی، کمبود خدمات و امکانات، امنیت پایین و مسائل متعددی که بافت‌های فرسوده با آن‌ها دست به گریبان هستند، مواجه است از جهتی به دلیل مشکلات ناشی از توسعه فیزیکی شهر اهواز، مهاجرت ساکنان بومی از محلات بافت قدیم و از جمله محدوده مورد مطالعه، که به تبع آن، مهاجرت قشرهای کم درآمد روستایی به این بافت‌ها شده است. محلات بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز به علت دارا بودن بافت فرسوده، در حیطه مشارکت مردمی و مشارکت بازاریان به منظور توسعه شهری و بهسازی و نوسازی بافت و مسکن فرسوده به بحث چالش کشیده می‌شود. لذا سؤال اصلی پژوهش، بررسی این موضوع است که میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری در کدام یک از محلات بافت مرکزی شهر اهواز از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

محدوده مورد مطالعه بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز است که مساحت آن حدود ۴/۷۶ کیلومتر مربع با جمعیتی معادل ۵۶۹۷۶ نفر می‌باشد. که ۴/۱ کیلومتر مربع آن در محدوده منطقه یک (از شمال به خیابان رضوی، شرق به بلوار آیت‌الله بهبهانی، جنوب به بلوار جمهوری و از غرب به رودخانه کارون محدود می‌شود) و ۰/۶ کیلومتر مربع آن در محدوده منطقه ۷ (از شمال به خیابان خرم کوشک، شرق به بلوار آیت‌الله بهبهانی، جنوب خط راه آهن و از غرب به رودخانه کارون محدود می‌شود) شهر اهواز قرار گرفته است.

## ۲- مبانی و چارچوب نظری

در حال حاضر، بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در کشور ما به عنوان یک مشکل اساسی در شهرهای مختلف و حتی روستاها مطرح می‌باشند. بافت‌هایی که زمانی مرکز تمرکز جمعیت و اقتصاد بوده‌اند، به نقاطی کم بازده در اقتصاد شهری تبدیل شده‌اند

(زالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰) همچنین، این بافت‌ها امروزه با توجه به روندهای نوگرایی و فرانوگرایی در حال جریان، در بستر کالبدی و فرهنگی شهرها، بافت‌های ناکارآمد و چالش آفرین برای مدیریت و برنامه‌ریزی در شهرها قلمداد می‌شوند (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰). به طوری که بر تصمیم‌گیری‌های مدیران شهری اثرگذار بوده و بخش مهمی از فعالیت‌های آنان به بهبود شرایط و راهکارهای مناسب برای بالا بردن شرایط زندگی در این مناطق اختصاص یافته است (Wang, 2007: ۷۳۷). ساماندهی و نوسازی بافت مرکزی و فرسوده شهر، بسیار مخاطره آمیز، زمان بر، پیچیده و حساس است. این موضوع در دهه‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است. بافت فرسوده که به عنوان شبکه به هم پیچیده روابط کالبدی از نسل‌های پیشین به یادگار مانده است، با وجود دگرگونی‌های زیاد در طی ۵۰ سال اخیر هنوز نتوانسته است با شرایط موجود شهرنشینی کشور سازگار گردد. زیرا دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که از اوایل قرن حاضر در هم‌سویی با روند جهانی و در پیروی از کشورهای توسعه یافته در قالب روند مدرنیزاسیون، سبب ایجاد روابط کالبدی و فضای جدیدی در بافت قدیم و فرسوده شده است؛ عملاً با گذشته خود در تقابل است. لذا نظم بخشیدن به این تغییر و تحولات کالبدی و کارکردی بافت فرسوده با مشارکت ارگان‌های مختلف از جمله مردم ساکن بافت بسیار حائز اهمیت می‌باشد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). در حال حاضر نوسازی بافت فرسوده، یکی از دغدغه اصلی مدیریت شهری در کشور ما محسوب می‌شود در حالی که ثابت شده است مداخله مستقیم و گسترده در بافت‌های فرسوده شهرها بسیار پرهزینه بوده و در عین حال سود اقتصادی قابل توجهی نیز برای سرمایه‌گذاران در بر ندارد، کماکان با اجرای طرح‌های نوسازی، بافت و ساخت اجتماعی محلات مسکونی مورد مداخله و حتی محلات مجاور، دستخوش تغییرات فراوانی شده و به همین دلیل بسیاری از مواقع، طرح‌های نوسازی با مقاومت‌های اجتماعی از سوی ساکنان روبرو می‌شود، که هزینه اجرای این طرح‌ها را افزایش داده است. بدین ترتیب عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه‌گذاران و اثرات نوسازی بر بافت‌های اجتماعی و اقتصادی محلات و شهرها موجب شده تا جریان نوسازی که در ابتدا با مداخلات گسترده دولتی بر محلات فرسوده تحمیل می‌گشت، به تدریج به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و استفاده از سرمایه اجتماعی محلات متمایل شود (قندهاری، ۱۳۹۷: ۲). همچنین موضوع بازسازی و نوسازی این بافت‌ها، اصولاً امری است که، بدون مشارکت ساکنان مناطق امکان‌پذیر نیست. و از آن روی اهمیت پیدا می‌کند، که محدودیت‌های مالی و اجرایی، سازمانی، حقوقی و قانونی مانع عمده‌ای در راه تمرکز اجرای اقدامات توسط بخش دولتی و عمومی قلمداد می‌شود. بنابراین، اساساً صرف نظر از ابعاد اجتماعی-فرهنگی نوسازی که با توجه به سلايق مردم نیازمند تکثیر و تنوع است، تمرکز اجرای این طرح‌ها از عهده شهرداری و حتی دولت خارج است. حاصل و دستاورد این مرحله از اقدامات توسعه‌ای نوسازی نشان دهنده لزوم «تمرکززدایی» در مدیریت اجرایی طرح‌های نوسازی است که این امر مستلزم توسعه ظرفیت‌های محلی و به تبع آن نقش مشارکت مردمی در فرآیند نوسازی است (ابراهیم زاده آسمین، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۱).

مطابق مطالعات انجام شده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران در گذشته، جلب مشارکت شهروندان در رفع مشکلات و مسائل شهری ایران، کم یا تشریفاتی بوده و بیشتر اقشار توانایی لازم را برای بیان خواست خود از تشکیلات قدرت ندارند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۸). به طور کلی محدودیت‌های کشور در زمینه مشارکتی را می‌توان در سرفصل‌های محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، ساختاری، فقدان آگاهی عمومی و فقدان سیاست‌های مشارکتی در ادارات ذیربط خلاصه نمود (Esmaeili & Zoghi, 2014: 69). به دنبال این مشارکت‌ها احیای بافت‌های فرسوده به ویژه در مراکز شهرهای بزرگ، یکی از مقوله‌های پیچیده‌ای است که همواره نگاه مدیران، کارشناسان و مردم را جلب کرده است؛ به ویژه این که در مراحل نوسازی و بهسازی شهری، ایجاد زیربنای سالم اقتصادی و برطرف کردن فقر مادی قشرهای ساکن آن از یک سو و همکاری و مشارکت مدیران و سایر دست‌اندرکاران ذی‌نفع و ذی‌نفوذ از سوی دیگر، دست کم این امید را به وجود می‌آورد

که طرح‌هایی از این دست، نیمه کاره نخواهند ماند؛ بنابراین، امروزه در بیشتر مراکز شهری یا مجموعه‌های اجرایی، طرح‌های نوسازی و بهسازی که متشکل از همه‌سازمان‌های درگیر و مشارکت آن‌هاست، در قالب مدیریت یکپارچه و مشارکتی انجام می‌گیرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲۴).

## ۲-۱- مزایای بهسازی بافت‌های فرسوده شهری بر پایه مشارکت مردم

تجربه ثابت کرده است، زمانی که اجتماعات درگیر پروژه‌ها می‌شوند، طرح‌ها و پروژه‌ها شانس بیشتری برای بقا دارند. کوین لینچ و جین جکوبز از جمله اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی شهری براساس شهرسازی انسان-گرا اظهار نظر کرده‌اند. به اعتقاد لینچ جریان بهسازی شهری با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مردم شهر صورت گیرد (شماعی، ۱۳۸۴: ۱۹۵). به طور کلی مزایای استفاده از مشارکت مردم در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری را می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

۱: به وجود آمدن روند مدیریتی و برنامه‌ریزی برای بافت‌های فرسوده که به صورت موثر کارآمد و منصفانه است. ۲- افزایش ارتباط ساکنان بافت‌های فرسوده و سازمان‌های متولی و در نتیجه آن پاسخگو بودن بیش از پیش، روند برنامه‌ریزی. ۳- افزایش پیوستگی و نزدیکی اقدار اجتماعی و حس جمعی ۴- صرفه جویی در هزینه‌های بهسازی و به وجود آمدن مالکیت شهروندی، و تعهد و مسئولیت در قبال پروژه‌ها و طرح‌ها (یاپینگ غراوی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

همچنین نگرش مشارکتی و تعاملی از جمله شرط اساسی بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری محسوب می‌شود، بازآفرینی که از اصطلاحات نوسازی و توان‌بخشی حاصل می‌شود که هم‌راستای بازسازی و اصلاح اقتصاد شهری در راستای برابری اجتماعی و تعاملات اجتماعی می‌باشد (Mohebfar et al, 2017: 7). که هدف آن ایجاد تفکر و عمل جمعی، به منظور تحقق عملی، اختیار دادن به جامعه محلی از طریق سازماندهی رهبری و ظرفیت‌سازی است. همچنین نقش و اثرات بازآفرینی می‌تواند در برنامه‌ریزی محدوده‌های بافت‌های فرسوده بسیار تعیین کننده باشد، به طوری که اجرا و پیشبرد هر نوع برنامه در زمینه حفظ، نگهداری و احیای بافت‌های فرسوده با مشارکت شهروندان تحقق خواهد یافت (نصیری هنده خاله و سالاری نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۶). به دنبال آن می‌توان گفت که نوسازی بافت فرسوده نیز با دو مانع اساسی مواجه است: یکی بافت فرسوده و دیگری سازوکارهای فرسوده جهت نوسازی (عندلیب، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

عوامل زیادی بر افزایش مشارکت مردم مؤثر می‌باشند، که مهمترین عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت فعالانه در جامعه را می‌توان در شاخص‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی خلاصه نمود (Masoud & Borumand, 2015: 39)، که شاخص‌های اجتماعی را می‌توان به معنای میزان تعامل افراد با یکدیگر، مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی دانست. که می‌تواند نتایج مثبتی برای آینده جوامع و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی به همراه آورد که موجب تسریع در فرآیند مشارکت مردمی در جوامع گردد (ریت برگن، ۲۰۰۷: ۴).

## ۲-۲- نظریات رویکرد مشارکتی

### ۲-۲-۱- نظریه دوره نوین درمورد سبک مدیریت مشارکتی

تئوری نظام که آن را تئوری نوین نیز می‌نامند، برای برطرف کردن نارسایی‌ها و یکسوی‌نگری‌ها و جزءبینی، مکتب - کلاسیک و نئوکلاسیک به وجود آمده است. در این تئوری، سازمان به عنوان نظام اجتماعی که حالت دینامیک دارد و همواره در حال تغییر و تحول و تعامل با محیط است، ارائه شده است و همین عملکرد پویا، ادامه حیات و بقای نظام را تضمین می‌کند (اسدیان و سیاحی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). اگر افراد استقلال بیشتری در کار پیدا کنند، در تصمیم‌گیری نقش مهم‌تری خواهند داشت و با مدیریت، روابط بهتری برقرار خواهند کرد (سجادی‌پور و پور موسوی، ۱۳۹۰: ۹۸). در این چارچوب، نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه-

ریزی و مدیریت مشارکتی و مشارکت مردم در ساخت شهرها، از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح شده است (سیدیان، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۵). با بررسی مبانی فکری مدیریت مشارکتی و نظریه دوره نوین در مورد سبک‌های مدیریت مشارکتی، باید اذعان داشت که در انواع مداخله‌های مورد انتظار در بافت‌های فرسوده نظیر بهسازی، نوسازی و بازسازی، امکان بهره‌مندی از الگوهای مشارکتی وجود دارد و هریک با توجه به نوع مداخله، در بهبود عملکرد این الگو تأثیر گذارند. بافت‌های فرسوده شهری که تحت تأثیر مدرنیزاسیون شتابزده، جمعیت غیربومی بلاتکلیف و ناهماهنگ با زندگی شهری را به جای جمعیت بومی نشانده است، علاوه بر ایجاد محیط فیزیکی ناخوشایند، فضای اجتماعی ناپایداری نیز بوجود آورده است؛ که ابتدا ساکنین محدوده و سپس سایر مناطق شهر در معرض خطر آن قرار دارند. به همین دلیل، نوسازی بافت‌های فرسوده شهری یکی از مسائل اساسی در حوزه شهرسازی می‌باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

در جدول ۱ به طور خلاصه به نظریاتی که در رابطه با مشارکت مردم در شهر می‌باشد اشاره شده است؛

جدول (۱): نظریات رویکرد مشارکتی

نظریه پرداز	نظریه
جیمز سیجلی	سیجلی بر پایه پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار شیوه ضد مشارکتی، شیوه مشارکت فزاینده، شیوه مشارکت واقعی تقسیم می‌کند. در شیوه ضد مشارکتی، هرگونه مداخله و مشارکت همگانی که اهداف کلان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت را تهدید کند سرکوب می‌شود.
اسکات دیویدسون	اسکات دیویدسون در سال ۱۹۸۸، گردونه مشارکت را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. وی به سطوح چهارگانه مشارکت معتقد است که شامل اطلاع رسانی، مشاور، مشارکت و توانمندسازی می‌باشد. در این گردونه روش‌های گوناگون تحقق امر مشارکت قرار می‌گیرند که تقدم و تاخیر بی آنها وجود ندارند.
دریکل	دریکل مشارکت را بر سه عامل مبتنی می‌داند: ۱- توسعه با اولویت ساکنان محلی باشد، ۱- توسعه با اولویت ساکنان محلی باشد، ۱- توسعه با اولویت ساکنان محلی باشد، ۲- مردم ساکن در محدوده مداخله دقیق‌ترین اطلاعات را در مورد آن محدوده دارد. ۳- مردمی که بیشترین تأثیرات را از مشارکت می‌پذیرد، بیشترین سهم مشارکت را تصمیم‌گیری دارند.
نظریه میانجیگری	نظریه میانجیگری که به سفارش دفتر معاون نخست وزیر بریتانیا انجام شد، مشارکت را به گونه‌های مشارکت عمومی، مشاوره عمومی و برنامه ریزی مشارکتی تقسیم می‌کند و معتقد است که آنچه تا کنون اتفاق افتاده مشارکت عمومی است و نه برنامه ریزی مشارکتی - مشارکت عمومی فرایندی است که توسط برنامه ریزان هدایت می‌شود. برنامه ریزان می‌کشند از طریق پیش‌بینی و برآورد نیازهای مردمی به برنامه‌ای متناسب با سیاست‌های ملی برسند. در این شیوه جریان اطلاعات عمدتاً از سوی برنامه ریزان به سمت مردم است. مشاوره عمومی فرایندی است که از طریق آن، مردم از طراحی که توسط برنامه ریزان با دولت تهیه شده، آگاه می‌شوند و سپس دعوت می‌شوند تا نظر خود را در مورد طرح از پیش تدوین شده بیان دارند.
شری ارنشتاین	مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت مشارکت به کار گرفت و برای آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد. در پایینترین سطح نردبان (محرومیت از مشارکت) شهروندان هیچوقت قدرت مشارکتی ندارند. و در مرتبه بعدی که ارنشتاین آن را درسان نام نهاد، مشارکت غیر صادقانه جهت توجیه برنامه ریزان اتفاق می‌افتد. پله‌های دیگر اطلاع رسانی، مشاوره، تسکین، شراکت، قدرت تفویض شده و اختیار شهروندان را شامل می‌گردد.

(یابنگ غراوی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۹۱).

### ۳- پیشینه پژوهش:

در طی سالیان اخیر مطالعات بسیاری در زمینه مشارکت شهروندی به صورت یک راهبرد، انجام پذیرفته است که از جمله آن می‌توان به نتایج علمی حاصل شده از تحقیقات اشتاین (۱۹۶۹)، هابرماس (۱۹۷۱)، جینن (۱۹۹۶)، مک لین (۱۹۹۶) استیون (۱۹۹۹)، کوپنجا و انسریک (۲۰۰۹)، اوزلم گزی (۲۰۰۹)، بارتن و آگوستین (۲۰۱۵)، عمر و همکاران (۲۰۱۶)، لاروسا و همکاران (۲۰۱۷) اشاره نمود. که نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، که مشارکت شهروندان در طراحی، اجرا، ارزیابی برنامه‌های شهری یک اصل اساسی و بلامنازع قلمداد می‌گردد و همه این محققان به نقش پررنگ مشارکت شهروندان در اجرای طرح‌های شهری به- خصوص بافت فرسوده شهری تأکید کرده‌اند.

کوپنجا و انسریک (۲۰۰۹) در مقاله‌ای ضمن بررسی تجارب مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های زیربنایی شهری، به شناسایی شیوه‌های حکمرانی شهری برای کمک به مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های زیربنایی شهری با هدف افزایش پایداری محیط شهری پرداخته‌اند.

اوزلم گزی (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی راهکارهای بهسازی و باززنده سازی نواحی مسکونی فرسوده در شهر آنکارا انجام داده است به این نتیجه رسیده است که باززنده سازی و بهسازی بافت‌های فرسوده مناطق مورد مطالعه، راهبرد فضایی برای هویت بخشیدن به ساکنین این مناطق و میزان مشارکت شهروندان باعث افزایش تجهیزات مورد نیاز شهروندان این مناطق باشد. حال (۱۹۹۵) در کتاب خود با عنوان یک تئوری عمومی به سوی شهر به این نتیجه رسیده است که توجه به حرکت انسان در فضاهای شهری و شرایط زیستی ساکنان با مشارکت شهروندان، انجام بهسازی و نوسازی بر اساس بافت ارگانیک و سلسله مراتب عملکردی شهر قدیم و انطباق مکان و زمان در مجموعه‌های شهری با حضور مطالعات برنامه ریزی شهری در بهسازی و نوسازی شهر تأکید می‌ورزند.

مایکل میدلتون (۱۹۸۷) در مقاله خود با عنوان نوسازی شهری در آمریکا، مشارکت مردمی در طراحی و اجرای پروژه‌ها، توسعه و رونق گردشگری و جذب جهانگرد از سراسر دنیا، حفظ مجموعه‌های تاریخی چینی جاهای قدیمی، اهمیت درک پیوستگی و تداوم زمانی برنامه‌ها در امر نوسازی و بهسازی چینی جاهای شهری را ذکر کرده‌است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴).

شهریاری (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان بررسی میزان مشارکت مردم در بازسازی بافت فرسوده کلانشهرها (مطالعه موردی: خیابان شاهداعی اله شیراز) به این نتیجه رسیده است که مشارکت مردم و شهروندان در تسریع روند بهسازی بافت فرسوده محله شاهداعی اله تأثیرگذار است و ساماندهی معابر محله مورد مطالعه باعث ارتقاء کارکرد و نقش پذیری جدید آن می‌شود.

مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای خود با عنوان مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله خیرآباد شهر بیرجند) مطابق یافته‌ها پاسخگویان به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین تمایل را به مشارکت در تصمیم‌گیری و کمترین گرایش را به مشارکت مالی دارند. مؤلفه‌های احساس تعلق، اعتماد و انسجام اجتماعی، دسترسی به خدمات، طرح‌ها و اقدامات حمایتی و توسعه نهادی و ظرفیت سازی بر مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده تأثیر دارند. در این بین احساس تعلق به محل سکونت بیشترین تأثیرگذاری (۰,۵۳۳) را دارد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای خود با عنوان رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران به این نتیجه رسیده‌اند که به منظور عملیاتی نمودن رویکرد مشارکت جویانه در روند نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده می‌توان از فرآیند همکاری پایدار به عنوان روشی جامع استفاده نمود.

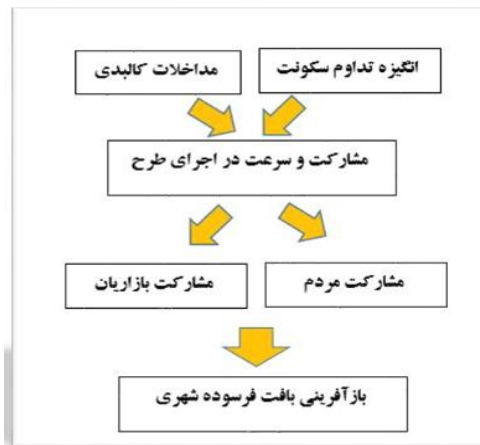
ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای خود با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر زاهدان به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان مشارکت مردمی در روند ساماندهی بافت فرسوده با مؤلفه‌های میزان امکانات و خدمات شهری و اعتمادسازی رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت نتایج آزمون کروسکال والیس حاکی از آن بود که محلات کارخانه نمک و غریب آباد به ترتیب، با میانگین رتبه‌های ۱۳۶/۵۹، ۷۳/۳۹ در بهترین و بدترین شرایط قرار داشتند.

یاپنگ غراوی و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای خود با عنوان اولویت‌بندی روش‌های افزایش مشارکت مردم در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: ساریان محله بجنورد به این نتیجه رسیده‌اند که ازدیدگاه کارشناسان مشارکت مالی با شهرداری، اعطای وام به صورت انفرادی، مشارکت با همسایگان برای نوسازی، تملک، تخریب و نوسازی توسط شهرداری و معاوضه زمین یا ساختمان موجود با واحد مسکونی موجود در همان محله به ترتیب به عنوان گزینه‌های مؤثر در جهت افزایش مشارکت

شهروندان در بهسازی بافتهای فرسوده رتبه‌بندی شدند. واز دیدگاه ساکنان از بین گزینه‌های مطرح شده مشارکت با همسایگان برای نوسازی به صورت تجمع قطعات دارای بیشترین امتیاز نسبت به گزینه‌های دیگر بود.

امیری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای خود با عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندان در نوسازی و بهسازی بافتهای فرسوده با رویکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران) به این نتیجه رسیده‌اند که عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، انتخاب شیوه‌های مختلف مشارکت شهروندان و سیاست‌هایی مناسب در نوسازی و بهسازی بافتهای فرسوده اصلاح، تثبیت و ارائه شده و نشانگر آن است که حل مشکلات بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده، با مدیریت شهری، مرمت و مشارکت مردم رابطه مستقیم دارد.

نقدی و کولیوند (۱۳۹۴) در مقاله‌ای خود با عنوان بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری در خیابان مدرس به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها انگیزه‌های مردمی برای مشارکت اجتماعی، (به دلیل ریسک اقتصادی بالا و تسهیلات پایین) کم می‌باشد؛ بلکه سازمان‌های مربوطه در مورد انجام شدن این طرح‌ها نظراتی مغایر با هم دارند؛ لذا چاره‌اندیشی برای رفع این مشکلات ضروری است. بطور کلی با توجه به مباحث مطرح شده در قسمت مبانی نظری و براساس متغیرهای مستقل (مشارکت) و وابسته (بازآفرینی بافت فرسوده شهری) مدل مفهومی پژوهش را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:



شکل (۱): مدل مفهومی نقش مشارکت در بازآفرینی بافت فرسوده شهری

#### ۴- روش شناسی:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف گذاری کاربردی و از لحاظ روش شناسی به صورت «توصیفی - تحلیلی» می‌باشد. در این فرآیند متناسب با داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی و منابع مرجع در رابطه با موضوع پژوهش برای گردآوری اطلاعات بخش توصیفی و تحلیلی پژوهش استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های بخش تحلیلی پژوهش از نظرات ۴۲ نفر از بازاریان محله مورد مطالعه که با روش تصادفی انتخاب شده‌اند، استفاده شد و در مرحله بعد جهت تحلیل و وزن گذاری داده‌های پژوهش نیز از نرم‌افزار VP استفاده شده است.

- **مدل VISUAL PROMETHEE:** در مقاله حاضر از روش VP برای اولویت‌بندی معیارهای کسبه و بازاریان استفاده شده است. روش پشتیبانی تصمیم‌گیری VP را دو بلژیکی به نام‌های «ژان پی‌یر برنر» و «برتراند مارسکال» در دهه ۱۹۸۰ ارائه دادند. این روش در زمره تکنیک‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌باشد که باعث تحول در روش‌های رتبه‌بندی شده است.

1. Jean-Pierre bronze
2. Bertrand Marskal

روش‌های VP به صورت چند تصمیم‌گیرنده عمل می‌کنند. ترکیب این روش‌ها با روش‌هایی مانند GAIA، ابزار مفیدی را برای تحلیل ارتباط میان شاخص‌ها و تصمیم‌گیرندگان ایجاد می‌کند و شکاف زمانی تا هنگام توافق بر سه تصمیم را از بین می‌برد.

**معرفی و مراحل تکنیک افزار PROMETHEE:** این تکنیک برای غنی‌سازی ارزیابی‌ها، که ژان پیر برنز و برتراند مارسکال آن را در سال ۱۹۸۶ برای نخستین بار مطرح کردند، روش پرومیته جزء روش‌های MADM و به‌عنوان یک روش کارا و با استفاده از دو واژه ترجیح و بی‌تفاوتی به دنبال انتخاب بهترین گزینه می‌باشد این روش برای ارزیابی و اولویت‌بندی گزینه‌های گسسته و انتخاب بهترین گزینه بر اساس چند معیار (با مقیاس‌های مختلف اندازه‌گیری) بکار می‌رود. همچنین روش‌های پرومته در مواردی که معیارهای تصمیم‌گیری در تضاد بر یکدیگر قرار داشته و تصمیم‌گیران اطلاعات پایه در جدول تصمیم‌گیری را ناکافی می‌دانند عملکرد مناسبی دارد (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱).

**گام اول:**  $d_j(a, b) = f_j(a) - f_j(b)$  بیانگر تفاوت اندازه‌ها در شاخص  $J$  است. این تفاوت برای شاخص‌های Max زمانی معنادار خواهد بود که  $f_j(a) > f_j(b)$  باشد. و برای شاخص Min این رابطه برعکس است. **گام دوم:** پس از محاسبه میزان تفاوت گزینه‌ها با یکدیگر، مقدار  $P_j(a,b)$  و با توجه به توابع یادشده به دست خواهد آمد. **گام سوم:** مجموع موزون برتری گزینه  $a$  نسبت به  $b$  که آن را با  $\pi(a,b)$  نشان می‌دهند. **گام چهارم:** این گام شامل دو جریان خروجی و جریان ورودی می‌باشد: **جریان خروجی:** بیان می‌کند یک گزینه مانند  $a$  چه قدر از گزینه‌های دیگر برتر است. هرچه این مقدار بیشتر باشد این گزینه برتر خواهد بود. **جریان ورودی:** بیان می‌کند که گزینه‌های دیگر چه قدر برگزینه  $a$  برتر می‌باشند. هرچه این مقدار کمتر باشد این گزینه بهتر خواهد بود. **گام پنجم:** به دست آوردن جریان خالص رتبه‌بندی، این جریان توازن میان جریان رتبه‌بندی مثبت و منفی است. جریان خالص بالاتر نشان‌دهنده گزینه برتر است (مومنی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

## ۵- یافته‌های پژوهش:

در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی شاخص‌های مورداستفاده در امر پژوهش با توجه به نظرات کسبه و بازاریان به تعیین توابع برتری و اهمیت شاخص‌های اصلی پرداخته و نتایج وزندهی در جدول زیر ارائه گردیده است. با توجه به نظرات کسبه و بازاریان محلات مورد مطالعه منطقه یک و هفت، به تعیین توابع برتری و وزنی شاخص‌های مورد مطالعه پرداخته شد (جدول ۲).

جدول (۲): جدول شناسایی توابع برتری معیار ترجیحی در مدل پرومیته

ردیف	نام معیار	اهمیت معیار	تابع برتری
۱	ارزیابی مشارکت کسبه و بازاریان در امر بهسازی و نوسازی	اهمیت بالا	عادی
۲	مشارکت اجتماعی	اهمیت بالا	عادی
۳	مشارکت اقتصادی	اهمیت بالا	عادی
۴	مشارکت سیاسی	اهمیت بالا	عادی
۵	ارزیابی موانع مشارکت در امر بازسازی	اهمیت بالا	عادی
۶	بازسازی مشارکت	اهمیت بالا	عادی
۷	شیوه مالی	اهمیت بالا	عادی

گام‌های اول تا سوم در نرم‌افزار Visual PROMETHEE نشان‌دهنده این است که تمامی معیارها دارای اهمیت مثبت (Max) می‌باشند. این شکل شامل مقایسه گزینه به معیار که گزینه‌ها شامل ۱۲۰ کسبه به ترتیب جدول (۲) می‌باشد که در پی پاسخگویی به موضوع مشارکت در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری بودند.



Scenario	سناریو اول	سناریو دوم	سناریو سوم	سناریو چهارم	سناریو پنجم	سناریو ششم
Cluster/Group	Unit	Unit	Unit	Unit	Unit	Unit
Min/Max	max	max	max	max	max	max
Weight	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00
Preference Fcn.	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual
Thresholds	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute
-Q: Indifference	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a
-P: Preference	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a
-Q: Goalpost	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a	n/a
Statistics						
Minimum	1.50	1.80	1.60	2.20	5.20	1.20
Maximum	2.93	3.20	3.00	5.00	5.87	5.00
Average	2.38	2.49	2.13	3.35	5.66	1.52
Standard Dev.	0.51	0.43	0.47	0.96	0.24	0.26
Evaluations						
عمرانی	2.93	2.40	1.60	2.20	5.20	1.20
توسعه‌دهی	1.86	2.60	1.80	4.40	5.97	1.80
آبروساز	1.50	2.50	2.00	5.00	5.83	1.75
مکانی	2.47	2.00	2.40	3.60	5.40	1.60
باغ معین	1.93	1.80	2.00	4.00	5.84	1.80
باغ شایخ	2.93	2.40	1.80	3.40	5.49	1.20
صائین	2.60	3.00	3.00	2.80	5.87	1.60
عامری	2.80	3.20	2.60	2.40	5.80	1.40

شکل (۲): مقایسه گزینه به معیار

گام‌های اول تا سوم در نرم افزار Visual PROMETHEE جهت تشکیل ماتریس اولیه طوری طراحی شده است که تمامی معیارها دارای اهمیت مثبت (Max) می باشند.

در گام چهارم و پنجم (شکل ۳) رتبه‌بندی به صورت جریان رتبه‌بندی مثبت<sup>۱</sup> و یا جریان رتبه‌بندی منفی<sup>۲</sup> نشان داده شده است. بر اساس این تحلیل، مناطق سی متری و اخرآسفالت دارای بیشترین میزان جریان خالص نوسازی و بهسازی محل کسب را داشته‌اند. به مطابق شکل ۳ و بر اساس تحلیل‌های فوق می‌توان این‌گونه استنباط کرد که این دو محله کمترین میزان جریان خالص را دارا می‌باشند. به عبارتی، این دو محله وضع مطلوب تری نسبت به سایر شاخص‌ها دارند.

Rank	action	Phi	Phi+	Phi-
1	سی متری	0.4286	0.6939	0.2653
2	آخرآسفالت	0.2449	0.6122	0.3673
3	باغ معین	0.1429	0.5510	0.4082
4	عبدالحمید	0.1224	0.5102	0.3878
5	خرزعلی	-0.0612	0.4490	0.5102
6	باغ شایخ	-0.1837	0.3469	0.5306
7	صائین	-0.2857	0.3265	0.6122
8	عامری	-0.4082	0.2449	0.6531

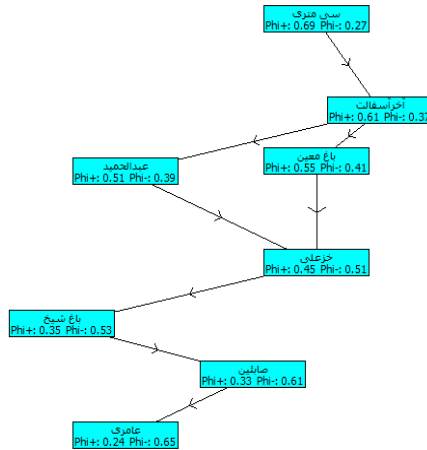
شکل (۳): رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس جریان خالص و ناخالص

برای افزایش کارایی روش پرومیته به کارگیری روش (تحلیل هندسی برای کمک متقابل<sup>۴</sup>) با تکنیک مدل‌سازی ویژه توصیه شده است. این تحلیل‌ها بر اساس پایه‌های نرم افزار پرومیته بنا شده است و تحلیل‌های گرافیکی و تشریحی را به آن می‌افزاید. در شکل (۴) با شبکه‌ای از گره‌ها و یال‌ها، مقایسه نواحی را نشان می‌دهد در این شکل رتبه بندی شاخص‌ها به گونه‌ای ارائه شده است که محله سی متری در اولویت اول قرار گرفته است این شاخص دارای بیشترین  $\phi^+$  و کمترین  $\phi^-$  است.

**اولویت‌بندی کامل PROMETHEE II:** در این روش، بین جریان‌های طبقه‌بندی بیرونی مثبت و منفی، تعادل ایجاد می‌شود. جریان خالص بیانگر گزینه بهتر است. اولویت‌بندی کامل گزینه‌ها (PROMETHEE II) به صورت زیر تعریف می‌شود و تعیین روابط برتر (P) و اولویت بندی جزئی گزینه‌ها (I)، در این شکل چنانچه یک گزینه دارای کمترین مقادیر مثبت و بیشتر مقادیر منفی باشد آن گزینه پایین تر از سایر گزینه‌ها می‌باشد و معرف ارجحیت کمتر می‌باشد،

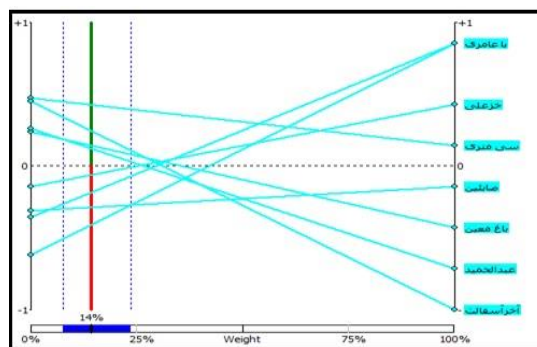
1.  $\phi^+$
2.  $\phi^-$
3. GAIA

در این روش، بین جریان‌های طبقه‌بندی بیرونی مثبت و منفی، تعادل ایجاد می‌شود جریان خالص بیانگر گزینه بهتر است در شکل (۲ و ۳) چنانچه یک گزینه دارای کمترین مقادیر مثبت و بیشتر مقادیر منفی باشد آن گزینه پایین‌تر از سایر گزینه‌ها بوده و معرف ارجحیت کمتر است. همان گونه که از شکل (۴) بر می‌آید، محله عامری در حد بالا، بیشترین ارجحیت را به خود اختصاص داده است و محله آخرآسفالت کمترین ارجحیت را نشان می‌دهد.



شکل (۴): بررسی توزیع معیارها و گزینه‌ها در محور دکارتی

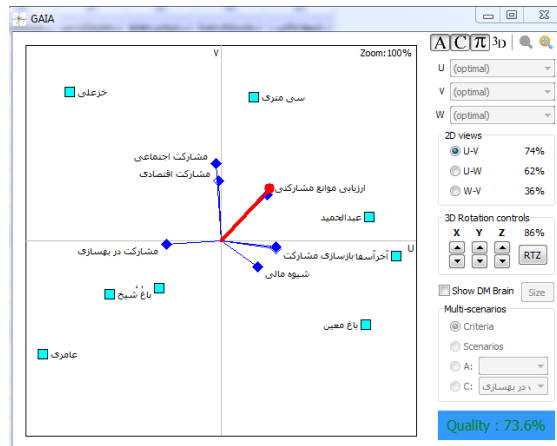
**PROMETHEE III (رفتن به بازه پایداری برای هر معیار):** به صورت مفید و مختصر تحلیل پایایی وزن‌ها می‌تواند به وسیله Stability Visual Intervals نمایش داده شود. این وسیله نمودار بیانگر چگونگی تاثیر وزنی نظرات یک کسبه در تغییر phi در شاخص‌ها می‌باشد. محور افقی مربوط به مقادیر وزن شاخص انتخاب شده است بین صفر تا صد متفاوت است. محور عمودی سبز و قرمز معرف وزن فعلی گزینه است. تقاطع خطوط افقی با محور مذکور نشان دهنده مقادیر PROMETHEEII Rankind Comple می‌باشد. این نمودار نشان می‌دهد که افزایش وزن نظرات کسبه و بازاریان انتخابی (مثل کسبه ۱) در این تحلیل با کاهش شاخص عامری، خزعلیه و سی متری می‌شود شکل (۵).



شکل (۵): ارجحیت گزینه‌های تحقیق: الف) PROMETHEEII و ب) PROMETHEEIII

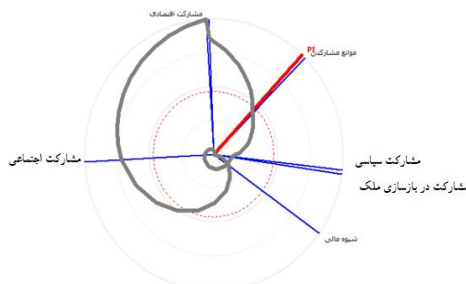
**تحلیل GAIA:** برای افزایش کارایی روش PROMETHEE به کارگیری روش GAIA (تحلیل هندسی برای کمک متقابل) با تکنیک مدل‌سازی ویژه توصیه شده است. در این مسائل چند شاخص بسیار مهم است که تصمیم‌گیرنده را در مورد مخالفت شاخص‌ها و برخورد وزن شاخص‌ها روی نتایج پایانی کمک کنیم. روش مدل‌سازی ویژه GAIA این گونه تحلیل‌ها را ایجاد می‌کند. این تحلیل‌ها بر اساس پایه‌های PROMETHEE بنا شده است و به آن تحلیل‌های گرافیکی و تشریحی را می‌افزاید. در این روش مجموعه گزینه‌ها را می‌توان با n نقطه در فضای K بعدی ارائه کرد. با توجه به این که تعداد شاخص‌ها بیش از دو

شاخص است تصویر واضح از فضای  $\Pi$  بعدی غیرممکن است و بنابراین تحلیل ترکیب اصلی می‌تواند شبیه تحلیل دوبعدی گزینه‌ها بکار رود. به‌سادگی دسته‌های گزینه‌های مشابه در صفحه شوند. در این روش، گزینه‌ها به‌وسیله PROMETHEEII توصیه می‌شود که در جهت محور تصمیم پرومته قرار گیرند (مومنی و شریف سلیم، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۸۱). با توجه به شکل شماره (۶)، ضریب آلفا و کیفیت این تحقیق عدد  $73/6$  درصد را تشکیل می‌دهد که نشانه درصد رو به بالایی می‌باشد، به این معنی که، هر چه مقدار این ضریب به عدد یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده همسازی بیشتر گویه‌های یک مقیاس است. در این پژوهش مقدار ضریب آلفا برای متغیرها  $73/6$  درصد می‌باشد، همان‌طور که مشخص است ضریب پایایی به‌دست آمده در حد بالا می‌باشد و این موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم موردنظر می‌باشد.



شکل (۶): بررسی توزیع معیارها و گزینه‌ها در محور دکارتی،

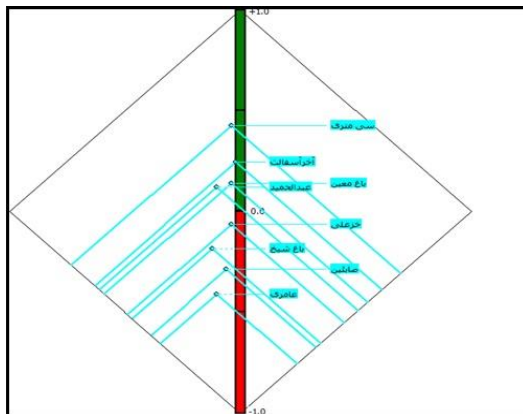
-تحلیل **GAIA WEB**: این نمودارهای گرافیکی نمایش‌دهنده جریان  $\phi$  هر یک از معیارهای منفرد در ارتباط با گزینه‌های مختلف است. شکل حاصله از این نمودارها بیانگر تابعی از رابطه بین معیارها در ارتباط با گزینه انتخابی می‌باشد. محورهای مربوط به هر کدام از معیارها از مرکز به پیرامون کشیده شده است. از آنجا که دوائر منظم حول مرکز نشانگر مقادیر جریان خالص از مرکز تا  $+1$  خارجی‌ترین دایره از مرکز دایره می‌باشد. هراندازه محورها به همدیگر نزدیک‌تر باشند و اختلاف کمتری داشته باشند نشان‌دهنده مقادیر خالص و هراندازه از همدیگر دور باشند نشان اختلاف بیشتر می‌باشد. از اتصال مقادیر این نظرات کسبه و بازاریان در ارتباط با هر گزینه و انتخاب، شکلی چندضلعی به‌هم‌ریخته (شبیه تار عنکبوت) به دست می‌آید. هراندازه این خطوط به یکدیگر نزدیک‌تر باشند یا از مرکز دایره فاصله گرفته باشد نشان‌دهنده اهمیت آن معیار و سازگاری با معیارهای مشابه (از نظر جهت و اندازه محور) می‌باشد. با توجه به شکل (۷) برای نمونه این تحلیل بر روی مشارکت پذیری کسبه و بازاریان در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محل تجاری صورت پذیرفته است. در این نمودار موقعیت محور تصمیم و دایره نقطه چین مربوط به مقادیر  $\phi$  با خط قرمز مشخص شده است، چنانچه وضعیت شاخص نسبت به خط قرمز مطلوب باشد در بالای آن قرار می‌گیرد و بالعکس. در شکل (۷) و گزینه‌های انتخابی (اقتصادی و اجتماعی)، ارتباط با نظرات کسبه و بازاریان، طبق نظر کسبه و بازاریان توسط گرایش کسبه و بازاریان را به مؤلفه اقتصادی نشان می‌دهد.



شکل (۷): تحلیل GAIA WEB.

## رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها بر اساس تحلیل شبکه در نرم‌افزار VISUAL PROMETHEE:

در شکل زیر با شبکه‌ای از طریق گره‌ها به مقایسه گزینه‌ها می‌پردازیم. در شکل (۸)، محله‌های سی متری و آخر آسفالت که بیشترین مقدار جریان مثبت دارند در اولویت اول قرار گرفته‌اند و محله‌های صابئین و عامری با کمترین مقدار جریان منفی می‌باشند در اولویت‌های بعدی هستند.



شکل (۸): رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها بر اساس تحلیل گرافیکی الماس

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری:

اگرچه مسائل مربوط به مشارکت همیشه مطرح بوده‌اند و اشکالی از آن در قالب همکاری برای اهداف متنوع، شرط بقای جامعه تلقی می‌شده، ولی در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند حتی کشورهایی که از برتری‌های شهروندی برخوردار هستند و همواره جامعه مدنی قدرتمندی داشتند، امروزه از ضرورت ارتقاء مشارکت، سخن به میان می‌آورند، تا بدان جا که مشارکت را از جمله نیازهای اولیه انسانی در ردیف غذا، پوشاک و سرپناه قرار داده‌اند. یکی از این رویکردهای مشارکت، مشارکت شهروندان به‌خصوص بازاریان به‌عنوان سرمایه‌گذاران در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری می‌باشد که پژوهشگر مقاله حاضر این رویکرد را در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز با مدل پرومیتیه، مورد بررسی قرار داده‌اند. که با استناد به نتایج نوشتار پیش رو و مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان گفت که مطالعه حاضر تأییدکننده میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری می‌باشد. مقایسه تطبیقی نتایج مقاله زیر با مقاله‌های شهریار (۱۳۹۸)، مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷)، موسوی و همکاران (۱۳۹۷)، زیاری و همکاران (۱۳۹۷)، امیری و همکاران (۱۳۹۵) بررسی و به اثبات رسیده‌است. نتایج نوشتار پیش رو در این رابطه نشان داد که ارتباط معنی‌داری میان مشارکت و اجرای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری است.

آنچه که می‌توان از تحلیل‌های موجود در این مقاله استنباط کرد، بیان این مطلب است که بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز که یکی از قدیمی‌ترین بافت‌های فرسوده کشور است در زمینه‌های متنوع؛ اقتصادی، اجتماعی، و غیره از غنای بالایی برخوردار است. و این در حالی است که تاکنون پژوهشی با عنوان مشارکت بازاریان صورت نگرفته، و پژوهش‌های پیشین بیشتر بر مشارکت اجتماعی شهروندان کار شده است.

بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان داد؛ محله سی متری بالاترین وزن و محله عامری کمترین امتیاز اولویت‌بندی معیارهای مؤثر مشارکت بازاریان را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به نتایج تحقیق و طبق نظر کارشناسان محلاتی که از قدمت تاریخی بالایی مانند محله عامری برخوردارند، از مشارکت بازاریان کمتری نسبت به دیگر محلات برخوردار بوده‌اند. در خاتمه برای نهادینه سازی معیارهای فوق پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

✓ باید در زمینه خواست بازاریان به رفع مشکل آنان پرداخت تا انگیزه لازم برایشان ایجاد شود، وقتی انگیزه ایجاد شد، آنان مشارکت خواهند کرد برای ایجاد انگیزه، برنامه‌های تشویقی، ترغیبی و حمایتی لازم است. حذف عوارض شهرداری، صدور پروانه رایگان برای بناها و واحدهایی که متناسب با نقشه و ضوابط معماری بافت ساخته می‌شوند و بهره‌مندی از مزایای ویژه و امکانات رفاهی برای واحدهایی که به نحو مطلوب به اتمام رسیده‌اند، از جمله این برنامه‌های حمایتی و تشویقی است.

✓ برای حل مشارکت بازاریان باید احساس تعلق آنان به مکان را افزایش داد که این امر از طریق توجه به نیازها و خواسته‌های واقعی آنان میسر است، یعنی برنامه‌ها باید درون‌زا باشد.

✓ بهبود اعتماد بازاریان به وعده‌های داده شده توسط بخش دولتی و شبکه بانکی.

✓ افزایش مشارکت و نظرخواهی از بازاریان در طرح‌های بهسازی و نوسازی محلات.

✓ برنامه‌ریزی براساس نیاز و مشارکت بازاریان و در جهت ظرفیت‌سازی اجتماعی در سطح محلات.

## منابع:

ابراهیم‌زاده آسمین، حسین، اشتری مهرجردی، اباذر، حاجیزاده، فاضل (۱۳۹۷): «تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر زاهدان»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۹۷-۱۳۷.

اسدیان، فریده و زهرا سیاحی (۱۳۹۰): «نقش الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مطالعه موردی محله عامری اهواز»، فصلنامه جغرافیایی آمایش و محیط، شماره دوازدهم.

امیری، مجتبی؛ نشاط، اکبر؛ نیکبانی، مجید (۱۳۹۵): «بررسی نقش مشارکت شهروندان در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران)» فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۵۲۳-۵۳۹.

بابایی اقدم، فریدون؛ ویسی ناب، فتح‌الله؛ یاری حصار، ارسطو، حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۴): «ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی محله ججین اردبیل)»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره ۱، صص ۶۵-۹۰.

پوراحمد، احمد؛ امیرحسین خادمی و مسلم ضرغام فرد (۱۳۹۵): «بررسی عوامل و زمینه‌های موجود برای افزایش مشارکت مردمی در فرآیند احیای بافت فرسوده منطقه ۱۴ شهرداری تهران»، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۵، صص ۱۳۹-۱۲۷.

حبیبی، کیومرث، پوراحمد، احمد، مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، بهسازی و نوسازی چینی جاهای کهن شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه کردستان، کردستان.

زالی، نادر؛ دارابی، حسن؛ میرزایی، عسگر (۱۳۹۲): «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده محله پیرسرای کلان شهر رشت با رویکرد مشارکت مردمی»، مجله پژوهش برنامه‌ریزی شهری، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۷۹-۹۴.

زیاری، کرامت‌الله؛ عباسی فلاح، وحید؛ حیدری، اصغر؛ نجفی، اسماعیل (۱۳۹۷): «نوسازی بافت فرسوده با استفاده از رویکرد مشارکتی و سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: ناحیه ۲ منطقه ۹ شهر تهران)»، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۱۱-۳۹۰.

سجادی، ژیلا، پورموسوی، سیدموسی (۱۳۹۰): «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی»، فصلنامه جغرافیایی آمایش و محیط، شماره ۱۴، صص ۱۴۵-۱۴۳.

سیدیان، سیدعلی (۱۳۸۸): «نقش طراحی به‌منظور جلب مشارکت مردمی در فرایند معاصر سازی بافت‌های فرسوده ایران»، دومین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، صص ۳۶-۴۸.

شماعی، علی. پور احمد، احمد (۱۳۸۴)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

شهریاری، محمدرضا (۱۳۹۸)، بررسی میزان مشارکت مردم در بازسازی بافت فرسوده کلان شهرها مطالعه موردی: خیابان شاهداعی اله

شیراز، فصلنامه معماری سبز، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۵)، صص ۹-۱۸.

- صالحی، زینب، شیخی، حجت، رحیمون، علی اصغر (۱۳۹۲): «بهسازی کالبدی محیطی بافت مرکزی شهر بارویکرد توسعه شهری پایدار»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره هفتم، صص ۸۷-۷۳.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۹): نوسازی شهری. رویکردی نو به بافتهای فرسوده تهران: آذرخش.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، بدری، سیدعلی، سجاسی قیداری، حمدالله، صادقلو، طاهره و شهدادی خواجه عسگر، علی (۱۳۹۰)، «اولویت بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرمته مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان»، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۴۳، صص ۶۸-۵۳.
- قدرجانی، راضیه، قیطرانی، نیما (۱۳۹۱): «بررسی روش های ارتقاء مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی مسکن فرسوده (مطالعه موردی: محله جولان در شهر همدان)»، فصلنامه هفت حصار، شماره دوم، سال اول، صص ۸۳-۷۵.
- قندهاری، محمد (۱۳۹۷): «بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر نوسازی بافت فرسوده نمونه موردی شهر قم»، فصلنامه معماری شناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳-۱.
- مریدسادات، پگاه؛ محمدیان، سجاد (۱۳۹۷): «مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله خیرآباد شهر بیرجند)»، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۴۲، صص ۱۶۴-۱۳۹.
- موسوی، سیدحمید، بخشنده نصرت، عباس، الیاس زاده، سید نصرالدین (۱۳۹۷): «رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران»، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال هشتم، شماره ۳، صص ۲۲۰-۲۰۷.
- مومنی، منصور، شریفی سلیم، علیرضا (۱۳۹۰): «مدل ها و نرم افزارهای تصمیم گیری چند شاخصه (۱۳۹۰)»، تهران، انتشارات مؤلفین.
- نصیری هنده خاله، اسماعیل، سالاری نیا، مرضیه (۱۳۹۶): «تحلیل عوامل موثر در بازآفرینی بافت های فرسوده شهری مطالعه موردی محله ۲۰ منطقه ۱۷ شهر تهران»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- نقدی، اسدالله، کولیوند، شکبیا (۱۳۹۴): «بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری (مورد مطالعه ساماندهی بافت فرسوده خیابان مدرس کرمانشاه)»، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۷، شماره ۲۱، صفحه ۲-۲۰.
- یابنگ غراوی، محمد؛ محمدی، منیژه (۱۳۹۵): «اولویت بندی روش های افزایش مشارکت مردم در بهسازی بافت های فرسوده شهری مطالعه موردی: ساربان محله بجنورد»، فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره هشتم، شماره ۲۸، صص ۲۰۸-۱۹۱.
- Bararatin, Kirami & agustin, Ety. (2015). "Revitalization strategy of Kembang Jepun Surabaya in supporting sustainable urban development", Social and Behavioral Sciences, Vol. 179, pp70-79.
- Esmaeili, S., & Zoghi, M. (2014). The impact of matrix structure of Isfahan's Jolfa Quarter on citizens' participation. *Advances in Environmental Biology*, 8(10), pp 864-870.
- Koppenjan, J.M. and Enserink, B. (2009). Public-private partnerships in urban infrastructures: Reconciling private sector participation and sustainability, *Public Administration Review*, 69(2), pp 284-296
- La Rosa, Daniele and other. (2017). "Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy", *Landscape and Urban Planning*, Volume 157, pp180-192.
- Masoud, M., & Borumand, M. (2015). The analysis of the role of public participation in the process of upgrading urban deteriorated areas in Iran. *Journal of Social Issues & Humanities*, 3(8), pp 37-47.
- Mohebifar, A. Sobhiyah, M.H. Rafieyan, M. Yeganeh, Y.H. Elahi, Sh. (2017). Governance of distressed areas regeneration program of Tehran with network approach. *The Scientific Journal of nazar research center (NRC) for Art, Architecture & Urbanism*. 14, 53: 5-14.
- Omar, Siti Syamimi and other. (2016). "Bringing the New to old: Urban regeneration through public arts", *Social and Behavioral Sciences*, Volume 234, pp515-524
- Peerapun, W. (2012), Participatory Planning Approach to Urban Conservation and Regeneration in Amphawa Cummunity, *Social and Behavioral Sciences*, 36: 243 – 252.
- Rietbergen, M. (2007). Participation and social assessment (Tools and techniques). Washington, D.C.: The World Bank Publications.
- Wang, H & Song, Y & Hamilton, A. Curwell. (2007), Urban Information Integration For Advanced E-planing In Europe Government Information Quarterly, 24, PP: 763-754.

## بررسی آثار یخچال‌های دوران کواترنر در ارتفاعات بینالود و تاثیر آن در توسعه مدنیت دشت نیشابور

ابوالقاسم امیر احمدی، دانشیار ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

لیلی گلی مختاری، استادیار گروه ژئومورفولوژی و اقلیم‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

مهناز ناعمی تبار\*، دانش‌آموخته ژئومورفولوژی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱

### چکیده

در این پژوهش جهت شناسایی آثار یخساری از شاخص‌های مرفیک، آثار و شواهد اقلیمی استفاده شده است. تعیین خط برف دائمی در منطقه به روش رایج انجام شد و نشان داد که در عصر حاضر دمای متوسط سالانه صفر درجه سانتی‌گراد در ارتفاع ۲۵۴۳ متری قرار گرفته است و وجود ۶۵ سیرک در منطقه موید آن است که سیرک‌ها به عنوان یکی از منابع تغذیه‌کننده بسیار غنی برای تشکیل یک پوشش یخی در منطقه به شمار می‌رفته‌اند. براساس فرم خطوط منحنی میزان در نقشه‌های توپوگرافی، تصاویر ماهواره‌ای و Google Earth سیرک‌های منطقه مشخص شدند. بیشتر سیرک‌های یخچالی در ارتفاعات ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری در جهت شمال غرب واقع شده‌اند. شواهد اقلیمی نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه نه تنها دما در کواترنر حدود ۱۳ درجه نسبت به زمان فعلی سرد بوده، بلکه مقدار بارش آن نیز در مقایسه با زمان حال، کمابیش دو برابر بیشتر بوده است. شهر نیشابور دشتی است که از یک طرف دور تا دور آنرا ارتفاعات فرا گرفته است که وجود سیرک‌های یخچالی در ارتفاعات منطقه بعنوان عامل مهمی در تغذیه منابع آب و شرایط پرودتی در زمان گذشته در منطقه در گسترش شهرنشینی شهر نیشابور بی‌تاثیر نبوده است. آثار ژئومورفیک از جمله خط برف دائمی، تیل، مورن، تور یخچالی و سیرک‌ها نشان دهنده این است که در منطقه مورد مطالعه توسعه و مدنیت تحت تاثیر عوامل یخچالی بوده است.

**کلمات کلیدی:** تغییرات اقلیمی، خط برف دائمی، سیرک یخچالی، نیشابور

## مقدمه

تنوع اقلیمی ایران به طور عمده نتیجه موقعیت جغرافیایی و کوهستانی بودن آن است (جداری عیوضی، ۱۳۹۶، ۹۷). بررسی تحولات اقلیمی کواترنر و مواریت اقلیمی آن یکی از جالب‌ترین مباحث ژئومورفولوژی ایران می‌باشد. (یمانی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). نواحی که در حال حاضر تحت تسلط فرایندهای غیر یخچالی است در کواترنر متأثر از عملکرد یخ بوده و در حال حاضر نیز شواهد آن از بین نرفته است (رجبی و خطیبی، ۱۳۸۷، ۱۰۵). به رغم شواهد گسترده‌ای برای یخچال‌های طبیعی، فقدان اطلاعات ژئوکرونولوژی مانع درک کامل ما از یخبندان است (ایزولا و همکاران، ۲۰۱۹: ۶۲).

در کشور ما ایران اکثر شهرها بر روی اشکال تراکمی ناشی از فعالیت آب مانند مخروط افکنه‌ها، دشت‌ها و دلتاها واقع شده‌اند و تا کنون مطالعات زیادی در مورد عوامل ژئومورفولوژی تهدید کننده و پتانسیل توسعه آنها انجام گرفته است (رامشت، ۱۳۸۰، ۱). در این میان تاریخ تطوّر کانون‌های مدنی شهرها از اهمیت خاصی برخوردار است. تاریخ طبیعی کانون‌های مدنی، نه فقط می‌تواند بسیاری از حقایق مربوط به تغییرات فضاهای کالبدی شهرها را توجیه نماید که در بسیاری موارد تکمیل کننده تاریخ و سیر تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنهاست (فلامکی، ۱۳۸۵، ۵۷). در بسیاری از نقاط رودخانه‌ها بستر بروز مدنیت و در پاره‌ای از مناطق، سواحل و در بعضی موارد عملکرد یخچال‌ها تبلور کانون‌های جمعیتی و مدنی را به عهده داشته‌اند (خیرآبادی، ۱۳۷۶، ۱۶). شکل‌گیری کانون‌های مدنی تابع ویژگی‌های مرفیک مناطق است. برای مثال در سواحل، ویژگی‌های خطوط ساحلی، در مناطق درون قاره‌ای دریاچه‌ها و مسیر حرکت یخچال‌ها و در کوهستان‌ها زبانه‌های یخی نقش عمده‌ای را در این زمینه بازی نموده‌اند (امیراحمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ۶۲). آگوستینوس و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی شرایط محیطی دشت بوکو در غرب تاسمانی طی کواترنری دریافتند رسوبات این منطقه در محیط‌های یخچالی، رودخانه‌ای، باتلاقی و ساحلی تهنشین شده‌اند. دهمس و همکاران (۲۰۱۸) تعداد دوره‌های یخچالی کواترنری کوه تیبیل، دریاچه بول و مورن‌های حاشیه اسکاگواوآی کانیون سینک و ایومینگ ایالت متحده آمریکا را در پلیوستوسن پنج دوره و در هولوسن چهار دوره کوچک مقیاس برآورد کرده‌اند. جولین و همکاران (۲۰۱۹) به بازسازی جدیدی از تاریخ یخبندان کوه یخ شمالی مونت سن لورنزو در جنوب آمریکای جنوبی، در طی یک دوره گرم شدن و سرد شدن هوا را طی دوران کواترنر مورد بررسی قرار دادند. براساس تحلیل‌های ویل دورانت دوره‌های حاکمیت یخچال‌ها در کره زمین دوره انقباض مدنیت و دوره‌های حاکمیت بین یخچالی، دوره بسط مدنیت ذکر شده است. ثمره حاکمیت دوره‌های آناگلیشیال در ایران شکل‌گیری مدنیت سرد و حاکمیت دوره کاتاگلیشیال شکل‌گیری مدنیت گرم بوده است (ویل دورانت، ۱۹۸۲، ۳).

## پیشینه پژوهش

مطالعه‌ی جدی در مورد آثار مستقیم یخبندان کواترنر در کوه‌های ایران با کارهای بوبک (۱۹۳۳) در البرز و کارهای دزیو (۱۹۳۴) در زردکوه شروع شد (جداری عیوضی، ۱۳۹۶). بوبک با بررسی یخرفت‌های رشته کوه البرز و زاگرس، آن را شاهده‌ی بر یخبندان قبل از وورم در این ارتفاعات معرفی کرد و آهنگ درجه حرارت را ۳-۴ درجه کمتر از زمان حاضر بیان نموده است. درباره قدیم‌ترین آثار زندگی انسان در ایران و تغییرات اقلیمی دوران چهارم رایت<sup>۲</sup> (۱۹۶۳)، ویتافنری<sup>۳</sup> (۱۹۷۷)، پروفیسور آریایی و تیالت<sup>۴</sup> (۱۹۸۰)، کارهای با ارزشی انجام داده‌اند. رامشت (۱۳۸۰) با تبیین رابطه ژئومورفولوژی و کانون‌های مدنی در ایران، دریاچه‌های دوران چهارم را کانون اصلی مدنیت در ایران معرفی می‌کند و از رودخانه‌ها و سواحل بعنوان دیگر عوامل موثر در تشکیل کانون‌های مدنی نام می‌برد.

1. Isola etal  
2. Wright  
3. Vita - Finzi  
4. Ariai, Thibault

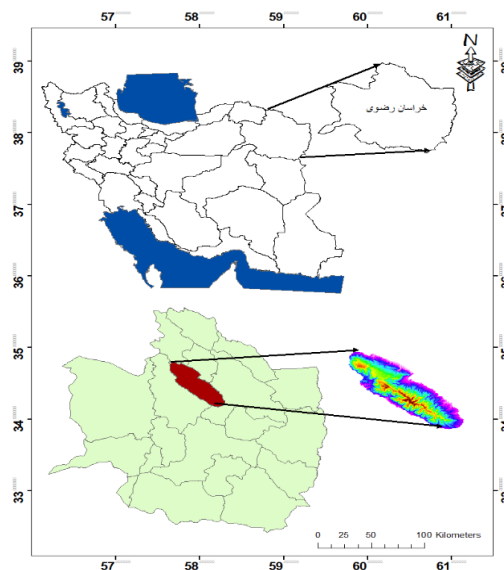


هورتون<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) به واکنش انسان و تغییرات سطح اساس خلیج فارس در هلو سن اشاره نموده و تأثیرات نوسانات آب خلیج فارس بر روی سکونتگاهها بین ۳ تا ۶ هزار سال قبل از میلاد مسیح پرداخته و اهمیت آن در چگونگی ایجاد اولین مدنیتها در جهان که تحت تأثیر موقعیت طبیعی گودال خلیج فارس به وجود آمده اند می پردازد. در بررسی آثار یخچالی کواترنر و تأثیر آن در عدم شکل گیری مدنیت و سکونتگاه مهم شهری در دشت آسپاس واقع در شمال استان فارس نیز امیر احمدی و همکاران (۱۳۹۰)، اذعان کردند که عدم توسعه مدنیت و سکونتگاههای مهم شهری در این منطقه را برودت هوا و حرکت غیر متمرکز یخ در گذشته نسبت داد که موجب عدم شکل گیری منابع آب زیرزمینی قابل توجه شده است. در ارزیابی تأثیر عوامل ژئومورفولوژی در توسعه شهرنشینی شهر سنندج انتظاری نجف آبادی و همکاران (۱۳۹۲)، اظهار داشتند وجود ۹۹ سیرک بزرگ و کوچک در منطقه مؤید آن است که در دوران سرد یخچالی سیرکها یکی از منابع تغذیه کننده بسیار غنی بشمار می رفته اند.

### روش تحقیق

پژوهش مورد نظرا از لحاظ ماهیت از نوع بنیادی می باشد. روش انجام تحقیق تجربی و میدانی است. بدین منظور محدوده مورد مطالعاتی را در نقشه توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰ (اخلمد، گلکان، چناران، صومعه، طریقه، پیوه ژن، قدمگاه، بزغان، دوغائی، کلیدر) مشخص شد. سپس شاخصهای ژئومورفیک در منطقه بررسی شد و با استفاده از این پدیدههای ژئومورفیک به بازسازی شرایط اقلیمی دوران چهارم پرداخته شد. در این روش برای تعیین آثار تغییرات محیطی با روش رایت نسبت به تعیین خط مرز برف دائمی و خط تعادل آب و یخ اقدام و سپس به بازسازی رقومی مقادیر دما و همچنین رطوبت محیطی اقدام می شود که تعیین گردد در دوره کواترنر چه شرایطی بر منطقه حاکم بوده است.

### محدوده و قلمرو پژوهش



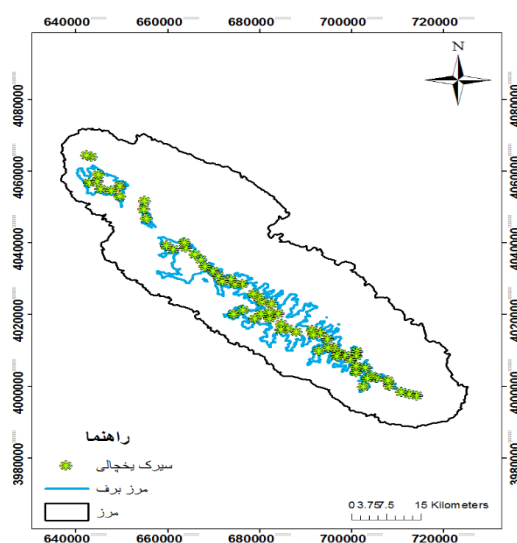
شکل (۱): موقعیت منطقه مورد مطالعه

شهر نیشابور در شمال خاوری کشور، استان خراسان، در حد فاصل مدار ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۸ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه قرار گرفته است. شهرستان نیشابور، از شمال با شهرستان قوچان از شرق با چناران و مشهد از جنوب با تربت حیدریه و کاشمر از غرب با سبزوار و از شمال غرب با فاروج از استان خراسان شمالی مرتبط است (شکل ۱).

## یافته‌های پژوهش

### تعیین خط برف دائمی

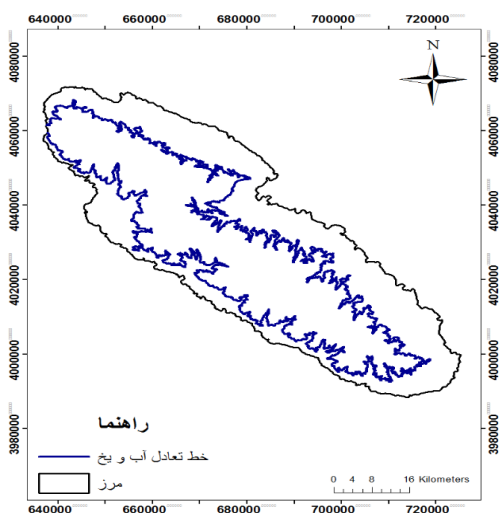
در هر جای کره زمین، در بالاتر از یک ارتفاع معین، بارش به صورت برف صورت می‌گیرد و این برف در تمام مدت سال، پیوسته باقی می‌ماند. این ارتفاع که آنرا برف مرز می‌گویند به دلیل تغییرات شرایط حرارتی سالانه در طول سال، دستخوش تغییر می‌شود (علیچانی، ۱۳۹۱، ۲۶۷). خط برف مرز دائمی برای منطقه مورد مطالعه، ۲۵۴۳ متر می‌باشد. سیرک‌های یخچالی منطقه مورد مطالعه تقریباً از نوع غیر تیپیک می‌باشند، بدین معنی که در طول زمان شکل اولیه خود را از دست داده‌اند، به طوری که قسمت زیرین آنها تخریب شده و آزاد است و ویژگی یک سیرک تیپیک را ندارند. سیرک‌های منطقه در ارتفاع ۲۲۰۰ تا ۳۰۰۰ متری در ارتفاعات بینالود پراکنده شده‌اند. تعداد آن‌ها بالغ بر ۶۵ سیرک می‌باشد (شکل ۲).



شکل (۲): موقعیت سیرک‌های منطقه مورد مطالعه

### خط تعادل آب و یخ

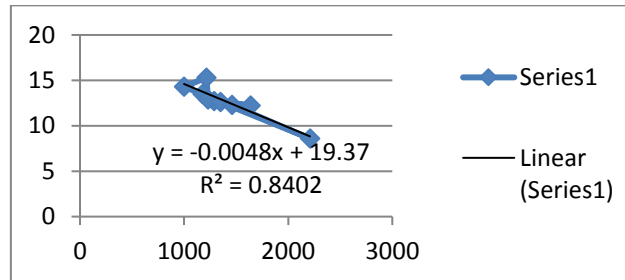
به طور معمول خط تعادل آب و یخ همواره پایین‌تر از خط برف دائمی است به عبارت دیگر جریان یخ در دوره‌های یخچالی که از برف خانه‌های بالا دست تغذیه می‌شده‌اند قادر بوده صدها متر پایین‌تر از خط برف دائمی جریان یابند (نجف آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱). بنا بر مطالعات انجام شده، خط مرز برف دائمی در منطقه ۲۵۴۳ متر برآورد شده است ولی تعادل یخ و آب به مراتب پایین‌تر از خط برف دائمی است. خط تعادل آب و یخ در منطقه در ارتفاع ۱۹۰۰ متری برآورد شده است (شکل ۳).



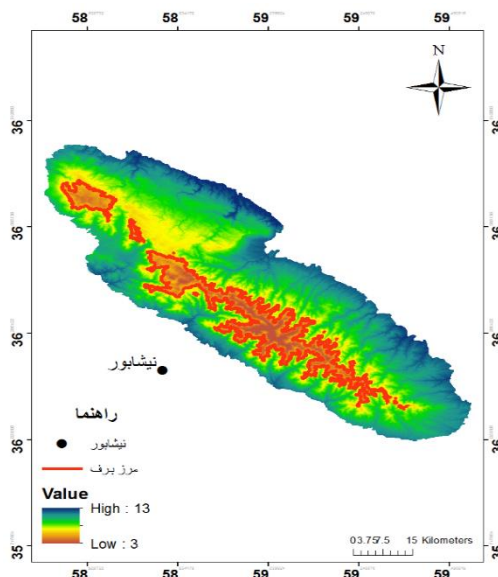
شکل (۳): خط تعادل آب و یخ در منطقه مورد مطالعه

## جمع بندی و نتیجه گیری

برای تحلیل دمای منطقه از داده‌های ۹ ایستگاه هواشناسی استفاده شد. از این ۹ ایستگاه، ۴ ایستگاه در داخل محدوده مورد مطالعه و ۵ ایستگاه در اطراف وجود دارد. جهت ترسیم نمودن نقشه همدمای محدوده مورد مطالعه با در نظر گرفتن دو پارامتر (ارتفاع-دما) در ایستگاه‌های منطقه میزان همبستگی و سپس معادله رگرسیون دما-ارتفاع در نرم افزار اکسل محاسبه گردید و معادله خطی آن به صورت  $y = -0.0048x + 19.37$  بدست آمد. سپس با استفاده از این رابطه، افت آدیاباتیک دمای حال حاضر در منطقه به میزان تقریبی ۳ درجه سانتی گراد، به ازای هر ۱۰۰۰ متر ترفیع مکانی، محاسبه شد (شکل ۴). نقشه همدمای فعلی نشان می‌دهد که حداقل دمای منطقه در زمان فعلی ۳ درجه سانتی گراد و حداکثر دما برابر با ۱۳ درجه سانتی گراد است (شکل ۵).

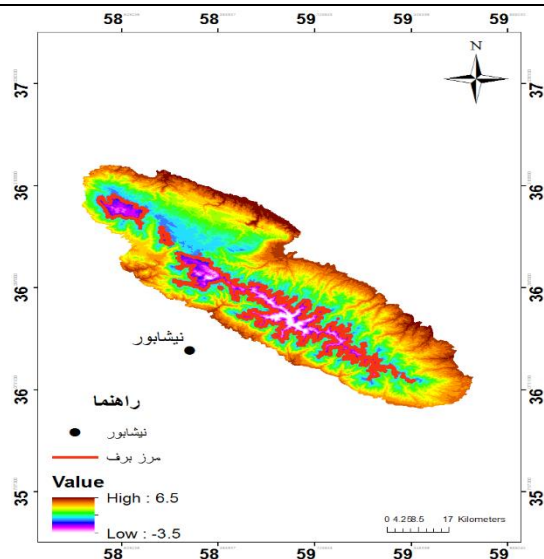


شکل (۴): رابطه بین دما و ارتفاع



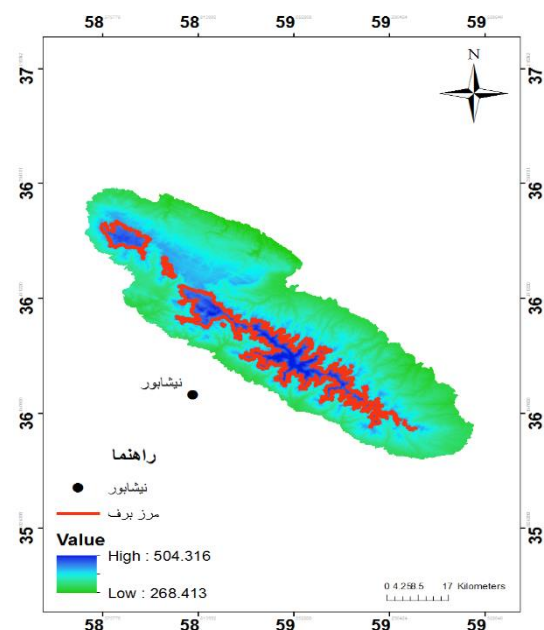
شکل (۵): نقشه همدمای زمان حاضر

برای تخمین میزان دمای محیطی گذشته، بعد از تعیین خط مرز برف دائمی منطقه (رقم ۲۵۴۳ متر که با روش رایت تعیین گردید) همبستگی بین دما و ارتفاع محاسبه شد. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که بیشترین همبستگی با رابطه خطی  $y = a + bx$  مطابقت داشته و کاهش دما به ازای هر هزار متر ۵ درجه سانتی گراد برآورد گردید. با توجه به ارتفاع خط مرز برف دائمی (۲۵۴۳ متر)، خط دمای صفر سالانه و با توجه به تغییر ارتفاع در منطقه می‌توان خطوط همدمای زمان گذشته را محاسبه نمود. همان طور که در نقشه همدمای گذشته مشاهده می‌شود، حداقل دمای منطقه در زمان حاکمیت یخچال‌ها برابر با ۳- درجه سانتی گراد و حداکثر دما برابر با ۶ درجه سانتی گراد است. مقایسه نقشه همدمای فعلی و گذشته منطقه حاکی از این است که منطقه مورد مطالعه در کواترنری ۷ درجه سانتی گراد نسبت به زمان فعلی سردتر بوده است. البته این میزان تفاوت برای همه نقاط یکسان نبوده و تحت تاثیر ارتفاع، افزایش می‌یابد. به طوری که بیشترین تفاوت حرارتی مربوط به مرتفع‌ترین قسمت و کمترین تفاوت مربوط به پست‌ترین ارتفاع می‌باشد (شکل ۶).



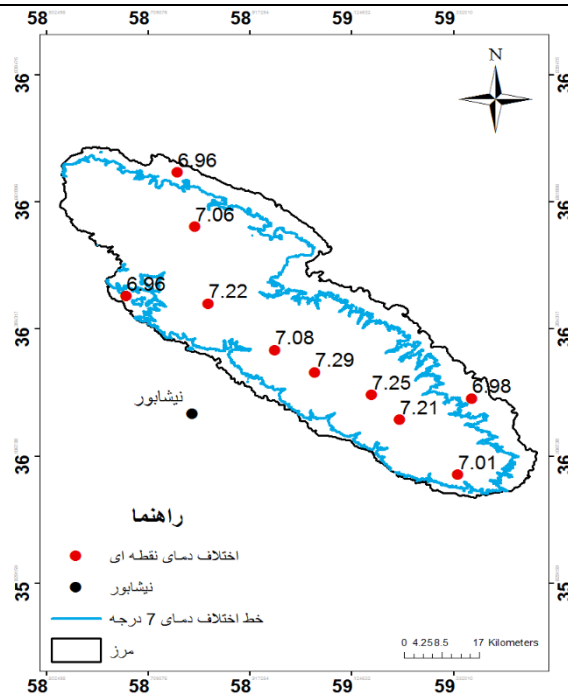
شکل (۶): نقشه همدمای پلیستوسن

برای بررسی تفاوت دمایی زمان حال و دوره حاکمیت یخچال‌ها در منطقه، نقشه همدمای زمان حاضر و دوره کواترنر با هم مقایسه شد و نقشه تفاوت دمایی منطقه ترسیم شد (شکل ۷).



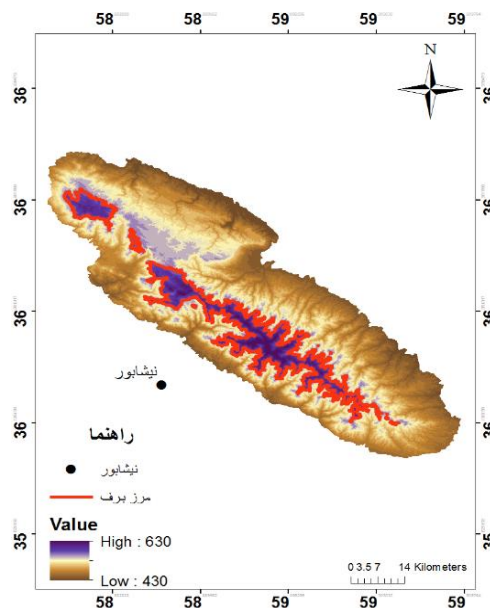
شکل (۷): نقشه تفاوت دما بین زمان حاضر و دوره پلیستوسن در محدوده مورد مطالعه

برای بازسازی شرایط رطوبتی منطقه در زمان حاضر، از داده‌های بارشی ۹ ایستگاه (قوچان، اخلمد، نیشابور، مشهد، فریمان، بقیع، بار، فریزی، گلمکان) استفاده شد. نقشه هم بارش حال حاضر در منطقه نشان می‌دهد که حداقل بارش منطقه برابر با ۲۶۸ میلی-متر و حداکثر بارش برابر ۵۰۴ میلی-متر در مرتفع‌ترین قسمت منطقه است (شکل ۸).



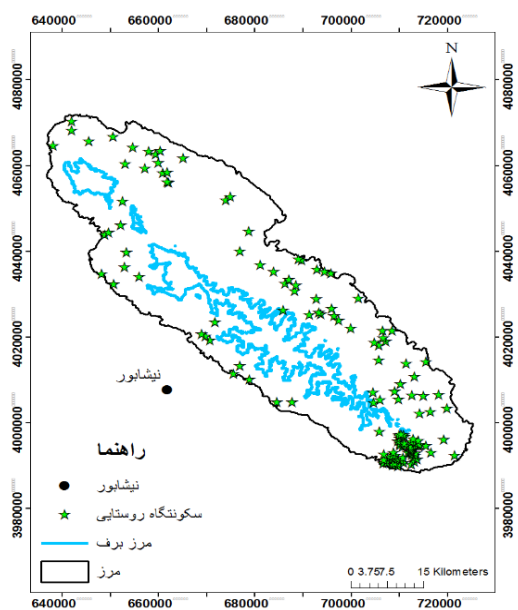
شکل (۸): نقشه بارش زمان حاضر

بعد از همپوشانی نقشه‌های هم بارش و هم دمای فعلی منطقه و با توجه به معادله خطی  $y = 0/1153X + 123/25$  رابطه بین دما و بارش محاسبه شد و با توجه به معناداری رابطه دما و بارش و ثابت بودن رابطه بین دما و بارش، با داشتن داده‌های دمایی زمان گذشته، نقشه هم بارش منطقه در دوره حاکمیت یخچال‌ها تهیه شد. نقشه هم بارش منطقه در کوتاه‌ترین حاکی از این است که حداقل بارش در آن زمان برابر با ۴۳۰ میلی متر و حداکثر مقدار بارش برابر با ۶۳۰ میلی متر در مرتفع‌ترین بخش بوده است. مقایسه نقشه‌های هم بارش حال و گذشته منطقه نشان می‌دهد که میزان رطوبت محیطی در دوره‌ای که دمای محیط به میزان ۷ درجه سانتی گراد کمتر بوده با مقدار بارش‌های فعلی تفاوت چشمگیری داشته است (شکل ۹).



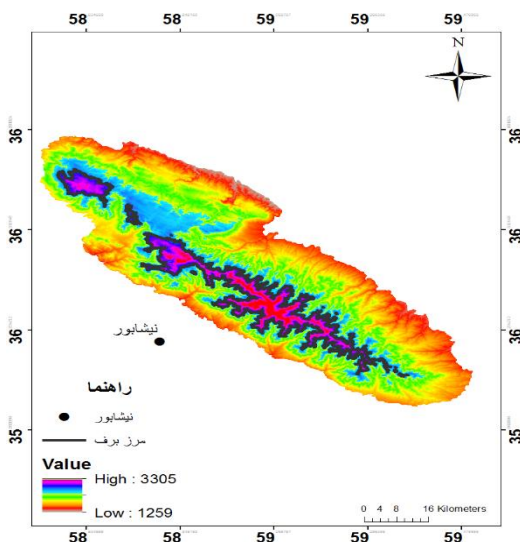
شکل (۹): نقشه بارش پلیستوسن

خط تعادل آب و یخ در منطقه عامل اصلی در ایجاد کانونهای مدنیت غیر روان روستایی و بعضاً شهرهای کوچک بوده است. به طوری که گسترش مدنیت در این منطقه از حرکت زبانه‌های یخچالی پیروی کرده است. خط برف دائمی از جمله عواملی است که ضمن تعریف تعادل یخ و آب در زمین نحوه جا به جایی و شکل‌گیری کانون‌های مدنی را تعریف می‌کند (شکل ۱۰).



شکل (۱۰): نقشه پراکنده‌گی روستاها با توجه به خط برف دائمی

در ارتفاعات منطقه مورد مطالعه ۶۵ سیرک شناسایی شده است که در ارتفاعات ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری واقع شده‌اند. بیشترین میزان پراکنده‌گی سیرک‌ها در ارتفاعات ۲۶۰۰ تا ۲۸۰۰ متری می‌باشد (شکل ۱۱). تعیین خط برف دائمی در دوره پلیوستوسن به روش رایج نشان می‌دهد که دمای متوسط سالانه صفر درجه سانتی‌گراد در ارتفاع ۲۵۴۳ متری منطقه قرار می‌گرفته است. از جمله مهمترین ویژگی اقلیمی این خط برف دائمی، داشتن متوسط دمای صفر درجه سانتی‌گراد است. به نظر می‌رسد فراوانی، حجم و توزیع سیرک‌های یخچالی تاثیر بسزایی در مکان‌گزینی و توسعه شهر نیشابور داشته است. شواهد گسترده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد در آخرین فاز سرد کواترنر، نحوه آرایش خطوط تراز، وجود سیرک‌ها و انباشتگی مورن‌ها و همچنین تیل‌ها و تورهای یخچالی اسناد و مواردی به شمار می‌آیند که حاکمیت یخ و یخچال را به عنوان مهمترین عامل فرم‌ساز در پیشینه اقلیمی منطقه مورد مطالعه به اثبات می‌رسانند.



شکل (۱۱): توپوگرافی منطقه مورد مطالعه

سکونتگاه‌های روستایی و گسترش فضایی شهر نیشابور تابعی از شرایط اقلیمی در دوران چهارم بوده است. تغییرات اقلیمی در دوران چهارم تأثیرات مهمی بر جابجائی و مهاجرت‌ها، مشاغل، مسکن و ... بشری داشته است. نحوه توزیع فضایی سکونتگاه‌های روستایی دقیقاً از حرکت و شکل زایی زبانه‌های یخچالی پیروی می‌کند. بنابراین، با توجه به شواهد و نتایج به دست آمده می‌توان عامل اصلی شکل‌گیری و توسعه مدنیت شهر نیشابور و سکونتگاه‌های روستایی را به فعالیت‌های یخچالی و برودت هوا در گذشته نسبت داد. خط تعادل آب و یخ در منطقه عامل اصلی در ایجاد کانونهای مدنیت غیر روان روستایی و بعضاً شهرهای کوچک بوده است. جهت دامنه‌های جنوبی بینالود و وجود سیرک یخچالی در این ارتفاعات در دوران کواترنر و انباشت برف در این سیرک‌ها و ذوب برف‌ها باعث جریان‌ات آبی به رودخانه‌های اطراف شده و باعث تکوین مدنیت و گسترش شهر نیشابور شده است. جریان یخ در دوره‌های یخچالی که از برفخانه‌های بالادست تغذیه می‌شده‌اند قادر بوده صدها متر پایینتر از خط برف دائمی جریان یابند. شهرهایی که در مرز مذکور شکل گرفته‌اند دارای ویژگی‌های هویتی خاصی هستند. جهت کوهستانها و ارتفاع آنها در نحوه توزیع چنین کانونهایی نقش مهمی به عهده دارند. نتایج مطالعات انجام شده بر روی شرایط آب و هوایی اقلیمی منطقه در دوره کواترنر و زمان حاضر نشان داد که متوسط دمای سالیانه در زمان حاکمیت یخچال‌ها بین ۶ درجه سانتی‌گراد در دشت تا ۳- درجه سانتی‌گراد در ارتفاعات متغیر می‌باشد. همچنین متوسط دمایی در زمان حاضر بین ۱۳ درجه سانتی‌گراد در دشت تا ۳ درجه سانتی‌گراد در ارتفاعات می‌باشد و ۷ درجه سانتی‌گراد دما در گذشته نسبت به زمان فعلی سردتر بوده است. در مورد شرایط رطوبتی منطقه با وجود بارش حداکثر و حداقل ۶۳۰ و ۴۳۰ میلی‌متر در گذشته و ۵۰۴ و ۲۶۸ میلی‌متر در زمان حاضر و با توجه به شواهد و پدیده‌های مورفولوژیک منطقه و شرایط اقلیمی لازم برای تشکیل آنها، به این نتیجه رسیدیم که وضعیت رطوبتی منطقه در گذشته قابل ملاحظه بوده است. به گونه‌ای که نه تنها دمای گذشته نسبت به حال حاضر ۷ درجه سردتر بوده، بلکه بارش آن نیز دو برابر زمان حال بوده است. حمل رسوبات مورنی که دارای دانه بندی خاصی است معمولاً سبب ایجاد سفره‌های تیل و مورنی با ظرفیت ذخیره‌سازی منابع آبی زیرزمینی مطلوب می‌شود. با توجه به از بین رفتن شرایط برودتی منطقه نسبت به گذشته می‌بایست نسبت به کنترل آبهای سطحی جهت توسعه مناطق روستایی و شهری اقدام گردد. همچنین بازسازی شرایط اقلیمی گذشته می‌تواند ما را در زمینه بررسی تغییرات اقلیمی و شهرنشینی، شناسایی محیط و چگونگی گسترش مدنیت در جهت شناخت کامل‌تر ویژگی‌های محیطی، فرهنگی، رفتاری راهنمایی کند و در علوم مختلف انسانی در این زمینه استفاده شود. بررسی تغییرات اقلیمی و تأثیراتی که بر محیط دارد انسان را با منابع طبیعی آشنا می‌کند. به عنوان مثال سیرک‌ها نه تنها منبع غنی در تامین ذخایر منابع آبی هستند بلکه شناسایی این عوارض می‌تواند در زمینه جلوگیری از وقوع مخاطرات محیطی مانند بهممن، لغزش و زلزله تأثیرگذار باشد و با شناخت منطقی و دقیق محیط می‌توان در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت منابع تصمیم‌گیری نمود.

## منابع

- امیر احمدی، ابوالقاسم؛ مقصودی، اکبر و احمدی، طیه (۱۳۹۰): (بررسی آثار یخچالی کواترنر و تأثیر آن در عدم شکل‌گیری مدنیت و سکونتگاه مهم شهری در دشت آسپاس)، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره دهم.
- انتظاری نجف‌آبادی، مژگان؛ یوسفی، فاطمه (۱۳۹۲): (ارزیابی تأثیر عوامل ژئومورفولوژی در توسعه شهرنشینی شهر سنندج، مجله برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا))، شماره چهارم.
- چمشید، جداری عیوضی (۱۳۹۶): ((کتاب ژئومورفولوژی ایران))، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- خیر آبادی، مسعود (۱۳۷۶): ((شهرهای ایران))، انتشارات نیکا، نشر نیکا، مشهد.
- رامشت، محمد حسین؛ عباسی، علیرضا؛ منتظری، مجید (۱۳۷۹): (تحول تاریخ طبیعی زاینده رود و شکل‌گیری مدنیت در حاشیه آنها)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره سی و ششم.

- رامشت، محمدحسین (۱۳۸۰): (دریاچه‌های دوران چهارم بستر تبلور مدنیت در ایران)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ششم.
- رجبی، معصومه؛ بیاتی خطیبی، مریم (۱۳۸۷): (بررسی لندفرم دره های یخچالی، مطالعه موردی: دره‌های یخچالی کوهستان سهند)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره شصت و چهارم.
- علیجانی، بهلول؛ کاویانی، محمد رضا (۱۳۹۱): (مبانی آب وهواشناسی)، انتشارات سمت، چاپ هفدهم.
- فلامکی، منصور (۱۳۸۵): (سیر شهر و شهروندی در ایران)، چاپ دوم، انتشارات فضا.
- ویل دورانت (۱۹۸۲): (تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام)، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تاریخ نشر فارسی: چاپ ششم، جلد یازدهم.
- یمانی، مجتبی (۱۳۸۶): (ژئومورفولوژی یخچال‌های زردکوه (بررسی اشکال ژئومورفولوژیک و حدود گسترش آنها))، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره پنجاه و نهم.

Augustinus, P., Fink, D., Fletcher, M. S., and Thomas, I., (2017), Re-assessment of the mid to late Quaternary glacial and environmental history of the Boco Plain, western Tasmania. *Quaternary Science Reviews*, No. 160, United Kingdom, pp. 31-44.

Ariai, A., Thibault, C., (1997), Nouvelles Proeovisions apropos de loutillage paleolithique anancien sur galets de khorassan (Iran) paleorient, No. 3 , PP 101-8.

Durant, W., (1982), *History of Civilization*, Ahmad Aram's Translation, Islamic Revolution Publications and Education, Persian Publication Date: Sixth Edition, No. 11, 850 PP.

Dahms, D., Egli, M., Fabel, D., Harbor, J., Brandová, D., de Castro Portes, R. and Christl, M. , (2018), Revised Quaternary glacial succession and post-LG recession, southern Wind River Range, Wyoming, USA, *Quaternary Science Reviews*, No. 192, United Kingdom, pp 167-184.

Julian, R.V., Martin Bethan, J., Davies. Varyl ,R., Thorndycraft., (2019), Quaternary warming in Patagonia reconstructed from sediment-landform associations, *Geomorphology*, Volume 337, PP 111-133

Hrton, B., (2004), Human responses to Holocene sea level change in the Persian Gulf By university of Pennsylvania and university of Durham.

Rajabi M., Bayati Khatibi, M., 2008, Glacial Valleys Land Survey, Case Study: Sahand Mountain Glaciers, *Geographical Research*, No. 64, pp. 121-105.

Ramesh, M.H., Abbasi, A.R., Montazeri, M., (2000), The evolution of the natural history of Zayandehrood and the formation of civilization on its periphery, *Geographical Research*, No. 36, pp. 25-15.

Ramsht, M.H., (2011), Fourth-period lakes in the bed of civilization crystallization in Iran, *Geographical Research Quarterly*, No. 6, pp. 93-110.

Vita – Finzi ,C., (1980), Surface finds from Iranian Makran. *Iran*18: PP 149-55.

Wright, H.E., (1963), Climatic Chanche and Plant Domesticationin The Zagros Mountains , *journal of Persian studies* , PP.145-148.



## **Analysis of the Degree of Development of Ardebil Using the Morris Method and Numerical Taxonomy**

**Irani Heris, Sayyad**, Graduated PhD, Geography and Urban Planning, Supreme National Defense University (Corresponding Author)  
s.irani83@yahoo.com

**Golinexhad, Esmaeil**, MSc, Department of Geography and Urban Planning, Tehran Branch, University of Science and Research, Tehran, Iran

**Najafi, Esmaeil**, Assistant Professor, Faculty of Earth Sciences, Department of Geomorphology, Damghan University, Damghan, Iran

### **Abstract**

Unequal spatial distribution of resources in almost all There are countries in the world, but the problem in developing countries acute form of development programs have problem and it has disrupted the overall development process. The research method is descriptive-analytical and based on library-survey resources and with a practical approach. Therefore, the study of the causes Influence of irrational distribution facilities to eliminate or at least reduce inequalities the zone is necessary and very important. The first step in this field and rank ordered into different regions in terms of a variety of health indicators, Economic, Infrastructure, Cultural and educational. Study with 59 indexes 4 the health sector, Economic, Infrastructure, Morris and Taxonomy of Educational and Cultural using the calibration method has been developed Ardebil. The results show that there is an imbalance of heterogeneity in the province So All Consolidated Index 2-level cities in Mauritius had half And Divided and deprived Ardebil Rating The first is devoted to Sarein the city was deprived of the taxonomy is a compilation of the 3 cities high level, Half have been disadvantaged in this way also won first place in Ardabil between cities are deprived of the Secretary of the city. This difference not only in the province but there is much difference of With other regions of the country The attention and targeted programs in order to develop a balanced and integrated based on the capabilities of Sectors.

**Keywords:** Degree of development, Ardebil province, By Morris, Taxonomic methods.

## **Investigating the Effects of Legal, and Scientific Indicators on the Division of Space in Promotion of the Province from the Point of View of People, Officials and Experts (Case Study of Kashan and its Surroundings)**

**Rahemi, Mohammad**, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

**Shamsoddini, Ali**, Department of Geography Marvdasht Branch, Islamic Azad University Marvdasht, Iran.

**Mahkouii, Hojat**, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

**Khademolhosseiny, Ahmad**, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author)  
a.khademolhoseiny@yahoo.com

### **Abstract**

Dynamics, change and evolution are the characteristics of the geographic space. In this context, one of the fundamental strategies for managing geographic space can be to divide space into smaller spaces. The topic of space division is presented in the form of a system of division of the state. In general, the main purpose of this process is to provide the foundation for geographical geography and environmental justice in geographic space. Hence, from the point of view of applied political geography, a balanced division of the country into the administrative and political divisions seems to be necessary. In our country, given the nature of the rule of law and the requirements of the natural and human environment, many of these divisions have undergone and changed. In the framework of the above approach, the purpose of this study is to investigate the effects of formal, legal and scientific components in promoting the city of Kashan and the surrounding area to the level of a province. The methodology of the study was based on the field method by designing and analyzing the questionnaire. In this regard, statistical analysis of the effective variables and their effect on the promotion of Kashan city was carried out in three populations of native people (384 people), officials (23 people) and political geography experts (17 people). The results of this study were analyzed using Duncan's analysis of variance and analysis. Among the people and officials and experts, the suggestion of the province of Kashan in terms of authorities is high and in the opinion of experts with a lower rating. Also in priority order, population variables, distance, accessibility, sphere of influence, population homogeneity in promoting the city of Kashan to the province are effective. On the other hand, the results of Duncan's test showed that the role of formal, legal and scientific components in promoting the city of Kashan in the residents of Aran and Bidgol is more than residents of Meymeh, Mahallat and Delijan. Among residents of Natanz, Ardestan and Kashan are more than villages and villages.

**Keywords:** political organization of space, national divisions, spatial equilibrium, sphere of influence, Kashan city.

## **Explaining Urban Tourism Development Strategies with Emphasis on Integrated Management (Case Study: Chabahar City)**

**Doorzadeh Mehr, Abdolbaset**, MSc. Department of Geography and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)  
doorzadeh@gmail.com

**Rahimi, Ali**, MSc. Department of Geography and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

**Shahbeiki, Maliheh**, MSc. Department of Executive Management, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

### **Abstract**

Existing inconsistencies between management organizations have caused confusion in city administrations and wasted material and intellectual capital in such a way that the decisions of organizations and municipal service agencies in some cases are in conflict with each other. Today, the lack of integrated urban management has imposed multiple costs on the body of the urban economy and has faced many challenges in urban management. Therefore, the purpose of this study is to identify and analyze the current tourism management of Chabahar and provide solutions for the integration of tourism management. The method of this research is descriptive-analytical. Documentary surveys, libraries and questionnaires have been used to collect the required information and data. Identifying strengths, weaknesses, opportunities and threats The SWOT analytical method has been used to determine strategies from the QSPM model. According to the results of the position evaluation matrix and strategic action, a defensive strategy for tourism management in Chabahar was selected. In order to solve the problems ahead and with the aim of achieving integrated tourism management in Chabahar city and improving the current situation of tourism management in Chabahar city, some suggestions are presented as follows. 1- Formation of "Coordination Council" by local institutions for coordination between organizations 2- Coordination of institutions involved in urban tourism management 3- Decentralization of the duties of institutions involved and in charge of tourism management towards centralism in the Coordination Council and ...

**Keywords:** Urban Management; Integrated Tourism Management; Chabahar; Strategy

## **A Survey of Potential Pattern and Geomorphological Limited in Urban Space Producted with G.I.S (Case Study: Semnan)**

**Zandmoghadam, Mohammadreza**, Assistant Professor, Department of Geography, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran (Corresponding Author)  
dr.zandmoghadam@gmail.com

### **Abstract**

Natural processes, especially geomorphology, play an important role in locating, planning and developing cities. In the past, so far, we have tried to find the best place for geo-morphological and environmental conditions for the development and physical development of cities. In this research, the applied geomorphology and its role in the physical development of Semnan city using Geographic Information System (GIS) and multi-criteria analytical hierarchical analysis (AHP) techniques have been investigated. For this purpose, effective criteria such as height, gradient, gradient direction, lithology and distance from fault are used. Each of the criteria was evaluated according to expert judgment and using Expertchoice software, weighting and importance of each of them was determined. Finally, using the fuzzy logic and geographic information system combination method, and according to the analytical comparison, the appropriate zones of the current situation of the city and the geomorphology of the region based on the critical points with the appropriate areas derived from the hierarchical analysis and the geographic information system Took The results of this research indicate that the role of geomorphologic factors in the location of Semnan is much more effective than other environmental factors.

Also, data analysis shows that the city of Semnan is exposed to various environmental factors. Several of these factors, such as literacy, are severely restricted and may in the future create inappropriate conditions for the occurrence of other environmental hazards. To this end, the extension of the city must follow the geomorphological processes.

**Keywords:** City, Urban Development, Urban Geomorphology, Semnan, GIS Software.

## **The Impact of Tourism Destinations Social Responsibilities on the Their Brand Equity from Domestic Tourists' Perspectives (Case Study:Tabriz City)**

**Bahari, Jafar**, Phd Student In Tourism Management, University of Science and Culture, Tehran, Iran  
(Corresponding Author)  
jafarbahari797@yahoo.com

**Bahari, Shahla**, Department of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran  
**Bahari, Hamed**, Department of Chemistry, Payame Noor University, Tehran, Iran

### **Abstract**

This study aims to the impact of tourism destinations social responsibilities on the their brand equity from domestic tourists' perspectives in tabriz city has been done in the summer of 2019. This research, in terms of purpose is functional and based on data collection, is descriptive survey. Also, It has been used structural equation modeling through the Smart Pls software to analyze data. The statistical population of this study includes domestic tourism who have traveled to Tabriz city in the summer of 2019. The data required for this research has gathered by questionnaire with Simple random sampling method through domestic tourism in the city of Tabriz. Since the size of the population is unknown, the Cochran formula was used to determine the sample size, which is 384. The provided results indicate that tourism destinations social responsibilities Tabriz city on the their brand equity and each of its dimensions has a significant and positive impact.

**Keywords:** Social Responsibilities, Brand Equity, Tourism Destination, Domestic Tourists, Tabriz.

## **Measuring Human Development and Housing Quality and Explaining Their Relationship Using Spatial Statistics Methods (Study Range: Provinces of the Country)**

**Mohammadi, Ghasem**, Masters Student, Geography and Urban Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran (Corresponding Author)  
ghm2787@yahoo.com

### **Abstract**

Human development was introduced in the 1990s after the failure of one-dimensional measurements based on per capita income. Human development is a multi-dimensional indicator, defined by the United Nations Development Program (UNDP) as a process of expanding human choices and increasing the standard of living prosperity. It measures human development in three dimensions: education, health and living standards. Relying on this approach, the provinces of the country were measured and ranked. The research method is descriptive-analytic and based on the purpose of the applied type. Housing indices are another variable that has been evaluated in this study in the provinces of the country. The maps of Mauritius, Topsis, Vicore, Copland and Distribution coefficient of the developmental status of the provinces were analyzed using spatial statistics methods. Spatial correlation of the indicators was shown on the map. The results indicate the concentration of development (human, housing) in the central regions of the country and the low areas corresponding to the peripheral and border regions of the country. In the index Tehran, Alborz and Yazd provinces are superior and the provinces of Sistan and Baluchestan, Kurdistan and North Khorasan have the lowest points in this index. In the housing indices, Tehran, Alborz and Qom are also the best and the provinces of Sistan and Baluchestan, Chaharmahal and Bakhtiari and South Khorasan have the lowest levels. Also, Pearson correlation test showed a 70% correlation between human development index and housing index.

**Keywords:** Human Development, Human Development Index, Housing, Development, Leveling

## **Evaluation of Market Participation in Improvement and Renovation of Worn Urban Textures ( Case Study: Central Worn-Out Fabric of Ahvaz City)**

**Hejazi, Seyed Jafar**, Assistant Professor, Department of Civil Engineering, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran  
hejazidr492@gmail.com

### **Abstract**

In recent years, the rapid growth of cities has caused many urban problems. These problems have affected all aspects of urbanization and may have disrupted urban life. One of the most significant problems in cities is the presence of worn-out textures, which is the source of many urban problems, including economic, social, physical, environmental, and security issues, all of which have created instability in cities. Cities are a product of a process that enhances the efficiency and mobility of development agents to meet the needs of human communities. This means that the physical and physical construction of cities has economic roots. Therefore, economic indicators play a decisive role in the modernization of urban decaying textures and increasing public participation. The purpose of the present study is to study the extent of market participation in the rehabilitation and renovation of the worn-out urban fabric of Ahvaz. The library documents and original references related to the subject under study were used to collect the theoretical background and theoretical foundations of the study. A survey questionnaire was used to measure the opinions and opinions of the research experts. After the opinion polls were edited, various opinions were categorized and analyzed. To analyze the research data is a VISUAL PROMETHEE model to determine neighborhood rankings based on market participation. The results show that among Ahwaz's central worn-out texture neighborhoods, the thirty-meter neighborhood with 0.69 ph + highest weight and the Ameri neighborhood with 0.24 ph + highest weight had the lowest priority for the effective criteria of Ahwaz central tissue marketers. Finally, suggestions were made to institutionalize the criteria.

**Keywords:** Ahwaz City, worn out texture, refurbishment, citizen participation.

## **Effects of Quaternary Glaciers on the Binalood Heights and Their Impact on the Development of Neyshabur Plain Civilization**

**Amir Ahmadi, Abolghasem**, Associate Professor of Geomorphology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

**Goli Mokhtari, Leili**, Assistant Professor of Geomorphology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

**Naemi Tebar, Mahnaz**, Graduate of Geomorphology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

(Corresponding Author)

mahnaznaemi70@gmail.com

### **Abstract**

In this study, morphological indices, climatic and climatic evidence were used to identify icebergs. The permanent snow line was determined by Wright method and showed that at present the average annual temperature is 0 degrees Celsius at 2543 m and there are 65 circuses in the area confirming that circuses are one of the sources of nutrition. They have been very rich in forming ice sheets in the region. Climatic evidence shows that not only was the Quaternary temperature about 13 degrees colder in the study area, but its precipitation was almost twice as high as the present. The city of Neysahabur is a plain surrounded by highlands on the one hand, and the presence of glaciers in the highlands of the region has not been affected by the recent expansion of Neyshabur banization in the region. Geomorphic effects such as permanent snowstorms, Thiel, Moren, glacier tours and circuses indicate that development and civilization in the study area were affected by glacier factors.

**Keywords:** Climate Change; Knowing Snow Line; Glacier Circus; Neyshubur.



## Table Of Content

- ✎ **Analysis of the Degree of Development of Ardebil Using the Morris Method and Numerical Taxonomy** .....7-20  
Irani Heris, Sayyad; Golinexhad, Esmaeil; Najafi, Esmaeil
- ✎ **Investigating the Effects of Legal, and Scientific Indicators on the Division of Space in Promotion of the Province from the Point of View of People, Officials and Experts (Case Study of Kashan and its Surroundings)** .....21-36  
Rahemi, Mohammad; Shamsoddini, Ali; Mahkouii, Hojat; Khademolhosseiny, Ahmad
- ✎ **Explaining Urban Tourism Development Strategies with Emphasis on Integrated Management (Case Study: Chabahar City)** .....37-52  
Doorzadeh Mehr, Abdolbaset; Rahimi, Ali; Shahbeiki, Maliheh
- ✎ **A Survey of Potential Pattern and Geomorphological Limited in Urban Space Produced with G.I.S (Case Study: Semnan)** .....53-68  
Zandmoghadam, Mohammadreza
- ✎ **The Impact of Tourism Destinations Social Responsibilities on the Their Brand Equity from Domestic Tourists' Perspectives (Case Study:Tabriz City)** .....69-88  
Bahari, Jafar; Bahari, Shahla; Bahari, Hamed
- ✎ **Development and Housing Quality and Explaining Their Relationship Using Spatial Statistics Methods (Study Range: Provinces of the Country)** .....89-104  
Mohammadi, Ghasem
- ✎ **Evaluation of Market Participation in Improvement and Renovation of Worn Urban Textures (Case Study: Central Worn-Out Fabric of Ahvaz City)** .....105-118  
Hejazi, Seyed Jafar
- ✎ **Effects of Quaternary Glaciers on the Binalood Heights and Their Impact on the Development of Neyshabur Plain Civilization** .....119-128  
Amir Ahmadi, Abolghasem; Goli Mokhtari, Leili; Naemi Tebar, Mahnaz

*In The Name of God the Merciful the Compassionate*

## **A Quarterly Journal of Geography and Environmental Studies**

**License Holder and Publisher:** Islamic Azad University, Najafabad Branch

**Director-in-chief:** A. Khadem al hossini, Associate Professor, Najafabad Branch, Islamic Azad University

**Editor-in-chief:** M. Momeni, Associate Professor, Najafabad Branch, Islamic Azad University

**Executive Manager:** A. Gandomkar, Associate Professor, Najafabad Branch, Islamic Azad University

---

### **Editorial Board:**

Dr. Nazmfar, Hossein

Professor, University of Mohaghegh Ardebili

Dr. Ramezani, Bahman

Professor, Rasht Branch, Islamic Azad University

Dr. Sarvar, Rahim

Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University

Dr. Varesi, Hamidreza

Professor, Isfahan University

Dr. Moosavi, Mirnajaf

Professor, Urmia University

Dr. Momeni, Mehdi

Associate Professor, Najafabad Branch, Islamic Azad University

Dr. Khadem-al-hosseini, Ahmad

Associate Professor, Najafabad Branch, Islamic Azad University

Dr. Gandomkar, Amir

Associate Professor, Najafabad Branch, Islamic Azad University

Dr. Mokhtari, Reza

Associate Professor, Isfahan Center, Payam Noor University

---

Najafabad Journal of Geography and Environmental Studies

Vol.9, No.33, Spring 2020

ISSN: 2008-7845

License No. issued by Islamic Azad University, **Deputy** Office of **Research** Affairs: 87/90712

License No. issued by Ministry of Culture and Islamic Guidance: 90/29008

---

**Publisher:** Islamic Azad University- Najafabad Branch

**English Editor:** O.Tabatabaei, Ph.D.

**Cover Designer:** A.Abasi, Ph.D.

**Executive Assistant:** Laili Rezaei

**Address:** Najafabad Journal of Geography & Environmental Studies, Islamic Azad University Najafabad Branch, Najafabad, Esfahan, Iran

**Tel:** +98-31-42292512

**Fax:** +98-31-42291110

**Email:** ges@iaun.ac.ir

**Website:** <http://ges.iaun.ac.ir>